

ژوندون

لارځي اسلامي

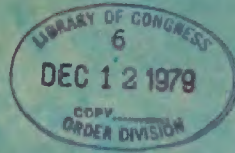
شنبه ۱۲ عقرب ۱۳۵۸
(۳) نوامبر ۱۹۷۹

سال سی و نهم

A-P
77-938031

شماره سی و سوم

قیمت یکشنبه ۱۳ افغانی



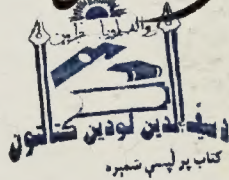
15521/0271yob



M. ASAD
1979 HOLBROOK

کارکنان مجید روزنودن عید سعید اضحی را به پیشگاه فرماندهان انقلاب شور رفیق حفیظ الله امین

منشی عمومی کمیته مرکزی د. خ. ا. رئیس شورای انقلاب ولومیر وزیر، خلق زحمتکش



ولرد و شجاع تبریک گفته، سعادت و بهر و زشانی خلا ستارند.

مختلف تصمیم اتخاذ و فیصله صادر کرد.

مديریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از طرف حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومیری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر عنوانی جلالتماب ساذلی بن جدید رئیس جمهوریت دموکراتیک خلق الجزایر به الجزیره مخابره گردیده است.

مديریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از طرف حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومیری وزیر تلگرام تبریکه به مناسبت پنجاه و ششمین سال تأسیس جمهوریت ترکیه عنوانی جلالتماب فخری کوروتک رئیس جمهور آن کشور به انقره مخابره شده است.

تأسی از هدایت حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومیری وزیر مبلغ پنجاه میلیون افغانی را لومیری وزارت به منظور اعمار منازل مسکونی برای قایلهای شهدای راه انقلاب از حساب مالی لومیری وزارت در اختیار ریاست کوپراتیف تهیه مسکن گذاشته شده است.

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومیری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان از ساعت سه و نیم الی پنج بعداز ظهر پنج غریب جلسه فوق العاده بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در خانه خلق دایر گردید و در باره تجلیل از انقلاب کبیر اکوبر مصوبه آتسی رابه تصویب رسانید:

مصوبه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مورخه شش غریب ۱۳۵۸ راجع به تجلیل شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالستی اکوبر: تاریخ هفت نوامبر سالجاری کشور های سوسیالستی جنبش های بین المللی کارگری و آزادی بخش ملی و تمام محافل مترقی جهان جشنی را برگزار می نمایند که بیعت نقطه عطف در سیر تکامل بشریت بشمار میرود



حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومیری وزیر هنگامیکه برای ادای نماز عید سعید اضحی به مسجد جامع خانه خلق تشریف می آورند.

اختصار وقایع مهم هفته

روز ۹ غریب مصادف با روز اول عید سعید اضحی بوده خلق زحمتکش مسلمان و متدین ماحلول ایام فرخنده عید و اباسرود و شادمانی زاید الوصفی استقبال نمودند.

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومیری وزیر اولی الامر جامعه اسلامی افغانستان نماز عید

تعیین وزارت عدلیه، اعضای شورای عالی قضا، رئیس جمعیت العلمای اسلامی افغانستان، والی کابل و کابل شادوال اشتراک داشتند.

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومیری وزیر، شورای وزیران روزشش غریب ۱ ز ساعت پنج بعداز ظهر تا ساعت هشت شب درخانه خلق جلسه نمود.

شورای وزیران ضمن غور و بحث روی پیشنهادات وزارت خانه ها در باره موضوعات

سعید اضحی را به ساعت ۹ صبح به امامت قاری محمدمر درمسجد جامع خانه خلق ادا نمود و برای سعادت و وفاه خلق و شگوفانی افغانستان عزیز دعا کردند.

در ادای نماز یا حفیظ الله امین اعضای بوروی سیاسی و کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اعضای شورای انقلابی و شورای وزیران، اعضای کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، جنرال ها و صاحبمنصبان ارشد قوای مسلح خلق، مامورین عالیرتبه، رئیس مقام عالی



حفيظ الله امين منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی ولوی و وزیر موقهیکه بیانیه شان را به مناسبت حلول عید سعید اضحیٰ ز طریق رادیو تلویزیون خلق افغانستان ایراد میکنند.

رفیق امین بعد از ادای نماز عید اضحیٰ برای سعادت خلق و شگوفانی میهن دعا کردند

متن بیانیۀ رئیس شورای انقلابی ولوی و وزیر موقهیکه

عید سعید اضحیٰ

بسم الله الرحمن الرحيم

هو وطنان عزیز و گرامی !

مسلمانان باشهامت و زحمتکش !

در کنار دریاهاى خروشان که از کوه هاى سر بلند کشیده باغیر سر چشمة می گردد و به چنان خروشانى و شور که صدای احسانات آزادی و وطن پرستی پدران و نیاکان باشهامت شمارا بخش می نماید و با خروشانى به جهیل ها و ایجار یکجا می گردد زندگى می گذرد بابه انداد هندوکش در دامنه هاى کوه ها و دره هاى سلسله کوه هاى سلیمان که در آن خون گلگون و قطرهستان دلاور کشور تاریخی ما افغانستان عزیز می درخشد نسیم فله هاى باغیر را احساس می نماید با اوج آب تلخ کنار بحر در گودر را ، خسار از محبت وطن بشمون هستيد يابلوچ ، تا چك هستيد ياعزازه ، ازبك عبيد يا بر كمن ، نورستانی هستيد يا مربوط بگرام قوم کشور بدرى تان از صميم قلب و با جذبات عالی به همه شما اين عید سعید را تبریک میگویم و به نمایندگی همه شما حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام مسئولین دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان

به مسلمانان زحمتکش کشور های همسایه افغانستان عزیز و تمام جهان به مناسبت عید اضحیٰ همچو تبریکات خویشرا تقدیم میدارم. هو وطنان مسلمان زحمتکش عزیز !

عید اضحیٰ که در تاریخ اسلام نمایانگر قربانی راه عشق و صداقت می باشد مطابق بتاریخ خلق باشهامت ما می درخشد زیرا میراث بر افتخار پدران و نیاکان ما از همه بهشتیان قربانی هاست که همه بهشتیها ، بلوچها ، تاجک ها ، هزاره ها ، ازبکها ، ترکمن ها ، نورستانی ها و اقوام افغانستان عزیز برای صیانت کشور عزیز آبابی و مشترک شان در راه استقلال و سر بلندی آن داده اند .

ازینجاست که عنقه و دشمنو هو وطنان عزیز ما این است که در عید دست های خود را سرخ می کنند ، قربانی می کنند تا خون گلگون بریزد ، دوشیزگان با جادر های گلگون دستان سرخ و باهای سرخ گاز می خورند و جوانان با واسکت های گلگون در حضیره هاى شهدا تحت بیرقهای گلگون سرخ به میله هاوانها می پردازند .

عید بزرگت هو وطنان ما آنست که آنهاو

صداهای دهل و دایره ها یکجا با خواندن ها و سرود های جوانان و دوشیزگان ، شهامت جوانمردی و قهرمانی پدران و نیاکان شیرصفت شان را بیاد می آورند که از هر طرف در قیر های تنگ ها ، درخششی شمشیر ها کف زدنها ، اوج زلفها و به آرزو در آوردن زمین بر آن افتخار می شود .

در تاریخ خلق باشهامت ما روز های عید روز های خوشی و افتخار است روز های که نشانه های قربانی و آبادی می باشد روزهای یگانگی و برادری خلق است و روزهای آزادی و احترام . پس ازینجاست که این روز های خلق باشهامت و زحمتکش ما روز های عید شان است زیرا که این عید روز های انقلاب است و در این روزها ستمگران ، بآداران سرداران ، مفتخوران ، فریبکار و تیسکه داران منافق عید وجود ندارند .

اکنون در افغانستان عزیز ما عید واقعی خلق مسلمان زحمتکش است شادمانی هاست و بیرق گلگون بر افتخار ما به اهتزاز است . بخاطر حفظ وطن ، صیانت انقلاب و حفظ منافع خلق ، افسران ، خورد ضابطان ، و سر بازان قهرمان دلاور ، باشهامت و با غیرت ما قربانی میدهند که امروز و فردا دشمنان انقلاب شکوهند نور را روی ماه می سازند . در جا فوای مسلح قهرمان ما بیرق های گلگون و به اهتزاز می آورند و برآداران بهشتون و بلوچ ، تاجک و هزاره ، ازبک ، ترکمن و

نورستانی با شهامت ما بیرقهای سرخ در دست از فوای مسلح قهرمان و با شهامت خویش پشتیبانی می نمایند جوش و خروش ، اتن و خوشی می کنند .

اینک تمام خلق زحمتکش ما وطن خویشرا آباد می کنند و ترکار خویش را خود می گیرند . پس می بینید که روزهای عید از

ین جهت پرافتخار است که روز آبادی و طن آنها نیز است این روز های مسلح از افتخار عید است که روز برادری و اتحاد زحمتکشان تمام ملیت های کشور عزیز ما است . ازینرو آنها دست بدست ، دوش بدوش با برادری و برابری کامل متحد و مانند یک مشت وطن خود را حفظ می کنند و کشور خود را آباد می سازند آنها باطمینان و اعتماد کامل می بینند که این وطن از آنهاست ، آنها بروطن می نازند و وطن بر آنها ، این روز های استقلال کامل و آزادی وسیع است و برای تمام زحمتکشان روز های کاملاً گرامی است . اینست که اکنون هرکسی در پراو سرخ مصوبت ، قانونیت و عدالت کامل زندگى می کند هر کس مطاعت و سرور می باشد و از اینرو این روز های عید سرخ پرافتخار است . اینست کارگران و دهقانان مبارز انقلابی ما صدا می کنند و به آواز بلند می گویند که ای افسران قهرمان ما ، خورد ضابطان دلیر و سر بازان باشهامت !

لطفا ورق بزنید

عید قربان یا نمودی از خود گذری در راه ایمان و عقیده

و داخلی بعد از آنکه منافع شانرا در کشورها از دست داده اند. مانند گذشته ها بار دیگر فرنگی مشربان را همراه بافرنگی های تریه شده به لباس اسلام و اسلامیت میساخته اند تا به تخریب افکار خلق ما بپردازند. قدسیت دین اسلام و ایمان قوی در راه اسلام تقاضا می نماید تا از نفوذ عناصر ضد دین و مذهب در آن جلوگیری شده و تمام دشمنان تاریخی اسلام و افغانستان به فرد فرد هبوطان ما افتد گردیده و در راه امحای شان از هیچگونه فداکاری دریغ نکرده

ذبح حیوانات و ریختن خون سرخ آنها همراه با خنای کف دست دوشیزگان افغان درایم عید همه و همه مایه افشخارات و جانبازی های قربانان نیاکان ما برای رسیدن به هدف است.

هدف گیتی تمام هبوطان در مرحله فعلی و شرایط پیکار برحق ما ایجاد چنان جامعه شکوفان در کشور ماست که تاریخ پنج هزار ساله ما هرگز چنین روزگاری نداشت. خلق مایه قرون عمادی و سالیان زیادی در برابر دشمنان گوناگون به مبارزه پرداختند. قربانی دادند و فداکاری نمودند ولی این روزگاران آن را در ایران در جاده پر خم و پیچ دیگری برای افتادند که تاریخ همیشگی بشریت را از همین راه و شیوه مشخص ساخته است.

خلق با ایمان و باغزم افغانستان در حالیکه خاطرات گذشته را با ریختن خون حیوانات خویش زنده ساختند خود در برابر دشمنان رنگارنگ انقلاب و همین بر افتخار خویش در سنگر های نبرد طبقاتی. بدشمنان پوروش می روند و سنگر به سنگر خصم خلق را به عقب زده و به پیروزی های نوین و نازده تری دست می یابند.

بگذار امپریالیسم بین المللی و ارتجاع جهانی با نطفه های شوم خویش تودمانه مداخله نمایند. خلقهای سراسر جهان واز جمله خلق افغانستان در کار و پیکار ضد امپریالیسم و ضد ارتجاعی خویش این نطفه ها را افساد و خنثی می نمایند. ما باور کامل داریم که نیرو های عقب گرا در تمام نقاط جهان و منطقه مایه شکست دایمی مواجه بوده و نیرو های ترقیخواه به مقیاس سرتا سری جهان گام های مثبتی در راه پیروزی میگذارند و کامیابگری حتی نصب همین نیرو هایمانند مادر حالیکه از جانبازی شهدای راه آزادی و حقیقت یابی گرانمایه می نمایم. از تمام هبوطان می طلبیم تا با آفرینش حساسه های نظیر نیاکان خویش راه را بسوی نبل به جامعه خواستی هموار سازند.

زنده باد خاطره تابناک قربانیان راه خلق. برافراشته باد درفش گلگون انقلاب نور

سیر تکامل تاریخ جهان مشحون از فدا کاری ها و جانبازی ها در راه عقیده. ایمان و ایدئولوژی بوده است که چنین کاری از همه ساخته نبوده و نیست فقط آثانی می توانند فدا کاری نمایند که ایدئولوژی را به تمام خصوصیات آن هضم کرده و به آن عادت کامل پیدا کرده باشند.

بردن فرزند و جگر گوشه خویش را در قربانگاه بخاطر یک عقیده راسخ در دستهای سوزان عرب و سینه سپر ساختن ویتنامی فرمان در برابر تشنگاران تجاوزگر توداری از فدا کاری انسان در راه عقیده وی است. آن یکی با ایمان راسخ فرزند خویش وایه قربانگاه برده و این دیگری با ایمان خصل تا بذری به نوده ها باره نمود های هوچیمن فرمان در جنگل های ویتنام میا رزات چریکی را پیش برده است. چنین جانبازی ها در سراسر جهان و کران تا کران گیتی صورت گرفته است.

قهرمانان زیادی در راه خلق و ایمان قوی به عقیده خودشان خود را فدا کرده اند. خلق کانگو هرگز فداکاری های پاریس گو مومبا را از یاد نبرده و توده های میلیونی چیلی و اموش نخواهند کرد که سلوادور آلنده فقید تنها آخرین رمق حیات در صف ارتقا ایستاد و از تحولات و دگرگونی های انقلابی در کشور خویش دفاع نمود. سپاه بوستان امریکا هیچگاه مبارزات بر حق مانین لور کینگ را برای رهایی سیاهان بباد فراوانی نمیگذرد و به همین ترتیب خلقهای سراسر جهان یسار این مبارزین راه بشریت و رهروان دیگر راه رهایی توده ها را از ستم و بیداد مستکبران گرامی خواهند داشت و از قربانی های آنها می آموزند و خواهند آموخت.

مسلمانان تمام جهان و خلق مسلمان کشور ما نیز خاطره تابناک قربانی یکی از پیشوایان خویش زائر راقع عقیده و ایمان عقیقت گرامی داشته و با الهام از آن در برابر دشمنان خلق و دولت خود به قربانی آماده می شوند خلق ما باید بدانند که آنداکاری در همان عصر

لازمه شرایط زمانی آنوقت بود که ما با ذبح حیوانات یادی از آن می کنیم. ولی گرامی تر ازین یاد آن خواهد بود که در برابر دشمنان خلق و همین خویش به فداکاری و جانبازی حاضر شویم. نباید از خاطر برد که استعمار انگلیس به ناسامانی هایی به ما بجا گذاشت. آنها چگونه جا سوسان خویش را در عبا و قبای پیشوایان مذهبی به کشور ما فرستادند و سالها در مسجد آذان گفتند و مسلمانان ما را نماز دادند اما بالاخره افساد شد که آنها از پدر و مادر انگلیس بوده اند.

استعمار گران و استثمار گران خارجی

دشمنان فریب خورده باشند با خیر سازند که در افغانستان فضای مملو از امنیت و افتخار بوجود آمده است در اینجا خوشحالی و سعادت است. عجله کنید! در آبادی وطن خود به افتخار و اعتماد سهم بگیری که ازین افتخار محروم نگردید.

در این خوشحالی با برادران و خوشنودان خود یکجا شوید فرد های ما این تپویش است که شما برهنه نباشید در گرمسنگی به سر نبرید چشم نان بطرف دست های سپاه دیگران نباشد در هوای سرد به تکلیف

زندگی نکنید. بایمید در وطن انقلابی شان افغانستان عزیز خوشی و خوشحالی است و بصورت قطع چیزی نیست که شما را رنج دهد و آزرده سازد و با تکلیفی برایتان ایجاد نماید. وطن از شما و شما از وطن هستید. هر چیز شما تعلق دارد عید اسامال در افغانستان عزیز ماصیغه و کیفیت خاصی دارد زیرا قبل از عید پلان پنجاله جمهری دوی دوکرانیک

افغانستان و سیاست اقتصادی ده ساله حزب دموکراتیک خلق افغانستان از طرف پلینو کمیته مرکزی حزب و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به اتفاق آراء و در فرامی

از شغف و سرور به تصویب رسید. هر روز زندانیهای مشهور خرد و بزرگ مانند مجیس دهیونگ دوران خاندان شانوار نادر، داود می شکند و بسته می شود. زندانیان رهامی گردند و به خلق ما مطمئن کامل حاصل

می شود در برقرار شعار مصونیت، قانونیت و عدالت کار تدوین قانون اساسی به صورت جدی جریان دارد که در آن نظارت و خوراک های هزاران هبوطان ما انعکاس می یابد. بعد از ایام خجسته این عید بزرگ سازمان ملی دفاع از انقلاب نور به اشعار نمایندگان همه افتخار خلق زحمتکش افغانستان ملی به دل بزرگی کشایش می یابد. اتحادیه نویسندگان تاسیس می شود، کنفرانس عالی سازمان خلقی جوانان دار می گردد و چرا که عظیم ایجاد به های کارگری کشور فرا خوانده می شود و با این همه افتخارات بر افتخار به منظور انکشاف تولید در کشور عزیز ما افغانستان گام های بزرگی برداشته میشود که اسباب خرسندی هر هبوطان مبارز ما را فراهم می کند.

از اینجاست که افغانستان عزیز قاصب آسیا چنان در حرکت است که دلری ده زحمتکشان مبارز تمام آسیا به افتخار آن می لید.

در اخیر شصت و هشت هزار و دویست و دو کشور تاریخی ما در جوار هر دریا با کنار گوهر بحر قرار دارند. در دست هستید یا دریغ و خم دره ها و کوه های بدمشان. در قلل کوه های هندوکش هستید یا در کوه های بابا سلیمان. سپین غر یا در اراضی هموار بسر مجرید در سنگر همسید بسا در کنت زار ها و فاریکه هر کجایی که هستید باقلب بر از محبت و احساسات گرم در عالم خیال همه شما را در آغوش می گیرم و روای همه شما را می بوسم و به همه شما زندگی آبرومند تمنا دارم.

با احترام

ما شما افتخار می کنیم تاریخ مایه شما افتخار می نماید. مادر روشنی شمعین شجاعت و شهنیامت شما افتخار آبادی وطن را کمایی می کنیم.

پس ای برادران قهرمان، عدد نان مبارک! دوشیزگان انقلابی ما در نعره ها و صدا های شان می گویند که جادر های سرخ

مانشانه های غربت، قهرمانی و دلوری قوای مسلح جوان قهرمان و بانها مت مامی باشند. پس اینک ما بادامت های سرخ و لباس های گلگون به عدای بلند می گوییم که ای

قهرمانان دلیر در سنگر های وطن، عید نان مبارک عایشین داریم که زحمتکشان با شهنیامت کشور های تجاوزگران و مداخله گران نیز بر شما افتخار می کنند بر شما صدا می کنند که ای شیران سنگر هر کسبکه بر سر

استعداد و استعداد باشد بر شما افتخار دارد. دشمنان می گریند و سر افکنده اند. اینک همه مروتون صخره ها و تپه ها، دشت و دبی کشور بریان فال و حال می گویند کسه ای کارگران و دهقانان زحمتکش با شهنیامت وطن افغان همه بر شما افتخار داریم که با هم

مجدد هستید و وطن خود را آباد می سازید. این تنها آبادی افغانستان نیست، این پیروزی انقلاب نور است. این پیروزی مرحله دیگر انقلاب کارگران است مژده سرور زحمتکشان منطقه و جهان است.

اینک افغانستان عزیز چنان آباد و شگرفان می شود که زود خواهد بود بر فراز آن برقی گلگون چنان جامعه به اهتزاز درآید که آنجا اسمشمار فرد توسط فرد نباشد، مفهوم فقر و شقا نخواهد بود ظلم و ستم وجود نخواهد داشت هر کس اقتدر کار خواهد کرد کسه قدرت آنرا دارد و مطابق کارش مزد خواهد گرفت. پروگرام سریع آبادی افغانستان عزیز مطابق به زحمتین پلان پنجاله جمهری دموکراتیک افغانستان به پیش میرود اینست که تمام ملیت های زحمتکش کشور عزیز ما با علاقه عمیق در آبادی کشور مشترک

بدران و نیاکان شجاع خویش مصروف اند. از نیرو اگر در کشور تاریخی ما امواج آبهای خت و شفاف دریا های بر افتخار د و هوای گرم بلند می شود و باد و هوای سرد. به بحر میریزد یا در جبهیل. به آبادی کشور

عزیز خود مصروف می گردد به قوای مسلح خلق مایه بال و بان قهرمانان دلیر و بانها شهنیامت و عاشق و وطن می نازد که با زمزمه افتخار آیمز و بانها شهنیامت شان در سنگر های خود رنگ سرخ انقلاب ما را سرختر ساخته اند و افتخارات انقلاب و وطن خود را با نثار خون سرخ خود حفظ نموده اند و یکجا با خسرت افتخار آیمز قهرمان دلیر سید داود تون که

با قربانی خود در نجات انقلاب غلر آفرین تود نقش مهم بازی کرد و به دست دشمنان انقلاب نور شهید گردید هر روز انقلاب ما به عید سرخی میل نموده است. در این روز های آکنده از امواج انقلابی از تمام مادران، خواهران، برادران بزرگان و خردان و طن عزیز تقاضا دارم که هر چه

زودتر آن عده از هبوطان ما را که به تعریک



«اکنون در افغانستان عزیز ما عید واقعی خلق مسلمان زحمتکش است شادمانی هاست و بیرق تلگون پرافتخار مایه اعتزاز است»
«از بیانیه رفیق حفیظ الله امین که بمناسبت عید سعید اضحی از طریق رادیو تلویزیون خلق افغانستان ایراد فرمودند»

شنبه ۱۲ عقرب ۱۳۵۸ ، ۳ نومبر ۱۹۷۹

عید زحمتکشان



رفیق امین بعد از ادای نماز عید اضحی برای سعادت خلق وشگوفانی میهن دعا کردند .

قانون اساسی ماتضمن کننده تمام آزادی های دموکراتیک خواهد بود .

عید قربان یا نمودی از خود گذری و راه ایمان وعقیده .

خلق، نیروی پرتوان جامعه .

تضاد های عمده کنونی و مساله مبرم جنگ و صلح در جهان .

سه مرحله استثمار .

صنعت شیشه سازی وناریخ چارهزار ساله آن .

هلال عید از پس پنجره .

هدی عمده دیناوت .

قاعده و استثنا (جوالی) .

دکامتری طبیبی بین المللی انقلابی نهفت .

شرح پستی اول: دلچسپی خلق مارا به سواد آموزی نشان میدهد .

شرح پستی چادرم: نمای از بالا حصار شهر تاریخی هرات .

«اینک تمام خلق زحمتکش مایه خوشتر آباد می کنند و تهرکار خویش را خود میگیرند پس می بینید که روز های عید ازین جهت

پرافتخار است که روز آبادی وطن آنجا نیز است، این روزهای مملو از افتخارات عید است

که روز برادری واتحاد زحمتکشان تمام ملت های کشور عزیز ماست .»

از همینجاست که میتوان گفت همانطوریکه خلق مادست بدست هم داده وبا کار وپیکار انقلابی در راه آبادی وشگوفانی وطن شان و اعمار جامعه بدون تناقضات دلیرانه و مجذانه به پیش میروند وهر قلعه وقلع و قلع کردن دشمنان شجاعانه می رزمند ، طنپلی ها وستمگران را دیگر توان آن نیست تا همه امتیازات جامعه را موروثی خود بدانند وهر انحصار داشته باشند.

اتحاد وهمسنگی خلق ما وقرار داشتن شان در سنگر دفاع از انقلاب همه گویای این حقیقت است که خلق ما بر سر نوشت خود حاکم اند، قربانی فراه دفاع از انقلاب ومیهن را از سنن وافتخارات دیرین شان دانسته واز عید شان در فرصتی تجلیل ویزرگداشت می نمایند که دنیای پیداد مری ونابرابری را خاتمه بخشیده وستمگران را بگور نا بودی فرستاده اند .

پس این عیدرنجبران است، عید کارگران ودهقانان است وعید کسانی است که پدران ونیاکان شان در راه ایمان وعقیده و عشق به میهن قربانی ها داده اند وکشورشان را در قطار ملل جهان آزاد و سر بلند نگذاشته اند .

جاودان باد عید واقعی زحمتکشان .

فرخنده ومبارک باد آزادی کارگران و دهقانان .

سرتنگون باد تیکه داران منافق و غاصبان آزادی انسان در سراسر جهان .

ارمان آنرا با خود بگورمی برد آیا عیدی هم داشت ؟ بحکم واقعیت میتوان گفت که نه هرگز نه !

ولی آنچه که این همه نابرابری ها وبی - مبالاتی ها را بر بطل کوبید ودر پی ریشه کن کردن آنهمه بدبختی هاوسیه روزی های خلق زحمتکش برآمد، انقلاب زندگی بخش ثور

بادست آورد های ارزشمند وانسانی است زیرا این انقلاب ثور است که دنیای پیداد و ستمگری را از بیخ وبن نابود کرد وبرویرانه های آن بنای عدالت، برادری وبرابری رااساس گذاشت . دیگر دهقان غلام فیودال و کارگر اسیر سرمایدار نیست بدینمفهوم که بعد ازین نه سود خواری وجوددارد تا حاصل رنج دهقان راجپاول کند ونه استثمارگریکه خون کارگر را زیب وزینت جاه وچالاش سازد .

خلق ما دیگر آزاد وآباداند وبخاطر عید واقعی که دارند بخودمی بالند . باید گفت که تاپیش از انقلاب ثور زحمتکشان ما از عیدبحیث یک رسم وستت تجلیل بعمل می آوردند واز امتیازات آن بهره یی نداشتند ، زیرا هرچه بود از ستمگران وچپاولگران بود وآنها بودند که باخون خلق محافل عیاشی راگرم نگیمیداشتند ولی اکنون چنان نیست، سرنوشت خلق بدست خلق است وهمه چیز در خدمت خلق زحمتکش مقرر دارد .

امروز خلق زحمتکش ما با سرفرازی تمام در آبادی وشگوفانی میهن عزیز شان میکوشند چنانچه رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومدی وزیر در بیانیه ارزشمند شان بمناسبت عید سعید اضحی از طریق رادیو تلویزیون خلق افغانستان فرمودند :

گذشته های المناک وپرتالرخلق ستمکشیده مانمایانگر این واقعیت است که دولت های ستمبد ووابسته به انجاء ، امپریا لیزم

و خان سالاری یحیی نه تنها در فکر رفاه وآسایش خلق ما نبودند بلکه عمداً تلاش داشتند تا به سیه روزی خلق وعیاشی و تن پروری خود ووابستگان شان بفرمایند که این امر حتی سرور ایام فرخنده وافتخار آمیز خلق مارانیز خدشه دار ساخته وشادمانی را از آنها روده بود . بناء اگر عیاد بود و یا

چنین روزهای شادی آفرین دیگر محض با محافل عیاشی وباده گساری در باربان وآستان بوسان شان رنگ وروق میگرفت وآنجکه که درچنین روز ها بازهم نصیب زحمتکشان مسا میکردید همانا خدمات شاقه وطلاقت فرسای بود که باید برای ارضای خاطر صاحبان زرو زو: انجام می شد .

دهقانیکه در روز های مقدس عید ویا چنین ایام فرخنده وافتخار آمیز، در بزمنها و محافل خوشگذرانی بادار مصروف عرقریزی ویادست به سینه آماده اشاره سر بادار می بود تا خوبتر به او لیکه گفته وناسزا نشنودویازن دهقانیکه در تشویش ونگرانی آن به سرمی برد تا در امور طبخ غذا های لذیذ بادار میاداغلتی از آن سرزند وسبب ملال خاطر مهمانان عالیندر ارباب که از یک گریبان سرمیکشیدند بشود، شب رابه بیخوابی سپری میکرد ویا کارگریکه بخاطر بدست آوردن لقمه ای دینورو «بیر» چنین روز های فرخنده را از بام تا شام پشت ماشین میگذراند تا براندوختهی مفتخواری می افزود ویا طفلی یتیمی که باسروپای برهنه بادیدن دستان رنگین ولیاسهای پر زرق وبرق نورچشمی ها ونازپروردگان استثمارگران،

تکلیف

تضادهای عمده کنونی و مساله مبرم جنگ و صلح در جهان

مشخصه دوران کنونی جهان را تشدید وحدت یکپار تاریخی نیروهای بالنده و انقلابی و نیروهای میرنده و ارتجاعی تعیین می نماید. و جامعه شناسان مترقی عصر کنونی را، عصر زوال امپریالیزم و گذار از جامعه پوشالی سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی دانسته و تمام تحولات و تغییرات را در پرتو همین دید علمی می بینند و از این رو که در روشنی فوق علمی برجسته می گردد.

مقدمه فشرده فوق بخودی خود نمی تواند تمام مسائل مربوط به جامعه انسانی بخصوص عصر کنونی را توضیح نماید بناء باید مختصراً در باره آرایش نیروهای اجتماعی و بخصوص تضاد های که در مقابل هم قرار گرفته و آینده جهان را بشارت می دهد به توضیح و تشریح گرفت.

پس باید با نظر انقلابی و علمی در پرتو ایدئالوژی دوران ساز طبقه کارگر، دیو وضع و موقف نیروهای اجتماعی را با فهم تضادهای اجتماعی و طبقاتی روشن ساخت.

واقعیت های عصر و نیروهای اجتماعی که دوروی هم قرار گرفته و گرم یکپار و جدل اند می رسند که در جهان کنونی سه رشته تضاد اصلی گرم تأثیر است.

اول تضاد بین کار و سرمایه که خود بدو شکل بروز می کند. بشکل تضاد، بین کشور های سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی و نیز بشکل تضاد بین جنبه های انقلابی کارگری کشورهای سرمایه داری و بورژوازی این کشور ها.

دوم تضاد بین کشورهای امپریالیستی و جنبه های رهایی بخش و ضد امپریالیستی جهان سوم، که آن نیز درین دوران اشکال مشخص و گوناگونی را بخود گرفته است. سوم - تضاد بین خود کشورهای و انحصار های امپریالیستی.

در میان تضاد های که بر شمرده ایم به نیاز آغاز کلام درین مقال تضاد عمده، تضاد کار و سرمایه است که به ویژه بصورت تضاد میان سوسیالیزم جهانی و امپریالیزم جهانی بروز می کند.

دانشمندان و علمای سوسیالوژی مترقی معتقد اند که تضاد ها در میان خود تأثیر متقابل دیالکتیکی دارند و بشارت دهندگان فرداهای سعادت مند جامعه علما روابط و تأثیرات متقابل تضاد های عمده عصر کنونی را مطالعه نموده حکم می نمایند و واقعیات نیز به اثبات

رسانیده است که درین روند، رهایی کاراز سرمایه و رهایی خلق مستمدیده از بندهای استثمار و وابستگی و فرو ریختن سیستم استثمارگرانه امپریالیستی چهره مشخص جهان کنونی را ترسیم می نماید چنانچه حوادث و رویدادهای زنده جهان احکام و نظریات فوق را تأیید کرده است.

بتر خواهد بود در اینجا برای روشنی هر چه بیشتر در باره زوال امپریالیزم و در باره تضاد های اردوگاه امپریالیستی و در گیری های علاج ناپذیران تذکراتی ارائه گردد.

تاریخ می رساند که امپریالیزم مدنیهست دچار یک بحران عمومی است که سرا پای جامعه و نظام سرمایه داری را در بر گرفته که هم در عرصه سیاست بروز نموده و هم در امور سیاسی بحران واهی را با ز نسوده است.

بحران عمومی نظام سرمایه داری از جنگ اول جهانی شروع شده که یکی از نتایج مهم آن انقلاب کبیر اکتوبر ایجاد اولین دولت سوسیالیستی در جهان می باشد و وصله کاری ها شکاف ها، دیگر گدشته است دوران زلزله های بزرگ فرا رسیده است.

خلاصه اینکه امپریالیزم که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر ضربت در هم شکی بر تسلط جهانی آن وارد ساخت و سپس در نتیجه پیروزی های تاریخی سوسیالیزم توسط جنبه های کارگری انقلاب های آزادی بخش ملی انجلا سیستم جهانی استثمار و استثمارمندی ازین رسته مواضع خود را یکی پس از دیگری از دست داده و میدهد ولی با آنهم نمیخواهد بحکم قاطع تاریخ گردن نهد و بعل خود از صحنه تاریخ بدر رود.

امپریالیزم هر چند یکبار به تلاش می آید تا شاید بتواند تسلط خود را هرجامست است استوار سازد و هر جا از دست رفته است احیا کند.

در نتیجه همین تلاش هاست که امپریالیزم کانون های تشنج را گرم نموده و بر آتش آن نفت می ریزد و واقعیات زنده روزگار و بخصوص فعالیت گرم شبکه های جاسوسی تخریبی امپریالیستی نشان میدهد امپریالیزم دست و پاچه شده ولی از میان نرفته و باید علیه آن علما و علما مبارزه نمود.

برای اینکه درین مبارزه کامیاب و سرفراز برآمد باید حوادث را بصورت عینی تحلیل نموده و با فاعل تضاد های زنده و دیالکتیکی

برخورد هارا از پایی نمود و سمت گیری سیاسی دقیق تمام سر نشینان کتبی جنبه انقلابی را روشن ساخت.

به ارتباط مطالبی که گفته آمد عمده ترین مساله وضع کنونی را مساله جنگ و صلح تشکیل میدهد که باید در باره مختصراً اشاره نمود و بیشتر توجه را روا داشت.

از دیر زمانی است که مساله جنگ و صلح خاد ترین و اساسی ترین مساله دوران ما شناخته شده است. این مساله قیسل از دومین جنگ جهانی نیز اهمیت جهانی داشت چنانچه ویر انقلاب کبیر اکتوبر میگفت: جنگ جهانی با چنین کیفیتی علاوه بر آنکه بزرگترین آتشیاری است ممکن کارا به «نابودی شرایط موجودیت جامعه بشری بکشد».

همچنان وی ضمن پیش بینی عواقب مهیب جنگ جهانی آینده می گوید: «زمانی که خواهد رسید که جنگ آتیچنان مخرب خواهد گشت که اقدام به آن بکلی غیر ممکن خواهد شد».

سخنان فوق را رهبر زحمتکشان جهان در سال ۱۹۱۸ گفته است از آن زمان تاکنون بیش از نیم قرن می گذرد از آن زمان تاکنون علم و تکنیک و وسوسازات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است پیدایش سلاح های مخوف اتمی، هایدروجنی، هسته ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صد ها هزار ها بار شدیدتر کرده است.

چون جنگ و صلح نیز دو قطب مخالف و برضد یکدیگر قرار داشته و اهمیت شایانی در زندگی بشریت دارد بناء بحث در زمینه هرگز بیجا و بی مورد نمی نماید و اندرین موضوع حیاتی نیز مختصراً پرداخته می آید. نیازی به اثبات ندارد که ز حمتکشان هرگز جنگ را یگانه وسیله رسیدن به اهداف و آوای انسانی خویش ندانسته و با اینکه دروند یکبار های طبقاتی جنگ ها و مبارزاتی طبقاتی به اشکال و شیوه های متغی زمانی رد نمی کند درگیری جنگ جهانی را هرگز نمی پذیرد، برضد جنگ افروزان، بین المللی قاطعانه به نبرد می پردازد.

مرحله دوم با جنگ دوم جهانی آغاز یافته که منجر به شکست اقتضاح آمیز ارتجاعی ترین پدیده امپریالیزم یعنی فاشیسم انجامیده و از میان ویرانه ها و شعله های جنگ دوم جهان اردوگاه عظیم سوسیالیستی بمیان آمد.

مرحله سوم این بحران در سالهای پنجاه قرن جاری بدون درگیری جنگ جهانی آغاز گردید و در گوشه های مختلفه جهان بخصوص در کشورهای آسیایی و افریقای و امریکای لاتین فرو ریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی و پیدایش یک سلسله کشورهای نو استقلال شروع گردید و کماتکان با شد همه جانبه و نیرومندی هرچه بیشتر ادامه می یابد.

در نتیجه فرو ریختن سیستم مستعمراتی امپریالیزم بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای آزاد شده تنهابه استقلال سیاسی خویش بسنده نکرده و در جهت استقلال سیاسی گام های نیرومندی هم در راه آزادی اقتصادی گذاشته اند که خوانا خواه امپریالیزم برای دوام زندگی و یکیدن خون توده های از بند رسته با چهره دیگر در زیر نام کمک های

اقتصادی تلاش نموده که مختصراً در باره باید پرداخت و تکنیک های استعماری شان بر ملا ساخت.

در زیر شعار تبلیغاتی و دروغ با فسی امپریالیستی در کشورهای جهان سوم و در تمام گیتی ایدئالوک های امپریالیستی از یک خطر موهوم و توپایی دم زده و راه تضامی کردن اقتصاد رانه تنها پیشنهاد نموده اند بلکه به ارتباط سنت و تجربه و بخصوص اجیر نمودن زعامداران مرتجع و وابسته به شبکه های جاسوسی و تخریبی، بودجه های سرسام آور برای تبلیغات را تحمیل نموده و سایه شرم و خامت را در هر گوشه و کنار با نیرونگ های امپریالیستی گسترده نموده و انحصارات غول پیکر اسلحه سازی از راه دیگر و شیوه دیگر حرص سیری ناپذیر شانرا تیار دادند و در فضای تیره و تاری که بنام جنگ جهانی منطقی و خطر هجوم موهوم بمیان آوردند مارکیت های فروش اسلحه و مهمات جنگی را افتتاح و بازار ش را در پردرآمد ساختند.

چنانچه ایجاد پیمان های تجاوز کارانه و دامن زدن جنگهای منطقی در سر لوحه کار امپریالیزم بعد از جنگ جهانی دوم قرار داشته و چه چنانیاتی که زیر همین نظر خائنه در آسیا، افریقا و امریکای لاتین صورت گرفت و تنها خلق قهرمان و پشام بیش از سی سال علیه امپریالیزم جنگید که با فرجا م جنگ و پشام در کشورهای تجاوزگر امپریالیستی در فابریکات اسلحه سازی بیکاری وج گرفت.

شیوه دیگر استعمار تو استفاده از دستاورد های علمی و فنی و زرق و برق خیره کننده مدرنیزم و انواع و اقسام فراورده های انحرافی جهان سرمایه دار ست که به اصطلاح «انفجار مصرف» و رواج و فروش کالا های جاسوسی کالاهای سکس، هیروئین و دیگر انحرافات پابه جامعه گذاشته و چه تباهی هایی که بمیان آورده است.

همچنان امپریالیزم بعد از جنگ دوم جهانی کوشید تا پیوند های اقتصادی را با جهان سوم از نو گر بزند و تمام جعلکاران و ماهران ماهر خویش را بکار انداخت تاچنان سوم را در حیطه اقتصادی خویش نگه دارد ولی شایه و نیرونگ بازی های رنگارنگ امپریالیزم جای را نگرفت چنانچه امروز توفان عظیمی سرایای جهان سوم را فرا گرفته و روز بروز نفوذ و دامن امپریالیزم برجسته میشود. روز نامه فرانسوی «اکو» که سخن گوی نزدیک و زبان جامعه بورژوازی است

می گوید: «دوران ماستمالی ها» درین میان سوالی مطرح می شود که بروایت تاریخ بعد از اولین جنگ جهانی نخستین انقلاب کارگری به پیروزی رسید و اولین دولت سوسیالیستی بمیان آمد و همچنان بعد از جنگ دوم جهان اردوگاه و سیستم سوسیالیستی با به عرصه وجود گذاشت که عمده کابوهای امپریالیزم و به تنوع خلق سراسر گیتی انجامید و به این ترتیب گام های جدی در راه آزادی و سعادت بشر برداشته شد پس آیا تحریم و ضدیت با جنگ جهانی درست است و یا چطور؟

بقیه در صفحه ۹۱

انقلابیون و مترقیون پیوسته در این کوشش اند تا در کشور قهرمان و حماسه آفرین ما جامعه‌ی نوین (یعنی واقعی کلمه نوین) ایجاد نمایند برای برآورده شدن این هدف تعالیم کلاسیکهای ایند یالوری دوران ساز عصر ما بحیث سر مشق قرار دارد. ایجاد جامعه‌ی نوین مبری از استعمار و استعمار، مبری از فقر مادی و معنوی، مبری از طبقات منافی، بهره‌ور از استقلال سیاسی و اقتصادی و مبتنی بر دموکراسی سیاسی و اقتصادی، کارساز و چند صیاحی نیست. این کار بزرگ و عظیم و عالی و محب و بفرخنده و ساده نسو خانه خواهد بود اگر کسی تصور کند که احکام مندرج در کتاب‌ها و یا تقلید تجارب دیگران برای حل این مسئله کافی است.

آنگاه که در دست و جامع از نو ری، مطالبه‌ی همه جانبه و دقیق تجارب دیگران شرایط ضرورت داشتن دید درست در امر ایجاد جامعه‌ی نوین بدون اشتغال فرد از فرد در کشور باستانی ماضی ضروری است ولی باید دانست که ایند و شرط از شرایط لازم و ضرورت است و لایسی کافی و بسنده نیست. با این دو شرط لازم باید دو شرط دیگر را افزود، یکی شناخت علمی تاریخ کشور و بزرگ جنبشهای اجتماعی و فرهنگ کامروائی و نا کامی آنها و با زهم بخصوص اثر شناخت علمی جنبشهای قرن اخیر در افغانستان و جمع بست تجارب این جنبش؟

تو دیگر اینکه باید جامعه معا صر را درست شناخت و ارزیابی صحیح کرد. تبحر به نشان دادن است که محیط عقب مانده و بطور عمده خورده یوز و والسی کشور ما بطرز تشکر و عمل ذهنی، اندوید و الیستی فوق العاده میدان می‌دهد، و باید دوسمده زودن همه جانبه‌ی آن برآمد.

جامعه‌ی که امروز ما عورت تغییر آن به شهیدی وطن پرستان و انقلابیون افغانستان گذاشته شده. جامعه‌ی است سخت عقب مانده و دارای تار و پود خرافاتی و انکشاف نیافته. بر خورد تحول طلبانه با این جامعه مستلزم حزم و تسامح فراوان است چه طبقات حاکمه‌ی ستمگر و سلطنت قو دالی و دست نشانده نه تنها در عدد تکامل و انکشاف آن نبودند بلکه بر جهات خرافاتی و عقب ماندگی آن ناکید و فشار وارد می‌کردند و هر چه بیشتر در عدد تعقیب مانده‌ی و تحمیل خلقهای ساکن این جامعه بودند.

اینک انقلاب کارگری و مترقی در این کشور پیروز شده است و خلق دوسمده تحول و انکشاف انقلابی خود و کشور خود بر آمده است. به ارتباط موضوع در اینجا به بررسی مسئله‌ی تحول و بنای نوینی که آهنگ اجرای آنرا دولت جمهوری دموکراتیک و حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کرده است می‌پردازیم.

باید بیا داشت که رو بنای خود نیز در لکامل اجتماع نقش بزرگی دارد و پس شماره ۳۳

از آنکه بر اساس زیر بنای اقتصادی معنی پذیرد آمد بر زیر بنا تا تیر عقاب می‌گذارد. و اما رو بنا چیست؟

رو بنا عبارت است از نظریات سیاسی، حقوقی، فلسفی، اخلاقی، هنری و معنوی جامعه و نهادها و موسسات و سازمانهای مربوط به آنها.

بعد از پیروزی انقلاب نور و بعد از تحول زیر بنایی ناشی از تطبیق اصلاحات دموکراتیک ارضی، اینک حزب و دولت خلقی در صد تحول رو بنای منطقی بن بر آمده است و در صد آمدت نا با ایجاد محیط دموکراتیک راه تحول جامعه راه پیش بکشا بد. یعنی تسوید، تدوین و انفاذ قانون اساسی جدید برای بنیان آمدن حیات قانونی و دموکراتیک برای خلق افغانستان.

برای اینکه همه اقتدار و طبقات جامعه‌ی ما درین تعیین سر نشوشت میا سسی سهم شوند کمسیون نی برای اینکار تعویض شده است که نمایندگان همه خلقها در آن اشتراک ورزیده‌اند. نمایندگان کارگران، دهقانان، اردو ی خلقی، روشنفکران مترقی و... چنانچه حفاظت الله امین مشی عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای

است. و هکذا بادر نظر داشت دا یو - کشف های طرح شده از جانب ایشان و همچنان بادر نظر داشت ماهیت انقلاب خلقی و دولت خلقی مطالبی چند را به شکل موجز تذکر می‌دهیم:

روحه‌ی قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید در قدم اول این خواست خلق را که با همه وجود (جان و مال) از نعمت ارضی کشور دفاع کرده و می‌کند. - بروشنی و وضوح کامل انعکاس دهد.

اصل انکار ناپذیر بر تکرر همه قوای دولتی بدست خلق باید در روای همه مطالب قرار داشته باشد، چه این خلق است که تاریخ را می‌سازد.

حاکمیت خلق و خدمت گذاری، در راه خلق مطالبی مهمی است که مراعات آن از طرف طراحان قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ضروری می‌باشد.

انعکاس این روحیه که شعورهای خلقی مهم ترین اصل پیاده کردن اعمال و خواستهای خلق در عمل می‌باشد باید در قانون در نظر گرفته شود.

بیمان آمدن قوه‌ی قضائیه و افغان خلقی و دموکراتیک.

تأمین آزادیهای وسیع دموکراتیک

خلق، نیروی پر توان جامعه

انقلابی و لوفی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان در بیانیه‌ی افتتاحیه‌ی شان درین مسود چنین گفته اند: «از همین جا است که کمسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان نمایندگان تمام طبقات و اقشار مربوط به زحمت کشان کشور ما از قبیل کارگران، دهقانان، روشنفکران مترقی، علمای دینی و مذهبی، جوانان، معلمان و استادان، سرما داران ملی و تجار ملی، ملیت‌های مختلف کشور و امثال آنرا در بر دارد تا بصورت جمعی منافع عام نیروها و عنا صر مربوط به زحمتکشان افغانستان را بخوبی منعکس سازند... حال این سوال پیش می‌آید که این قانون اساسی که در تاریخ کشور ما اولین قانون واقعا دموکراتیک خواهد بود چه روش و مطالبی را باید محتوا کند و محور اصلی محتوای آن کدام بر لاسب باشد؟

ما در اینجا به تاسی ازین فرموده‌ی حنیف الله امین که همه شعورشان را بر ای ابراز نظر در جنگی متن قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان دعوت نموده

برای همه خلق.

این یک حقیقت مسلم است که کشور ما مرکب از اقوام و ملیت‌های مختلف و متعدد تشکیل گردیده است که این خلقها دارای کلتورهای غنی و متنوع بوده است. البته همه اقوام و ملیت‌های کشور در طول تاریخ افغانستان عزیز را مشر کاد فاع و آباد ساخته‌اند. لذا بایسد قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان بصورت جدی و پیگیر از وحدت ملی واز این بردن کامل سهم ملی اعم از تفریق طلبی قومی، تفریق قبیله‌ی منطوقی، و ناملات معلی که نفاق ملی را بارها بارود دفاع و پشتیبانی را وظیفه‌ی همه خلق و همه از گانه‌ای دولت بداند.

تعیین سر نشوشت خلقهای قهرمان پشتون و بلوچ که یکی از خواستهای تاریخی خلق افغانستان است در قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید گامی بردارد.

باید جای خاص خود را داشته باشد. در مساحه‌ی مساحت خا رچی با اد اعضای طرح تضمین قانون اساسی واقعا دموکراتیک کشور یعنی قانون اساسی

جمهوری دموکراتیک افغانستان مرا تبه آتی را در نظر داشته باشند.

- تعقیب سیاست آزاد و مستقل، فعال و صلح جو یا نه و تأکید و تقویه نهضت علم اندلک و دانش سهم فعال و انقلابی در آن دفاع همه جانبه و پیگیر از صلح جهانی دینا نت و همزیستی مسا ملت آهیز.

- استقرار روابط دوستانه با تمام کشورهای صلح دوست جهان و در قدم اول کشور شوراها (اتحاد شوروی سو سیه ایستی یونان محافل و کشورها نیکه اغراض سیاسی، اقتصادی و معنای صد استعماری نداشته باشند؟

- تقویه‌ی مناسبات با جریانهای انقلابی و مترقی جهان.

مجاهده در راه خلع سلاح عام و تان و برقراری مناسبات سالم بین المللی که مدافع صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و ضد امپریالیسم می‌باشند و هم چنان تأکید و پشتیبانی آن مسلسل و کشورها نیکه در آسمان افرا یقا وایر یکایی لاین در راه رسیدن به استقلال کامل سیاسی و اقتصادی مبارزه می‌کنند.

مجا دله علیه جنگ‌های غیر عادلانه و تسبیح دهنه پندی ها و اتحاد به های تجاوز گر نظامی.

- تسبیح آن کشورها نیکه در امور داخلی سایر کشورها برخلاف اراده خلقهای این کشورها مداخله، توطئه و دست درازی می‌کنند.

- تأکید سازمان جهانی یون و طرفداری از همه اقدامات برای خلع سلاح عام و تان و افزایش ما جرای و جنگ طلبی همه‌ی محافل ماجراجو و جنگ طلب.

- مبارزه علیه کلونیالیسم و نیوکلونیالیسم و آزادی بخش ملی و مترقی در جهان دفاع از اصل حق کار برای همه افراد مستعد بکار در کشور؟ و این موضوع.

- تقویه‌ی معارف خلقی و عمومی سا ختن هر چه زود تر سواد و...

البته باید تذکر بدیم که همه مطالب فوق در بیانیه‌ی علمی و همه جانبه‌ی حنیف الله امین مشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوفی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان شکل عالمانه و همه جانبه انعکاس یافته است. چنانچه در بیانیه‌ی افتتاحیه‌ی شان بنامیت انکشاف کار دموکراتیک خلق افغانستان

اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان گفته اند که: «قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید به احسان تمام انبی متکی نبوده محتوای کارلاریا لستیک و علمی داشته باشد» و «قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید واقع منافع خلق زحمت کش افغانستان را منعکس سازد...»

و اما قیودی که قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وضع می‌کند باید کدامها باشد؟ قانون اساسی ما همد بطوریکه رفیق حنیف الله امین هم گفته اند صفحه ۷



نمای ازقالین های بافته شده درین دستگاه

مور، یابترین و خوبترین قالین افغانی

* *

* برای جلوگیری از کشف قالین چه باید کرد ؟
* چرا بعضی قالین ها بعد از مدتی کیفیت و رنگ خود را می بازند ؟

تاچایکه اسناد مو یا اسناد سنگ گویخ مارا یاری میکند در سرزمین کهنسال ماقش قالی های ابریشمین و غیر ابریشمین در همه جای چشم میخورد .
در باور داشتن این اعتا آثار مورخان بزرگ خارجی از استرابو و آریان گرفته تا هیوان تسنگ و آنایکه همین دیروز ها از سرزمین ما گذشته اند، دست کمک و یاری میدهند .
آری قالین ... این فرش منقش و زیبای که فرش راه ستمگران بزرگ مثل جنگیز ها و شاهان همتید بود با دست های نحیف زنان و مردان ستمگش کشور ما بافته و تولید می شد و میشود .
زن ادواب هرگز به چنین کار دشواری تن در نمیداد ... قالین بافی سر انگشتان را می سازاند، قد را در جوانی کپ می سازد و گرد شمش بیماری سل بارمغان می آورد .
در تقسیم اجتماعی کار مثل همه جا این کار سخت باز هم نصیب خلق زحمتکش ما بود . در حالیکه شکوه و عظمت محصول این کار دشواری زیبایی بخش محافل گناه آورد آذینخواران طبقاتی جهان بوده است .
کاروان ابریشم این متاع باشکوه کشور ما را بدو ترین سرزمین های تاریخ باستان برد یوانها مشهور گردانید

صفحه ۸

ج- در بافتن قالین، بیش از هر چیز دیگر به چشم خوب واعلی نیاز داریم سابق این ششم مورد ضرورت را از دستگاه های شخصی بدست می آوردیم، که از لحاظ نوعیت و چندیت قابل اطمینان نبود . ولسی بعد از انقلاب ثور، دولت خلقی ما متوجه این مشکل قالین بافتن کشور خویش شده و برای رفع این مشکل به فابریکه پشمینه بافی قنددار هدایت داد تا ششم مورد ضرورت قالین بافتن افغانی را تهیه و بدسترس ایشان بگذارد ... همانست که امروز ما بهترین ششم را بهیئت نازل ازین فابریکه بدست می آریم .
س- دستمزدیکه به کارگران این دستگاه پرداخته می شود بچه ترتیب است ؟

ج- برای نو آموزانیکه تازه به بافتن قالین شروع میکنند ... ماهانه جیب خرچی از یکصد سوتیجا تا سه صد افغانی پرداخته می شود . ولی برای کارگران فنی و تجربه کار خویش سه نوع اجوره به حساب مترانه قرار دیل میپردازیم :

۱- اجوره برای قالین در چه اول - فی متر مربع دوازده هزار و پنجاه افغانی .

۲- اجوره برای قالین درجه دوم- فی متر مربع هشت هزار افغانی .

۳- اجوره برای قالین درجه سوم، فی متر مربع شش هزار افغانی .

ناگفته نباید گذاشت که این دستمزد ها بعد از انقلاب ثور تعیین گردیده است . چه قیلا دستمزد کارگران قالین با ف بسیار کمتر از این بود .

س- خوب محمد عوض باد غیسی، قسمیکه ما از قالین های شما دیدن بعمل آوردیم درحاشیه هرقالین شما کلمه «کابل» به چشم میخورد، علت این کار چیست ؟

ج- این اسم را مابخاطری در حاشیه هر قالین می بافیم که در گذشته در اکثر بازار های جهان قالین افغانی بنام کشور های دیگر بفروش میرسد ، بناء ما تجویز گرفتیم تا دیگر اشتباهی دراین مورد رخ ندهد و همان است که در ختم هر حاشیه قالین اسم «کابل» را می بافیم .

س- درین دستگاه طور تخمینی روزانه چند متر قالین بافته خواهد شد ؟

و مصروف آموختن صنعت قالین بافی میشوند .
س- بعقیده شما ، برای آموختن صنعت قالین چقدر وقت لازم است ؟
ج- بجواب شما باید گفته شود کهسه آموختن صنعت قالین بسته به شوق و ابتکار بیک شاگرد است ما در ین دستگاه شاگردانی داریم که به مدت دو ماه توانسته اند یکقالین باف خوب و ماهر شوند و خود بحث استاد در بافتن قالین سهم بگیرند، ولی هستند کسانی هم که حتی در مدت ششماه هم نتوانسته اند که از عهده بافتن یک قالین بدون رهنمایی استاد بدرشوند .
س- به مواد خامیکه برای بافتن قالین نیاز دارید ، از کجا و بجه طریق بدست می آورید ؟



در بافتن قالین ، بیش از هر چیز دیگر به چشم خوب واعلی نیاز داریم

ج- رنگ مصنوعی یعنی رنگهای خارجی و کیمیای است که بعضی از قالین بافان کشور ما توسط این رنگهای کیمیای پشم قالیسین را رنگ مینمایند که البته رنگ نمودن پشم توسط این رنگهای خارجی کار نیست سبیل و آسمان، ولی رنگ آن به اصطلاح خام بوده و به آسانی تغییر رنگ میدهد. ولی رنگ طبیعی و نگیست که از نباتات تهیه میشود و این رنگ به اصطلاح ما مردم قالین باف رنگ پخته بوده و هرگز و لو بعد از گذشت صد ها سال هم تغییر رنگ نمیدهد.

س - نباتاتیکه برای رنگ نمودن پشم قالیسین از آن استفاده مینمایند چه نام دارند ؟

ج- یکی از این نباتات دانه «رز شک» است، رز شک مثل کشمش بوده و رنگ سرخ از آن بدست می آید.

دیگری بنام «اوردنگ» یاد می شود به اوردنگ هم بزرگی شود و هم تقسیم به وحشی در نالک باغهای انگور میروید. از این نبات رنگهای سرخ، قهوه ای و شیرجایی بدست می آید.

سوم «اسپرکده» است. از این نبات رنگهای طلایی و زرد ساخته می شود.

چهارم به «آسپق اوتی» است که رنگ تپه و سبز از آن ساخته میشود.

و پنجم پوست جاعلر است که بهترین و بهترین رنگهای شتری و قهوه ای از آن ساخته می شود.

س- محترم بادغیسی، بدست اگر طریق رنگ نمودن را برای خوانندگان محترم بگویند ؟

ج- حاصل نمودن رنگ به ها کار نیست مشکل، مثلا اول بدست آوردن این به های رنگی مشکلات فراوان دارد. مرحله دوم، این به ها خشک میگردانند ... و بعد از آن در دیگ های بزرگی که شما از آنها دیدن کردید برای ساعتها با آب جوشانده می شوند. و بعد پشم را در آن انداخته و در چهل دقیقه دیگر آنرا میجوشانند آنگاه مرحله شستشو و خشک نمودن پشم فرامیرسد. و بالاخره پشم آماده.

محترم معتمد عوض بادغیسی از توضیحات شما تشکر ... محترمه بیستم بادغیسی هم که اینجا تشریف دارند ... اکنون چند سوالی از ایشان می نمایم.

س- محترمه بیستم بادغیسی نقش شما درین دستگاه قالین بافی مورچه میباشد.

ج- درین دستگاه بیستم معلم اینای وظیفه می نمایم و هم امور سرپرستی او آموزشگاه درین جا می آید عهده دارم.

س - چند سال می شود که شما مصروف بافیدن قالین هستید ؟

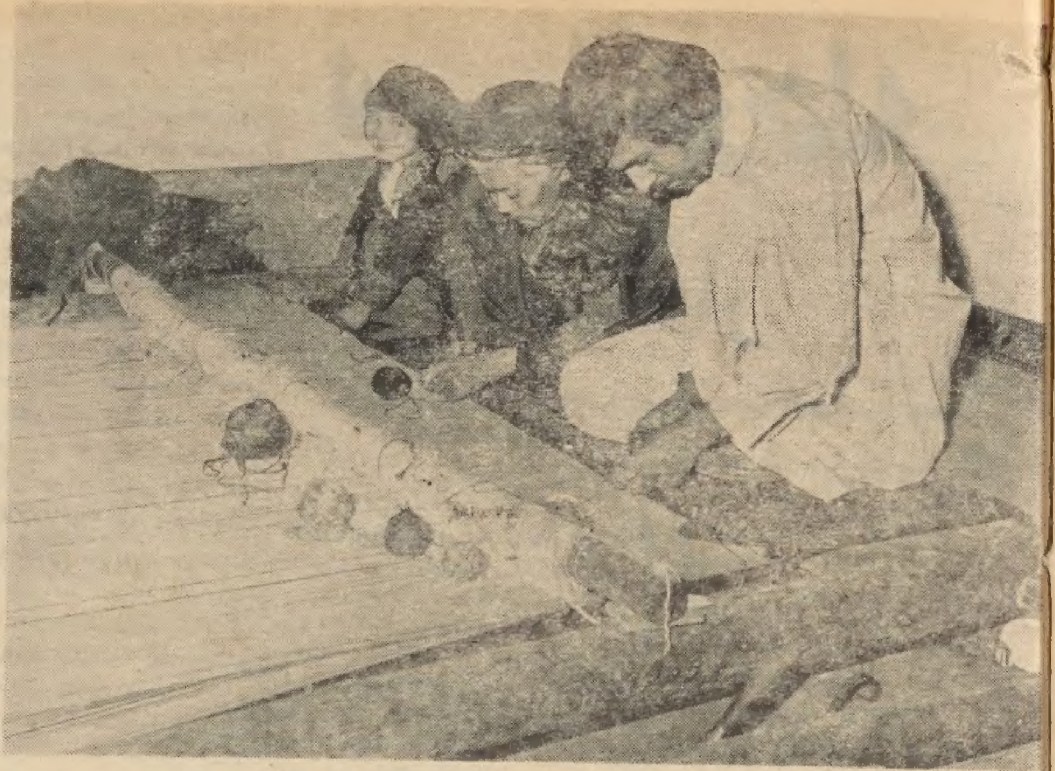
ج- در حدود بیست و سی سال.

س- محترمه بیستم بادغیسی، چند طفل دارید ؟

ج- هفت اولاد داریم ...

س- شما کسبه از صبح الی شام درین دستگاه مصروف کار هستید، آیا این مصروفیت شما مانع رسیدگی در امور منزل نمی شود ؟

ج- چه عرض کنم ؟ بگزن و مخصوصا بقمه در صفحه ۵۷



هر قالین باف بزحمت میتواند، روزانه زیاد تر از یک پنج قالین بیابد

ج- اگر مجموع کار تمام کارگران را در یک روز جمع کنیم قالین بافته شده درین دستگاه در حدود یک متر میباشد، زیرا هر قالیسین باف بزحمت میتواند روزانه زیاد تر از یک پنج قالین بیابد ...

س- چرا شما فقط قالین مورچه میبافید ؟

ج- برای آنکه قالین مورچه بهترین و خوبترین نوع قالین افغانی است ازینرو ما تلاش میکنیم که اعلی ترین و بهترین جنسیت قالین را تولید نمایم.

س - بعضا بشما می رسد که یک قالین بعد از مدتی تغییر شکل میدهد یعنی بیه اصطلاح کش پیدا میکند و یا اینکه دورنگه می شود، علت آن چه میباشد ؟

ج- اینکه بعضی قالین ها کش پیدا میکنند بخاطر است که یود و تانسته قالیسین ازیشم اعلی نمی باشد. یک قالیسین خوب باید پسود تانسته آن یا ابریشمی و یا اینکه از پشم بهاری باشد ... نه پشم تیرماهی، چه پشم بهاری در موسم بهار چندین بار شسته و ترشیده است، ولی پشم تیرماهی که آب ندیده است بمجرد آنکه نم و رطوبت باورسد فوراً کش ایجاد مینماید. به جواب قسمت دوم سوال شما باید گفته شود که اگر قالیسین پس از مدتی تغییر رنگ میدهد یعنی دورنگه می شود بخاطر است که در رنگ نمودن پشم آن از رنگ های مصنوعی استفاده شده است. نه از رنگ طبیعی.

س- منظور شما از رنگ مصنوعی و رنگ طبیعی چیست ؟



قالین های موری افغانی دوسراسر جهان از نظر جنسیت و بافت شهرت بسزایی دارد

سه مرحله

استثمار

بنای در جامعه کمون اولیه تولید اضافی نبود
لذا فرق بین غریب و ثروتمند نبود.

از نگاه جامعه همه مردم یکسان بود
یا همه مردم غریب بود. این جامعه
مساوات که اساس کمبود نعمت مادی
را در برداشت در تاریخ بشر بنام جامعه
کمون اولیه یاد میشود.

بعد از گذشت هزار ها سال، انسان
اهلی ساختن حیوانات، ساختن طوری
گلی و بعدا زراعت را آموخت. در نتیجه
زندگی انسان کمی اما اثر گر داشت
و این امر موجب عبادت شد که تا اندازه ای
تولید بیشتر بکند، که با آمدن توابع
فی استثمار فرد از فرد شروع شد.

از اینجا فهمیده میشود که چطور تاریخ
زندگی انسان تحول میکند. بعد از جامعه
کمون اولیه او به پیغم به جامعه بردگسی

پیوسته است. جامعه سرما به داری و بعدا
به جامعه سرما لستی ترقی میکند جامعه
کمون اولیه به جامعه بردگسی تبدیل
شد. در حالیکه غلام ها توسط غلام دار ها
استثمار میشدند. آنها مانند حیوانات
و دیگر ابزار زراعتی مال با دار بودند
عینا مثل اینکه مالک حیوان را بشوین
برسانند یا بکشند، غلام را مالک نیز
می توانست که بکشد یا بفروشد برساند
مگر این عملکرد بداند که اگر غلام
کشته شود زندگی استثمار شود؟ چون غلام
ها مانند حیوانات کار گرفته می شدند.
احتیاجات او لیه زندگی شان تهیه
میکردید. پس ای غلام ها زمین
وسایل زراعت و مواد زراعی تهیه می شد
مگر تمام تولیدات که با زحمت و عرق
بازی زیاد برده ها بدست می آمد همه
حق مالک بود.

این حالت در عصر قدیم، یونان، روم
و بعضی مناطق دیگر جهان در تاریخ
غلامی جریان داشت.
استثمار در دوره غلامی بسیار شرمناک

چرا از بهره کشی (استثمار) سخن زده میشود
از لحاظ اینکه در جوامع غنی و فقیر وجود
دارد.

آیا این معنی استثمار را دارد؟ اگر
مردم غریب با توان و فکر مساوی خود
را برای بدست آوردن اجوره و معاش
یا برای تولید نعمات مادی بکار ببرند.
هیچگاه سرمایه دار سرمایه و زمین خود
را برای سود و منفعت بکار نمی اندازد تمام
این فعالیت ها استثمار است برای اینکه
این سوال را جواب بدهیم باید اولتر بدانیم
که استثمار چیست؟ اگر سرمایه لای
یک شخص فشار آورده شود که از قیمت
حقیقی یک شیء چند زیاد بهر دارد
فغان و ناله را بالا میکشد. استثمار یعنی
چیزی که سرمایه کمی عمیقتر جامعه را
عطا کند تا بدانیم که در جامعه استثمار
انسان توسط انسان جریان دارد؟

ایش از اینکه استثمار را در جامعه
عطا کند. تا بد نظر اندازیم که

در کدام ادوار تاریخ استثمار موجود بود
تمام علما تا این نظر موافق خواهند بود
که انسانها در مراحل ابتدائی مخلوق
بی دفاع و تحت تأثیر طبیعت بودند و یگانه
وسيله برای راه انسان اولیه بکار می برد افسار
سنگی و دیگر وسایل سنگی بود. انسان
نهایت اولیه توسط وسایل دست داشته
خود نمی توانستند به تشاهی خود
شکار و میوه درختان را جمع کنند.
توسط این آلات ابتدائی انسانهای
اولیه قدرت انرا نداشته اند که حتی یک
آهوی خور را شکار کنند پس ای اینکه
از شکار دیگر حیوانات در امان باشند
بصورت دسته جمعی حیوانات را شکار
و میوه درختان را جمع میکردند که
بعدا در این خود ها بصورت مساوی و
تقسیم میکردند و وسایل شکار مال
شخصی کسی نه بلکه مال جمعیت
می شد.
انسانهای اولیه که قادر به شکار
وسایل انحصاری بودند، نمی توانستند که در
آن مرحله بکار بمانند شب و روز کار
میکردند تا احتیاجات اولیه خود را بدست
آورند. یعنی تولید اضافی نبود. از اینکه
تولید اضافی نبود استثمار هم وجود
نداشت.

تقلیل عمومی سلاحها و قوای مسلح و استعمال
این منابع ذخیره شده جهت احیای اقتصاد
جوانی که در نتیجه جنگ متضرر گردیده بود.
تعمیم نمود. جمهوری شوروی طبق همین
پیشنهاد عمل کرد: در سال ۱۹۲۳ تعداد عسکر
ارتش سرخ از پنج میلیون و سه هزار
به شصت و یک هزار نفر تقلیل داده شد. این
امر دوات جوان شوروی را به انتقال قابل
ملاحظه منابع نادی و قوای بشری به
نیاز مادی عای ملکی قادر نمود.

بعد از جنگ جهانی دوم اتحاد شوروی
پیشنهاد عای جدیدی که هدف آن کاهش
بودجه های نظامی بود را به نموده در آن سال ها
چنین معلوم می شد که وحشت و ترس ناشی
از جنگ جهانی دوم مدت مدیدی در خاطر
انسان ها جا زین خواهد بود. و تجربه مبارزه
مشترک علیه فاشیسم حفظ روابط همسایگی نیک
بین کشورهای دارای رژیم های مخدذ
اجتماعی را ممکن خواهد گردانید. اما این
امیدها به واقعیت نیویستند. رهبران امپریال
کلیست جنگ سرد را آغاز نمودند. در آن
روز ها اروپا در باره احتمال وقوع یک جنگ

ترجمه: خان محمد گوارا

از مجله: سیونیک
نویسنده: بایکوف

مسابقه تسلیحاتی از زمان لوئی دوازدهم تا به ناتو

از یک دیگو پرستی به عمل نیاورند. آنها
باید تامل می نمودند که چه وقت چنین جنگی
ظهور خواهد کرد.
دفتر خارجه بریتانیا اخیرا بشمول با لیه
چرچیل اسناد سی ساله ای را افشاء نموده
است که در آن به نقاضای بریتانیا و ایالات
متحده در مورد اینکه اتحاد شوروی برلن و
سخت سرخی آلمان را ترک گوید و در غیر آن
به تخریب آهنگی شهر های خود مواجه خواهد
گردید تاکید ورزیده بود.
واضحا در همان سال ها بود که، با برانند
اختن غوغای بی بندوبار درباره تهدید کمونیسم
ناتو در منطقه اروپا داخل گردید. پیمان
اتلانتیک شمالی که توسط وزرای خارجه دوازده
کشور غربی به تاریخ جاپیل ۱۹۴۹ در
گردید هدف اولی خود را عقب زدن و در نتیجه
روشن کن ساختن سوسیالیسم اعلام داشت.

در همان ماهی که پیمان اتلانتیک شمالی عقد
گردید اولین کانگره جهانی صلح برگزار گردید.
پیش از دو هزار هیات نمایندگان از عتقاد
دو کشور تاکید ورزیدند که مساعی برای صلح
بقیه در صفحه ۴۲

یک قوماندان متقاعد بحری امریکایی
معایبه نموده است که دو هزار سال قبل
کشتن یک فرد دشمن برای ذولسوس سزار
هفتاد و پنج سنت خرج بر می داشت. برای
نایلیون چنین کاری سه هزار دالر تمام می شد.
ایالات متحده برای عین هدف (کشتن یک
نفر دشمن) در جنگ جهانی اول بیست و یک
هزار دالر و در جنگ جهانی دوم دویصد هزار
دالر مصرف نمود.

امروز، مسابقه تسلیحاتی جهانی سا لانه
مبلغ چارصد بلیون دالر (مجموعا به اندازه
تولید ناخالص ملی تمام کشور های امریکای
لاتین و دو چند عواید ناخالص ملی کشورهای
افریقایی) را می بلعد. علاوه بر آن مصارف
نظامی در حال افزایش است. با حفظ اندازه
موجود افزایش، مصارف روی اعداد نظامی
به قولی سایش دانان، در سال ۲۰۰۰ به رقم
افسانوی هشت صد و بیست بلیون دالر خواهد
رسید. و این وقتی است که در جهان اهر سه
نفر یک نفر آن فاقد کمک طبیی، از هر پنج
نفر یک نفر آن بی سواد و از هفت یک نفر آن
جیزی برای خوردن نخواهد داشت.

بیست و پنج سال قبل، زمانیکه جهان یک
سوم پولی را که امروز برای اهداف نظامی
مصرف می نماید، مصرف می نمود، دیواست آیز
نیا و در رئیس جمهور آن وقت ایالات متحده
اظهاری نمود «هر تفنگی که ساخته میشود،
هر گشتی ایگه به آب انداخته میشود، هر را
کشی که بر تپاب میگردد، در نهایت امر بیک
زندی از آنهایی می باشد که احساس سرما
می نمایند و لباس ندارند». مسابقه تسلیحاتی
خصوصا برای اقتصاد ضعیف کشورهای روبه
انکشاف زبان بار است. اگر چه برای آنده
از کشورهای که به سوسیالیسم گرایش دارند
که میتوانند هم مسکه و هم تفنگ داشته باشند
بزرگسایکی نیست. افزایش کسها و بیکاری،
کسرات بودجه، انفلاسیون و کاهش ارزش
پولی تماما محصول مستقیم مصارف زیاد
نظامی می باشد.

دوات شوروی از آغاز موجودیت خود از
صلح و خلع سلاح طرفداری نموده است. در
کنفرانس جنوا در سال ۱۹۲۲، کنفرانس که
برای اولین بار هیات نمایندگی شوروی
استراک کرده بود، مسکو پیشنهادی را جهت

آورد. زیرا که يك شخص به مال و وسیله تولید شخص دیگری بکار برده می شد.

با پیشرفت افزار آلات تولید و تولید اضافی جا به جا می شود. اولیه را گرفت.

با سرعت و ترقی افزار تولید جا به جا می شود. به جامعه فئودالی تبدیل گردید. البته این تحولات به اشکال مختلف در جوامع مختلف بوجود آمد. مخصوصاً در آسیا فئودالیسم از نوع خاصیت و ماهیت با فئودالیسم اروپا فرق فاحشی داشت. استثمار جامعه فئودالی با تمام مشخصات آن ذیلاً شرح میگردد:

در جامعه برده گری - برده و برده دار. در جامعه فئودالی سرف فئودال وجود داشتند. مگر طوریکه در جامعه بردگی برده مال برده دار بود. در جامعه فئودالی سرف مال فئودال بود. آنها بصورت اشکار و در با زار خرید و فروش نمی شدند. آنها مربوط به زمین بودند و بدون اجازه صاحب زمین در جای دیگر رفته نمی توانستند. اگر زمین دار زمین خود را می فروخت یا کسی میداد، سرف نیز همراهی زمین

به شخص دیگر انتقال میکرد، سرف غلام زمین نامیده میشد.

چنان معمول بود که سرف برای زمین دار بدون دریافت اجوره کار میکرد. چیزیکه تولید میکرد تماماً از زمین دار بود و حتی يك قسمت کمی از تولید هم با و کاهه نمی شد. در جامعه غلامی برده دار مسئول تهیه مواد اولیه زندگی برده بود. مگر در جامعه فئودالی زمین دار این مسئولیت را مقابل سرف نداشت. حالا يك سوال پیدا میشود که سرف ها

چطور زندگی میکردند؟ آنها زندگی میکردند زیرا که يك زمین کو چک برای هر سرف از طرف فئودال داده میشد. چند روزمعی نالای زمین فئودال و چند روز معین بالای قطعه کو چک زمین خود کار میکردند که با این ترتیب زندگی بخور و نمیر خود را دوام میدادند.

اگر در جامعه سرمایه داری نظر اندازیم چه می بینیم؟ استثمار است مگر نه مثل استثمار جامعه بردگی و فئودالی. در اینجا جامعه به یکطرف سرمایه دارها، صاحبان فابریک، معدن، بانک و غیره که همه چیز را در اختیار دارند و بدیگر طرف کارگرها که تمام نعمات مادیرا تولید

کرده جز بازوی توانا چیز دیگری ندارند، فرار دارد. آنها مال سرمایه دار نیستند. مثل آنکه در جامعه غلامی و فئودالی -

بسان داشت یعنی غلام مال برده دار و سرف مر بوطه به زمین بود. کارگرها آزاد هستند می توانند که هر جای خواستند باشند کار نمایند. به تمام این احوال از آزادی نسبی برخوردار هستند.

مگر این حقوق و آزادی شان محدودیت های زیاد دارد. زیرا که بدون کار کردن برای سرمایه دارها نمی توانند امرار حیات کنند. این است که برای امرار معیشت خود باید برای سرمایه داران کار کنند.

کارگر مکتبی به يك سرمایه دار مخصوص نیست، مگر زندگی او بطور عموم به گروه سرمایه داران بستگی دارد.

اگر اوبه يك سرمایه دار و یا شخص دیگری کار نکند او نان بدست آورده نمی تواند. یا بعبارة دیگر او غلام یا سرف

نبوده مگر در حقیقت برای تمام وقت يك غلام مزدور بوده است. سرمایه داران با لای صنعت و فابریکها قدرت و کنترل دارند تا کارگرها به تفرغ آنها کار و تولید کنند. اینست که کثرت خاصیت استثمار در جامعه سرمایه داری!

در حالیکه سرمایه دارها کارگرها را اجوره و مزد میدهند، استثمار از کجا بوجود می آید؟ از جمله تمام وقت که کارگر برای سرمایه دار کار میکند تنها قسمتی از آن اجوره کارش را تلافی میکند، باقیمانده هر اندازه که کار میکند برای سرمایه دار است. مثلاً از ده ساعت کار پنج ساعت اجوره یا معاش آن بخور و باقیمانده ساعت کار دیگرش ارزش اضافی است که به جیب صاحبان فابریکها می رود. لهذا يك کارگر یا مأمور حاصل تمام مدت کار خود را که برای سرمایه دار انجام میدهد بدست نیآورده، بلکه يك قسمت حاصل کار خود را بنام مزد یا معاش گرفته باقی آن به جیب سرمایه دار می رود که آنرا ارزش اضافی میگویند.

این دلیل خنثه آور نیست؟ اگر گفته شود که سرمایه دار پول خود را بکار می اندازد،

ازمناد پول خود که سرمایه گذاری کرده چرا محروم شود؟ از کجا استثمار بوجود می آید؟ به همین ترتیب عین دلائل را صاحبان غلام ها و فئودالان برای رد کردن استثمار می آوردند. آنها برای خرید غلام بول نادیده نهاده و برای سرف قسمتی از زمین را میدادند. علاوه از آن برای غلام غذا و برای سرف قطعه زمین برای زندگی شان داده می

شد. پس و فیکه حاصل زمین خود را می گرفتند چرا منهم به بهره برداری میشدند؟ امروز هیچ مشکلی در شناسایی استثمار

دوره قدیم و قرون وسطی نداریم، خاصیت و مرکز استثمار در آن دوره ها واضح و روشن است. لهذا حالا کارگر مانند غلام و سرف علنی استثمار نمیشود ولی اگر دقیق فکر شود استثمار کارگر آشکار است.

يك کارگر مانند غلام مال دنگسر محض نیست و نه او مثل سرف بسته به زمین است.

او در انتخاب کار حق دارد و می تواند. طوریکه خواسته باشد کاری را ترک و دیگری کار کند. کارگر به يك سرمایه دار مربوطه نبوده، او حق دارد هر جای بیه هر کس که خواسته باشد کار کرده اجوره بگیرد. در حقیقت او غلام مزد است. از تمام ساعات کار که به سرمایه دارکار میکند يك قسمت ساعات کار خود را بنام اجوره یا مزد اخذ کرده و بقیه ساعات کارش به جیب سرمایه دار می رود.

نقطه که قابل ذکر است اینست که سرمایه دار از کجا بوجود می آید که سرمایه دار آنرا در جریان انداخته از آن سود بگیرد؟ همه مردم جواب این سوال را میدهند. و فیکه کارگر در فابریکها کار میکند، نعمات مادی جدید تولید میکند که يك قسمت از زحمات کارگر صرف تولید مواد استهلاکی شده و قسمت دیگر که اشیای

سرمایوی یا تولیدی است ببحث مواد خام و ماشین بوجود آمده که از آن فابریکها جدید ساخته و فابریکها سابقه را به حالت عادی جاری نگاه میدارد. یا بعبارة دیگر قسمتی از تولید اجناس سرمایه وی تبدیل

به سرمایه جدید شده و سرمایه ابتدایی توسط کار انسان خلق میشود. چطور در سرمایه خلق روز به روز افزوده میشود؟ تاریخ بصورت واضح میگوید که ابتدا جامعه سرمایه داری در انگلستان بوجود آمد.

اینجا سوال پیدا میشود، که سرمایه دار انگلستان چه طور و سرمایه اولی از کجا حاصل شد؟ تاریخ این سوال را چنین جواب میدهد: سرمایه از غارت و چپاول علنی ممالک ضعیف (بنام تجارت) بوجود آمد.

بابه عباره دیگر از غارت و چپاول مردمان داخل و خارج انگلستان سرمایه بوجود آمد. نابین وسیله چرخ ارابه فابریکها بدوران نگاه داشته شود. این دهقان ها و صنعتگران کوچک و رشکته دهاات بود که برای

امرار معیشت خود ببحث کارگر در فابریکها هاروی آوردند.

کشورهای که مستعمره انگلستان بود بطور واضح میدانند که استثمار سرمایه داری چه است. مشخصات عمده استثمار امپریالیستی

این دوره پیشرفت سرمایه توسط انحصارات بزرگ امپریالیستی است که صنایع کوچک و تجارت را از بین برده و بالای جوامع ضعیف

حاکمیت خود را برقرار ساختند. دوم تمویل پولی این انحصارات از طرف بانک ها حمایت میگرفت. سوم صاحبان انحصارات نه تنها

مردم کشور خود را استثمار کرده بلکه برای مفاد بیشتر، سرمایه را در کشورهای ضعیف و کم رشد صادر میکردند این است که جطور امپریالیسم در جهان پیداشده و مفکوره امپریالیستی بوجود آمد. عبور سرمایه به

ممالک عقب مانده به منظور تقویه صنایع آنها، بلکه برای ورشکستی صنایع داخلی آنها، استفاده از ارزان بودن قوه بشری و مواد خام آن ممالک بود که حداکثر مفاد را به دست آوردند. هدف و عزم سرمایه دارهای امپریالیستی آن بود که کشورهای دیگر را عقب و منکی بخود نگاه داشته تا حد اعظمی مفاد را گرفته و استثمار خود را بطور دایم نگاه

داشته بتواند. چهارم، انحصار گرهای بزرگ ممالک مختلف بازارهای ممالک جهان را در بین خود تقسیم میکردند، تجار و این المللی را در قبضه خود قرار دادند تا باین وسیله استثمار خود را دوام داده و تولیدات

و کنترل بازارهای جهان را در دست داشته باشند. مگر بعضی اوقات این حالت موفقانه

پیش نمی رفت. بعضی اوقات اختلافات بین امپریالیست های ممالک مختلف راجع به استثمار يك مستعمره بوجود می آمد، که بوجود آمدن خطر جنگ را سبب می شد. مناقشات بین امپریالیست های ممالک جهان

پیدا میشد که در نهایت برای تقسیم مستعمرات بین شان جنگ در میگرفت. این است که بگوئیم جنگ خطرناک را استثمار امپریالیستی در عصر مابه عقب خود دارد.

خلاصه این قسمت: طوریکه فعلاً اجتماع بین ثروتمند و غریب تقسیم شده است و بطور دایم این تقسیم بندی دوام نخواهد داشت. در جامعه کمون اولیه همه مردم مساوی بود یا تمام مردم مساویانه غریب بود. در جامعه اولیه تولید اضافی نبود، از اینکه

تولید اضافی نبود استثمار هم وجود نداشت. در نتیجه پیشرفت و سابل تولید، تولید اضافی بوجود آمد، بعضی سعی کردند تا تولید

اضافی را تصاحب شوند که این شروع دوره استثمار است. بعد از جامعه کمون اولیه یکی بی دیگری سه سیستم اجتماعی (غلامی،

فئودالی و سرمایه داری) بوجود آمد. استثمار مشترک در بین این سه سیستم اجتماعی دوام داشت، در حقیقت همه آنها با بالای استثمار استوار بود. گرچه استثمار جامعه کپتالیستی مانند دو جامعه اولی (غلامی و فئودالی) آشکار نیست. مگر جامعه سرمایه داری است که قسمت بزرگ حاصل کار طبقه کارگر را می رباید.

این است که بگوئیم کارگر ها استثمار می شوند. آخرین شکل استثمار سرمایه داری، استثمار امپریالیستی است.

آثار شیشه‌ای که مربوط قرن نهم و دهم است بیشتر آنها را گلدان‌های خرد و بزرگ، قاب‌های کوچک و بزرگ، عطر دانی‌های مختلف میسازد. که اغلب آنها بدون تزئین است. اما در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازده تحولاتی در صنعت شیشه‌سازی بوجود آمد و پیش روی فرآورده‌های شیشه‌ای کارهای تزئینی مانند کشیدن خطوط برجسته و فانی و همچنین خطوط عربی دیده می‌شود. یک دسته دیگر از ظروف شیشه‌ای این دوره دارای تزئین مبری است که معمولاً شامل طرح‌های مدور و اشکال حیوانات و کتابت بخط کوفی است. در بعضی از این ظروف طرح تزئین بوسیله دو بار مهر زدن با آلان قیچی شکلی ساخته شده و این طریقه که ظاهراً از اختراعات و ابتکارات این دوره است در ظروف مصری و سوری دیده می‌شود. طرح تزئینی معمولاً اشکال هندسی داشته بعضاً اشکال پرنده هم دیده می‌شود. تزئین ظروف شیشه‌ای بوسیله دایره‌ها یا خطوط باریک که به روی وسط‌ظروف اضافه می‌شد و در زمان رومی‌ها زیاد رواج داشت امروز هم در آثار شیشه‌ای که در هرات ساخته می‌شود دیده می‌شود. بکته‌داد جالب توجه ظروف شیشه‌ای مانند چای‌نک، پیاله و جام‌های مختلف که



نمایی از کوره سازی در ولایت هرات از میان این کوره‌ها و از زیردستان این صنعت گران است که وسایل شیشه‌ای بیرون می‌آید

صنعت شیشه‌سازی و تاریخ ۴۰۰۰ ساله آن

شیشه‌های این دوره توام با رنگ‌های سبز آبی و بنفش بوده. بعدها صنعت گران شیشه توانستند بانی و دهم از شیشه مذاب و مایع، ظروف مختلف را بسازند. ولی تا قرن‌ها این صنعت گران و از ساختن صنعتشان را از مردمان دیگر مخفی داشتند. اما همانطوریکه هیچ پدیده و کشف محدود و در چار چوب باقی نمی‌ماند، صنعت شیشه‌سازی هم تنها به فنی‌ها و مصری‌ها منحصر و محدود نماند و بسیاری از ملل دیگر توانستند به این صنعت دست یابند.

پس از ظهور اسلام مخصوصاً در قرن هفتم تا دهم صنعت شیشه‌سازی در شرق میانه، در مصر و سوریه رواج داشت. در اثر کشفیات و آثار بدست آمده، نشان می‌دهد که در هرات و سایر ولایات کشور ما صنعت شیشه‌سازی رواج داشته است. که میتوان تاریخ آنرا به قرن دهم میلادی نسبت داد.

چشم سر نشینان به جسم شفاف و پر درخشش افتاد که امروز بنام شیشه یاد می‌گردد. شاید این يك قصه بیش نباشد ولی بهر حال از کشف این ماده شفاف و نسبتاً محکم چهار هزار سال می‌گذرد. در اترک‌اوش‌های باستان‌شناسان گلوله‌های کوچک شیشه‌ای بدست آمده که تاریخ آن تا به سه هزار سال قبل از امروز می‌رسد. بعد ها صنعت شیشه‌سازی از محدوده خاص خود پا فراتر نهاده و بیشتر انکشاف نمود بدین معنی که از زمینه‌های مصری‌ها و فنی‌ها آثار مانند بوتل‌های کوچک عطر و ظروف شیشه‌ای بدست آمده است. این شواهد نشان می‌دهد که در آن روزگار فنی‌ها و مصری‌ها اولین کسانی بودند که به صنعت شیشه‌سازی دست داشتند و به تجارت آن می‌پرداختند.

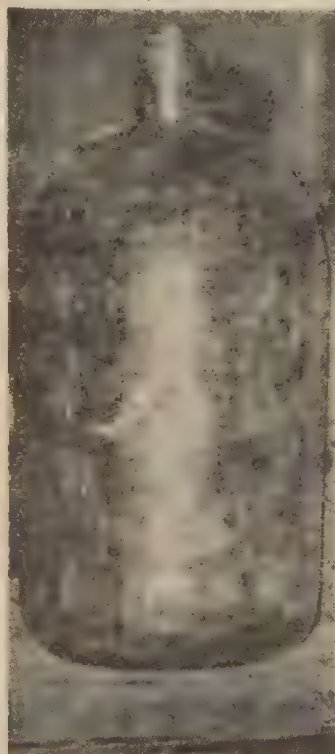
ابتدا این صنعت خیلی‌ها محدود و ساده بود بدین معنی که تمام ظروف ساخته شده از شفافیت کمتری برخوردار بودند و بیشتر

این يك حقیقت است که دست تصادف همیشه در کشف اشیا و عناصر کمک کرده است. شاید در مورد شیشه این جسم شفاف و پر درخشش هم دست تصادف کمک کرده باشد. تقریباً چهار هزار سال قبل از امروز شیشه در اثر تصادف کشف گردید.

می‌گویند در چهار هزار سال قبل برای مدیریت توفانی شد و این توفان بقدری شدید بود که کشتی‌های تجارتی و مسافری آفت مجبور شدند به نزدیک‌ترین خشک‌روی آورند در میان این کشتی‌ها که دچار توفان دهشتناک شده بود يك کشتی متعلق به تاجران ونیزی بود که مال التجاره خود را از يك شهر به شهر دیگر می‌بردند و قتیکه همین کشتی به ساحل رسید دیگر رمقی به سرنشینان آن نمانده بود، آتش افروختند تا برای خود غذای بپزند و قتیکه غذا پخته شد و صرف گردید و آتش هم خاموش شد در بین خاکستر ها



امروز بزرگترین روم فرآورده‌های شیشه‌ای را بوتل‌های مختلف میسازد



يك نمونه از بوتل‌های بزرگ شیشه‌ای

اغلب آن یا به رنگ آبی اند یا به رنگ ارغوانی که روی آنها تزئیناتی مانند خطوط سفید موجدار به رنگ مرمر دیده می‌شود. این تزئینات بشکل نخ بامیله باورک دو موقعیکه این ظروف هنوز گرم بود با آله مانند شانه روی آن کشیده می‌شد و طرح‌های شبیه استخوان ماهی یا شکل راه دار یا شبیه بعضی گیاه‌ها روی ظروف ترسیم می‌گردید.



دروصنای کیه‌یوی از فرآورده های شیشه بی‌زید استفاده بعمل می‌آید

انکشاف می یابد علت این رکود بیشتر بخاطر انکشاف هنرهای دیگر است که هر شیشه سازی را در برته فراوانی می سپارد ولی بعضی از مورخین علت این رکود را نااحتی ها و جنگ های میدانند که هنر شیشه سازی در این مناطق رواج داشت .

بهر حال همانطوریکه قبلا بذكر دادیم بعد از قرن پانزده در هنر شیشه سازی در تمام کشور های که به این صنعت دست داشتند بکسوف رکود پدید آمد . اما در قرن هزده این هنر دوباره رونق تازه بخود میگیرد و



دو نمونه از گیلای شیشه بی وگرسیتال

انکشاف قابل ملاحظه می یابد در همین آوان است که صنعت شیشه گری تحول فوق العاده می یابد و در این صنعت تازه آوری های بوجود آمد . و فرآورده تازه در صنعت شیشه سازی که بنام کرسیتال است بوجود می آید .

کرسیتال یا بلور در گذشته همیشه ماده افسونگر در نزد مردم بوده است نرومندان و امیرای آن وقت معتقد به این بودند که بلور و کرسیتال با هر خشکی که دارد آنرا کشنده زهرا بر طرف میسازد به همین خاطر آنها ظروف غذا خوری و آب خوری خود را از کرسیتال و بلور انتخاب میکردند .

ظروف بلوری که جز از شیشه است اما با خاصیت متفاوت عموما به دو گروه تقسیم میشود :

دسته اول که روی آن دیزه کاری ها و تراش های ظریف بکار رفته از نگاه جنسیت و قیمت هم نظریه دسته دوم که کمتر کردن کاری و تراش داشته تفاوت دارد . بلور به دو نوع ماده اطلاق میشود یکی را

طبیعت میساز و آن را از زیر خاک میان سنگ ها بیرون میکشند که بنام بلور کوهی یا عخره بی یاد میگردد که از قرن ها پیش صنعت گران از همین نوع بلور ظروف می ساختند . اما نوع دیگر آن توسط خود انسان تهیه میشود . بهتر است این نوع آنرا بلور مصنوعی بگوییم . این کرسیتال از شیشه های که درجه انکسار نور در آن به ۱۰۴۵۰ بالاتر باشد . این شیشه ها معمولا از مخلوط (سیلیس) (اکسید سرب) (پاس) و توتنه های کوچک بلور یا کرسیتال بوجود می آورند . این مخلوط حرارتی تقریبا ۱۴۰۰ درجه بکار دارد تا ذوب و مذاب گردد . مدت که این مخلوط باید حرارت داده شود سی ساعت را دارد بر میگیرد تا به جوش آید . بعد صنعت گران از همین مایع جوشان با وسایلی که دارد ظروف بلوری و کرسیتال را میسازند .
بقیه در صفحه ۵۱

یکی از موفقیتهای بزرگ شیشه سازان این دوره ترین روی شیشه و نقاشی با جلا با رنگهای مختلف است . بزرگترین عصر صنعت شیشه سازی از قرن دوازده تا قرن پانزده است ، حلب و دمشق بزرگترین مراکز عمده صنعت شیشه سازی این دوره شمرده میشود . در این دوره است که از شیشه سست های چراغ ساخته میشود که بعضی از آنها آن تاشو درموزه های معتبر جهان موجود است . در اواخر قرن دوازده و اوایل قرن سیزده است که در صنعت شیشه سازی از آب طلا کار گرفته شد .

ظروف شیشه عطای این دوره را میتوان به دودمه تقسیم کرد یکی مربوط به نیمه دوم قرن سیزدهم است و دیگری آن مربوط به قرن چهارده میشود . در قرن پانزده صنعت شیشه سازی توانم با میناکاری روبه انحطاط میگذارد و کمتر

نکی دیگر از فنون این دوره طرز حکاکی روی ظروف شیشه بی هست که شاید بوسیله خرخ صورت میگرفته است . کشف قالب در هرات و بعضی جا های دیگر نشان دهنده این امر است صنعت شیشه سازی در هرات رواج زیادی داشته . بهر اد زیادی از ظروف شیشه بی قرن هفتم و نهم شامل عطر دانی های خرد و ضخیم است که اکثرا منشوری شکل بوده و بوسیله خطوط و شمار های افقی و عمودی بشکل دندان تنایا در آورده شده است . این عطر دانی ها از شیشه ای برنگت آبی و سبز ساخته شده است . بعضی از ظروف عطر دانی های این عصر بشکل بلور بوده و این خود انکشاف این صنعت را می رساند .

صنعت شیشه سازی پس از قرن دهم تا قرن دوازدهم انکشاف قابل ملاحظه ی نمود . در ساختن ظروف شیشه بی این دوره اسلوب تازه بکار گرفته شد که دارای خصایص جالب توجه فنی است .



بلور یا کرسیتال از فرآورده های تازه صنعت شیشه سازی در جهان محسوب میگردد

قانون اساسی ما تضمین کننده تمام آزادی های دموکراتیک خواهد بود

هم از پیش می برم و همچنان کارهای
دا و طلبا که مرطوب و پوهنویز تحت نظر
من ورفقای ورزیده دیگر یک در یو هتوون
وظیفه دارند صورت میگردد .

به پاسخ سوالی به سخنان خود چنین
ادامه میدهد :

این یک حقیقت انکار ناپذیر و جایست
تمام خلق شریف ماست کسه برای
اولین بار در تاریخ پنج هزار ساله افغانستان
عزیز سوید او این قانون اساسی کارگران
دهقانان، روشنفکران و پیشه واران
زحمتکش ما زیر کار است که در مان
درد ها و رنج های سالیان متناهی خلق
رنجیده این عسرو بیسوم خواهد بود
بدل اینکه برای سوید بد این قانون
فرزندان صادق و راستین ما را قضا
زحمتکش چا معه ما گرد هم آمده اند به
تقین قانون اساسی ما قانونی خواهد بود
که تمام آزادی های دموکراتیک را
تضمین خواهد نمود و همه بقایای غیور
دالیزم و امپریالیزم را به محو و نابودی خواهد
کشید و با لایحه همین قانون اساسی
خواهد بود که چا معه افغانی را در مسیر
یک اجتماع رفاه و بدون هرگونه
استثمار سوق خواهد داد .

خوب محترم کشتیار به نظر شما خلق
افغانستان تحت شعار مصوئیت ، قانونیت
و عدالت چه نوع زندگی خواهند داشت
این یک حقیقت است که شعار مصوئیت
تحت قانونیت و عدالت صرف جنبه نظری
نداشته و روی عمل و واقعیت استوار است به
پیش با بد گفت که این شعار حیثیت پر
را دارد که خلق زحمتکش و بلا کشید
افغانستان عزیز را از پسمانی ها و سیاه
روزی نجات میدهد . بعد ازین خلق شریف
ما را بی موجب و به گنجه ای این و آن
آزاری نخواهد رسید و زندگی همه کسانی که
واقعاً در اعمار افغانستان عزیز مسرور
شده و مشغول می باشند ، عملی کردن همین
شعار است که همه را یک آینده مسعود و
درخشان رهنمایی کرده و زمینه اعمار طیف
مختصم و فارغ از هرگونه استثمار را مساعد
ساخته است .

در اخیر بیا من به کارگران، رو-
شنفکران و تمام اقشار وطنپرست ایست تا
علیه هرگونه بی عدالتی مبارزه کنند ، زیرا
در شرایط کنونی وطن و خلق ما وظایف
و مسوولیت های بس سنگینی را متوجه
مانوده اند و بیشتر از هر زمان دیگر به
کارگران، دهقانان و روشنفکران و تمام
خلق نجیب افغانستان است که از دست آورد
های انقلاب مترقی و شگوفان خویش دفاع
نمایند و همواره در نابودی دست نزنند
گمان امپریالیزم و ناپایند گمان از نجات
و هم چنان در محو و نابودی انقیاد طیف
مبارزات پیگیر و قهرمانانانه خویش را
شدت بخشند تا آیندگان به اعمال و
مبارزات ما بنازند و فخر کنند و هم
چنان سر مشق و نمونه برای زحمتکش
منطقه باشند . در اخیر از شما تشکر می کنم
که به من اقتضای صحت یا هموطنانم
را از طریق این مجله و زین بخشید پس
به امید پیروزی حزب دموکراتیک خلق
در شگوفانی افغانستان عزیز به گفتارم
خاتمه میدهم .

شود چشمان خود را به یک نقطه نا معلوم
دوخه گرفته گرفته می گوید : بعد از
پیروزی انقلاب شکوهمند نور ، در همین
لحظه خنده لبانش را از هم دور می کند و
به سخنان خود چنین ادامه میدهد : دیگر

چون هیولای فیر و بد بخی غلوی فامیل
ما را می فشرد در عتق هفتم یوم به عوض
اینکه به مکتب بروم اجباراً به شاگردی
بکنم گلکار فرستاده شدم که روزها
در گرمی های سوزان و هم چنان درس



کشتیار می گوید : شعار مصوئیت ، قانونیت و عدالت جنبه نظری نداشته و روی عمل و واقعیت استوار است .

زحمت چندین ساله ام بی نتیجه نمانده
کارگران مستمیده و حق شناس ما
مانند اکثر وطنپرستان و آزاد بخوانان
این کشور واقعیت را قاطعانه نگرفته مسرا
در انتخابات عمومی اتحادیه کارگری
پوهنویز کابل به اتفاق آرا بهیست
رئیس اتحادیه کارگران پوهنویز انتخاب
نمودند . اما نسبت مشکلات و غلبه ای که
در بهلولی اتحادیه دارم از محمد طالب
کارگر بار رئیس صافرات کشمش خوا-
هش نمودم تا این سمت را بهوش گیرم
و من به بحث معاون اتحادیه به وظیفه ام
ادامه دارم .

فایده که معاون اتحادیه کارگران پوه-
نویز کابل می باشید در بهلولی امسور
اتحادیه کدام وظیفه دیگر هم بدوش
تان می باشد و یا خیر ؟
در بهلولی امور اتحادیه ، وظیفه من است
که سمت باغبانان عمومی پوهنویز بود . حالا

مای جانفرمای زمستان تلاشی می کردم
تا میادید و مادر رنجیده ام زیاده ازین
دستخوش بلاطم امواجی رحم فقر و بد-
بختی گردند تا اینکه نیمه گلکار شد
چون در آن وقت پولی را که از کار گلکاری
بدست می آوردم تکافوی جای و نمان
فامیل مارا نمیکرد تاچار به باغبانی روآوردم
و در سال ۱۳۳۹ در موسسات صحت پوهنویز
بهیث باغبان پذیرفته شدم مدت هفت
سال باغبان (خدمت کار گلها و درختان)
موسسات صحت پوهنویز بودم که بعد از
هفت سال باغبانی نظریه علاقه و عشقیکه
به کار خود داشتم به صفت باغبانانسی
شناخته شدم .

قسمیکه رنجها ، تکالیف و ناپایمانی
های دوران آل پچی به یادش آمده ، حالا که
دایما بیستم برلبانی می باشد همین
لحظه از چشمانش علامات درد و تکالیفی
را که در گذشته ها سیری نموده معلوم می

پیروزی انقلاب شکوهمند نور در کسای
دخمه پیروزی ها و پیشرفت های اجتماعی
و اقتصادی در افغان نمان عزیز می باشد که
با پیروزی این انقلاب نظر آفرین ، در جامعه ما گلیم
همه بد بختی ها و ناپایمانی ها چیده شده
و خلق شریف و زحمتکش مادر راه اعمار یک
جامعه مرفه ، آرام و فارغ از استثمار فردا زود
گام های مثبت و پیروزمندانه برداشته و هر آن
حاضر و آماده هر گونه فداکاری می باشند
به کسانی که در گذشته با دیده حسارت نگاه
میشد امروز با حق بنی عالم و نام تحت شعار
مصوئیت ، قانونیت و عدالت اعمار وطن بدست
انسان قرار دارد . کارگرانیکه واقعاً در راه
اعمار کشور خود می کوشیدند و لقمه نان بخور
و نمیر برایشان داده می شد امروز زحمت

و جانفشانی شان به هدیه رفاه و مطابق به استعداد
شان به کار گماشته شده اند .

خبر نگار مجله ژوندون جهت معرفی
و تسویه هرچه بیشتر کارگران جوان و فعال
با معاون اتحادیه کارگران پوهنویز کابل
مصاحبه نموده که اینک تقدیم خوانندگان
محترم ژوندون میگردد :

محترم محمد کاظم کشتیار اولتر از همه بگوید
که تا کدام صنف درسی خوانده اید ؟

با وجود آنکه علاقه و آفری به تحصیل
و دانش داشتم بیشتر از صنف
هفتم به مکتب بروم . چرا که از یکطرف
مشکلات زیاد اقتصادی دامنگیر فامیل

ما بود و از جایی هم فرزندان فقیر با نین
جامعه آتذر ها به ساحات علم و دانش
راه نداشتند این نوعی عده مسکین راه
تحصیل را می گردید و از تحصیل باز ماندم

دیری وال بانک رئیس را بر ت مکنما را
به بلگراد کتبی دبا نک به کالنی غونبه کتبی
کله چه نرد بر مختیا دیریمی لسیزی به
هکله دیوی ستر انیزی پیشنهاده کا وهوی
ویل:
دجنوب او شمال خبری اتری ادعاوی
او غوشتنی دو مره به فروغا تو کتبی
پوبی دی چه نردی دی اصلی هد فو نه
هیر کاندی .
مکنما را وویل :

۱۹۸۰-کمال به هکله دیرمختیایی
ستر انیزی یوه طرح دیری تو لوتو
دانکشافی نو یوهدفونو دخیل نو
پاره یو اوز بنشنا که فرصت او مو
به لاس وکسوی ، او هم د هغو ستو-
نزو دیر مختی دیر نه رسو لو به لارکتی
لکه دنفوسو زیاتوالی ، دغذا تولید
کار برابر ول ، دینا یوون پراختیا ،
دفتر او لو ری کم والی دیری یو الو-
گری بر اختیار ، او همدا راز دبا تکی
انکشاف او بر مختیا به هرا خیزه نو
دیرو سترو تشکیلاتی بدلونونو
او تیار لری .

او به پرمختیا ئی رسمی مرستو کتبی به جدی
توگه او به زیاتنه پیمانه و لیس
سی، جی دغه کار دلیر هيوادو دريستنيسی
سمیر حال پت سانلی دی. اوهم عقو-
کتبو او عوایدو جی به خینو خایو نو
کتبی هغو ته ژبنه زیاته او تا وه دیره
لره وده کپیده . دغه راز به هغو نیستونو
هيوادو نو کتبی چه دیری نیمايي نفوس
به هغو کتبی زوند لری او هم ددغو زیاترو
هيوادو نو اقتصاد چه او سی به سلگونو
ملیو نو نفوس د مطلق فقر او لوی سره
مخامخ دی به مشکل سره ئی کیمه پر مختیا
موندلی ده .

دیری وال بانک رئیس وویل:
دانکشاف دیرمه لسیزه باید دو دی
به حال کتبی هیوادو نو اختلافاتونه دانی
حالت ته زیاته پاملر نه ولری .
که چیری داسی وی چه اساسی هرفونه
برایکتوب ته ورسیری پر مختلی او دودی
به حال کتبی هیوادونه باید د هغو پالیسیو
تا کل چه د ۱۹۸۰-کال او یا د هغه نه
وروسته لسیز و کتبی ورسره مختا
کیری به تفصیل سره دغو وپو گرزوی
۶۰۰) ملیونو و مئرو سره جی ددغی

رابت مکنما را دانکشاف داهدافو

نوی خیرنی کتبی دیر مختیا د دیریمی لسیزی له پاره پیشنهاد کوی

مکنما را زیاته کړه :
نری وال بانک غواړی چه د نړیوالی
تولنی سره به خوراندونکو کلو نو کتبی
د ۱۹۸۰-کال د لسیزی د ستونزو د خپلو
به هکله دخپلو دښمنو پر مختیا ئی پړو-
گرامونو له مخی مرستی وکړی .
له ۷۹ او ۸۳-کلو نو کتبی دبا نک
دکار بلان په هکله سره خبر غند وی چی یو
شمیر نور پورونه به دبانک اودهغه دمرطوبو
خانگو له خوا چه یو له (۶۴ ملیا رده) دالره
کیری خینی هیواد و نو ته ورکړی .
داویا یی لسیزی وروسته پاتی والی :
بنا غلی مکنما را دانکشاف ددو همی
لسیزی قامو ته داتنادی په ترڅ کتبی
جی دهغه به اوب دو کتبی دودی به حال
کتبی هیواد و مختی اقتصادی وده چه ددغی
لسیزی به پرتله په سلو کتبی شمیر ئی
خانگی هدف خر گندوه په سلو کتبی

پیری تر پایه پوری به د مطلق فقر او لوږی
سره مخامخ وی باید به خانگی تو گه
به زده پوری مرستی او اfdامات وشي .
داوایمی لسیزی پر غولونکو هد فو نو
باندی تر اندازی زیات ټیگرا به
غوض کتبی باید د صنعتی او دودی په حال
کتبی هیوادو نو تر منځ شو ایدو او گټو
واټن دیر کمشی اوهم دغه راز دنیستونو
او شتون هیوادونو ترمنځ فاصله او وایی
باید دتغذی خسواک ، خیناک ، سواد ،
عمر اوږدوالی او ټولنیز او فیزیکی چا بیری
یال له مخی له منځه یو وپل شي .
دنفوسو ستونزه کړیخته ده :
دیری وال بانک رئیس وویل:

جی دتولو کړ کچو نو مسئلو خغه
زیات دنفوسو دورخ به ورځ زیاتیو تکو
مئلو کړ کچ دی ، چه دلر والی له
مخی ددغی موضوع چټک و لسی دودی به
حال کتبی هیواد و د نفوسو دزیاتوالی
به انځور حی دافریقا دکو بی وچی دسیمونه
پرتله لیدل شوی به نظر کتبی ندی ټول
شوی . خو سره له هغی که چیری او ستی
حالت که څه هم دپاږو دی به هم دغه شکل
او بڼه دوام ولری تر (۲۰۲۰) کال پوری

به دیری نفوس په انډولیزه یا منځنی
توگه په هره کورنی کتبی تر دوو ملیونانو
زیات نه وی .
خو دغه انځور به تر را تلو نگو
(۷۰) کلتو پوری هغه وخت په خای وی چه
دیری ټوله نفوس (۴۰۳) ملیادو په خای
لسو ملیادو ته ورسیری .
که دغه موضوع تل کاله مخ کتبی به
وجود راولو دغه حالت به (۸) ملیا ردفنوسو
ته چه تر پورتنی شمیر دوه ملیا رد کم
دی را کتبه او مستر شي .
او که دغه اوسنی فرصت چه د نفوسو
دمستلی له کبله ئی په لاس کتبی لرو له
لاسه ورکړ و په راتلونکی وخت کتبی به
دچیران وړ نه وی ، پر دغه باندی خبری اتری
چه څه ډول علی خلی دزیږیدلو د کمښت
او لږوالی ته پاره اغیز منی دی . ټولنیز او
اقتصادی پر مختی که یاد کو رینز دپرو-
گرام جوړو او پرو گرامونه خود غه کارتر
زیاتی اندازی پوری بیربطه او دمنلو وړندی
ریسرچ خر گنده کړیده چه دواړه مهم
نښکاوې .

دیری وال بانک رئیس وویل :
چه د نفوسو زیاتوالی او دیر بنسټ به
داوسنی پیری تر وروستی وخته پوری به
نری کتبی (۷۵۰) ملیو نه نه دښری
تواو به کار کتبی زیاتوالی راولی ، ددغه
زیاتوالی دوه دریمه برخه به دودی به
حال کتبی هیوادو نو کتبی وی . په داسی
حال کتبی چه د نفوسو دیر بنسټ فشار
به دودی به حال کتبی هیوادو نو به
سترو بیا وړو نو کتبی زیات مو جو د وی
چه ددو بیا وړونو نفوس به دهره لسو او
بنځلسو کلونه به تر څ کتبی دوه برابر
شي .

دغذا یی موادو به تو لیدد
بښارونو به پرمختیا اودکار دیدا کولو
او استخدام به پاره کتبی داتیا به کال
به لسیزه کتبی د نری وال بانک دپرو لار
نقش په باب ښاغلی مکنما را وویل :
دودی به حال کتبی هیوادو نه هره و دځ
به زیات ټیونگی تو گه سره دسیری وال
بانک به لور د پوری بیری مرستی د منبع
په خیر سترگی په لاره دی . نو ځکه زه
تغذیه او با وړ لرم چه مونږ باید ددو راتلو-
تکو کلو نو په ترڅ کتبی دانکشاف فیدمعلی
به باب خپل رول په بشپړه توگه سر
خپرنی لاندی ونیسو . ترڅو دا خبره په
پاگه څر گنده شي . چه نری وال بانک
دخپلو غیرو دپا تیا و په تبحر او څرنگه
والی باندی غور کوی ، او هم باید ولیدل
شي چه ایا مونږ کولی شو هغه خدمتونه
جی زمونږ به وظایف او دندو کتبی
پرتله دی په ښه او بشپړه توگه
چمتو اوسره ورسوو .

مکنما را وویل :
نری وال بانک به دداتلونکی لسیزی به
اوب دو کتبی خپل پرو گرام مو نښه
دکلبو دیر اختیار او د زراعتی چارو دپرمختیا
له پاره تقویه اومزی کړی .
نری وال بانک به دداتلونکی لسیزی به

مکنما را وویل :
نری وال بانک به دداتلونکی لسیزی به
اوب دو کتبی خپل پرو گرام مو نښه
دکلبو دیر اختیار او د زراعتی چارو دپرمختیا
له پاره تقویه اومزی کړی .
نری وال بانک به دداتلونکی لسیزی به

حال کتبی هیوادو نو دزراعت او کرنی
دچارو دمنلو یل نه پاره یواځنی او دپاږو
یوه سترو منبع ده . اوپه اوسنی حال کتبی به
سلو کتبی تر (۴۰) نه زیات خپلی ټولنې بیری
او رسمی مرستی ددغه هدف او مراد
سر ته رسو لو له پاره برابروی دتیر و
بنځو کلو نو به اوب دو کتبی نری وال بانک
د (۷۲) ملیا ردفو دالرو په اندازه ذکر ئی
او زراعت دیر مختیا له پاره په مستقیمه
توگه برابر کړی . جی ددغو پروژو به مربوطو
او اوب دو چارو کتبی ټول لگید ئی پیسې
د (۳۰) ملیا ردفو دالرو په شاو خوا کتبی
وی چه ددغه پانکی اچول له حلورونه دپرو
برخو زیات دغذائی موادو فزیا ت تولید
په منظور او مقصد اچول شوی او سر به
رسیدلی دی .
مکنما را وویل :

هبله کیری چه د ۱۹۸۰-کال په لمری
لسیزه کتبی دمالی مرستو پروژو د نری -
وال بانک له خوا دغذائی موادو د کالنی
تولید دزیاتوالی په هکله دودی به
حال کتبی هیوادو نو له پاره د بانک غری
له یوه تر بنځو برخو پوری سیم و لری
او مرسته وکړی .

او هغه پانکی اچول چه د تیر و بنځو
کلو نو به او دپوکتبی د کلیو دپراختیا
د تیر و پل او مالی مرستی په برخه کتبی
د نری وال بانک له خوا به عمل راغلی .
هبله کیری چه د نری وال بانک له خوا
د (۶۰) ملیو نو دالرو په شاو خوا کتبی
زیات او لوړ کاندی .
بانک هبله لری چه د ۱۹۷۹ او ۱۹۸۳-
مالی کلو نو په اوږدو کتبی د (۲۰) ملیا رده
دالرو نه نیولی بیا د (۲۵) ملیا رده دالرو
پوری دگرنی او زراعت په چارو کتبی
پانگه واچوی دغه پیسې چه ددغو پروژو
په پروگرامو نسو کتبی دمرستی به
څرنگه ل کیری تر (۵۰) ملیا رده دالرو
زیات اوز بنسټ به ولری .

دانری دپروگرام پراختیا :
مکنما را د نری وال بانک
دانری پرو گرام ته داتشاری په ترڅ
کتبی وویل :
دودی به حال کتبی هیوادو نو د تیلو او
نفتی موادو دپیرودل لیک با نه چه یه
۱۹۷۲-کال کتبی خپلو ملیا رده دالرو وه په
۱۹۷۶-کال کتبی (۲۶) ملیا رده دالرو به
ور سیده او داسی اټکل شو دی چه
په ۱۹۸۰-کال کتبی به دغه شمیر (۸۲) ملیا رده
دالرو ته ورسیری .

جی دغی مسئلی دانری وړ کولو اقتصاد
په در اما نیکه تو گه اغیز من او متاثر
کړ او دودی به حال کتبی هیوادو نو دکنف
نسویو منابعو رابرسیره کول لاس ته
راوړل بیره برداری او گټه اخیستل یی
زیات کړی .

بانک به مو قتی توگه سره دتیلو په برخه
کتبی دخپلو یو روتو دورکری دپراختیا وړ
گرام تر لاس لاندی لری چه دهغه سره
سم نسر ۱۹۸۳-مالی کال پوری (۱۲۲)
ملیا رده دالرو ته ور سوی دغه یو رونه به
دگار ز او تیلو در ابر سیر ئی او دپو ټیږی
پاتی به ۵۵ مخ کی

سیرک در جهان هنر

معروف تیاتر مالی ماربا یرمولوفا نام دارد که لقب ستاره تیاتر مالی را کسب نموده است.

امروز تیاتر مالی دارای اکتور هاو اکتورس های ممتازی هستند که در سندیوی میخائیل- یانی به ۵۵ مخ کم

کارکنان و هنرپیشگان در جهان تیاتر و هف خوب داند- محصولات تیاتر مالی دارای جنبه های ریالیستیک بوده و موفقیت هنرپیشگان در رول های شان قابل تمجید میباشد.

ورزیده آن مانند پروف سادوسکی که از جمله اکتور های ممتاز این تیاتر به شمار میرود رول های خوبی در نمایشنامه های اوستروسکی بازی نموده است. یکی از اکتورس های

ترجمه : داود (زهدی)

از : سویت ومن

ستاره قهرمان

این جهان کهنسال و غرق در تعصب، چون انسانیت که همیشه از خشکسالی، هراسان باشد و زندگی برای، در محوطه ای خلاصه شود درین دنیا وقتی علاج بدبختی ها و مصیبت ها شده میتواند که انسان، دور از تعصب زندگی و در راه صلح و تفاهم، تلاش ییگر نماید.

در فلم (آنیانه مردمان نجیب) ایرنیسه کویچنکو، احساسات سر سار قهرمانی خویش را برای تماشاچیان نمایان ساخت و هنگام

ماده سال قبل در فلمی بنام (آنیانه مردمان نجیب) که به اساس ناول معروف (سرگینوف) تمهید شده بود چهره جدیدی را نگریستیم.

دایر کتراسن فلم (میخائیل کوفاندیری کونولوفسکی) هیرو های ناول، را با چهره های، واقعی شان در معرض نمایش قرار داد و دنیای پر تلاش انسانها را، که مملو از گلبرگهای زیبا و موسیقی جذاب و باران های تابستانی است، جلو دیدگان بینندگان، مجسم گردانید.



ایرنا کو بختکو



صحنه ی از نمایش مامور

ترجمه - راشد

کویوز

تیاتر مالی

آنها با این کار نه تنها راه هنر را باز نمودند بلکه رول مهمی را در حیات فرهنگی و کلتوری کشور اتحاد شوروی نیز ایفا نمودند. این تیاتر نمایش های از نمایشنامه نویسان مانند: گر بایدوف، گوگول، ترجیف و آثار سایر نویسندگان و نمایشنامه نویسان اتحاد شوروی را در روی ستنی به نمایش گذاشتند.

نمایشات متعددی از کشور های مختلف جهان نیز در ستنی مالی تیاتر اجرا شده است.

اضافه از سی سال بعد از تاسیس مالی تیاتر یعنی از ۱۸۵۸ به اینطرف داستان نویسی معروف اتحاد شوروی ای، اوستروسکی همکاری نزدیک با مالی تیاتر داشته و این همکاری رول مهمی در تاریخ تیاتر مذکور بازی نموده است.

بنگاه اثر اوستروسکی که نمایانگر جنبه های مختلف زندگی آن زمان در اتحاد شوروی بود تحت نظارت مستقیم خود نویسنده و همکاری سایر هنر پیشگان روی ستنی اجرا و نمایش داده شده است.

نمایش نامه های اوستروسکی به منا به مشعل فروزانی بود که در آغاز کار به مالی تیاتر رونق خوبی بخشیده و آنرا به سبک ریالیستیک و دموکراتیک مجهز نمود.

تیاتر مالی همیشه با استقبال گرم روبرو شده و این استقبال نیک بخاطر اکتور های

ایر مالی در قلب شهر مسکو واقع بوده در چهارواهی سفر دلو ف بطرف راست جاده یولسوی دو تیاتر کهن و مشهور اتحاد شوروی صورت تصدیق در کنار هم واقع نبوده بلکه در کنار یونند ها و روابط عمیق هنری دارند.

وقتی که تیاتر امپریال در آغاز قرن نوزده شروع به فعالیت نمود شهر مسکو دارای یک کمپنی نمایشی بود که نمایشات اپرا، باله و درام را اجرا مینمود. بازیگران درام در اوایل هر باله ها حقه میگرفتند در حالیکه آواز خوان ها و رقاصه هادر رول های ترازیدی و درامه های کوچک بازی میکردند. نمایش نامه هدر بولشوی تیاتر و نمایشات موسیقی در مالی تیاتر اجرا میشد.

کلمه مالی معنی (کوچک) را میدهد و این بخاطری است که مالی تیاتر به مراتب کوچکتر از بولشوی تیاتر است. تیاتر مالی تاریخ تاسیس خود را از ۲۶ اکتور ۱۸۲۴ که اولین نمایش در آن برگزار شد بحلیل میکند. قبل از این عبارت تیاتر مالی به تیاتر محلی اطلاق داشت. در فوکل سالهای متعدد ستنی جلوی و عقبی تیاتر تغییر شکل نموده ولی ادیتوریم آن به شکل اصلی اش که ۱۵۵ سال قبل اعمار گردیده بود باقی مانده است. در شروع کار این تیاتر اکتور های معروف مانند پا ویسل- موشاروف و میخائیل شیکین اساس ایدئالوژی و ریسب های هنری را بنیان آوردند.

فرهنگ شگوفان بلغاریا

عوفیت های چشم گیری را نصیب شده و توانسته است سی و شش درامه را که از آن جمله هفت آن اوپرا و گمیدی موزیکال و یازده آن نمایش پوپت شو بوده و وی صحنه بیورد و بیش از پنج میلیون نفر این نمایشات را تماشا کرده اند .

این بود ارقام و حقایق درین باره، لکن این ارقام وقتی یک شخص بداند که پایه هنر بلغاریا استوار به هنر عامیانه خلق آن کشور است و همیشه در بین خلق محبوبیت زیاد داشته و مورد پسته آنها قرار گرفته آ نقد و تعجب آور نیست. این هنر از میان مردم بر خاسته و در خدمت آنها قرار میگیرد .

در تمام دوره ثمر بخش اعمار جامعه سوسیالیستی دموکراتیک بودن هنر در تمام ساحه های هنری مهم و با ارزش تلقی شده و از اهمیت ویژه در قسمت حقوق نوآوران و سر برآوردگان مشهور ادبیات تئاتر نقاشی موسیقی سینما و غیره بر خورده دار بوده است بقیه در صفحه ۴۳

سرعت و توسعه را که فرهنگ بلغاریا درسی و پنج سال اخیر بعد از تأسیس جامعه سوسیالیستی نصیب شده فراتر از آن کشور قبلا دیده نشده است برای اثبات این موضوع می بینیم که بعد از بدست گرفتن قدرت توسط خلق آن کشور ناکون بیش از یک هزار میلیون جلد کتاب بچاپ رسیده . سینمای بلغاریا توانسته در مدت یک سال موفق به ساختن چهار عدد و شصت فیلم هنری اطلاعاتی مستند و کارتون شود در سال گذشته سیزده هزار و دویست و چهار و هشت کسان در آن کشور داده شده که بیش از سه میلیون شصت و هشت هزار نفر از آن تماشا کرده اند .

در پنج سال اخیر یک هزار و چهار صد و سی نمایشگاه هنری دایر گردیده که در آنها آثار نقاشی مجسمه سازی ، نجاری ، رسامی به نمایش گذاشته شده این نمایشگاه ها مورد تماشای نه میلیون و شصت هزار نفر قرار گرفته است در پهلوی آن تئاتر بلغاریا نیز

نخواهد داشت . میخایل کوف ، کونچالوفسکی مینویسد : «ایرانیای کویچینکو، در پنج حادثه کوتاه با سرگی آشنا و با او ازدواج نمود و از وی صاحب طفلی شد ، شوهرش به ایرنیا و دوستداران هنر او عشق و صمیمیت فراوان دارد .

کویچینکو قهرمان ، بعد از جدایی از شوهر اول و مراجعت سرگی شوهر دو می از خدمت عسکری وارد صحنه فیلم گیری شد .

وی بعد از فیلم (سر گذشت عاشقان) در فیلم دیگر نقش یک معلم را بازی نمود و خلاصه در هر فلمی که حصه گرفت موفقیت های هر چه بیشتری بدست آورد و شهرت و محبوبیت زیاد تری کسب نمود .

کویچینکو ، در هر فلمی که ناشی را ایفا میکند وفادارانه اش را در نظر هاجلوه میدهد سناریوی آخرین فلمی که توسط (بولی ژمان) بنام (زن عجیب) تهیه گردیده ، طوری به رشته تحریر در آمده که مناسب زیادی به کرگر، ایرنیا دارد .

در ایسن فلم - ایرنیا ، در نقش سیویل یووا ، که یک زن با زیبایی خارق العاده است بازی نمود و از زیر ضربات ، از هم پاشیلین خانواده اش ، جدایی از پسرش ، اشتباه اش ، در مورد مرد قلب و دوست داشتنی اش ، قهرمانانه و با احساسات سرشار از احترام و اتکا به شخصیت و نفس خود بدر شد .

ایرینیا کویچینکو ، این ستاره قهرمان میگوید :

«من فراکت و تمثیل نقش خود غرق میشوم و نقش من ، بکلی مرا از خود م میبرد و حتی احساسات و شکل ظاهری ام را در گرو میسازد» راستی ایسن حقیقت را انسان در بازی های فلمی و تمثیل های تئاتری ایرنیا کویچینکو به روشنی مشاهده مینماید .

ایرینیا کویچینکو که فارغ التحصیل مدرسه هنر تئاتر (شجرگن) میباشد شهرت زیادی در تئاتر (وختانگوف) دارد .

کویچینکو در مقابل هر چیز به خصوص در برابر کتاب خواندن کار و عمل و تربیه اطلاعاتی خیلی تند عمل میکند . همچنان وی به برقراری رابطه بین مردمان و کتاب و موسیقی و محیط ماحول شان ، خیلی حریص است و در مقابل هر واقعه ای که در اطراف وی روی بدهد جدی عمل میکند بنابر همین دلیل است که نقش زنان قرن نوزده رادر فلم هابه صورت خیلی طبیعی بازی مینماید .

این ستاره آسمان سینمای اتحاد شوروی در جریان ده سال کار هنری خویش ، نقش های زنده ای را که هنوز از خاطر هافراموش نگردیده تمثیل کرده است ، و هنوز هم در تلاش در خشنس هر چه بیشتر و انجام کار های هر چه بهتر و موفقانه تر ، به سوی برود .

وچنانکه شاعر مورد علاقه او میگوید : «در روح من صلح و آشتی وجود ندارد» ایرنیا نیز همان طور در جنگ بازندگی زیست می نماید .

فلم مذکور روی پرده ظاهر گردید منتقدین یاد داشت های پیرامون قدرت اکت و تمثیل این اکتس جوان که در آن روزگار هنرمندان تازه کاری بیش نبود ، برداشتند و تحت تبصره قرار دادند .

پنج سال بعد ، کویچینکو ، در فلم دیگری نیز نقشش را پیروز مندانه انجام داد و شهرت فراوانی کسب نمود و از طرف مردم مورد تحسین و تمجید فراوانی قرار گرفت .

ایرینیا این ستاره خوب میگوید : «در وجود هر انسان خوب ، زشتی های نیز وجود دارد که باید مضموم شمرده شود و بر عکس در هر انسان بد ، چیز های خوبی نیز دیده میشود که باید از آنها تقدیر بعمل آید .

آنچه که خیلی مهم است و باید بغا طریبت شود که همه ای ما ، در وجود خویش آدمهای زیادی را داریم که در آینه قلب ما زندگی میکنند . بر علاوه در قلب ما ، برخی از چیز های وجود دارد که در گوشه و کنار دنیای اطراف ما مخفی شده اند .»

آنچه که از اسرار مخفی قلب اکتس محسوب میشود عبارت از ، آرزوها و تقاضا هاست که آواز خوشی و از هر دمانی که همراهی وی سروکار دارند ، میباشد .

اکتس هابیکه به پیروزی هر چه بیشتر اش عشق و علاقه دارند تا اندازه ای کار میکنند و در راه بهبود کار های شان تلاش مینمایند که از خستگی گنج گردند . آنها از ایفای نقش های که احساسات شان را برانگیخته تواند خوش سان نمی آید ، این نه تنها در قسمت پوز گرفتن بلکه در تمام فعالیت های فلمی صدق میکند هرگاه یک اکتس در اکت نقشی که باو سپرده میشود ناکام شود ، مدت های طولانی به تشویش میفتد ، اگر چه درین ناکامی وی حقیقتا مقصر نباشد .

ایرینیا در فلم (انگل و انیا) در نقش سونیا بازی کرد و خیلی بد لر بایی در خشید .

ایرینیا چون توانست که درین فلم با قدرت تمام آوازش را تغییر بدهد به حیث روح فلم شناخته شد .

ایرینیا در فلم موجود زیبایی بود و گاهی مطیعانه و زمانی سرکشانه ابراز شخصیت میکرد . این ستاره مقبول همه کار هایش را ، در فلم مذکور چون انسانی که منتظره چیزی باشد با آهستگی و متانت انجام داد .

متانت و شکیبایی ایرنیا ، زمانی دو فلم به نبوت رسید که در مقابل (استروف) قرار گرفت و سر نوشت وی معلوم گردید .

در این صحنه استروف گپ میزد و جملاتش را دنبال میکرد و ایرنیا ، بدون آنکه به سخنان او وقتی بگذارد سکوت اختیار نموده بود ، در حالیکه موسیقی اسرار انگیزی در روح او طنین میگذرد و با دقت و توجه زیاد بوی می نگریست زیرا وی یقین داشت که این آخرین بادبست که آنها همدیگر را می بینند و دیگر چیزی که آنان را به هم پیوند زند ، بین شان وجود شماره ۳۳



یک ممثل امانور

وصاحبان ذوق قرار گرفت تدویر چنین فستیوال
ها فرصت خوبی برای شرکت کنندگان چپه
آقای شان از پیشرفت های علمی و هنری
دول دارای سیستم مختلف محسوب میگردد
وزمین تبادلی تجارب را فرا هم میکنند
بدون شك تدویر فستیوال های فلم در مسکو
اکنون جز تاریخ شده و شكسل غنقه را بخود
گرفته است *



نمایی از افتتاح فستیوال بین المللی فیلم در سال جاری در مسکو

ترجمه و نگارش *

یوسفزی

فستیوال های بین المللی نمایش فلم و کتب بحیث وسیله مؤثر در ایجاد تفاهم و تحکیم دوستی بین خلقها و تقویه صلح در جهان

دست زده است *



از فستیوال های بین المللی نمایش فلم و کتب که اخیراً در مسکو دایر شد میلیون ها نفر
دین کردند و بیش از (۱۰۰) کشور مختلف جهان در آن اشتراك ورزیدند *

در فستیوال بین المللی فلم در مسکو که
یازدهمین فستیوال نمایش فلم در اتحاد شوروی
میشد (۵۰۰) فلم مختلف شامل موضوعات
فیجری ، فلم های مستند و فلم های مخصوص
اطفال نمایش داده شد و طرف دلچسپی
شرکت کنندگان و بینندگان واقع گردید *

بدون شك تدویر این فستیوال که در آن
(۱۰۴) کشور مختلف به شمول موسسات بین المللی
دیگر ، ملل متحد یونسکو ، نهضت های آزادی
بخش جیلی و فلسطین شرکت کردند در تحکیم
دوستی بین کشور ها و همچنان گسترش دیتانت
کمک خواهد کرد نکته قابل ملاحظه در مورد
فستیوال اخیر فلم در مسکو این بود که
در این فستیوال فلم های از کشورهای به
نمایش گذاشته شده بود که سابقه تولید
فلم نداشتند بطور مثال فلم های از جمهوری
بین المللی را در مورد فلم و کتب در مسکو
سوسیالیستی ویتنام ، بعضی کشور های
دایر کرد که طرف علاقمندی اشتراك کنندگان عربی و افریقایی که درین فستیوال نمایش داده

تدویر فستیوال های بین المللی منظم فلم
کتب و سایر پیشرفت های علمی هنری در آن
کشور از علاقه مسکو در مورد نما یندگی
میکنند *

درین سگی نیست که علاوه بر تبادل آثار
مطبوع مترقی و هیات های فرهنگی و کلتوری
بین ملل ، تدویر نمایشگاه های آثار هنری
علمی و تخنیکی نیز در ایجاد تفاهم بین ملل
بمنظور تقویه هر چه بیشتر صلح و امنیت بین
المللی کمک می نماید * در پرتو این انگیزه
عالی بشری است که وقتاً فوقتاً چنین نمایشگاه
هایی در کشور های مختلف جهان دایر میگردد
تا زمینه تبادل بهتر تجارب بشری را فراهم
سازد *

کشور اتحاد شوروی سوسیالیستی بر اساس
پالیسی همزیستی مسالمت آمیز و توسعه
دیتانت و تفاهم بین ملل دارای سیستم
های مختلف اجتماعی و سیاسی از طرق
مختلف عمل نموده و با بتکراتی در زمینه



نمایندگان يك تعداد کشور هادر فستیوال فلم باهم صحبت میکنند



اولین آموزش در صنف



ند در صحنه بین المللی جدید اند. شرکت کنندگان فستیوال از مشاهده فیلم های مختلف و آموزنده ابراز مسرت کردند. شرکت کنندگان فستیوال بین المللی فیلم در مورد پیشرفت های مزید و هنر فلم سازی و استفاده از آن در خدمت خلق نبادله افکار کردند.

یکی از نقاط قابل تذکر این است که در بسیاری کشور ها، صنعت فلم سازی اکنون توسط کسانی انکشاف داده می شود که خود در موسسه سینما توگرافی تحصیل کرده و در زمینه تجارب خوبی آموخته اند.

در یازدهمین فستیوال بین المللی فلسف در مسکو که مصادف با شصتمین سالگرد سینمای اتحاد شوروی بود در مورد تاریخچه فلم سازی و نمایشات آن نیز روشنی انداخته شد و از مساعی هنرمندان بشر دوست در زمینه قراردانی بعمل آمد.

خلق اتحاد شوروی در پهلوی سایر مصروفیت های که برای انکشاف جامعه بشری و استفاده از علم و هنر در خدمت صلح و بشریت بعمل میاورند به انکشاف هنر و سینما نیز علاقه زیاد دارند. طبق احصائیه های منتشره روزانه (۱۲۴۰۰۰۰۰) نفر در اتحاد شوروی سینمای بنشد این چنین معنی دارد که سالانه در اتحاد شوروی (۴۰۰۰۰۰۰۰۰) تماشای موجود است. فلم سازان اتحاد شوروی عقیده دارند که نباید وقت این ملیون ها تماشاچی بادیین فلم های خراب ضایع شود. از این رهگذر پیوسته کوشش بعمل می آید تا فلم های آموزنده مطابق ایجابات عصر و زمان به خلق آن کشور نمایش داده شود. اتحاد شوروی امسال شصتمین سالگرد سینمای آن کشور را بجهت یک حادثه دلچسپ در آن کشور



این هنرمند راجع به انکشاف مزید صنعت فلم سازی در اتحاد شوروی و استفاده از آن در خدمت خلق خوشبین است.

تجلیل نمود.

در صنعت فلم سازی اتحاد شوروی علاوه بر هنرمدان مرد باید نقش زنان را نیز تاکید کرد. در زمان موجود بیش از (۱۰۰) زن فلمهای فیچری، مستند و علمی را تولید می نمایند.

در دهمین فستیوال بین المللی فلسف در مسکو جایزه بزرگ بیک زن تعلق گرفت. واقعا مشکل است تا تاریخ سینمای اتحاد شوروی را بدون سهم زنان مورد مطالعه قرار دهیم. نقش آن هارا در زمینه پیشرفت و انکشاف هنر فلم سازی در اتحاد شوروی کم شماریم.

صلح جهانی و پیشرفت اجتماعی کمک خواهد کرد. و این کام بزرگی در راه تحقق ارمان های مقدس بشری مبنی بر کوشش جهت نیل بیک جامعه مرفه، آزاد و زیست در صلح خواهد بود که بیش از هر چیز دیگر در شرایط کنونی جهانیان به آن نیاز دارند.

دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب در مسکو در دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب که اخرا در مسکو دایر شد قریب (۲۰۰) موسسه طبع و فروش کتب، بیش از (۷۰) کشور علاوه بر نمایندگان ملل متحد یونسکو، موسسه



شرکت کنندگان فستیوال فلم از تاسیسات مختلف در مسکو دیدن کردند.

کاربین المللی، کامیکان شوروی صلح جهانی و سایر موسسات بین المللی شرکت کردند. از آنجائیکه کتب و آثار مطبوع مترقی در شکل ذهنیت های انقلابی و مترقی افراد تاثیر بزرگ دارد، ملیونها نفر از نمایشگاه کتب مسکو دیدن کردند.

تدویر دهمین نمایشگاه کتب در مسکو در واقع تبارز عملی از موافقاتی است که در هلستکی در ساحه تبادل کلتوری بین کشور ها حاصل گردیده است. تدویر نمایشگاه کتب مسکو فرصت خوبی مبنی بر تبادل نظریات برای ناشران کشور های سوسیالیستی در حال انکشاف و سرماییداری محسوب گردیده علاوه بر پهلوی تجارتی آن یک پیروزی در ساحه گسترش علم و فرهنگ بشمار میرود.

نمایشگاه کتب مسکو به اشتراک کنندگان موفع داد تا طور همه جانبه مسرکتب و نشریه هارا مورد مطالعه قرار دهند و بر

تولید کتب مفید تاکید ورزند. گذا در نمایشگاه مذکور تاکید شد تا کتب مترقی و خواندنی زیاد تر جهت بلند بردن سطح دانشی افراد ورشد شعور سیاسی آن هاتیهو چاپ شود.

تا از دهمین طریق نسل جوان کنونی بهتر بتوانند مسوولیت های بزرگی اجتماعی خویش را در برابر خلق کشور های شان انجام

داده در تقویه صلح و همکاری بین المللی بیش از پیش سپیم گردند.

بقیه در صفحه ۴۳

کلبه نیمه تاریک باوضع ملال آورد و دلگیرش
دوسکوت شب فرو رفته بود. ثم تاگر کش
دیوارها بالا رفته بود - دیوار های دو دزده نم
عازا می مکیدند -

پوی رطوبت از در دیوار بلند بود، فضای
کلبه دلنگه کننده به نظر می آمد. آواز
نفس پسرک و مادرش که پهلوی هم خفته
بودند - دوم می آمیخت - آرامش کلبه و
برهم می زد -

صدای شرشر خفیفی از گونه بلند شد -
حشره کوچکی بود که راه میرفت - حشره از
لانه اش بیرون خزیده بود تا چیزی بیابد -
ساید دنبال چیزی می گشت تا بخورد - حشره
گرسته می نمود از طرز خزیدنش معلوم بود -
با سستی و تنبلی راه میرفت -

نیم همه چارادر آغوش سکوت خوابانده
بود. آرامش کلبه را تنها حشره گرسته برهم
می زد - از پنجره شکسته کلبه - گوشه از
آسمان بر ستاره به نظر می خورد -

آسمان صاف و روشن بود - هوای خنک
بازیزی از پنجره سگسته بیرون می آمد -
سطح کلبه را بوی یای نم زده پوشانیده بود -
روی بود یا بستر درنگ و رورفته پهن بود -
پسرک و مادرش دوزیر لحاف چرکن و فرسوده

بابا کوهی

و یا چنان وانمود می کرد که خواب است -
چون میدانست که اگر چشم بگشاید - تنها
پسرک از گرستگی سکایت می کند - و از آن
تقاضای خوردنی می نماید -

پسرک آهی بر آورد - و بعد سر خود را
زیر لحاف پیچید - دستهایش را وسط مردو
رانش قرارداد و خود را کنج کرد - بلکه پایش
را بهم و شرود و کوشید تا دوباره بخوابد - خواب
به سراغش نمی آمد - سردی می آزدش -
نکمش قرق می کرد و پاهایش سرد شده
بودند -

صدای شرشر حشره گرسته - او را بخود
منوجه گردانید - از صدای سید - صدا که
تکرار شد - بیشتر ترسید - لحظاتی گوش
فرا داد تا باز صدای بشنود - ولی دیگر
صدایی بر نداشت - نفس اش زیر لحاف
تنگی کرد - سرش را بیرون کشید - اولین
چیزی که در چشمش راه یافت، ماه بسود -
ماه نوچنان داس از کناره آسمان پیدا بود
تصویر ماه در سطح آب و انعکاس آن در دیوار
سیاه کلبه خود نمای می کرد -

آسمان ستاره ریز بود و همه گنگ سب
با هوای سرد شبانگاهی بدخل می آمد - صدای
شرشر حشره لحظه آرام گرفت - شاید حشره

بخوردن شیرین نمود - دید که شیرین از لای
انگشتانش می ریزد - حلی اوی پروا همچنان
می خورد - آنقدر می خورد که پایش را بسج
می زند - انگشتانش از شدت سردی گسود
میشوند و تنش می لرزد - بالرش تنش از
خواب می برد - می بیند هیچکدام از آن چیز
های را که دیده بود - نیست - نه شیرین
و نه چیزی های دیگر -

لحاف از بالایش بیک سو رفته بود - از سردی
می لرزید - رطوبت و نم مفاصلش را بدرد آورده
بود - یکبار دلش پر غصه شد - غسم سردی
قلیش را پرسیخت - شروع نمود به گریه
کردن - گریست و گریست تا مادرش بیدار شد -
زن باخونسردی پرسید :

(جی ؟ چه گپ شده بچم ؟ چرا گریه می کنی
ها)

واو در حالیکه حق حق می گریست
گفت : (شیرین شیرین می خواهم
شیرین چه شد ؟)

زن در حالیکه لحاف را بالای پسرک می
گشود گفت : (خو کوچیم شیرین
مکنی خود ما گرم نمی آیم تو شیرین
می خواهی)

و پسرک باز هم گریست -

است ؟ آیا مثل قطی های خالی است ؟ آیا مانند
لحاف فرسوده شان سرد است ؟ یا مثل چیز
های دیگر که در کلبه دانسته سیاه و دود
زده است ؟

باز از مادرش پرسید : (چرا صبح عیدس
... چرا ... هر وقت عید نیست ؟) مادر که بی حوصله
شده بود - فی البداهه مثل مغرور - یو ز بانس
جاری شد : (هر روز عید نیست که مردم حلوا
بخورن)

و پسرک بکار فق زد و حلوا حلوا گویان
بنای گریه را نهاد - بشکل رقت انگیزی می
گریست و حلوا می خواست -

زن که از سخن گفده اش بی پشیمان گردیده
بود - دلداریش داد و نوازشش کرد - ولی
او همچنان می گریست و حق می زد -

مادر که از گرستگی بی حال و ناتوان بود -
حوصله نداشت که آرامش بسازد و نوازشش
کند - گذشت تا بگرید و حق بزند -

زن خود نیز گرسته بود - معده اش مالش
میداد - وجودش دردمی کرد - کمرش شج مانده
بود و نم و رطوبت زن را از کار کشیده بود -
بادخنی از پنجره بیرون می آمد - چشم زن
به پنجره شکسته افتاد - هلال عید را دید که
از پنجره کله کشک می کرد -

هلال در گونه آسمان مثل پارچه نان پونک
زده و نظرش بی رنگ جلوه کرد -

هلال بی ارزش تر از کار د سگسته بی که
از خاک ربه های کوچه یافته بود، به نظرش
آمده چنین اندیشید که عید قربان با هلال نس
و باغش توپش چیزی بیپوده استند - چون
برای او عید وجود نداشت -

پسرک آرام نمی گرفت و همچنان بیسهم
می گریست -

زن بادر ماندگی گفت : (گریه نکو بس
اس ده صبح عیدس برت حلوا
می خرم برت شیرین می خرم د گه
چیز ام می خرم گریه نکوونه آسمانه سیل
کو ماه عیده بی هلال عیده بی که
حطوره ده آسمان ناز کنه میره)

و پسرک لحظه از پنجره شکسته ماه نور دید که
در گوشه پائینی آسمان ایستاده بود - به نظر
حالی که با انگشتش به ماه اشاره می کرد پرسید :
(مادر عید هوس ؟)

و مادر جواب داد : (بلی ، جان مادر ماونه
او عیداس)

پسرک ماه را دید که مثل پارچه نان پونک
زده - در کنار سرفه آسمان قرار داشت -

ذوق زده گفت : (مادر ! عید یک تونه
نانش ؟) و قلبش از این سوال درد گرفت -

اشک پایش جاری گشت - بغض گلویش را فشرود
با غریه گفت : (ها، ها، عید نانش) و غریه مجالش
نداد - صدای شرشر حشره گرسته دوباره بر -
خاست نباید او هم می گریست -

پایان

ژولون

هلال عید

پهلوی هم خوابیده بودند - در یک
کوشه سطلی نیمه از آب قرار داشت - دو کنج
دیگر کلبه قطی های خالی و مقدار هیزم بالای
هم انبار شده بودند -

دستک های سقف - سیاه و خمیده به
نظرمی آمدند - که در آن اشیای مختلفی را
آویزان کرده بودند - مانند طناب - سبد - بور -
یابی - هر یک دود زده و داس و تیر - از
پنجره شکسته نسیم خنک شبانگاهی به درون
می آمد و در لحاف تنگ و کم بخته نفوذ می نمود -
لحاف، سردی را گشاندند و به تن پسرک و
مادرش انتقال میداد -

پسر و مادر خود را در زیر لحاف کنج کرد
کرده بودند - سردی آزار شان میداد - پسرک
از آنسر سرما بیدار گشت - بسیار خنک
خورده بود، پنجه هایش گرخت شده بودند -
روده های خالیش قرق می کرد - معده اش از

گرستگی مالش می خورد - چون گر سته
خفته بود - چیزی نداشتند که بخورند - چیزی
نیافته بودند که بخورند - حشره کوچکی نیز
شرشر کتان ایشو و آنسو میرفت - او هم
چیزی برای خوردن نیافته بود - پسرک غلتی
زد و خود را بادرش فشرود - با چشمان نیمه
باز - مادرش را نگریست - مادر خوابیده بود

همانا انجام تحقیق پیرامون کتله، انرژی و تاثیرات

منظومه شمسی بالای گنبدیخ مانند بوده است.
دانشمندان گوشیده اند تا اندازه تابش و
انعکاس نور خورشید را در سطح گنبد معین
و اندازه گیری نمایند و همچنان سرعت ذرات و ب
شدن گنبد یخ را در روز های آفتابی اندازه
گیری نمایند. بر حسب اطلاعات واصله معلوم
گردیده که گنبد مذکور با داشتن مساحت (۱۸۰۰)
کیلومتر مربع و ضخامت (۶۵۰) متر در حدود
(۷۲۵) متر از سطح بحر ارتفاع داشته است.
از آنجاییکه در اطراف و جوانب این یخ (گنبد
مانند) پستی و بلندی دیده نمیشود برای
دانشمندان و سیاحین خیلی دلچسپ بوده است.
معمولا پس از باریدن برف در اثر وزش باد
های قطبی ذرات برف باهم تدریجا رسوب نموده
و در نتیجه همچو یخهای گنبد مانند را بوجود
می آورد. ضایعات وارده اگر احيانا بسو گسوع
پیوندد همانا ذوب شدن یخ در روز های
آفتابی میباشد جزیره «انقلاب اکویر» که
قسمی از نواحی مجموع الجزایر (زملیا) را
تشکیل میدهد یک جزیره قطبی بوده و یک
دشت رنگارنگ میباشد. سطح این جزیره توسط
یخ پوشیده شده که از مسافت خیلی دور در
برابر نور خورشید مانند شیشه ای برنگت آبی
مایل به سبز جلب نظر مینماید. در برخی از
قسمت های آفتابی این جزیره دیوارهای یخ
به چشم میخورد که سطح شیشه مانند را از
خطر وزش بادهای قطبی حمایت می کنند.
در بعضی نواحی دیگران این منطقه بعضا سبز و گل
نیز به چشم میخورد در یسن منطقه اندازه
و رطوبت نسبتی در سطح بحر و همچنان بلندتر
از آن در مدت یکسال معمولا از (۵۰ تا
(۲۰۰) متری میرسد ولی باید گفت که طبق
اندازه گریهای اخیر معیار رطوبت نسبتی در
گردن نواحی مستقیم تحقیقاتی «واویلوف» بین
(۴۰۰) الی (۴۵۰) متری میرسد علاوه باید
کرد که خصوصیات اقلیمی و شرایط جوی در
سایر حصص مجموع الجزایر (زملیا) به مراتب
مختل تر بوده است.

موانی و حیوانات مشهور یکیه در یسن
مجموع الجزایر جلب نظر میکند همانا گوسفند
های صحرایی و خرس های قطبی میباشد گنبد
از آن در برخی حصص مرکزی این مجموع -
الجزایر نمونه های از پرندگان نیز به سطح
میخورد که تاحال (۱۵) نوع آن توسط دانشمندان
ثبت گردیده است هکذا درین مجموع الجزایر
چندین جیبیل نیز به نظر میخورد که درواقع
ذوب شدن یخ. آب های آبنابیت به حدادی
چندین مرتبه بلند میروند. تاحال در حصه
موجودیت اجسام بیالوژیک درین مجموع الجزایر
کدام خبری نیست ولی دانشمندان مدعی اند
که امکان موجودیت این نوع اجسام در نواحی
گنبد (زملیا) بیشتر متصور است حقیقت

اینست که مجموع الجزایر (زملیا) در بسو
پیدایش بیابان نبوده است بلکه در اثر کتبیل
و سرانیز شدن کتله های یخ و تابش نور
خورشید (روزهای آفتابی) به شکل موجوده
تکامل نموده است در مواجیل این بیابان

نقشه در صفحه ۱۳

صفحه ۲۱



ترجمه بشر احمدی

از منابع خارجی

گنبدی به ضخامت (۶۵۰) متر در قطب شمال

گنبد یخ مانند که در اثر سرمای شدیدی
به کتله یخی مبدل گشته کدام انستیتوت
تحقیقاتی نداشت. در حالیکه اینک زیر نظر
تیم تحقیقاتی لیننگراد اخیرا یک مرکز ریسرچ
در موضع مذکره تاسیس و به کار انداخته
شده است.

سوال اینست که آیا در طی سه سال گذشته
در مجموع الجزایر (زملیا) چه نوع کارهایی
صورت گرفته است؟ در جواب باید گفت که
مهمترین کار های انجام شده درین موضع

طیاره کار مشکلی نیست و روی هر فته مردم
میتوانند ذریعه یک پرواز مستقیم خویشتن را
به مرکز گنبد (زملیا) برسانند. دانشمندان
مدعی اند که در هنگام پرواز طیارات نوع
(ان ۲-) باد های خیلی تدریدی از طرف
شمال بطرف جنوب میوزد که البته وقت پرواز
طولانی تر میگردد. حقیقت اینست که محل
مذکره توسط دانشمندان شوروی به حیث یک
مرکز ریسرچ تعیین گردیده و فعالیتهای چند
جانبه در آن ادامه دارد. تاحدی قبل نیز
مرکز تحقیقات قطب شمال در مرکز ایسن

گنبدیایکه در مجموع الجزایر زملیا واقع
بوده و بحیره لایووف را از بحیره کادرا جدا
میسازد اکنون بیحث نمونه ومدل تحقیقاتی
مورد استفاده دانشمندان فرا داشته است.
یکی ازین گنبد ها که (واویلوف) نام دارد
در فاصله یک هزار کیلومتری مرکز مجموع الجزایر
(زملیا) موقعیت دارد. از سه سال به اینطرف
دانشمندان شوروی درین محله مصروف انجام
یکسلسله تحقیقات و تبعیبات علمی میباشند.
دقتن به مرکز مجموع الجزایر (زملیا) ذریعه



ترجمه و تنظیم: میرحسام الدین برومند

امروز در تمام جهان ۱۶۰۰۰۰۰۰۰ طفل زندگی و ۳۶ فیصد نفوس کره زمین را میسازد

از ۷- سپتامبر الی ۱۰ سپتامبر کنفرانسی به سویه جهانی پرامون یک آینده خوشبخت و یک فضای آکنده از صلح برای همه اطفال به استراک نمایندگان ملل زیادی در یسر گردید و ضمن آمادگی های در جریان سال بین المللی کودک تجاویزی اتخاذ گردید. به ناسی ازین امر اینک گزارش در زمینه ارائه میگردد:

یک زندگی خوشبخت و آینده کاملاً سعادتبار برای همه اطفال جهان آریست که همه والدین آنرا خواهند یافت. با نظر دانستن این اصل نماینده گان مختلف امور اجتماعی، دانشمندان و ارگان های مذهبی در کنفرانس، روی حقوق طفل تاکید بعمل آوردند. «رامش چندرا» رئیس سازمان صلح جهانی که وظیفه انعقاد جلسه را برعهده

بسیگردد گفت که سال بین المللی کودک در حل سیری شدن است، مگر به اطفال چه کمک می شود کرد؟ با اختصاص دادن سالی بنام سال بین المللی کودک، یک کنفرانس و یاروز جهانی کودک برای پروولیم های فراوانی که اطفال بدان روبرو اندو برای حل این سوال عمده بشریت چه مفادی خواهد داشت؟؟ در واقع مفاد زیادی دارد و ارج گذاشتن به مقام کودک است اما حکومتات ملل گیتی باید در صدد راه حل و پروولیم های اطفال شان باشند و مسؤولین امور را از فامیل گرفته تا مراکز تربیوی بطور جدی متوجه



مسئله حقوق اطفال در کنفرانس مسکو مورد بحث و ابرای قرار گرفت. اطفال نیازمند صلح عام و نام اند.

وظایف شان سازند بهمین منوال هر فرد در صدد آن باشد که اعلامه حقوق طفل که بیست سال قبل توسط ملل متحد فصله آن صورت گرفته بود تا چه حد عملی گردیده است و خود در راه تحقق بخشیدن اعلامه مزبور حاکم کرده میتواند؟ فرید ابراهون و نیسه سازمان بین المللی دموکراتیک زنان که جزو سهیم گیرندگان کنفرانس بوده با اتفاق حاضرین مجلس بحث رئیس کنفرانس انتخاب و در مورد

دانشت ضمن کنفرانس علاوه کرد: اگر قرار باشد که کشوری کودک ندانسته باشد، کشور مزبور آینده ندارد، ما بزرگسالان در واقع کودکان دیروزی هستیم که بزرگ شده ایم تنها با این فرق که اطفال امروزی ضمانت خوشبختی خود را کرده نمیتوانند و آن بجهت آنکه در بسیاری جوامع سیستم استثمار مسلط است. گذشته از همه نداشتن آگاهی هاو سختی های فراوان ملل جهان مابه ناراحتی کودکان

تواند ناشی از این باشد یک دکتور برای ۴۴۰۰ کودک شیا هیوست می رسد در حالیکه برای ۴۰۰ نفر سفید پوست یک دکتور خدمت میکند. (۶۰۵) نفر چکاه برای اطفال سفید پوست و فقط (۴۰) نفر چکاه برای اطفال سیاه پوست است. سیاه پوست ها خسته شده و به همین ترتیب معاش یک معلم سیاه پوست متناقصه و یا یک چپساروم حصه معاش یک معلم سفید پوست است و این بدین مفهوم که زنده برترتیب اعلامیه حقوق طفل اکثریتی آن نیز رعایت نمیگردد. در کشورهای غربانه داری و خاصاً کشورهایی که مسابقات تسلیحاتی در آنجا مسلط است فرق فاحشی دیده میشود و این بدانجهت که هزینه های گزافی صرف تولید سلاح ها گردیده و فقر راسب شده است. در شرایط موجوده در اضلاع متحد امریکا که غنی ترین کشورهای کابینالیستی است جیل فیصد اطفال در مریضی و نا توانی مادی بسر میبرند. درجه مریضی و نا توانی آلمان (۱۰۰۰۰۰) طفل بهسری زندگی را نصیب اند حالانکه (۷۰۰۰۰) طفل دیگر در آنجا حتی از داشتن بستر خواب محروم اند. (۶۰۰۰۰۰) کودک کمر از باز زده ساله در ایالتا (۲۰۱۰) ساعت روزانه برای گرفتن مزد و رفع گرسنگی ساه ترین کار ها را انجام میدهند و چه دلخراس است که بخاطر رعایتی از فقر و زندگی فلا کتبار از سال ۱۹۶۴-۱۹۷۴ شمار خود کشی بین اطفال پنج الی چهارده ساله دوجندان شده. در کنفرانس روی سلوک والدین اساره بعمل آمد تا والدین سلوک خود را در برابر کودکان تغییر بدهند. شاملین کنفرانس خلغ سلاح جهانی و اقام موثری برای رهایی اطفال از رنج، فقر و مریضی وانمود کرده گفتند که هدف عمده کنفرانس شانرا خلغ سلاح تشکیل میدهد. بدان منظور که سالانه در جهان (۴۰) میلیارد دلار برای تجهیزات و سلاح به مصرف میرسد فقط یک فیصد پول متذکره کافی است که هم طفل گرسنه نماند. یک ژورنالیست ایتالیایی میگوید که با آن پول میشود یک موسسه کارگری برای جذب (۵۲۰) نفر دانشت و این تعداد اطفال را در آن بکار گماشت. با پول یک (اف ۱۴) میشود که مکتب ساخت. برای ساختن قارق های تحت الارضی ایتالیایی ها حاضر پول مصرف گردید که میشود با آن برای ساختن میلیون طفل وسایل درسی و آموزشی فراهم آورد. پس خانه دادن به

مسابقات تسلیحاتی حلال این پروولیم میتواند بشمار آید با ایشم اگر دو زمینه مسابقات تسلیحاتی صرفه جویی بعمل آید تا سال (۲۰۰۰) میلادی بروولیم کودکان جهان حل میگردد. در اثر فعالیت های امپریالیزم است که از اثر آن فرگ اطفال فوس صعدوی خود را بجاوده از هر هزار کودک (۱۵۰) نفر نوزاد، ۱۱۳ نفر میمیرد. خوار از جمله هزار کودک میمیرد. حدمعباری

بروولیم های کودکان در کشور های جهان اشاره عیوطی نبوده و راه های را برای بهبود وضع کشور ها نشان نمیشناسد. در تمام جهان (۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰) کودک زندگی میکند که ۳۶ فیصد نفوس کره زمین را میسازد که (۳۰۰۰) لسان تکلم میکنند که اساس این همه طفل بایستی وظائف برترتیب های حقوق بین المللی کودک بدون تعصب و مصله را بر سر رنج، جلد، جنسیت، اصلیت، نژاد و غیره از آن هاوارسی بعمل آید. خوردن و پوشاک و ادویه لازم را ایشان داده شود لکن پس از اعلامه حقوق طفل در طول این بیست سال تغییراتی در زمینه رونما گردیده است. آنگاه اگر کشور ها که بطور واقعی خود دست یافته و به استعمار و بهره کشی پایان بخشیده اند اطفال شان از حقوق اصلی خود محروم گردیده است که این مطابق برترتیب های اعلامیه حقوق طفل است. در بسیاری از کشورهای آسیا، افریقا و آمریکای لاتین معاشی شبه چانه بخاطر حفظ اعلامیه، تربیت و غیره مزبور گردیده است لکن تلاش های استعمار، ارتجاع، استعمار و تواف برتری عواقب مخرب و نیاه کن برای اطفال و موقعیت آنان بار آورده است که آنرا میتوان پس تراژید خواند. آنجا که جنگ مسلط است اطفال هم میمیرند و این بخاطر تربیت که پس از سال ۱۹۴۵ امپریالیزم مسؤول (۱۱۵) جنگ خوانده شده برسمیل حال از هر صد مرده و یا زخمی شدیده در خاک ویتنام (۶۰) نفر اطفال بوده اند، این جنگ (۱۰۰۰۰۰) تنم بجا گذاشت در اثر حمله چین برخاک ویتنام شعار قربانیان ویتیم های آن به هزاران تن رسید که بسیاری عکاتب و کودکان ها نیز تخریب گردید. عده جنگ در لبنان (۵۰۰۰) طفل را بلعد. عده کشری از اطفال معصوم عربی در اسارت نظامیان اسرائیل گرفته شدند که مجموعاً (۲۷۰۰۰۰) طفل در تحت شرایط غیر قابل تحمل در سر پناه های دشمن زندگی میکردند. بعنوان برده ها زندگی فلاکتبار ادامه دادند که این همه و همه از جهت تدابیر دیکتاتوران زور گویان و استعمار گران ناشی میشود. کنفرانس دهندگان در مورد وضع و رفتار کودکان خیلی که اخیراً دست به اعتصاب نخوردن غذا زدند و علت آن همان سر نوشت شوم و گذشته و از دست دادن والدین شان میباشد. نظریه احصائیه های دقیق سالانه یکصد میلیون طفل متوال میگردد که تعداد میلیون بدون کمک های لازم در یافتن ادویه رنج و درد، دست و پای میزنند از هر پنج طفلی یکی آن قبل از رسیدن بسن پنج سالگی میمیرد. فعلاً (۶۰۰) میلیون طفل در منتهای گرسنگی نفس میکشند مگر مسؤول این امر جز امپریالیزم دیگری میتواند باشد؟

در حال حاضر ایتالیایی و نژاد پرستی بیحد اوج گرفته است از همین باب است (ترانسکای) که مربوط به قلمرو سیاحتان افریقا است (۲۱۶) طفل از هر هزار از بی توجیبی میمیرد. در (بوئانسایروس) از هزار هزار نفر (۹۵) طفل سیاه و (۸۰۷) نفر از هر هزار کودک سفید بوستان میمیرند. آخر چرا ایشمه تا قضا؟ در انسر



۱- آقو بیگو ووز «در میان جمعی از با یسکل سواران حین مسابقه و تصویرنهایی

عرضه کنیم و احساسات انسانی را به کاوش گیریم. الحق (نما) بشنا می‌باغنده های برقی (نما) بشنا می‌مدرنی بوده است

در تیاتر بالشوی بار بار گوشت های متعددی از زندگی مردمان آنکاس یافته و از تحقیقات در مورد انسان های کدر خیمه ها با مشقت اطفال شان را بزرگ میساختند گرچه تا انسان ها نیکی به چشمگیر ترین کشفیات و ترقیات نایل آمدند و در نهایت تضاد میان نو و کهن

۰۰۰ ودر تیاتر بالشوی بود که چهره فروز از هنری دیگری با درخشش خاص نور افشانی کرد (ایزادورا دولنگاف) وی را بشنا نگذار و رقص (دانس مدرن) می



۲- (ایزادورا) کودکانش را در آغوش کشیده

خوانند ودر واقع همین (ایزادورا) بود که صنعت رقص های مدرن قرن بیست واطرح ریزی کرد و هم او بود که اینکارات او در زمینه رقص محافل (سازو رقص) را متأثر ساخت وی از نخستین ایجادگران عشا به هنری است که زادگاهش را بدو اتحاد شو روی ترک گفت و آنجا بهطور د ستجمعی پس از یوسن با سایر حلقه های هنری رقص، واضح صنعت های بخصوص هنری خاصا در زمینه رقص شد

(آناتولی لونا تستاسکی) یکی از کمیسار ها در شوروی میگوید: گرچه رقص دانس وی زیاد دلچسپ است لاکن دلچسب تراز همه اقامت اودر روسیه انقلابی پس قابل تمجید و تحسین است. موصوفاصلا به تواد «دیرین» متعلق بوده که درایرینکا تولد یافته است، کودکی پیش نبود که برقص علاقمند گشت نامبرده چون استعداد شایانی در خود میدید دنباله او استعدادش گردید ودر فرجام استعدادش برای او افتخار آورد. رقصی که (ایزادورا) آنرا بوجود آورد دو پهلوانت رقص مدرن وکلاسیک این رقص به گونه دیگری اجراء میشود و غیر ازرقص های باله، سباز و بیرو ویت رقص کاملاً متحرک که دریک آن همه اعضا باهم مشاخصی که از طرف رفا صیدان داده شده بود، به اطراف وجود بشکل مجزوه آسای می‌چرخند (ایزادورا) معمولاً با پای برهنه میرقصید. این رفا صیدان

بین المللی کودک، در واقع پایه مستحکم است برای تحقق اعلامیه و حقوق طفل که کشور های عضو مال متحد در زمینه تحقق بخشیدن مرام این کنونیون بایست بیشتر بکوشد بطور قطع کنفرانس مسکو آغاز گردید. با توجه به اینکه اتحاد شوروی و تمام کشور های سوسیالیستی همه وقت به تمامی حقوق بشری بالخاصه حقوق اطفال توجه جدی داشته و زمینه را برای رشد کودکان در فضای عاری از استعمار فراهم آورده اند

طراح رقص (دانس) مدرن و تیاتر بالشوی

خان تونی (بود که توسط هنر پیشگان لیننگرادی «ناتالیا کاساتکینا» و «ولادیمیر واملوف» اجرا شد درین بارجه سعی شد بود که هنر تخیلی را از طریق آتشی دادن رقص با ساز تبارز دهند و کمی بعد تیاتر بالشوی به مرحله سوم با گذشت ایرای (باغنده های برف) از نیکولا ریپسکی کو رزاکوف، در بلان نمایشات تیاتر بالشوی پذیرفته شد سر دمنه موزیک. الکسندر لازارف «ایرای مد کور را چنین تعریف کرده بود: بنظر من این یک قصه شعر گونه برای کودکان نیست ما درین بارجه نمایش سعی ورزیدیم که این بارجه رانه بشکل انسانی ها ی کودکانه بلکه بشکل انسانی که بیاتر خصلت های نیک انسانی با خند

سن در کشور های پیشرفته (۶۰) سالگی و در سایر کشورها (۵۶) تثبیت گردیده که معمولاً به (۴۶) سالگی نمیرسند جهانیان با درک رسالت های عظیم انساندوستی بایستی به تواد پرستی جنگ و غیره خاتمه داده و برای مدارک دارو، لباس، غذا، هنر، سیورت و غیره برای دطفال بکوشند. با مقررده حقوق طفل تحقق یافته با سوسی و نشمین اجلاسیه کمیسیون حقوق بشر قرار است در فروری ومارچ (۱۹۸۰) در ژنو دایر گردد اما کنفرانس منعقد مسکو در مورد حقوق طفل به ارتباطات

در تیاتر بالشوی در مسکو نشنا میساختند تو سطر ای کونیست هنگری «ایلابار» کورک تمثیل یافت که از روی علامه نشنا میساخته از «موریس میتر لنگ» که اسرار یک قصه مرمروردا از آنسوی هفت دروازه تاریک نشان میداد. برای بار اول تپیه و نمایش داده شد. و در آن از دود مریش آبی و روح پراز در دواله او در نظر نماشا گر برده برداشته شد که انتباهی بود در نما بشنا میبارجه هنری مذکور علاوه هنر پیشگان هنگری از رژیسور ایرای بودا بست اندراس میگو، رئیس موزیک «جانوس فر سیرک» نیز دعوت بعمل آمده بود. واما نخستین ایرای گومیک از فولکاک ناک آمادویس موزارت (بنام (کرووی ناک آما دویس موزارت بنام کرووی



۳- (ایزادورا) اینبار شوهر ساعش

تر از سرود ها نیکی از روی سمنونی های معروف تهیه شده بود، میرقصید، بلون بعضی هنری دیگران به هنراو خیره میشدند (ایزادورا) تکنیک های فراوان به هنسر رقص بخشید و روی داد، رقصی که وی طراحتی است بر رقاصه تسلط میبخشد که بر همه حصص و نقاط وجودش حاکمیت پیدا کند حتی بر قسمت های غیر ارادی چون پلک ها و غیره. رقص های را که ایزادورا ایجاد کرد بود همه را بوجود میآورد از نیرو ست که نقد نویسی متذکر میگردد: رقص های (ایزادورا) منبع خونی های بی با بایست در چون ۱۹۲۱ بود که در اتحاد شوروی ازین هنر پشه صاحب نام از طرف مقامات هنری دعوت بعمل آمد. وی در خاطرات زندگیش میگوید به محض آنکه در خاکش روی در محلی بنا به (دینال) با گذاشتن قلبه تند راز هیشه میزد و بمن نوید میداد: خوش باش که تو در سر زمینی آمده ای که اصلاً دیگر چیزی بنام استثمار وجود ندارد، پس من دراصل در جهان نوینی پا گذاشته ام (ایزادورا) همواره بدین اندیشه بود که رقص درآینده چشملی بخود خواهد گرفت و تکامل آن چگونه خواهد بود؟ بهین ملحوظ میکنم مذکور واضح میتود های بشنا ر هنری در ساحة رقص میباشند که به حلقه های هنری و برای رقاصه ها بهار ت گذاشت. امروز در مکاتب و مراکز بیشمار از هنر وی استفاده میشود. وی با روی در مورد مو قف اجتماعی اطفال گفته بود: من برای همه کودکان جهان سعادت معیشت و تادابی میخواهم امروز در مکب هنری که بنام (ایزادورا) مسماست و دریک ویلائی فنشنگ بنا یافته، متود ها ی رقص نامبرده به سایر بس تد ریس میشود. رفا صیدان متاد کور جبل نظر رابه عنوان شاگردان ممتاز بر گزید که یکی از آن دختر خوانده اش بنام (ایزادورا) بود که از ۳۰ دسمبر ۱۹۲۱ ترف بنات اساسی را با وی آغاز نمود کنون در پهلوی سایر پلان های آمو زشی

هدف عمده دیتانت

موافقه بین المللی در مورد عدم استعمال قوه در روابط بین المللی تکمیل گردد- نتایج چنین موافقه مسلما دست آنها نیراکه خواهان مسابقه تسلیحاتی و حتی خواهان بکاربردن آن می‌باشند می‌باشد.

همچنان سی و چهارمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد باید توجه خاصی خود را به انکشاف و خیم در سرق میانه معطوف دارد. معامله جداگانه مصر و اسرائیل که علیه سعادت خله‌های عرب و دروغی آنها عذر گردیده است بطور خطرناک و وخیمی تشنج را در این منطقه تشدید نموده است. یکی از نتایج ناگوار این معامله تشدید عملیات تجاوز کارانه اسرائیل است.

انتظار می‌رود این اجلاس فرصت خواهد یابد با موافقه مشترک کشور های راکه از داعیه عادلانه خله‌های عرب حمایت می‌دارند بپذیرد و به حل مناسب و پایداری مساله شرق میانه با شرکت تمام احزاب (بشمول سازمان آزادیبخش فلسطین به منابه نماینده قانونی فلسطینی ها نایل آید. برای نیل به یک صلح پایدار در شرق میانه باید فیصله های شورای امنیت

اسامبله عمومی در دست اجرا قرار گیرد اتحاد شوروی بطور خلل ناپذیر خواهان صلح عادلانه و مصون در این منطقه می‌باشد و انتظار دارد. اسرائیل از سرزمین های اشغالی شان ۱۹۶۷ رانده شوند و حقوق انکار ناپذیر فلسطینی ها به سمول حق تشکیل دولت مستقل اعاده گردد که مسلما این امر امنیت کشورهای این منطقه را تضمین خواهد کرد.

از طرف حلفائلیارلیستی امپریالیزم تلاس های مداوم بکار برده می شود تا ملل متحد را از موضع آن در مورد مساله حل نشا شده سایبر یوت خارج سازد. چنین مانورهای نامرئی چیزی جز مخالفت با خلق سایبر یوت نمی‌باشد. ملل متحد تصامیمی را مبتنی بر اصول اساسی اتخاذ کرده است که برای حل این مساله کمک می‌نماید.

سی و چهارمین اجلاس ملل متحد قادر است نقش مهمی را در حمایت از مبارزات آزادیبخش خله‌ها بر ضد استعمار نژاد پرستی و آپارتاید ایفاء نماید.

این سوال تاریخی باید در مورد اثر بقای جنوبی حل و فصل شود:

آیا زبانی و نامیبیا استقلال واقعی خویش را کسب خواهد کرد و یا اینکه اسیران استعمار نو باقی خواهند ماند؟

قرارد و دوستان غربی آنها مانور های تازه را بکار می برند و صرف با تغییران شکلی میخواهند رژیم های دست‌نشانده و فادار خود را با خلق این سرزمین تحمیل نمایند. ملل متحد باید تدابیر عورتی بکار برد تا صورت فوری قدرت به نمایندگان اصیل خلقهای این کشور ها (لرو های وطنپرست زه‌باری و نامیبیا) انتقال یابد.

سیاست آپارتاید که بر سیمه زعامداران افریقای جنوبی بر علیه سیاه پوستان بکار برده میشود باید به شدت متکوم گردد.

بقیه در صفحه ۴۷

ژولینون

مصونیت می‌باشد حمایت می‌کرد.

طرح مسوده مواد عمده قرار داد منع سلاح های رادیو لوزیکی یکی از نتایج مذاکرات این سوروی و امریکا در کمیته خلع سلاح می‌باشد. یفینا این امر یک قدم مثبت در راه فراهم آوری امکانات جلوگیری از تولید ذخیره و استعمال یکی از خطرناک ترین سلاحهای کستار دسته جمعی به شمار می‌رود. اکنون ضرورت آن احساس می‌شود تا این مسوده هر چه به سرعت ممکنه مراحل نهایی خود را طی نماید تا در عرض خلع سلاح یک موافقه دیگر پذیرفته شود.

علی‌الرغم انکشاف مذاکرات شوروی - امریکا و برنایان درباره منع آزمایشات سلاح های هستوی، طرح مسوده قرار داد این مساله به صورت غیر عادلانه به تاخیر مواجه گردیده است. اتحاد شوروی بطور ثابت قدم در راه عقد موافقه های بین المللی پیرامون این مسایل مساعی بفرج می‌دهد و عقیده دارد که سی و چهارمین اسامبله عمومی توجه ویژه خود را درباره این مسایل معطوف خواهد داشت. توجه زیاد مجدد باید به مساله عدم انتشار سلاح هستوی معطوف گردد. گسترش (مجمع هستوی) به جامعه بین المللی خطرناک است.

این خطر بیش از همه در جاه طلبی هستوی افریقای جنوبی، اسرائیل و بعضی کشورهای دیگر بخوبی نمایان بدست آوردن سلاح های هستوی بوسیله کشورهای که پیوسته علیه همسایه‌گان خود مرتکب فعالیت های تجا وز- کارانه می‌گردند- سرزمین های اجنبی را با استعمال قوه تصرف می‌نمایند و آزادی خله‌ها را حذف می‌دارند تا با تسبیح و خمی را برای صلح بار می‌آورد.

همچنان درسی و چارمین اجلاس باید تدابیر جدی اتخاذ گردد تا کنترل شدید از جانب نمایندگی بین المللی انرژی اتومی بالای استعمال تکنالوژی و مواد هستوی توسط دول غیر هستوی وضع گردد و مساعی اعظمی بفرج داده شود تا اعضای پیمان عدم انتشار سلاحهای هستوی افزایش یابند.

بر علاوه اخذ تدابیر جهت تقلیل مسابقه تسلیحاتی باید مساله تضمین سیاسی و قانون امنیت کشور ها مورد بحث قرار گیرد اکثریت اعضای ملل متحد خواهان اند، از استعمال قوای هستوی و سلاحهای قرار دادی اجتناب بعمل آید. و روابط بین المللی در چار چوب موازین ملل متحد بر قرار گردد. معذا نیاز مبرم است تا با سرعت هر چه ممکنه مسوده یک

زیاد اکنون منوط به توقف دادن مسابقه تسلیحاتی می‌باشد.

همچنان حل مساله خلع سلاح اهمیت معدم کسب کرده است که حل بسیاری از مسایل دیگر جهانی منلاء تهیه انرژی و غذا، امحای امراض، نافع ساختن منابع ابغارو فضای خارجی و رفع عیب ماندگی بسیاری از کشور ها را تسهیل می‌نماید.

اجندای سی و چهارمین اسامبله عمومی ملل متحد تقریباً شامل بیست موضوعی بوده که با خلع سلاح ارتباط می‌گرفت که بسیاری این موضوعات در ملل متحد به ابتکار اتحاد شوروی سوسیالیستی دیگر مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت.

سلاح های هستوی به صورت مشخصی برای بشریت و برای موجودیت هر چه بیشتر زمین خطرناک می‌باشد این امر جوابگوی این سوال می‌باشد که چرا برای خلع سلاح هستوی توجه دوچه اول معطوف گردد؟

اتحاد شوروی به همراهی کشورهای دیگر سوسیالیستی در کمیته خلع سلاح پیشنهادی را پیرامون پایان دادن تولید تمام انواع سلاح های هستوی و تقلیل تدریجی و امحای کامل ذخایر آن طرح نموده است. اتحاد شوروی و متحدین آن در سال جاری همواره مذاکراتی مناسبی را با دول دارای نیروهای هستوی و همچنان با دول غیر هستوی بر اه انداخته است. این ابتکار به صورت همه جانبه در کمیته خلع سلاح از جانب کشور های غیر منسلک و تعدادی از کشورهای غربی حمایت گردید. بهر حال بحث روی این مطلب از سبب مقاومت سردمداران امپریالیزم و متحدین آن به تاخیر افتاد.

به منظور پاسخ به خواست بسیاری از کشورهای غیر هستوی، و به منظور تضمین امنیت آنها اتحاد شوروی از سال ۱۹۷۸ اعلام دانست که هیچگاه از سلاحهای هستوی دست داشته خود بر ضد کشورهای که تولید و بدست آوردن این سلاحها را تحریم می‌نمایند استفاده بعمل نخواهد آورد. ابتکار اتحاد شوروی درسی و سومین اسامبله عمومی برای تشکیل مجلس تضمین امنیت به کشورهای غیر هستوی و مذاکرات مفیدی که پیرامون این مساله بعدا در کمیته خلع سلاح آغاز یافت شد هد آفات این امر می‌باشد. بر گذاری چنین یک مجلس اکنون از جانب اکثریت کشورهای عضو ملل متحد که از تهدید سلاح هستوی خواهان

سی و چهارمین اجلاس عمومی ملل متحد در ۱۸ سپتامبر در نیویارک گشایش یافت.

این مجمع که از اشتراک نمایندگان ۱۵۱ کشور جهان تشکیل یافته است، چنانچه آنها به یکدیگر از قدرت ترین و باصلاحیت ترین سازمان های بین المللی می‌نمایند ملل متحد با اشتراک خله‌های دیگر جهان به هم اساسی و عمده را در راه جلوگیری از جنگ، استحکام صلح، کاهش مسابقه تسلیحاتی ذیل به خلع سلاح ایفاء نموده است.

اجندای سی و چهارمین اجلاس این مجمع را تقریباً بیش از ۱۲۵ موضوع تشکیل میدهد ولی موضوع عمده راکه نمایندگان کشورهای مختلف بر آن تاکید می‌ورزند مساله دیتانت است.

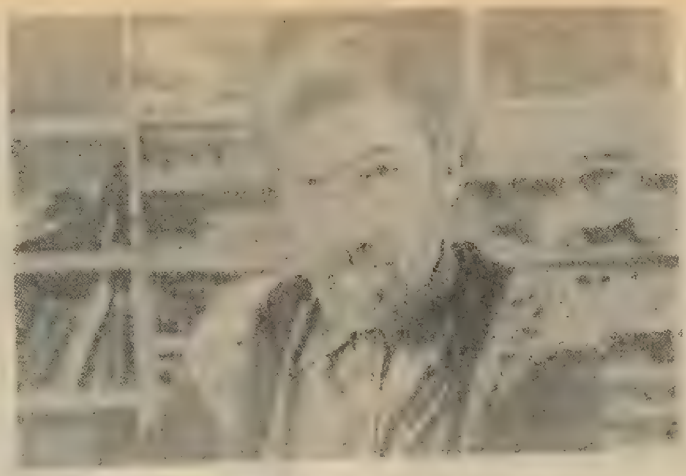
دیدار اخیر برنرفس کارتر در وینا و امضای قرارداد سال ۲۰ فرصت مساعدی را برای مساعی هر چه بیشتر ملل متحد در راه استحکام صلح جهانی و دیتانت سیاسی و نظامی فراهم ساخت. ملل متحد بایست از چنین فرصتی به نفع بشریت استفاده بعمل آورد.

تحقق دیتانت مساعی مشترک تمام کشور ها را بدون در نظر داشت ملحوظات سیستم اجتماعی و صنعت فلهرو، موقعیت جغرافیایی، انکشاف اقتصاد و صرف نظر از اینکه عضو بلاک های نظامی می‌باشند یا خیر نیازمند است. بناء مجمع عمومی ملل متحد میدان و فرصت مناسبی دارد تا تدابیر لازم جهت پیشبرد جریان دیتانت اتخاذ داشته و آنرا به تمام قاره ها و وسعت د همد انکشاف بین المللی نمایانگر آنست که در برابر امر دیتانت تا هنوز مخالفین بی شماری موجود است که فعالیت آنها از انظار دول دوست ملل متحد دور نیست. سرانجام گون،

ملیناریست های نا تو و حلفاء نظامی صنعتی غرب بلان های را برای تسریع هر چه بیشتر وسایل تسلیحاتی گسترش میدهند و می‌گوشتند تولید سلاح های جدید با ایستکی و غیره را تحت عنوان صف آراییی اروپای غربی توسعه دهند و آنرا علیه اتحاد شوروی بکار برند.

تبلیغات کرم و زهر آگین علیه اتحاد شوروی بکار دیگر برای کتمان این بلان های خطرناک بر اه انداخته شده است. از مدت ها به این طرف، بدترین دشمنان صلح از جانب متحدین چپ‌نمای امپریالیزم حمایت می‌کردند تا نیروی هستوی خویش را با برده و در جستجوی (تدارک یک جنگ جدید) می‌باشند.

آینده دیتانت و امنیت بین المللی تا اندازه



کتاب

نمایشگاه بین المللی کتاب در مسکو

خالد

صلح

نمایشگاه گزاشده سده است *
 يك تعداد زياد از موسسات شوروي غرض
 مفاهمه با اشتراك كنندگان در زمينه نشر كتاب
 آحادمي گرفته بودند و هم يك تعداد از
 ناشرين كتب اتحاد شوروي كه در آن كشور
 به نشر ادبيات كشور هاي ديگر مي پردازند
 در بهلولي غرفه هاي كشور هاي خارجي را ي
 خود غرفه هاي باز نموده بودند همچنان در
 آنجا چاشات درين نمايشگاه مذاكراتي در

براي اينكه اقامت اشتراك كننده كان نمايشگاه
 در مسكو براي شان مفيد و خوس گوار بوده
 باشد يك پروگرام وسعي غرض فراهم هم
 ساختن هرگونه تسهيلات براي شان در نظر
 گرفته شده بود *
 فعاليت غرض خريداري حقوق الامتياز چاپ
 كتب ادبي علمي وهنري غرض ترجمه ونشر
 دوباره آنها به كمك (موسسه حق الامتياز)
 شوروي صورت گرفته است خريداري كتب
 آماده شده همه بوسيله موسسه سرتاسري
 كتاب بنام (متردو نرو نايبا كتيكا) صورت
 مي گيرد *

شعار نمايشگاه دوم بين المللي مسكو
 (كتاب در خدمت صلح و ترقي) است و اين
 اولين نمايشگاه است كه اشتراك كننده كان
 آن با خود قبلا تصميم گرفته اند تاجه نوع كتاب
 را با در نظر داشت شرايط اشتراك و مواضع
 اشعار نمايشگاه با خود به مسكو بياورند *
 كتيكه مفاير اين شعار و شرايط اشتراك در
 نمايشگاه مسكو بوده است به نمايش گذاشته
 شده است *

در نمايشگاه امسال به تعداد موسسات
 چاپ و فروش كتاب از ممالك سرمايه داري
 بيش از چهل موسسه ديگر نسيب به نمايشگاه
 اول افزايش بعمل آمده در اين نمايشگاه
 دوسسات چاپ و فروش كتاب از كشور هاي
 بلجيم ايتاليا * ناروي * ايالات متحده امريكا
 سويدين و جاپان وهم انستيتوت ملي كتاب
 از اسپانيا و مركز فرهنگي برتانيا اشتراك
 نموده اند *

در اشتراك وسهم گيري كشورهاي روبه
 انكشاف نيز افزايش بعمل آمده است آثار
 ادبيات كشور هاي الجيريا انگولا ارجنتاين
 بنگله ديشي كانا، هند، كانزو، لبنان، مكسيكو
 كشور هاي آسياي افريقايي و امريكاي لاتين
 به نمايش گذاشته شده است *
 كشور هاي بوليويو، ماليزيا، تابلندفيلين
 ولاييريا براي اولين مرتبه درين نمايشگاه
 حصه گرفته بودند *
 از چنانكه اين نمايشگاه در سال بين-
 المللي طفل و در آستانه شروع بيست دومين

دومين نمايشگاه بين المللي كتاب با شعار
 (كتاب در خدمت صلح و ترقي) به اشتراك
 دو هزار موسسه و شركت چاپ كننده كتاب
 بيش از هفتاد كشور جهان ملل متحد،
 يونسكو، كوميكان، سازمان بين المللي
 كار و نوگر موسسات بين المللي در مسسكو
 كتابش يافته است درين نمايشگاه بيش
 از يكصد و پنجاه هزار كتاب به نمايش گذاشته
 شده است *

بمناسبت تدوير اين نمايشگاه ليوندير يزيف
 پيام سادباني عنواني اشتراك كننده كان نمايشگاه
 فرستاده است و ي در پيامش اظهار اميدواري
 كرده تا كتب به نمايش گذاشته شده تا اندازه
 زياد موافق به شعار اين نمايشگاه (كتاب در
 خدمت صلح و ترقي) باشد *

وي همچنان گفته است كه عقیده دارد دومين
 نمايشگاه بين المللي كتاب در مسسكو زمينه
 بهبود همكاري واقعي را بخاطر تبادل بهتر كتب
 در بين ممالك اشتراك كننده، ايجاد مي نمايد
 و هم هم در انكشاف كلتوري همكاري فرهنگي
 و نوبه هسانگي نيك در بين اين كشورها
 ميلات را فراهم خواهد ساخت *

در دومين نمايشگاه بين المللي كتاب در
 مسكو به تعداد اشتراك كننده كان ۱۹۷۷
 نمايشگاه اول كتاب " بر تايير شده بسود بهتر است
 كه در نمايشگاه اول كتاب به تعداد يك هزار
 و پنجاه موسسه نشر كتاب از ۶۷ كشور
 جهان اشتراك نموده بود در حاليكه درين
 نمايشگاه تنها در تعداد كشور ها، موسسات
 سازمانها افزايش بعمل آمده بلكه ساحه
 نمايشگاه نيز توسعه يافته است *



سازمان از ابتدای تحصیل به کتاب و کتابخانه
 علاقه نشان میدهند





وظایف جوانان

امروز جامعه مادر مرحله گذار از کهنه به نو فرار دارد و البته ناگفته نباید گذشت که در این گذار جوانان ما نقش ارزنده و سهمی بزرگی دارند. برای سازندگی و تعمیرات افغانستان جد بد و شگوفان کسب تمام افراد آن زندگی آرام و معنوی داشته باشند باشند جوانان ما وظیفه دارند تا با کار و بیکار انقلابی این زمینه را مهیا سازند. این امر وقتی میسر میگردد که جوانان ما وظایف خویش را بدروستی بدانند و با بیکار انقلابی وظیفه اصلی و ایمانی خود را که عبارت از بسواد ساختن افراد بی سواد کشور است بصورت عملی انجام دهند.

امروز کشور های مترقی که توانسته اند جامعه فاقد استثمار فرد از فرد را بسمان گذارند همه از برکت تلاش جوانان مبارز و برآوان و بادرک آنان است که در راه معنوی سواد با دولت های خویش همکاری صمیمانه نموده اند. دست یافتن به یک زندگی ایده آل ناممکن است مگر اینکه انسان سواد و دانش مترقی داشته باشد.

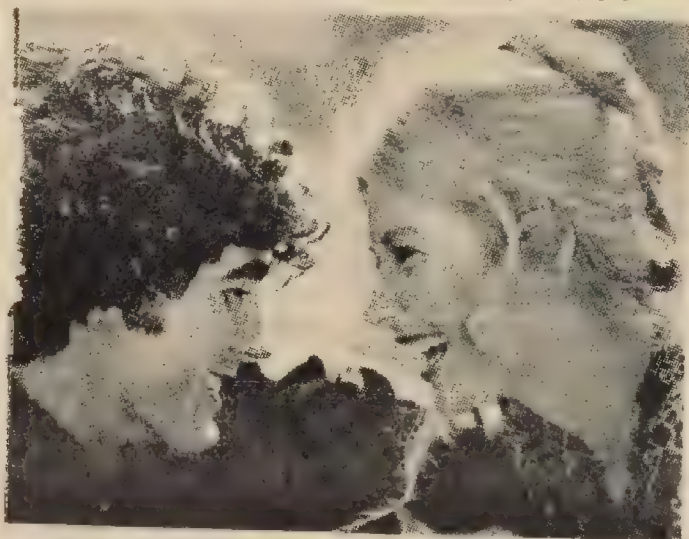
امروز وظیفه هر جوان بادرک و با احساس است که این بالای خاندان سوزناک جامعه اش از مملکت اش و از میهنش بدور سازد. این یک حقیقت روشن و انکار ناپذیر است.

هدایت الله وفا

ازدواج و جوانان

نخواستن به ایستادن نسل، منظور وقتی است که به احساس سبای انسانی و با در نظر داشت خواص فطری و طبیعی و بالاخره جهت اخلاقی بایستی در زندگی بکنواخت ازدواج. ازدواج لازمه طبیعت بشری بوده بر علاوه آنکه انسان، چه زن و یا مرد از حیث تجمید و رهایی می یابد، با رضای عواطف و افتخار غریز و انگیزه های روانی، به زندگی مشترک ادامه داده و یک بد بگر مشاور، همکار و حالات مختلف زندگی همدگر را که

این گونه گوی. اما به هر نحی را که قایل های دختران و پسران ایجاد می کنند، اگر از نحوه ابراز و افق روحی دختران و پسران اینکه دارای علم و تحصیل نیستند، بگذریم و صرف مخالی از طایفه منور و روشنفکر بدویم. به انواع مختلف خواستگاری و نوازی به از دواج ها بر میسریم. که بدینست به سبیل علم و چند شکل آن نادآوری نموده و نقاط ضعیف آنرا بر شمردیم. ۱- عواقب قبلی که بین دختر و پسر صورت میگیرد و عینی بر آنست که دو جوان یکدیگر را به تمام معنا درک کرده، کردار و پندار یکی، برای دیگر خوش آیند بوده و در آخر این تحلیل و نظر اندازی به دور نمای زندگی آینده، می خواهند به عقد هم آیند و زندگی ایده آل خود را شروع نمایند. اما این خواستگاری در این گونه به یو ند های معقول به اشکال مواجه نشده و در



جوانان و مسأله زندگی

و قتیکه به زندگی فعلی خود متنگرم که بادیست آشیانه خوشبختی و سعادت خود را و ازگون ساختن و در این واژگونی هیچکس مفسر نیست جز خودم. امروز در پیشمانی عجیبی قرار داریم. پیشمانی که به قیمت زندگی تمام شد.

بدینست شما هم از زندگی، از استیجایی که مرتکب شدم باخیر شوید و بند بگریزد من دختر هرده ساله بوم که با پسر ما هم ازدواج کردم، اگرچه این ازدواج روی علاقه و عشق استوار بود و همین عشق طسرس بود که ما را با هم پیوند داد و زندگی خانوادگی را برپا داشت. بنیان همکاره سال اول زندگی بدون کدام مشکل و یزولگی سپری شد تا اینکه ما صاحب طفلی شدیم. با بولدختره زندگی خانوادگی ما شیرین تر از گذشته شد و بیشتر برکاتون گرم خانوادگی ما تأثیر گذارست روزها هفته ها و ماه ها گذشت تا بالاخره اولین کودکی دو ساله شد. شوهرم در طول این سه سال زندگی

اندیشه‌های جوانان

غلام نبی :

جوانان وبا جوانانیکه ميا رزه را در اين راه وظيفه اصلی و ايمانی خود ميدانند به عهده من جوان واقعی و فابل ستايش است .

جوان حقيقي که وعظمت و سعادتمندگي ش را در محو بی سواي ميداند برای از بين بردن اين نقيصه اجما عسی از هيچگونه تلاشي خود داری نميکند .

امروز فقر اجتماعي که بيشتر دا منگسر کشور ها ی فقر شده است همه در انرا بی سواي است .



کشور ما افغانستان پس از انقلاب پرور- مند شور با پلان های انقلابی که همه ان نویددهنده يك زندگي مسعود و سعادت باری است ميکوشد تا فقر و بی چاره گي را از دامان اين کشور پاک نماید . در اين جا وظیفه هر فرد وطن پرست است که با دو دست خفگی شان از هيچگونه همکاری دریغ نه ورزند .



عنایت الله (کارون)

به عقیده من اصلاح يك جامعه بستگوي ار تباط مستقيم به اخلاق فردی آن جا معه دارد . و قتی يك جامعه ميتواند به زندگي ايده آل خویش دست يابد که افراد آن جامعه وظايف خویش را بد رستی درك نمايند . راه رستگاري هم در اين است که هر فردی از اجتماع بسوای سگوفان ساختن جا معه اش و ظايف سپرده شده را بختن در احسن در کمال ايمان داری و امانت اجرا نمايند و در وضع نقيصه های زندگي اجتماعي بکوشند .

می ستاییم مادر وطن را



انجلا «نثار»

حب تو خون به رگهای مامی جوشاند و توان زندگي می بخشد . بشر باداشتن لطف و هويت تو نبرو ميگيرد و بنقابيل هيولای جانفرسای زندگي و پديده های سرکش طبيعت می رزمند و آنها را رام خود ميسازد .

مادر ! اگر حب تو در نهاد فرزندانست نس بود ، امکان داشت که طبيعت اينقدر قشنگ و زيبا خود نمايي کند ؟ نه . هرگز نه ! توهستی ما يی ! تو ! منبع الهام هاوسرورس های ما هستی ... ! ترا ستايش ميکنيم که مهرت جلوه صری ندارد ، از مهر تو و آفتاب تو جهان ماروشن و مغر ما انباشته از اميدها است .

اميد هاييکه به آرزوی آبادانی تو ای مادروطن که هيچگاه از مغيله زودنه نميشوند ، بلکه بطور مضاعف خلق ميگردند و آهسته آهسته تحقق می يابند .

ای مادر پاک سرشت ! ما از تو مهربون و تو وفا داريم ، زيرامهرت درخون ما عجن است .

بپاس شکران و حفظ نام ناميت ای مادر وطن ، خون گرم نثار ميکنيم و سررادرکف و جان را نثار خاکت ميکنيم .

ای مادر وطن ! ای کانون آرزو ها که در فروغ مهر تو جهان را زيباتر از آنچه که هست می بينم ، زيبا می بينم نه بخاطر آنکه ما زيبای بينم بلکه خودت گرانيار و سرشار از زيبا يستی ، و همه هستی را رنگ دیگری بخشیده است ، رنگ زندگي و اميد ، کوشش و تلاش .

مشکلات جوانان

فرزندان سواد آموخته اند در اجتماعات گوناگون تجربه های گسب کرده اند و آزادی بهره برده اند ولی در پهلوی جوانان هستند جوانی که در کمال بی انصافی و ناجوانمردی حرمت بدران شان را نمیدهند و از ستانسانين پدران زحمت کش و کارگر خود به ديگران شرم داند و توسعه و فراوانی اين نوع تربيت هادر ميان جوانان ازاين نوع طرز فکر و تربيت سرچشمه ميگرفت که خوشيخانه تاپيروزی انقلاب شور اين نوع طرز تفکر ازميان رفته است .

۱- ورود معاشران نااهل و لاسوييکاره در زندگي ، جوانان را به منقلب لاسودوق ميدهد که خوشيخانه کتون جلوان گرفته شده است ۲- هدف و نداشتن احساس مسوليت و نداشتن مهابت های فنی از خطرناک ترين عوامل فرو افتادن نو جوانان و جوانان در بانلاق های فساد و ناهنجاری های اخلاقي و روحی است ما کمتر جوانان ماهر با نيتمه ماهر و فعال را دیده ایم که به اعنياد : بگر آزادی به خود آزادی گرويد و با نداشتن اصلا نفي داشتن کار و مهابت سنگلي و امکان انتخا ب کار مناسب ميزان آلوده می هارام ميکند .

در اخير بايد گفت بی تفاوتی های که در ادوا و کف سه در جامعه ما حکمفرمائی دانست متعسفانه نکند جوانان ما را از راه اصلی و حقيقي بدور نگذاشته بود که خوشيخانه با پيسر و زی انقلاب ظفرمند تودوام اين ناهنجاری هاوی تفاوتی ها ازميان برداشته شده و امروز جوانان مادر پرتو انقلاب شور ، راه حقيقي که نويسد دهنده آزادی ، برابری و برادری است باز با نسته اند .

تأثير معاشران نااهل ، نداشتن هدف ، عدم مسوليت و فقدان مهابت های فنی ، ترک تحصیل خطراتی است که جوانان يك کشور را تهديد ميکند .

بريشانی و بيماری و عدم تعادل روانی برای جوانان امروز مشکل به وجود می آورد و اعتياد و فراوانی بربندوباری برباعتنا يی به خانواده برخاسگری و حتی زدی مال مردم انبها همه آتاريک بيماری مزمن و روانی و اجتماعي هستند که بايد اول علت هاوريشه های آن کشف و شناخته گردد آنگاه به معالجه و ندادی آن پرداخت ما از فرصتی که به دستما آمده استفاده ميکنيم و با کشف بعضی از علت ها که جوانان با آن مواجه اند در معرض قضاوت و انتقاد قرار ميدهيم که البته علت ها به اشکال گوناگون بوده که ما صرف سمه از آن راياد آور ميشويم :

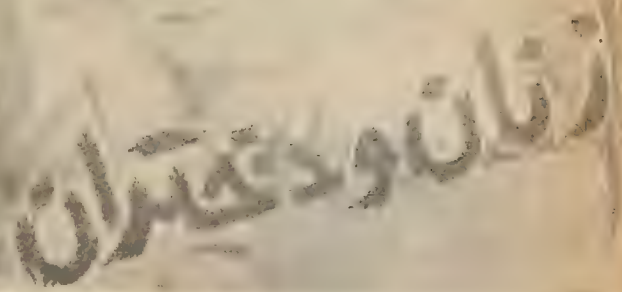
۱- سست شدن روابط خانوادگی در دوران های گزشتته بدران چه با سواد و چه بيسواد صنعتگر و کارگر و چه مامور دولت در خانواده ها حاکم مطلق بدون جون و چرا بوده اند و رفتار و کردار و شخصيت فرزندان زير نفوذ بدران درخانه و بازار شکل ميگرفت - کودکان پس از تحصیل علم با شاعردی زبدر شغل شان از بيش معين آماده بود داماد و عروس ميشدند و خانواده شکل ميدادند تا می آمدند که خود را بشناسند و به اطراف خود نگاه کند در انبوه از مسوليت ها غوطه ورميکنند اما امروز فرزندان غالباً از شعاع نفوذ و سلطه بدران دور شده اند و از قبول سنت ها و عادات و تعهدات گذشته رسته اند

بافروش لوازم خانه فروض بی شمار آشنایان و موسساتی را پرداخت و ديگر در زندگي ما چیزی باقی نبود که بتوان روی آن حساب کرد .

برای ادامه زندگي مان مجبور شديم که خودم کاری برای خویش دست و پا نعام . پس از جستجوی زياد بالاخره کاری برای خویش در يکی از موسسات پيدا نمودم و شامل کار شدم با معاش ناچيزی که هيچگرم زندگي خویش را به مشکل پيش می بردم با تمام اين مشکلات باز هم شوهرم از شب زنده داری و رفیق بازی خویش دست برداشت و با ز هم هيچکدام از کار به خانه بريميکنيم شوهرم از منزل بيرون می رفت و خدا ميداند که چه وقت شب در حالیکه دست از پا نمی شناخت به خانه برمی گشت اين وضع آهسته آهسته شوهرم را عصبانی ، نندخو و گريزان از زندگي ساخت تا جاييکه ديگر خانه به منزله زندان برايش شده بود .

پس از يکسال ديگر شوهرم آن احمد سابق نبود ، او به مردی تبديل شده بود که هرچيز را از عتک سياه و بديني نگاه ميکرد . به کوچکترين موضوعی بهاله ميگرفت و اين بهانه گيري ها آتندر جدی ميشد که صدای داد و فریاد ما بلند ميشد و حتی بعضی اوقات همسايه ها مداخله ميکردند . اين وضع رفته رفته حوصله مرا نيز از بين برد و يك روز موقعیکه او سخت عصبانی بود و بی بهانه منگست من بادرشتی هرچه بيشتر برايش گفتم : احمد ديگر زندگي با تو برايم غير مقدور شده است ، تو با اين حال و وضعی که داری هم من و هم کودکان را به بديخی ميکشانی . تو نميدانی که چه ميکنی ، صحت و سلامتی خود را که بزرگترين دارایی هر انسان است از دست دادی ، کانون گرم خانوادگی را که هرکس در آرزوی داشتن به مانند زندگي ما بود همه را با عباتی های بی مورد خود به بدفتا دادی اقتصاد فاميل را از بين بردی ، کار و وظیفه خود را از دست دادی بالاخره به مردی تبديل شدی که جز خودش هيچ چیز ديگر را نمی خواهد و لي انکاش اين خود خواهی تو هم از روی غفل و منطق می بود . با چنين شرايط من ديگر نمیتوانم با تو زندگي کنم و البته سرتوشت کودکان نيز معلوم است او با من خواهد بود زيرا توحی قادر به نگهداری خود نيستی . بدین ترتيب از تومی خواهيم که جداسويم و تو ميتوانی که در اين مورد تصميم خود را بگیری .

شوهرم با شنيدن اين کلمات خاموش شد ، ديگر چیزی نگفت ، به نقطه دور دشتی منوجه گشت و فبايق چند به همين منوال باقی ماند . تا اينکه بخود آمد و با نگاهي بر تعجب به من نگريست . می خواست چیزی بگويد ولی سکوت کرد ، اين سکوتی ناخود روز ادامه داشت تا اينکه بلزم برايش ياد آوری کردم که ديگر نمیتوانم با او زندگي کنم . بالاخره سکوتی را شکستاد و گفت : ميدانم که در اين مدت چند اشباهی بزرگی را مرتکب شده ام ، چند تر رنج داده ام ، زندگي خود را برباد کردم ولی شرکس در زندگي اشباه ميکند و من هم اين اشباه را مرتکب شده ام . تو مرا بيش و بیکار ديگر برايم مکنم بده تا زندگي را دو باره از سر آغاز کنم بگو قول ميدهم همه چیز را بقيه در صفحه ۵۵۵



برجه و تلخیص (لیلا حیرت)

تضادهای دموگرافیک در

تولید مثل

ولی با اینهمه جلو گیری از تولید مثل
بسیار نفع زیادی هم باخود دارد که از آن
چشم پوشی سده نمی تواند.
بنابراین باید نظر داشت ایجابات عصر کنونی
از مدتی است که با این مفکوره یعنی (تولید
مثل بیشتر) مبارزه جریان دارد و با تکامل
جوامع بشری این سیستم مناسبات جدیدی
و این زن و مرد پی ریزی می نمایند و هر دو
یعنی زن و شوهر میخواهند از یک یاد و طفل
بیشتر نداشته باشند. ایجاد تغییرات (تولید
مثل جزء انقلاب های متوفی اجتماعی بوده بهمه

عصر حاضر انقلاب از تولید مثل نیمه حیوانی
و نیمه بولوژیک به عصر تولید مثل انسانی می باشد
یعنی که انسان ها به همان تعداد اولاده خواهند
که آرزو دارند و از عهده بریه آنها بدر سده
می نماند و برای این منظور موسسات (رهنمای
خانواده ها) بهمان آمده است. اما این انتقال
در مناطق مختلف به شکل نامنظم جریان دارد
مثلا ساکنین شهر تمایل زیاد به داشتن فامیل
های کوچک داشته و از گزند او لاد حتی
الامکان جلو گیری می نمایند.

اگر با معیار های مترقی سنجیده شود این

تقابل دو جنبه تضاد دارد. - تقابلی اخلاقی
و روانی آن روشن و عیان است چنانچه فامیل
ها که باک فرزندان دارند و موجود خواهی و خود
پرستی در طفل شده و آن کودک را (ناز دانه)
بریه می کنند که با اینصورت مناسبات
و ارتباط طفل را نسبت بفامیل و روابط وی
را با مردم دیگر و اجتماع و راجع بوظیفه او
تحت تاثیر قرار می دهد.

بعضی اقتصاددانان آن نیز هوید او ثابت است
با پیشرفت جامعه و توسعه تولید ضرورت زیاد
برای کار انسانی احساس میشود که نمی توان
تنها به ندر بخشی بیشتر کار انکا کرد. و با
ضرورت روز افزون نیروی کار انسانی را نادیده
گرفت.

درین سیستم ها اطفال در ردیف عا لسی
قرار داده شدند. - بر سبب زن با تعداد اطفال
در فامیل بنا سبب مستقیم داشت یعنی بهمان
اندازه ای که دارای تعداد بیشتر اطفال می
بودند بهمان اندازه وظایف شان را در
حیات بشر انجام می دادند. اما در سیستم
ارزش های جدید اجتماعی مفهوم جدیدی
زن در ترکیب نقش های خانگی و اجتماعی
او قرار دارد و اعتبارات نوینی را در او
می پروراند که حصول استقلال مادی و اجتماع
قی در درجه اول قرار می گیرد که
ارزش های جدید پیلو به پیروی ارزش
های کهن قرار گرفته یکدیگر را تحت
تأثیر قرار می دهد.

باید گفت که سیستم ضرورت ها ی زن
ها بسیار مغلق و متضاد شده می رود و بیشتر
است نه با احتیاجات شان بوده شود.
سندگی ضرورت های آنها در سده سیم
تشمول شوهر - اطفال و خانه تدارک
خود را تحت کسبه اطفال در فشار
های جدید است. و فامیل و فامیل
نمایند. از دید نقش های زن در جامعه
یکی از دلای دگرگونی فامیل بوده و از
آنها را سببگر می سازد و از روی روانی
و جسمی بیشتری نیاز دارد.

هسته میداند که اکثر خانم ها
(مخصوصا مادران جوان) دو بختی که
در روز دارند - کار و وظیفه و کار و خانه
کاری را که در دفتر انجام می دهند
با کاری که در خانه اجرا می کنند ارتباط
داشته و رسالت خانگی زن با سادگی فراوان
او از کار و در خانه از خانه فریب بوده
بسیار خسته کن واقع می شود. همه این
بصورت مزمن بر قوای روانی و جسمی
خانم ها سنگینی وارد می کند. - احتمال دارد
که زن در برابر این فشار های دو گانه
و این تقلت های عاید از کار دفتر و کار های
خانه با تنفیص تعداد اطفال عکس العمل نشان
دهد. همین بار سنگین عده زیادی از خانم
ها را از بشیرد درست و عو ل و وظایف
شان باز داشته است. این موضوع در عصر
موجود برای ایجاد یک فامیل و جامعه
سالم اهمیت بیشتری کسب نموده و می
کوشند برای زن ها تسهیلات ممکنه و لازمه
فر ا هم نمایند.

برانی تنوری با دنجان سیاه

بادنجان سیاه را یک شسته چوبک آرد در نموده سپس بادنجان هارا نصف کنند و آرد
در میان بطنوس داشی چیده و در میان داشی بگذارند با حرارت عادی برای مدت نیم
ساعت بادنجان هایخته می شود آنگاه آنها را از داشی کشیده بروی توری بگذارند
فروتن تهیه سده نامر را بالای آن انداخته بعد از انداختن روغن، نعنائ خشک و گشنیز
غذای مذکور آماده صرف می باشد

همچنان در جاهاییکه داشی موجود نیست بادنجان هارا در دیوار تور می زنند تا گمه
نماید که بدین شکل نیز خوراک مذکور خیلی لذیذ و خوش مزه می باشد. از سی
جهت است که خوراک مذکور بنام برانی تنوری بادی شود.

که غواړی دخپل پوستکه بشکلا

وساتی بهی و خوری

زمونږ د هیواد د بې سمارة او خوښه ورو میو و څخه یو هم بهی ده چی د هیواد په گوټ گوټ کی پر پمانه لاسته راځی ددی میوی ونی زیاره په څنگلی ډول موجودی دی او بیو ندولو ته یی زیاته پاملر نه نده شوی خو څرنگه چه لیدل شو بدی پیو ندی بهی ددی میوی د ډیرو پیو ډو لونیو څخه شمیرل کیږی چی ډیری خوند وری او زیا تره په اوږه ډول خوړل کیږی چی د بې لوړه دانی ارزښت لری. څنگلی او غیر پیوندی بهی که اومه استعمال شی کورښت خو ند لری مگر دانی یی چی د بهی دانی په نامه مشهوری دی پر پمانه لعاب لری چی ددوا په جوړولو او صنعت کی لری گټه اخیستل کیږی. همدارنگه د بهی میوی څخه که څهم پیو ندی وی باغیر پیو ندی مر با جوړیږی چی دگلی لپاره مقوی او اسهال ته گټه رسوی او هغو کسانو ته چی د گلی ناروژی و یا د گلی زخم ولری دینو غذاګانو څخه شمیرل کیږی. هغو کسانو ته چی رانشیت و یا د نری رنځ په ناروغی څخه وی د بهی خوړاک گټور اما میږی څو کولی شی ددی دایو مه او بسج کړی و میو و څخه استفاده وکړی.

که د بهی دمیوی داوبو څخه جلی زیاره شی د کو چیا نو لپاره ښه گوره غذا مسیرل کیږی چی هم ئی ودی نه گټه رسوی او هم د هغوی د گدی زهر چسپ واد له منځه وړی. هغه کسان چی دنا روغی څخه نوی خلاصون موندل لری و د نفا هت په دوره کی وی د هغو لپاره هم بهی ښه غذا ده چی هم په اوږه ډول او هم پخ کړ شوی بهی څخه گټه واخلي. بهی دار لکه میوه ده چی پر پمانه تولید میو نه او معدنی مالګی لری. ویا مین (ای) په لرلو سره دکو چیا نو ودی ته گټه رسوی اودلیو قوه زیاتوی د (بی) ویتامینو په لرلو سره اعصاب تقوی په کوی دویستامین (بی) په لرلو سره د امید وارو ښځو دزړه بد والی او کانګو څخه مخنیوی کوی. لدی کبله ده چی باید امید و اړو ښځو ته توصیه شی چی دحا ملګی په وخت کی د بهی د میو او لو څخه گټه واخلي ترڅو له یوی خوا خپله روغتیا و ساتی او له بلې خوا یسه را نلونکی کی ښکلی او روغ کسو چنیا ولری د بهی داوبو او مکینجن خوړاک دهده کو حتی کوی او دهغه خوړاک د غذا څخه دمنځه استیا زياتوی او په هڅ ډول د پخوړی سبب نگرځی. که چیری مزی خلک ددوی د خوړاک د منځه د بهی داوبو څخه استفاده وکړی او یا دا چی یوه دانه بهی د خوری سره لدی چی ښه اشتها په ولری ډیږی لږ غذا داخیستلو څخه وروسته می یږی او نو ددی ډوډی خوړاک نه څو ا نه اوږی

همدا رنگه بهی یو لږ نور مخصوص ویتا مینونه لری چی دروغتیا په ساتلو او دغیر به اوږدیدل باندی ښه اغیزه لری او یو سستی نرم او ښکلی ساتی بهی د راز ډولو ته لری چه په غوره ډول خوړنه بهی. بروه بهی او میخوشه بهی پیزنل شو بدی. دخوارنه بهی خوراک هم او خفگان کموی اوروچی خوښی منځ نه راوړی ددی ډول بهی داوبو خوراک گټه او کلمی گر می ساتی او که زیات و خوړل شی قبضت له منځه وړی او همدا رنگه دسر در دیو شو بڼی په نداوی کی ښه اغیزه لری سره پر دی د سترگو داوبو و هلو اوږی د بهیدلو څخه مخنیوی کوی. د بهی ډول (خا صتا پیوندی بهی) قلبی او روحی غیظتیا منځ ته راوړی دنا رسیدلی او خام بهی زوول دخولی بدی لږ له منځه وړی.

د بهی خوراک لدی کبله چی ویتامین (ای) لری دا امید وارو ښځو دروغتیا څخه مخنیوی کوی اودرحم چاپیریال دچسپ دنا لږی ودی لپاره مساعده ساتی. د بهی څکر ته گټه رسوی و د زوی او د بچ د شرجی کد او محتوی کوی او ددی ناروغی له نداوی کی ښه اغیزه لری همدا رنگه بهی او ختو نو کی داسهال د نداوی لپاره بهی په تیاره کی پخول اوبس له هغه بهی خوراک توصیه کیده څرنگه چه بچر یو پیو د لی ده داکار گټور تمامیږی د منځو شی بهی خوړاک گټی ته گټه رسوی او د غذا له هضم کی مرسته کوی که د بهی مر یا د نفا داوبو سره یو ځای تیار شی سر دردی له منځه وړی او د کا تګو لپاره ښه درمل بلل کیږی او همدا رنگه سینه تر موی او نفس تنگی له منځه وړی. که د بهی شربت د لږو او بو سره یو ځای استعمال شی هم اوښکګان کموی. که د بهی دوی شکرګو فی ویشول شی د یو څو او نفس تنگی لپاره ښه درمل بلل کیږی. که د بهی بهی او بو کی یو ډر جو پرکشی دمنځ تنگی کموی. که د بهی دوی او دویو دپایو څخه بهی جوړی شی د یو سستی د سر و اونودو داوبو په نداوی کی ښه اغیزه اچوی همدا رنگه که د حشر او په چپچل شوی څا بوټو باندی دا بهی کښودل شی پر سوب ای کوی او زهر جن مواد و به ایستلو کی مرسته کوی بدی شرط چی شخص ور سره حساسیت ولری که د منځه واړه شوی بهی و.

د بهی دمیوی د پوستکی لمر لسی طبقه ده داسهال تر مل بلل کیږی مگر استعمال تر آواز ته زیان رسوی او یواځی په ونی وړ کونکی اسهال کی ددرمل په توگه استعمال کیږی. که د څنگلی بهی دانی وای ښوول شی خوړاک یی ستونی او سینه

تر موی اووچ ټوخی اسهال وای. که د بهی دانی لعاب بدی شری ط چی څوک ور سره حساسیت ولری پر منځ باندي وویښلی شی دلهر یواسطه دیوستگی د سو خوړلو څخه مخنیوی کوی او دمنځ پوستکی نرم او ښکلی ساتی نو لدی کبله ددی بی شمیره معلومات لری لازم نو حساسیت ور کړی.

نوزاد و شیر مادر



شیر مادر بهترین نعمتی است که ما در

یابد برای فرزند خود بدهد و هرگز از این وظیفه مقدس سر باز نزند. زیرا شیر مادر به اندازه ای مفید و مقوی است که میتواند جای انواع و اقسام ویتامین ها و انزایم ها را بگیرد. و نوزادان را در مقابل امراض مختلف و فایده نماید، خلاصه شیر مادر حاوی چنان ترکیبی میباشد که نظیر آن در هیچ غذای دیگر پیدا نمی شود.

در ماه های قبل از تولد جنین از طریق یک عضو فوق العاده مهم تغذیه میکند پس از تولد وظیفه تغذیه را از طریق شیر دادن مادر بعده می گیرد و شیر همان مقاومتی را که نطفه در داخل رحم دارد خواهد داشت. شیر مادر دارای مزیت دیگری که عبارت از مقاومت در مقابل امراض است هم میباشد یعنی زمانیکه سیستم مقاومت او تکمیل و آماده نشده است از مصونیت مادر برخوردار خواهد شد.

نزد اغلب مردم این سوال پیش می آید که اگر مادر گندام الرژی یا الرژی های داشته باشد آیا از طریق شیر بکودک سرایت نخواهد کرد؟ متخصصین و دکترین اطفال با این نتیجه رسیده اند که الرژی از طریق شیر مادر به طفل داده نخواهد شد آنها در مطالعات و تحقیقات خود دیده اند که اگر طفلی شیر بودری ترکیبی و یا شیر گاو بخورد بیشتر به الرژی یا حساسیت مبتلا می شود.

اطفایک از شیر مادر تغذیه میکنند اکثرا لاغریه اصطلاح دسه بوده و دارای گوشت و عضله قوی می باشند و این امتیاز بزرگی است. چون طفل دارای چربی کمتر خواهد بود زیرا سلولهای چربی عامل جافی و لاغری میباشد.

از عوامل قابل توجه در شیر مادر یکی هم اینست که شیر مادر بوده های کودک را که در واقع تولد کاملاً خالی از باکتری و میکروب است هم برای هضم و هم برای مبارزه با باکتریها آماده میکند و ناگفته نماند که شیر مادر دارای پروبیتی است که برای مقاومت تمام بدن ضرورت میباشد.

بقیه در صفحه ۵۲

گرا نه وطنه!

هريو ممت روان شنبیری
خی، خبی و هی، غرمیبری
آبادی له غونډو زیږی
سر سبزی له دوی نه کیږی

ستا له دینتو میرو چار شم
ستا له نیکلو دروچار شم
ستا لوگی شمه دغرونو
سینلی ستا د سینلونو
نور به بیاهم ویران نه یی
نور به پس تر جهان نه یی
خکه اوس ستا به درو کی
ستایه دینتو او ښارو کی
دوخت ساه وی چلیږی
بلبلان دزیار چلیږی

ستا پیشرفت لن ورځ شعاری ۱
ستا خدمت د غونډو کار دی ۱
بری

ای زما گرا نه وطنه
ای زما روحه، زمانه
سناله دینتو میروچار شم
یوځل نه شم، به زر وارشم
ستا سپره خاوره کیما ده
زندگی ده، مسیحا ده
ستا هر غرکان دی دزرو
ډک دی ډک خاص له گوهرو
زموږ دلو بهت مثال دی
ښکارندوی زموږ دافیا دی
موری دوس دسرلوی دی
رهنا دلوږ فکری دی
زموږ همت هرچاته ښی
زموږ عظمت دنیا ته ښی
همی لوږچه دی هرغری
همره لوږ دا زموږ نظری
ستا هر سیند ډک له لالونو
مالامال غونډ له فیضونو



مشعل فرهنگ

عشق میخوادر که سازد شیشه هاز سنگ ما
در رنگ تالا است جاری باده بیرنگ ما
چشم اگر باشد جهان علم و دانش روشن است
تا بد از مشعل فرهنگ پیش آهنگ ما
یا که احساس ما آینه دار وحدت است
نیست جز معنای ناب عشق در فرهنگ ما
تا که فقر و جیل برخلق وطن حاکم بود
سنگهای دست بیداد است و پای لنگ ما
از شکست خود چو زلف او بلند آوازه ایم
هست دلپای پریشان مستند و اورنگ ما
باهمه پناواری چو نواه در آینه ها
جای دارد مهر تو در سینه های لنگ ما
حدیثی پنجصدی

تو، ای که دودل سپهرت چنان تراکم جنگل
نیا لپای بلند شعار میروید
و کار خانه و مکتب
جودایه های دونوژاد انصاف و نظاهر
و مرد مت در راه
سرود عا صی نفرین بود روا بر لب
زخانه تا فر زندان
و شا عران دلیرت رسای بهره کشان را
به سنگفرش سرکها
نوسط قلم دنده پلیس نویسد

تو، ای هجوم چشیم نگا هسای شکایت
تو، ای که در سخت امتناع
و خنر نظرت امتناع
و ارب لب فریاد
و خردلت فریاد
فرو بند لب و زود تر همه مهر
به شوق از لب سرد سلاحها بر دار
که در سکوت دراز
چه مژده ها که به ذهن نقش میبرد
چه مژده ها ست که در مقبره تا نک
میو سد

تفتنگ نهره زنان خوشتر است
و مرد تلخ و خموش ۱
کابل - چهارشنبه اول قوس ۱۳۵۷



دکتر امید الله حبیب

به مردی

از دنیای

سر ما یه

من از دیار چا نه که اسپا بش رختی
و درنگاه، یلانی تواضع رستم.

و شهر من آنجاست
که خوا ب تا نک در آن
زهر هبای خیابان عود میخل شد
وزیر شمت سبا هی
حرفل سیفتگان میتید نبض رفتک
و در اسارت زواد خانه ی نفاک
به گو شهای مسلسل
صدای پای نبردی زجاده می آمد

که روزی از همه روز
هزار مرد اصیل
نهاد بر لب فریاد کوجه مهر سکوت
نهاد بر لب فریاد خویش مهر سکوت
فترده بر لب دندان
و مهر از لب ناک
و از زبان مسلسل
که گو ش داشت به در
مگر به شب یا روز
کمی لبش خاموش
و فرداش فریاد
نفس نفس زده باری ز کوجه هابرسد.

من از دیار سکوت مصمانه مرد م
و از دیار خرو ش تفتنگا استم

من از دیار محلات شکوه آگیم
و از دیار گذر های ختم و عصیا نه
من از چنان شهرم
که سر گذشت سرکهای قهریک باور
و کوجه های شیش را فروغ پاک امید
من از چنان شهرم
که خاک باغچه اش
رود به خوا ب چینه زبی نصیبی آب
مگر درخت در خشت
شراب غیرت کار یگرانه نو شیده
به بازوان گمانگیر چون مظاهر آرش
چون سپاه ظفر مند
زدختران کواک
بزه و خود بهارینه هدیه میگیرند

منم زاهل چنان ده
که مرد ها وزنان
در آن فصل حیات اند
زبی نصیبی نان
شلی زمین کپسالت، این زمین فدیم
ز شیر مادر دهقان اونه هرسالی
به باز گشت شباب
به باز گشت شبابی امید میندد
و گاو ها ش همه از شما ر گاو رمن
که سد های غریض
زمان سنگ تراشیده
سنگ ساییده
نهاد بر سر شان
و بوغ عصر فضا را پذیره میگردند.

ستاهيواده مبارک شه

موج شکن

سو ای مظهر سخنی و با بداری
ز آسب دوران بسی لطفه دیدی
ولی شاد و مغرور بر جا نشستی
شگفت آدم زین همه استقامت
که امواج دریا شکن را شکستی
بسی دیده ای لطفه و فتنه اما
چنان کوه بر جای خود استواری
بمان سخت در جانگاہ بلندت
مبندیش از کوه به بی یا نهنگی
جو امواج دریا شکن را شکستی
و دیگر نه آن خاک نرمی که سنگی
کند یا تو دریا اگر شوخ چشمی
زند باد و توفان ترا تا ز بسا نه
دل از تشنه باد حوادث ملز زان
که هستی تو بر جای خود جا ودانه
ابراهیم صبا

و ای سنگ سرسخت خاموش ساحل
که آرام بر طرف دریا نشستی
نترسیدی از موجهای خروشان
چنان کوه سنگین بیک جا نشستی
اگر گفت دریا گرفتار نیوفان
بو در جای خود محکم و استواری
اگر آفتاب و انگر ابرو بباران
نو بر آنچه پیش آیدت برد بباری
ز دریا بسی مهنگس موج خیزد
خروشان و جوشان و بی تاب و سرکن
شتابنده سوی تو امواج و حسی
ولی نیست از سی تو را زین کناکی
نه از انقلاب هوا در هراسی
نه از خشم دریا بو حشت دجاری
حوادث ترا خشم به ابرو تبارد

راتلونگی ستاده

هیر کوه اشنا ترخه دردونه هیر کوه
دایر مهال ویرجین غمونه هیر کوه
غم دینکهرغی راتلونگی نن وخورده
ایر شوی خوشی دامنانونه هیر کوه

خککه جی هفه مایوسی نه نک دی
له حسرتو نو میدی نه نک دی
جی سوچ کول پکنی فایده نه لری
بلکی د دیری بیژدی نه نک دی

ایرون خو ایر دی دین غم وکسیره
نو و شو پنتو سره سم و کسیره
زما نه شساکه را مستیری بیانه
ویراندی گام واخله اوپیا تم وکیره

د مستقبل افق خللانه شکاری
ستاهر کلیو نه و یا نه شکاری
و رته و دروهه به متینو گامو
ستاکامیا بی هله غپانه شکاری

راتلونگی ستاده که بی شه تقدیر کری
د یا لکتیکی بی که پوره تقدیر کسری
د شر ایطو د غیر لو نسل کسری
به پیش بینه هره شبه صدر کسری

بیادی به برخه سر لودی گورم
مبارزه کی کامیا بی گورم
داد نارنج د تیر بو حکم دی
مشره ستا فداکاری گورم

نو زیاتی هیر کوه قبول دردونه اشنا
داخور وکی شان خیالونه اشنا
خککه جی وخت دوبر او ساندوبه دی
ویراندی لا واخله قدمونه اشنا

رازی نربوال

دامویری دزونون دی
انقلاب به منجه درو می
دامویر زیری دسون دی
دحلی فکر خبی به
به همه و کی خیر بیری
ستا هیواده مبارک شه !
اما سی قانون جویری

جی مرام مو شی تر سره
نه به لوبه وی نه تنده
نه بی کوره نه برنده
زوند به دکه وی له خونده
هرو گری دهیواده

کوره دودی کالی رسیزی
ستا هیواده مبارک شه !
اما سی قانون جویری

جی مو دا قانون جویری
وچ داکو نه به مسور شی
دخا یو گو داکو نو
نور مخو نه به لایور شی
دا خلی ضد عناصر به
له دی نور هم رسوا کیری
ستا هیواده مبارک شه !
اما سی قانون جویری

جریه تاکی ای هیواده
فیو دالیزم به ملا مات شو
استعمار شوله تا بوده
دامیر نا لیزم مری قات شو
به خلی عدل وطنه !

گو داکو به محکوم میری
ستا هیواده مبارک شه !
اما سی قانون جویری

جی قانون در کبی شی جویره
ستا شی زره ور با ندی بیاده
ملا تری درته ولاپو
خو دینم دی شی بر باده
ستاداری نه به نه اوپو

کمو سر راته غوخیری
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جویری
فاروق (حریق)

جنگ ضد جنگ

به یک دست بپ و به دینی کلنگ
بدون تر قف ، بدون درنگ
بود جنگ ما جنگی بر ضد جنگ
شده خاور از خون مالا له رنگ
نبرد دلیران ما با فرنگ
به مشتو به داسو به چوبه سنگ
همان صاحب توپ و تانک و تفنگ

جهانخواه بلعده بود این وطن
کشیدیم جو مساهی ز کام نهنگ

آذرخی (حافظی)

ای دختکو افخاره !
اوس پو هییری چی به نا کی
دخلی دولت ریا کی
بدی نن او به صبا کی
دبو ستر شعار تر لاندی
دزونون پیوه بلیری
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جویری
دا خواره واره فرمو نه
پرکتی او ولسوته
سا دخیری زیار کنان بول
خواره واره غلیو نه
دیو سور بیر غر لاندی
به یوه بقر تولیری

ستا هیواده مبارک شه !
اما سی قانون جویری

نور به سا لوبه تیر کبی
ای هیواده مسئولیت وی
نه توهری چی هیواده
فانونیت وی عدالت وی
دا مو دختکو ته شعار دی
تولی جاری مو سمیری
سا هیواده مبارک شه
اما سی قانون جویری

دانسان ظلم وعلی
دردید لی انسانانو
وچی شو نلی سبیره مخی
غم زبلی زیار کینا نو
له سپرو دوپ نه پاکه

خرو خا ورو نه جگجیری
ستا هیواده مبارک شه !
اما سی قانون جویری

دا دختکو انقلاب دی
داد خوا رو او کار گردی !
دفظولو انقلاب دی
دعر جا اودیز گردی
دابی ساری انقلاب دی
به بهر کبی هم خو خیری
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جویری
دا قانون خلی قانون دی

دستیای اطفال

اسامبله بین المللی اطفال در بلغاریا

افغانستان اشتراك داشتیم .
این اسامبله بعد از دعوتی که به تاریخ
پست و پنج اگست از طرف رئیس شورای
دولتی جمهوری مردم بلغاریا برای تمام اطفال
اشترك کننده در عمارت ریاست جمهوری
مردم بلغاریا ترتیب یافته بود به پایان رسید.
از دكتور سونارام پرسیده شد که اطفال
كندور ما خدمت اقامت خویش از کجا شما
دیدن نمودند ؟

در جواب گفت : اطفال افغانستان در مدت
اقامت خویش از يك دهكده كوهستانی که
بصورت موزیم درآورده شده و يك فابریکه
نساجی و یکی از كودكستانهای شهر صوفیه
و يك شفاخانه مركز اورنوبیدی اطفال دیدن
نمودند و از طرف پرسونل فابریکه نساجی از
اطفال افغانستان پذیرایی گرم بعمل آمده
و نطه های نیز برای اطفال افغانستان اهداء
نمودند .

پرسیده شد که اطفال افغانستان چه
سوغاتی با خود به آن سرزمین رده بودند ؟
در جواب گفت : نمایشات هنری ، لیامهای
فلکلوریک بازیورات محلی و ان ملیتیترین
سوغاتی بود که اطفال ما برای سایر اطفال
پیشکش نمودند . که در هر جا مورد استقبال
نفعه در صفحه ۵۶

اهمیت صلح در جهان و عبور آن برای
پیشبرد حیات اطفال دایر و از طرف اطفال
بحث مفصل صورت گرفته و در اخیر جلسه
اطفال متذکره پیشنهاد به تحت عنوان «خطاب
به والدین ، و ترتیب نموده و بعد پیشنهاد به
متذکره توسط نمایندگان اطفال در عمارت
پارلمان تصویب گردید که در جلسات مذکور
بك طفل به اسم شکریه از افغانستان نیز
اشترك نموده بود .

همچنان ساختمان یادگاری که به اوجار
اسامبله بین المللی اطفال فیلا اعطاء گردیده
بود توسط لودیازف كود رئیس كلاس
برگزاری اسامبله بین المللی اطفال در حضور
دایر كتر یونسكو و اطفال ممالك اشتراك كننده
افتتاح و يك كودك افغان بشمایدگی از اطفال
افغانستان بك عدد رنگت راكه در ساختمان
یادگاری نصب گردیده بود بسمه صدا
درآورد .

دایر سونارام رئیس موسسه صحت طفل
و سكرتیر سكرتیر سال بین المللی اطفال
در افغانستان افزود :
بك سمپوزیم دیگر بحث عنوان اتحاد
استكدار و زیبایی در هنر و بنش در صوفیه دایر
گردید كه درین سمپوزیم آنچه از روسیه
هیت كه در مسایل اطفال زیاد تلاقید بودند
اشترك نمودند كه اینجانب بحث نماینده

هساك كندور جهان درین اسامبله سركست
نموده بودند .

اسامبله و رفیق تودور ژیف كوف و رئیس
شورای دولتی جمهوریت مردم بلغاریا بعد از
بك مارش عظیم افتتاح و در ضمن پروگرامهای
رسمی ، پیامهای روسای نكنداد ممالك
اشترك كننده كه بمناسبت اسامبله بین المللی
اطفال صادر شده بود قرائت گردید .
وی افزود :

درین مدت پروگرامهای موسیقی و ادبیات
فلکلوریک اطفال ممالك مختلف به معرفی
نمایش گذاشته شد و همچنان نمایشگاه
رسمی اطفال بشمول رسمی اطفال افغانستان
در مركز موسیقی و كارنوال افتتاح گردید .
درین اسامبله يك بك نفر بنما یتد میاز
اطفال اشترك كننده ، جلسه ای در مورد

در اسامبله عمومی اطفال تحت عنوان درفش
صلح كه از طرف بلغاریا تنظیم گردیده
بود هساك مملكت و یك هزار كودك اشترك
نموده بودند .

درین اسامبله اطفال در ساحات عوزیت ،
آواز ، اشعار ، زانه های رنگین ، رسامی ها
و هنر های پلاستیک حصه گرفته بودند ،
نماینده مخصوص سكرتیریت سال بین المللی
طفل داکتر استیفن ال وایلم هم از تاریخ
پانزده تا بیست و پنج اگست اشترك نموده
بود .

در اخیر اسامبله اطفال اشترك كننده
بندر خوانسکی از پدران ، مادران ، خواهران و
برادران خود نمودند و خواهش شان تحت
عنوان درفش صلح و سعاد اتحاد ، ابتكار
صلح این بود كه بكوشید فضای بیمان
بیاورید تا اطفال جامعه با خوشی زندگی نموده
و اطفال بی سعادتی را این بدی و خوبی وجود
بیاورند ، تمام كندورها را از این

كودكانیكه درین اسامبله اشترك نموده
بودند گفتند كه درین ده روز ما رسامی
نمودیم . آواز خواندیم ، شعر نوشتیم و ندیای
كه در اطراف ما وجود داشت منلو از صماو
صمیمت ، محبت ، دوستی بود كه پیشرفت علم
ساینس و تكنالوجی این سعاد را بیشتر
ساخته بود .

در اسامبله جهانی اطفال ، از كشور عزیز
ما هم دعوت شده بود جهت آگاهی
خواه نشدگان مجله ز و نلون ما با
دوكتور سونارام رئیس موسسه صحت طفل
و سكرتیر سكرتیریت سال بین المللی كودك
پیرادون سقرسان مصاحبه ای نمودیم كه اینك
تقدیم می شود :

لطفا دوباره اسامبله بین المللی طفل كه
در صوفیه برگزار گردیده بود برای ما
معلومات بدهید .
در جواب گفت :

اسامبله بین المللی اطفال از تاریخ پانزده الی
بیست و پنج اگست ۱۹۷۹ در شهر صوفیه پایتخت
بلغاریا تحت عنوان فرستگان صلح دایر
گردید و درین اسامبله از كشور مافغانستان
بیست و چار كودك از تمام كودكستانها ، مكاتب
انقلابی و مكتب ترسنگ باسه مربی كه
ریاست آنها را اینجانب بعهده داشتم اشترك
نمودیم . و همچنان یك هزار كودك از



در عكس بالا شارز دایر سمات بلغاریا و نما بند گان یونسف با بكده اطفال دنده می شوند .



کارشناسان روانشناختی معتقدند که نقاشی و هنرهای زیبا آگاهی برای اطفال را تحریک کرده و هوشمندی و تفکرهای جسمی و عقلی را کاهش میدهد

ترجمه از: نصیب ابوی

رول نقاشی

در

آموزش اطفال

- همه باسیدن هنر های زیبا بودند های عاطفی کودک را عمیق تر و استوارتر میسازد . اطفال در مکاتب با پروگرام های وسیع آرت و نقاشی با رموز خواندن و نوشتن و حل مسائل ریاضی بیشتر آشنایی شوند ! نحوه اطلاعات و پژوهش ها نشان میدهد پروگرام های وسیع با درونمایه هر گیمرس



نقاشی بهتر ... خلاقیت، ابتکار و نوآوری !!!

نقاشی اطفال ونسو جوانان را برای شناخت واقعیت ها باری میکند و نه آنها این توانایی را می دهد که واقعیت ها و برداشت هارا زودتر درک کنند و آنها به حافظه بسیارند . نقاشی ها و عمارت سمبولیک و مانند این و مغز را توانایی میدهد تا مسائل را آنچنان که است درک و تشخیص نماید ازین جاست که امروز حلقه های روانشناسی کودک این موضوع را باانشدید هر چه بیشتر درک میکنید ، وادرك این واقعیت و ... ان میگو شد پروگرام های نقاشی را در کودکان هاو مکاتب تعمیم دهند

بدین روال امروز به درسی ثابت است که نبودن چنین پروگرام ها مغز را در درک حالت پیشرفت روحی و مغزی قرار میدهد و مغز طفل را از شناخت واقعیت ها بدور میسازد . پس ازین جاست که پروگرام های وسیع نقاشی را در مکاتب و کودکان ها یک اصل مهم تلقی می نمایند . با بناده نقاشی سری پروگرام های نقاشی در اطفال کنجکاری



استفاده از روسپای نقاشی میتوان بیشتر برمسایل مقلد ریاضی ، مفاهیم ادبی و خواندن آشناسد

طبیعی تحریک شده و آنها را واعداد که نه کلمه، نه، نهادم، آشناسوند زیرا بکار بری روس های گفته شده ظرفیت برداشت ذهن را گسترش میدهد

امروز دانشمندان کوشش دارند که با عملی نمودن چنین پروگرام ها و نقاشی بهتر آنها را ارزش خویش بی برده و درخور اعتماد بنفس احساس میکند . به شخصیت خویش آگاهی یافته و خودش را بشناسد . حدوده مؤثرات آن بقدری است که کارشناسان حتی عملی نمودن این پروگرام هارا در خارج عتسف نیز توصیه می نمایند .

آمار نشان میدهد که نبودن پروگرام های گفته شده طفل را در درک حالت خستگی جسمی و روحی قرار میدهد .

برعکس پروگرام های مرتبه به فرد توانایی جسمی و عضلاتی میدهد و طفل را همیشه در یک سطح خوب فزیولوژی و روحی قرار میدهد . امروز نقاشی در پهلوی سرگرمی ها برای آموزش مضامین ریاضی و ادبیات بکار میرود و مغز اطفال را قدرت خلاقت میدهد و نه اواسلوب های نوآوری . نوآفرین

و ابتکار میدهد . بر اصول های بالا تفصل دست . چشم روان و ذهن خود را هماهنگ میسازد و این مسئله قدرت برداشت ذهنی اطفال را وسعت می بخشد طرح و دیزاین و مظاهر سمبولیک آن چنان که مسلم است برداشت و وفوریت گرفت آنرا در پیرویه حافظه یا بدار تر میسازد و با گذشت زمان و پیاپی سن گذاشتن این اصل محکم تر میگردد . این عقیده به بازگسی با گرفته است که برای تحریک جسمی های روان جسمی طفل یک سلسله تفکر همه چاره نیاز دارد .

بسر رسیدن این روند احماج بسه درک درست واقعیت ها به اسلوب پرتابه های نفسی دارد . با شناخت ارتباط و پیوند و مسائل امروز این عقیده محکم تر میسازد . گام نشدن ایندو روان پر شش درگیری های روحی د حقیقت مهم زده ایست و ذهن را از یک حالت یکنواختی و خستگی دور میکند چنانچه یکی از معلمین روانشناسی عقیده دارد . «سایس و آرت را بیشتر زمانی نمیتوان تفکات کرد فقط از روی احساسات و موده ها آرت بازگو کننده و ساینس بازگو کننده عملی واقعیت ها و انعکاس آنها میباشد» . برنارد شاو نویسنده مشهور عقیده داشت هنرهای زیبا اساسا بی رنج و عذاب علمی و رهضا است البته این عقیده شاو واقعیت همراه باطنر است . وی نقاشی را در یک شخصیت طفل مهم می میداشت .

چنانچه صحن نظرد واهی ها و همه بررسی ها نقاشی را مکمل دیگر دانستی ها خوانده اند . و امروز نازده این تاثیرات با سلسله باانیورها بررسی ضبط و شناخته شده اند . بابه باره دیگر نقاشی هسته همه آفرین است هنرهای زیبا (رقص، موزیک و نقاشی...)

سندیدنی است برای کودک همه واقعیت ها... دریافت شده است که پیش ازین ذهن هر نه افراش (بناده خاکسری) و حجب... سلولی اش (نورون ها) میکوشد با گذشت زمان این نورون ها به پیوند های درون اش اداه داده و همراه با آن احساس تعلق درک نیز افراش می باید با یک رولدن نامناخته (که بعدها ساینس با عکسبرداری فکر آنرا حل خواهد کرد) این ادراکات به عنوان آموزش در مغز منعکس و ذخیره میشود . اگر این پیوند ها و مکانیزم هادر شروع طفولیت و جوانی شکل بگیرند و به فعالیت نوردانند خیلی دیر در جوانی اشکال نمیتواند و این مسئله ایست که روان گلاوان آنرا نمیخواهند . زیرا تحقیقات علمی نشان میدهد که این پیشرفت مغزی، مغز را بیدک جا لب بحرانی قرار داده باعث خورد شدن و از کار افتیدن آن میگردد . از سوی دیگر چون این پیوند ها به نالی تشکیل شده اند و وقت کافی برای ایجاد این ارتباطات نبوده است، ظرفیت برداشت ذهن را کاهش میدهد .

چنانچه اینگونه بسرقت ها و تخریبها ت نسجی و خورد شدن مغز به قوه برداشت ذهن دست برد زده و به قوای ذهنی و فکری طفل صدمه می زند .

گروه بندی مغز به دو نیمه کره چپ و راست راهی است که ما را به شناخت ، ک آفرین ، بالاحص آموزش بوسیله آرت و نقاشی توانایی میدهد . عطای نه نوری های عیول

نصفه در صفحه ۴۲

درک دشت وسیع و بیابان بابان ناپذیره سوداگر معروف شهر - کارل لنگ مان - با جوانی که بار سفر اورا پر پشت دارد و بکنفر داباشی که رهنمای راه وی بوده و وظیفه دارد بر علاوه حفاظت جان سوداگر، جوانی را نیز سریعاً به پیش براند، در حال پیوند راه دور و دوازده دیده میشوند. سوداگر دو به هر دوی نفر نموده میگوید: عجله کنید، حیوان های تیل، تا دیروز دیگر باید به استیشن هان برسیم. در اینصورت یکروز بیشتر از دیگر سوداگران آنجا خواهیم بود.

بعد روبه تماشاچیان نموده و خود را معرفی میدارد. بزرگترین سوداگر شهر هستیم. کارل لنگ مان... بلی نام مه کارل لنگ مان به همه گوشها آشناست. می خواهیم که به جورگایم. در جورگا (کلی آهسته) می خواهند که حق استخراج تیل را بلام کنند. یک لایم بزرگ... رفای زیادی بدنبال ما هستند. هرکس که اول اونچه برسه، فایده بزرگی ره کمایی خواهد کرد... البته که به اساس اینکار، افزای و هوشیاری خدادادی که ما داریم، توانسیم که ای حیوانهای یکاره ره مجبورکنیم، کار یکروزه ره به نیم روز انجام بشن، متأسفانه که دیگر سوداگر ان هم در راه هستند و سریع حر گت میکنند...

آخره یف و بنا میبند. خطاب به داباشی فکر میکنم که برادر ته بجای جوانی آوردی. اعتراف کو... اگر برادر تیس، خویشای تیس... ازی خاطرنمی زنی... مه خوشنما ره میباشیم... دست تان یکس... هر حرامزادگی و چالاکي جوک و مانند ندارین... بزن... میکم بزنیش یامه موقوف میکنم... معاش نام نمیم... بومانی بازیری و سره عرض کنی... دست نالندن آزاد(سراسیمه)... خدایا... اونا حال میاین، کبر ما میکنن ازمانی میسن... اوه... اوه...

جوانی به داباشی: مه بزن... اما هوش کو که جای مه نشکنتی... اگر چای بم اشکنه، مه نمیانم به جورگا برسم و او هم معاشه نمته.

داباشی جوانی رامینزد... صدایی از عقب شنیده میشود... وی... آهای... شماره میکنم... همی راه به جورگایم... صبر کنین... صبر کنین... سوداگر هرگز جواب نمیدهد و به غلبه هم نمی نگرد. اوفوق العاده دست و پاچه است و بعد با خود میگوید: خدا پای تانه بشکانه که هرگز آمده تانین... (بعد با خود) سه روزه جورگا مانده، دوروز اوله خو بزورت و کوکوب میدوانشان و روز سوم کهنه وعده

نمنا وجود اینها بلکه مغز اینها هم معنی سرعت و سریع بودن فرزندی ره نمی فایده. همنطور س که اینها فرزندی پس ماندن، انسانهای کم جنس... فقط در زمین چمنیده باشن... جرئت هم ندارن که چیزی بگوین... می فاند که اینچه مردس... برلیس اس... خویش که بولیس که برای آرامش و رفاه مردم شو و روز کار میکنن... دوفر بولیس که موظفین استیشن هان هستند آهسته به سوداگر نزدیک شده و بعد از ادای احرام میبرسن: خیریت صاحب؟ مانده نیاتین... انشالله که در راه تکلیف نندین... چطور همای نوکر های تان راضی هستین؟

سوداگر: بلی... بلی... (بطرف داباشی و جوانی با کتبه نگاه میکند) و بعد ادامه میدهد، خیرو خبرت است... سفر چهار روزه ره به سه روز تمام کنیم جاده ها بسیار خراب بود ولی مه ده زندگی عادت کردیم همنه چیزه که قسم بگیریم، حتماً او ره انجام میده. چطور است از این بعد، راه چطور است؟ راستی چی میایه؟

بولیس: حالا مجرم، فکر میکنم که دشت و بیابان اصلاً شروع نشود. شما روز ها انسانی ره ده راه نخواهین دید. دشت و بیابان به معنی واقعی... سوداگر: آیا در راه کدام مأموریت بولیس خواهد بود یا نه؟

بولیس: ما در حالیکه آهسته دور میشوند، جواب میدهند. تخریب صاحب، ما آخرین بولیس هایی هستیم که شما اینجا می بینین. سوداگر بعد از شنیدن این حرفها، متفکر میشود. داباشی که در گوشه نزدیک جوانی نشسته است خطاب به جوانی میگوید: از وقتیکه سوداگر شنیده که ده راه دنگه بولیس نیست، بلکه حیران شده، سوداگر کارسون (پیشقدمت): اونچه، بری داباشی صاحب یک جای بیر...

داباشی: (می خندد و میگوید) صدایش کاملاً فرق کرده، چقدر لپچه دستانه ره بخود گرفته، فقط یگونی که ازی کده آتم شریف و خوب دیگر اصلاً بیادش...

- بعد داباشی از جایش برخاسته و با خود ادامه میدهد: اما فکر نمی کنم که تغییر اخلاق سوداگر بغضای باشه که ما فاصله چهار روزه ره به سه روز طی کردیم، حوالی بیچاره هنوز ماندگی خود نگرفته، نمی فامم که چطور مه ای جوانی ره با ای وضع و حالت به جورگا برسانم. زدن که ده ای حالت فایده نداره، از همه کده ای رفتار دستانه ساختگی سوداگر مه ناراحت میسازه، مه فکر میکنم که او حتماً کدام بلایی ده کلش داره، جرت میزنه... فکر نمی کنم که جرت زدن او به نفع ما باشه، افکار ناوا بلان های توشیطانی برضد ما خواهد بود. خیر، هرچه که اوکه، منانه، مامجور هستیم که صبر و حوصله کنیم و اسمی نکنیم تا بهیست که رخصت مامکنه و مزد ماره مه نی ته... ده ای دشت خدا، چه بخوریم؟ باز چی کنیم؟

سوداگر مثل اینکه فکری به مغزش خطور کرده باشد از جایش می خیزد و بطرف داباشی میگوید: ده ای سوداگر همنه میگه که مخدمت بزرگ به انسانها

داباشی میرو و خطاب به ناشی میگوید: بگی، سگرت... مه می فامم که به خاطر یک سگرت خود ده آتش میاندازی. حدارا شکر کو که هابه اندازه کافی سگرت داریم، فکر میکنم که اگر ماله دفعه هم به جورگا بریم و پس بیاییم، باز هم سگرت ما خلاص نشه.

داباشی سگرت را گرفته و با کتیه می گوید: سگرت ما...

سوداگر: بشنیم، دوست خوب، چرا نمی شنید. ای طور سقرا تو انسان ره بهم نزدیک میسازه، خوب اگر دلت نمیشه، میانای اساده باشی، هرچه که دلت است، شما البته رسم و رواج دنگی دارین، در شرایط عادی.

مه همای تو، دهیک غودی نان نمی خورم، البته که برای بوم کمر شان است که همای یک جوانی یکجای تان بخوری. همنطور نیست؟

خوب ای فر فها بیست که زندگی روی او می چرخه، اما مامانیم یکجای سگرت بکنیم. (داباشی سکوت میکند) سوداگر ادامه میدهد:

نی؟ نمیتانیم؟

بعد سوداگر به بازوی داباشی زده خنده کرده میگوید: ازت خوشم میایه، ای هم یک نوع وقار است، خوب (به جوانی اشاره میکند) برو و کاره سرش جمع کو، کوشش کو که او (آب) یادت نرسه، سنیدم که ده دشت هیچ او پیدا نمیشه... راستی دوست خوب، می خواستم یک موضوع دیگر ره بریت بگویم... (بطرف جوانی میبیند که جوانی بروی زمین نشسته و با سنگ ریزه که در دست دارد بر زمین خط میکشد) بعد داباشی را طرف خود نزدیک ساخته به وی به آهستگی می گوید: آیا متوجه شدی که وقتی جوانی ره میزنی و سرش بکنه میکنی او چطور جیب طرفت سیل میکنه مده چشمانش چیز های بد را میخوانم در روزهای آینده با بد که بسیار مواظبی باشی. آتم خطرناک است، کوشش کو... ما نباید از دیگران پس بایم، بدوانش، اگر نلویده بزنی، بقینا فکر میکنم که او آتم بسیار چالاک و خطرناک خواهد بود. ده دشت هم که شنیدی، نه آتم است و نه بولیس... شاید او وقتیکه ده بیابان برسه، چهره اصلیش ره نشان نه، موجیش باشی. توانسان بهتر از اوستی، مزد نوزیادتر از اوستی و مجبور هم نشستی که جوان بری. ای امیاز توحی کینه و نفرت او ره نسبت به تویداد میکنه، مواظب خودت باش، (به دلسوزی) زیاد نزدیکش نرو...

- داباشی بدون اینکه جواب بدهد داخل سرای غنیه، که جوانی در آنجا نشسته است، میشود.

سوداگر در جایش نشسته با خود میگوید: عجیب مردمانی...

داباشی دوسرای غنیه از کار (بستره) نشسته و به کسیدن سگرت میردازد. و فکته جوانی از جمع بندی کالا خلاص میشود بطرف داباشی رفته و به پهلوی او می نشیند. «داباشی برای سگرتی را که از سوداگر گرفته است، تعارف میکنه.

جوانی خطاب به داباشی: ای سوداگر همنه میگه که مخدمت بزرگ به انسانها

ترجمه ی دکتر نجیب الله یوسفی

برنولت پرشت

قاعده و استثنا جوانی

های جرب و چفت میباشان که بدونند... و فیکه به جورگایم (به عقب به هر دو نگاه میکنند) حق تازه میته... کی ماندنی نان هستم... همیشه رفای مه به تعجب مه هستند... امشو نمیانم که کس خوکته. نامصح میدوانشان، به ای رتیب میانم از سر اونا پیش نوم واز چشمشان خوده گسم کتم... باز او نموست که یکروز بیشتر از همه خوده به هان میرسانم... او از خوشی به غرلرایی میردازد:

نفری خوابی هایم، پیشقدمی منست نعلت و کویم - پیشقدمی منست آتم ضعیف عقب میماند و آتم وی همیشه پیشقدم است.

استیشن هان، مانند یک قصه رومانی کوچک است و بجز از چند خانه که در دور و نزدیک دیده میشوند. دیگر هیچ درخت و آبادی به نظرنمی خورد. اصلاً هه چیز تحت تأثیر دشت و بیابان قرار گرفته که این ده یا همنه رومانی را احاطه کرده است. در گوشه ازده رستوران کسکوچی دیده میشود که یک نفر منحیت کارسون در آن کار میکند.

سوداگر: آه... ای هم استیشن هان... خدایا شکر. مایکروز بیشتر از همه رسیدیم... داباشی و جوانی هم که جانشان برآمد، فکر میکنم که دلتان خوب کوفت کده باشه و از مه ناراضی باشن... اصلاً نه

اوا دور پیش به عقب میگرد... اما... هنوز مثل مورچه ها دیده میسن، ولی عقرب خواهند رسید...

بعد روبه داباشی نموده میگوید: چیه، جوانی ره مجبور نمی سازی که بزر تر راه بزه؟ مه تره بری همی بیسه میته که او ره بدوانی. اما توقف که همایش هواخوری ببری... گنایت نیست، می فبمی که ایسه ازجیب مه میره، ازی خاطر جرت هم خراب نیست... بعد به قبر به طرف داباشی رفته و فریاده میزند: آایای فبمی که ای سفر چند تمام میشه؟... البته که نی فبمی، اگر معشقی هم، شاید نگوی، به جی؟ اما خوب هوشه یگی، اگر چالاکي کنی واز اخلاق مه مؤاسفاده کنی به مجردیکه در جورگا برسیم به اداره کار میرم و متکم که تره دیکه هیچ کار نین، شاید جزای دیکه هم در انتظار باشه...

داباشی به جوانی: کوشش کو که یکروزه

بزر بری... سوداگر: صدايت به داباشی نمی مانه، و بهیچوقت نمیتانی یک داباشی خوب توی... مه باید یک داباشی دنگه منگرم... وای... آنها عقرب میرسن... خطاب به داباشی: - بزنیش میکم جوانی ره بزن که زود زود بره...، گرچه که مه در حیانه طرفدار ل و کوکوب نیوم و نیستم... ولی حالا مجبور هستم... اگر مه اول رسم، تابه میتم. زندگی از دهنم میره... سرمایه، بولسم:

۲۵۷۵



د تعلیمي مرکز د فو لکو ریکونخا گانو یوه په زړه پورې صحنه

د «غیور» ژباړه

د بالټ د نڅا گانو نوی تعلیمي مرکز و نه



د «المانا» د آرټ او هنر په تعلیمي مرکز کې د کارگری ښځې له پاره د بالټ د نڅا دور ځینو پروگرامونو یوه منظره

ژوندون

د بالټ کلمه یوازې څو کاله د
مچه د شوی روی اتحاد د قزاقستان
په جمهوریت کې مروج شوې او
دادی اوس دغه هنري پدیده عصری
تیا تر او عصری او تر څنگ د
مچه خای دخوا نو هنر مندا نو دپاره
په زړه پورې ښوونځی استوګنځای

د بالټ د نڅا گانو نوی تعلیمي مرکز و نه
لیدی کبله چې دآلمانا د آرټ او هنر
تر بیوی ښوونځی چې ستر کمال د
هغه دجوړیدو پنځه څلو یشتمه
کالیزه ونما نڅله شوه داو پسر او
بالټ او تیا تر په برخه کې زیاتې
چر بې لوی او شوی پوښتی نه دی
زبات شمیر روزل شوی ځوان
مناد ونه وړا ندی کړی نو ځکه
د ۱۹۷۸ کال د شروع کیدلو څخه
رایه دیخوا پر یکره وشوه چې ددغه
ښوونځی یو زیات شمیر ښوونکي
فا رغان د قزاقستان دنوی تیا تر

د بالټ کلمه یوازې څو کاله د
مچه د شوی روی اتحاد د قزاقستان
په جمهوریت کې مروج شوې او
دادی اوس دغه هنري پدیده عصری
تیا تر او عصری او تر څنگ د
مچه خای دخوا نو هنر مندا نو دپاره
په زړه پورې ښوونځی استوګنځای
د بالټ د نڅا گانو نوی تعلیمي مرکز و نه
لیدی کبله چې دآلمانا د آرټ او هنر
تر بیوی ښوونځی چې ستر کمال د
هغه دجوړیدو پنځه څلو یشتمه
کالیزه ونما نڅله شوه داو پسر او
بالټ او تیا تر په برخه کې زیاتې
چر بې لوی او شوی پوښتی نه دی
زبات شمیر روزل شوی ځوان
مناد ونه وړا ندی کړی نو ځکه
د ۱۹۷۸ کال د شروع کیدلو څخه
رایه دیخوا پر یکره وشوه چې ددغه
ښوونځی یو زیات شمیر ښوونکي
فا رغان د قزاقستان دنوی تیا تر

انداخت و هم چنان يك قسمت وسيع ديگرس
منا طق شر في مملكت را بد شمن دادو
افا مت قدون انگليسي را در افغانسان باحق
مداخله ي نما ينده ي سيا سي آن در امور
داخلی گذرو و بعد يد لين بلگر اف
انگليسي را با كا بل قبول نمود . ايسن
عمل انگليسي تا اندازه ي و حشايه و طالبانه
بدو د كه حتى يكي از اعضا ي سوداي
اجرائيه لار د ليتن گسورنر جزال همنو
ومتان امريكايي ندر از بون نات) به
لندن نوشت كه: «الحاق افغا نستان به
بريتانيا خلاف حقوق نوع بشر است و يگنفر
چنگلدار، يعنى امير محمد يعقوب نمي

ناج رفتار ارجاعی وطن فروشا ته ی
امرا و شهزادگان دشمن پرست تکریم
است زیرا اگر چنین می بود شکی نیست
که کشور محبوب ما با تمامیت خود از روی
نقشه ی دنیا محو می شد ، و حق حکومت
دست نشانده و ارجاعی افغانستان برای
حفظ منافع و دین با ر خود شمشیر دفاع
از کشور را بر زمین می گذاشتند ایمن
خلق ما بود که با سر بازی هسای نظیر از
مو چو دیت خو و کشور خود دفاع می
کردند . از همین سبب هنگامیکه دولت
انگلیس مستقما با خلق مواجه می شد نا
وجود داشتن قدرت فراوان مغلوب می
گردید چنانچه در جنگ اول افغان و
انگلیس خلق شجاع افغانان را روی
انگلیس را به ، افسران و فنان را مقتول
سازد سباج (حامی و همکار) انگلیس) را
مردم نود ، زنان و مردان انگلیس را
بگروگان گرفتند . عهد نامه ی را که

براه می آید آخند که با دیدن شاه و
امیراطاعت عام و تمام صورت گیرد البته
که اطاعت اولی الامر به همه واجب بود ولی
آن اولی الامری که خود نیز احکام شرعی
و از همه مهم تر حب الوطن من الایمان
را تائید و عملی می نمود
در حالیکه شاهان و امیران آن دیره
همه چیز و از جمله وطن را فدای منافع
شخصی خود می کردند و با دشمن دین
خلق و وطن دست دوستی و برادری می دادند
که قطعا حکم این قبیل امر را با سبیل تطبیق
(است)

ولوله بحریک و تبلیغ فروغی د شمشان
کنور و خلق ما اعتماد عام نام به شاهان
وامرای دست نشاندهو اطاعت بی قیدو
شرط از آنها علت آن شد که هر پادشاهی

حتمی؟! خود ندارد و فیلمو بر بتا نیا
ر فا صله ی یکروزه راه از بزرگترین
منطقه ی نظامی آن ، منطقه ی نا مجموع
وده و حیات انگلیسی در فا صله ی یک
ساعه سرحد آن معروض به خطر است.

انگلیسها در مکه بابت و معا هدایات سیاسی خود در برابر دولت های ضعیف افغانستان حتی در استعمال القاب و عنوان و الفاظ برای خود را حفظ کرده و امیر دوست محمد، امیر محمد باغی و امیر عبدالرحمن «هنر ها یی» (احضرت) خطاب می کردند در حالیکه طرف مکه به ی ایسن

ياساهان افغانستان غور نرجسترال هادي
هاتوحي در سكيل عالي تراف سگوتو
غور خا ر جي هند بود . نام و عنوان
انگلسي ها مقدم ذكر مي شد واز القاب
انگلسي ها مقدم ذكر مي شد واز القاب
ياساهان افغانستان تنها جانب نو شهي

شد. این موضوع در پهلوی آنکه نمایانگر گبر و نخوت انگلیسی بود در عین حال از آن عذا آتی ناشی می شد که در اثر شکست ها و ضربه های وارده از طرف خلق افغانستان در ذهنی در بار و طبقات حاکمهی انگلیس پیدا شده بود. چنانچه

برای تلافی از يك اضمحلال تاريخی خود
در افغانستان بعد از عبور چهل سال ،

معاهده ای سابقه راجع کندهک و بنام
کند مکت بالای امیر محمد یعقوب خان
فصلیم شده امضاء گردید .

مطلبیکه با لاجصار کا بل را خوانفا
قتل کیو نا ری و یران کرده بود ند
و یا با زار های کا بل را بخون خوا هی
مکنا ق و بر نی آشی زدند .

برای اینکه بر خورد نو هین آمیسر
انگلیس ها را در قبال دولت افغانستان خوین
دیده بتوانیم درینجا ماده ی اول مصلحت
نامه ی مورخ ۳۰ مارچ ۱۸۵۵ بین امیر دوست
محمد خان و انگلیس ها را بطور مثال ذکر
می کنیم :

«ما بین آنر یل ایست اندیا کمپنی
و جناب امیر دوست محمد خان و اسی
کابل و آن ممالک افغانستان که در سیبغی
او می باشد و ور نای امیر
و دوستی دایمی خواهد بود.» معاهده بیرون

مورخ ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳ با امیر عبدالرحمن خان
اینگلو و شروع می شود؛ معاهده، به نام
جناب امیر عبدالرحمن خان جی، می امیر
ای افغانستان وجود متعلقه آن در
بکنار و سرحدری ما پیوند گوی
سی، ای سی، اس، ای مان سکر تو
دولت عالی هند و نائب وکیل از جا
دولت عالی طرف دیگر

ادامہ دار

ستراتیژی سیاسی و نظامی انگلیس

د افغانستان

تواند مملکت را تحت دو منیون خسار جسی بگذارد .

امیر عبد الرحمن که سه صد هزار مهابه داوطلب ملی در معیت خود داشت ، بدو ن جنگ فتون معصور ، در اسان و شکست ورده ی انگلیس را از شمشیر فیر خلق افغانستان نجات داد و بر معا هدات مظلومای انگلیس امضاء گذاشت. او نما مولا- بات مهمه ی شرقی افغانستان را طبق معاهدی ننگن دیورند (۱۹۹۳) بدشمن مغلوب سپرد واستقلال کشور را فدای دوستی با انگلیس نمود(در حقیقت امر عبدالرحمن بصرای اینکه سلطنت وحکمرانی ظالمانه ی خود را محفوظاندا نه دهد به همه تعهدات خود را ساخت و بافت با انگلیس پر داخت)

امیر حبیب الله طبق معاهدی ۱۹۰۵ تمام تعهدات پدر را با انگلیس صمیمانه رعایت نمود و از وضع برهنا ن انگلیس در طول جنگ بین المللی اول برای استقلال افغانستانو برای اعاده ی سرزمین های غصب شده هیچ گونه اقدامی نکرد .

(این امیر دست نازده نیز یگانه
هدفتی توام سلطنت و توام عیاسی های
بی حد و حصر بود) از همین روانگیس
ها در عبارات نظامی و سیاسی خود و هم
چنان فعالیت های تبلیغاتی خود در افغان
نسان موفق شدند.

ولی باید دانست که خلق آزاده‌ی
افغانستان در مواقع خطیر مقدرات خود را

خود می خواهند (۱۸۴۲) نسو بد و بالای
انگلیس ها اعضا کردند . هم جنبه
در جنگ دوم خلق افغانستان سپاه انگلیس
دادوهم بستند جنرال فریدرک دابرترس
را در جاد دیوار شیر پور کا بل محلی
مرغی در قفس نگهداشتند در جنگ دوم
و تاریخی میوند قشون انگلیس را مثل
گو سفند ذبح نمودند و جنرال «بر روز»
مانند قاصد پوسته قرار کرد . حاکمان
رموای دولت انگلیس چون سر دارشیر
علی وسردارولی محمدلانی تا کسراجی
ستان گر یخند و سرکویاری کترو
دولت افغانستان را با قصرش مثل شمعی
بمو خند با لخره انگلیسها که رای اشغال
جا و دانی و تجزیه ای ابدی !! و انداختن
طوق و ملی بگردن خلق افغانستان آمد
بودن مثل بقایای یک گله ی تازی با
خود . نفس های آخرین خود را انداختند
مسندند .

اما خلق شکست نا پذیر افغانستان به
دشمنان و غیرت بی نظیری که در چهار
نوا نداده چرا گذاشت حدود کشور او
روزی یروز کو چکنر و استقلال او معروض
خطر واقع گرد و در هنگامیکه بر دشمن
غالب بود زیر بار معاهدات غاصبانان
او رفت ؟ این موضوع از آن سبب است
که خلق افغانستان از یکطرف و مورد حملات
قشون انگلیسی و دیگر دشمنان و از
دو طرف دیگر جاسوسان و دشمنان
پرستان در افغانستان تبلیغات و سمعی

نوا ند مشکل آرا دانه نا دمن دین . وطن
وخلق دا دل زد و بند شید و آطور که
بخا هد ا چرا آت نما ند . نا وجود این
همه آن عده خلق هوطن ما که خارج
سرحدات ما باقی مانده بودند و خیردا
دایم احکام ارتجاعی افراد طبقات خاص
که ی ار تجاعی نمی دید ند ونمسی
دانستند صد سال دیگر به جنگای دفاعی
وحتی آزادی خودبا انگلیسها مشغول و در
طول یکترن تقریبا نو ده جنگ خود و بزرگ
در مقابل انگلیسها انجام دادند و تنها در
صدت سی سال انگلیسها سی و علت سفر
بری برسد سرحدات آزاد افغانی نبود ند
وبا نیم توست نمود آزادی و استقلال
را سلب نما یند . از هینجا ست که حتی
دسمن مجبور به اعتراف شد و تسلیم
افغانی تند طبع و جنگ آور و متعصب
و آزادی دوست جنگ جو یانی بهتری در
جهان نیست . گر نیز در یاد داشت های
(۱۸۷۱) خود نوشت که : سفر بری های
انگلیس در مقابل سرحدات آزاد افغانی
از جهتی مگر و ضرورتی گرفت تا هر
فیله بطور جدا جدا از اندازه ی قدرت انگلیس
را معاینه کند . لیکن که از ضربات مسلح
خلق افغانستان بسیار منزجر شده بود . در
مورد سرحدات افغانی چنین گفت
منظره ی سرحدات درجهان نظیر ندارد
برای يك قدرت بزرگ متحد ! (انگلیس)
پس از بیست و پنج سال اشغال مسا امت
آمر هنوز نتواند مظهر برده ها یگانا ند

تبییه و تنظیم از: صالح محمد کبصار

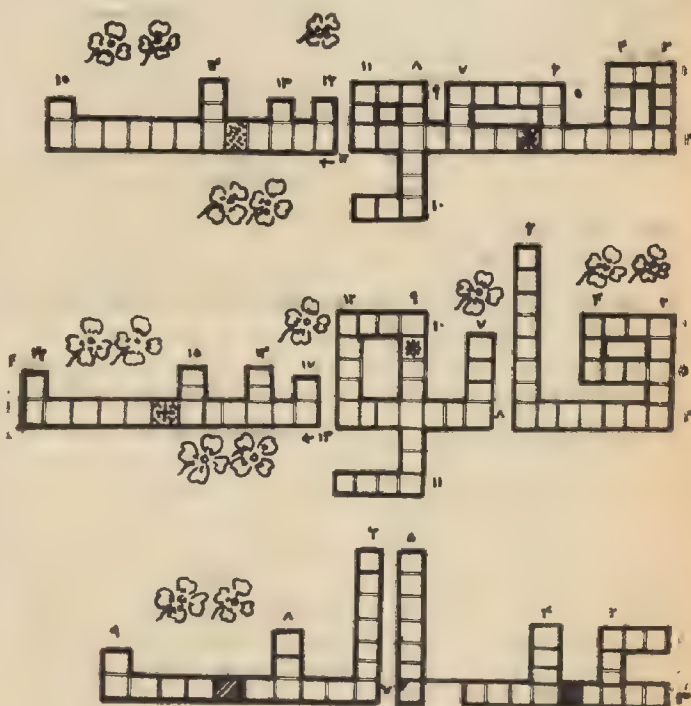
جدول کلمات متقاطع مصونیت، قانونیت و عدالت

اول مصونیت :

۱- یکی از شعارهای خلق جهان - ۲- نصف اسم یکی از شعراء ادبیات نوری - ۳- مرتجع ترین رادیوی جهان، پیام قوماندان دلیس انقلاب تود ماه سنبله ۱۳۵۸ مصادف به این روز از رادیو تلویزیون خلق افغانستان فرانت گردید - ۴- پرده - ۵- استعمار گر - ۶- ضمت گلبه - ۷- دشمنان خلق که در آن اخوان الشیاطین قرار دارد نابود سازید - ۸-

بررسی مرئی - ۱۳- ضمر اشاره - ۱۴- ... ملوان ... خلق دشمنان را به گورستان میسپارد - ۱۵- ضد زیاد - ۱۶- با ستون هنده جدول قانونیت جای علم و هنر میگردد .
دوم قانونیت :

۱- انقلاب نور را به آن صفت نسبت دهید - ۲- یکی از کشور های که در آن جامعه بدون



طرح کنندگان فریا و فرح سامع از مکتب توتیا سید نور محمد شاه مینه

۹۰- عالم که غلش بی انتیانت - ۹۱- دموکراتیک افغانستان - ۹۲- یکی از کتاب های فلم استراژی جنتی - ۹۳- یکی از آوازخوانهای محبوب رادیو تلویزیون خالق افغانستان - ۹۴- مرکز یکی از کشور های سوسیالیسی - ۹۵- نویسنده کتاب فکار باز - ۹۶- اصطلاح اقتصادی در هر جامعه رول مهم دارد - ۹۷- از ولسوالی های کشورها - ۹۸- مین است - ۹۹- خلق بر ... کا سه لیسان حلقه به کوش انگلیس نفرین میفرستد - ۱۰۰- مرض داد - ۱۰۱- سوم عدالت :
۱- ارکان نضرائی کمیته مرکزی جمهوری - ۲- جاویدان به پشتو

این رسم، نقاش، مجسمه ساز و شاعر کیست؟



اگر دختری را دیدید که زیبا بود و معنی عشق را فهمید و ناز نکرد و روح مرد را شناخت نرا بشما دست او را در دست شاعر و آرتیست بگذارید . زیرا دنیا ازین دختر هارا کم دیده است ولی برای ایجاد نبوغ در وجود ایسن رسم و بیکر ترانش چنین دختری را تقدیر به اوداد . دختری بود که مظهر زیبایی ایتالیا بود .

عشق حیفی را در ده نمیدود هرگز ناز نمیگردد و روح او را نیز مینساخت و میدانست که چه آتش فروزانی در نهاد این مرد شعله ور شده و عشق او چگونه نبوغ و برآ تحریک کرده منجلی ساخته است . این دختر (لویی جیادو مدیسی) بود . او سبهای دوازیدار نشسته در وصف زیبایی پیکر و قیافه او شعر میسرود و نبوغ خود را بر ورس میداد غزلیات که از قلم و فکر او در این هنگام بروی کاغذ میامد بهترین نمودار چگونه ایجاد نبوغ در وجود یسک شاعر است . انتها دوسر و شاعری نا بغه نبود، بلکه در آت، مجسمه ساز و معمار و معمار نیز استاد بشمار میرود ولی شهرت بیشتر او در رشته نقاشی و در همین هنر بود که آثار فنا ناپذیری از خود به یادگار گذاشت

بستان زن سنگتراش میکید وقتی بزرگ شد او نخواست کاردگیری به جز مجسمه ساز و استقبال ورزد او هنرا دوست داشت و با آنکه پدر و کاکا بش بزر سلاق میخواستند ایسن علاقه را از او سلب کنند او پیش از پیش باین هنر متغایل میشد و بالاخره اصراری که درین راه بخرچ داد پدر خود را مجبور ساخت که طبق مفکوره او رفتار کند او در سزده سالگی نزد برادران کیرلا ندیو از نقاشان مشهور فلورانس مشغول فرا گرفتن اصول نقاشی شد او نسبت علاقه که به مجسمه سازی داشت در مکتب لوئ تنز دو مدیسی شامل شد او درین مکتب روزی از یک پاره مرمریک مجسمه ساخت و هنگام پاککاری بود که لورتنز به او نزدیک شده و گفت ایسن مجسمه یبر مردی است اما دندانهایش مکمل در صورت اشخاصیکه به این عیر برسد جز حوسه دندان زیاد تر نمیداشنه باشند او بدون کدام مشکل



ایہں ہر دیکھتے ؟



این چهره یکی از نویسنده گان
مشهور جهان است این فوتوش زمانی گرفته
شده است که او نویسنده کم‌نامی بود تا اینکه
قدرت نویسنده می او عالمگیر شد و در ضمن يك
وقت دیگرى هم برای تان داده میخوانم که او
دارای چهار زن بوده به سکا زبانه علاقه داشت
اگر اسم او را بیوگرافی اش را بدانید رای
آشنا میسر



محمد ظریف «خندان» يك تن از حل کنندگان
جدول مسابقات

صفحة ۳۹

در جهان انبجارات زیادی رخانه است و هزاران انسان بی‌گناه، اطفال و زنان را در
عماق خود فرو برده است اما این انبجار باهه آنها تفاوت دارد انبجاری بوده که تاریخ جهان
را فراوش نخواهد گرد حتی انسانهای که در مناطق دور دست آن انبجار زندگی
میکردند تحت تأثیر آن قرار گرفته اند . فقط برای ما بنویسد که این کدام انبجار و در
کدام کشور و بصورت گفنه است .



صحنه کدام فلم ؟

اس صنعتی یکی از فلهای است که در آن
ساخته شده و با آب خود را از او بر می دارد
نه ، در رودار غذا ، تحصیل ، حمایت
نور و عشق را ... و این غنچه
میگویی لطیف را مبدل کرد به سنگ
مستحق . حال مشابه سوالات ذیل جواب

د

- ۱- ستاره این فلم کی بود ؟
- ۲- اسم فلم را نیز برای ما بنویسید
- ۳- کدام هنرمند در این فلم کار نموده است ؟
- ۴- آیا در کابل این فلم نمایش داده شده ؟
- ۵- آخرین فلم ستاره همین فلم کدام

[illegible]

راجع به زن چه بدانند^۴



زن موجودیت زیبا. که شاعران آریستان و همه هنرمندان در مدح و زیبایی آنان گفته و پرداخته اند همه زیبایی ها را به آنها شباهت داده اند حتی چشمان آهوان اولی زنان مشهوری هم هستند که نا مهای شان در تاریخ سنجاست ، کاره ریایی نسبی و بالاخره در فضا برفی و غیره لب ناز و رخ گردیده است . حالشما هم راجع به زن بنویسمد و بایک قطعه فوتوی خوش آسرا را می ارسال دارید تا بنام خودتان حاب گردد

سینما بر ای انقلاب از هنر

هنری مهمتر است

آیزنشتاین و فلم کشتی پو تمکین



آیزنشتاین، نابغه جهان سینما

است. یو ج اند نشان کج بحث را بخند،
وا داشت... چون در روسیه اسامی سینما
بی آید نما نده بود و از جانب دیگر سینما
هنوز مشکل کودکی بود، که تازه خود را
پسینه کش می کند.

ولی همین اعلامیه کو تاه رهبر شو روی
نشان داد که او چقدر هنر فهم بود و چقدر
مسایل روز را دقیق ارزیابی می کرد.

بعد از این اعلامیه در شوروی فلسف سازی
کا ملاً راه و رسم دیگری در پیش گرفت.
حزب اعلام داشت که انقلاب اکو بر
باید در هنر ها هم ظهور خود را تکمیل
کند و بر روی فرهنگی خود را بر فرهنگ
بوسیده و رزوانی با ثبات برساند.

از گفتن اینکه نه برادر همین کشور عقب
مانده و همین هنر عقب مانده باشد
جلو گیری بعمل آمد و دست شیا دا نیکه
با کج و کور کردن خود، بخود نام
هنر مند داده بودند بکلی از دا بن هنر
کو تاه شد... هنر متدیان واقعی که تا آن
زمان کسی سلام شان را و علیک نمی گرفت
بر کسی های خود ایکه زدن و انقلاب هنری
اکو بر را در قلمرو هنر به پیروزی رساندند.
سرگی آیزنشتاین یکی از این
فرزندان واقعی طبقه کارگر بود که
به حق او را می توان رهبر انقلاب سینمای
شو روی نامید.

که بدست بر و تاریا افتاد و در راه خدمت
با نشان بکار گرفته شد
موسو رکو ریکی از معرو فتر یسین
منتقدین سینما بی فرانسه می نویسند.
در فلم یوتمکین برای نخستین بار
همینا نه تنها بعنوان هنر، بلکه بعنوان علم
نیز شناخته شد.

بلی نام آیزنشتاین بانام فلسف کشتی
پو تمکین یکی است اگر سخن از آیزنشتاین
وین باشد... همه فکر می کنند که حرف
بر سر فلم یوتمکین است و بر سر عکس
آیزنشتاین بعد از روی صحنه آوردن
آخرین نمایشنامه اش که ما سیک
شد گاز نام داشت در سال ۱۹۲۴ وارد
سینما شد.

فلم مشهور اعتصاب را که خود بانام
پسه فلم های معاصرش شاعکاری استایی
نظیر ساخت و به هنر دوستان تقدیم
کرد.

انقلاب شو سینا لیمتی اکو بر در روسیه
شو روی زمانی به پیروزی رسید که همه
سا زمان ها و ساختمان های بر روی هنر
سینما تقریباً بطور کلی یا ویران شده
بود و با کاملاً از کار افتاده بود.
وقتی در نخستین ساعات انقلاب رهبر
خرد متد انقلاب اکو بر اعلام داشت که
سینما برای انقلاب از هر هنری مهمتر

چپ خلق آله استفاده می کردند.
ظهور آیزنشتاین مصادف است با ظهور
جنگ جهانی اول جهان و انقلاب کور
اکو بر.

جنگ در اروپا و آمریکا... مغز ها را به
اصطلاح کجری قوت کرده بود.

خرده بودوهای قلم بدست و هنرمند
نما های... در کار...
...
بازار عرضه می نمودند.

اما انقلاب اکو بر... بر خلاف غرب
رسم راه سنگو فانی استعداد های واقعی
خلق را با ز گذاشت و در نتیجه فرهنگ
انسانی خلقی را تنظیم و تدوین کرد و بر
غنا ی آن افزود.

آیزنشتاین در بین جوسرو و خروشتی فر-
هنگی معماری و مهندسی را رهبر کرد
به تیار و نما شاخه ها روی آورد.

علا د هنری آیزنشتاین معاصر دوره
ایست که در آن آخرین مرده دودهای
جنگ اول جهانی از فراز باهای اروپا
وداع می کند.

ارو یا از بوی گوشت انما نهای سوخته
انباشته است و جنبش و آدم کشی حتی
بر ساخت عین هنر هم حکومت می
کند.

جامعه گرزی و پیوده گری حتی
دامن پاک نهفت های انقلابی را هم گاه
گاهی لکه دار می ساخت.

در آن روز گاران چنین پنداشتند
میشد که افکار بیمار گو نه ضد ربا لیت
های غربی ایکه تازه عیدان هنر و ادبیات
چپا نمست.

کی با ید به این همه تن کینوت بازی
ها و پهلوان پنبه بازی های بی مغزانه
بایان می داد: جهان منتظر هنر متدیان
واقعی بود.

و از نشان بن پاسخی بود برای یست
چنین نیاز جامعه جهانی، او مثل همدوره
های نابغه خود سیدو فکین و دواو چنکو
از بازیچه بازی بر فکده اهالی وود
این مرکز آدمکشان هنری برای فریب
انما ن... به شکل دیو ظاهری می شد سینمای
علمی و انقلابی جهان را بوجود آورد.
آن سینما... در همان آغاز پیدایش خود
یکی از مؤثرترین سلاح های برنده بود

هنر سینما، هنر جوانی است. هنری که
در آن علوم مختلف در حال هماهنگی و زایش
های بوده و راه هنری شدن را در پیش گرفته
است.

سالم است که تسلط می کنند تا نامی البته
بامساء برای قرن مایبند.

بودند گروهی که قرن مارا قرن ام نام
گذاری کردند و هستند هنوز هم کسانی که
به این قرن بر آشوب نامهای چنین و چنان
را بدلا بلی پوچ و گیم بها انتخاب می کنند
و بر خط مطمح اندیشه های...
باین وبالا می روند.

درین رستاخیز آشفته فکری ها... گروهی
عظیم بر این عقیده اند که قرن با قرن...
... قرن هنری که در زایش و فرسایش نوا
و کهنه هنر در همین سر نوشت انسا نم نقش
قابل ملاحظه داشته و یکی از نبردگاه های
عظیمی در تامل منطقی مبارزات انقلابی
بوده است.

از هنر سینما با آنکه تلاش های مسخره
آیزن اولی ها را هم بحساب آوریم در حدود
نود سال می گذرد.

اما با وجود کوتاهی راه... نوابغ این هنر
زادند...

یکی از برجسته ترین چهره های که در
سینما دم این هنر چون آفتاب می درخشد
سرگی آیزنشتاین نابغه بی مانند است
شوروی است که امروز نظرات او در سیرا
سر دانشگاه های سینما توگرافی جهان
تدریس میشود و سر عشق تمام هنرمندان فراد
می گیرد.

هنر سینما اصلاً در اروپا و آمریکا با بهره
وجود کلاسیک، استعداد های بورژوازی و خرده
بورژوازی اروپایی و آمریکایی بسا درین راه
کشفایی کردند و راه را به شکل تقریباً غیر
سیستماتیک اندکی روشن ساختند.

ادوین پورر، دیوید وارد گریفیت و چارلی
چابلین نمونه های درخشان این کنگسوری
هستند.

آنها که در جمعه امیر بالمشتری زندگی
می کردند مبنای فلم سازی شان را با وجود
افکار فسا انسانی شان که از معصوم مرقی
بودن عاری بوده، بازار و پول سازی تشکیل
عدها تا از یک طرف باز بتوانند فلم بسازند
و از جانب دیگر تاحدی صاحب آموک و بارگاه
شخصی هم شوند.

در همین وقت در بسیاری از کشور های
و از آن محل توبره مداری های رای خالی کردن

جهان هنوز سینما را تیار برقی می نامیدند.

ایز نشانی معتقد بود که وسعت فهم
یا هنر مند و وسعت هنر او ست .
او می گفت : « چطور امکان دارد از
انقلاب سو سیاستی با فرهنگ فیو دالی
و یا بورژوازی آمیخته با چند شعار حمایت
بعمل آورد .

او همیشه گفته های رهبر شوروی را سر
مشق خود قرار می داد . و حتی برای تاکید
بیشتر آنها را بر کاغذ ها می نوشت و در
اتاق خواب خود می او یخت ایز نشانی
می گوید .
با چند شعار نمیتوان هنر های بورژوازی
و فیو دالی را هنر نوین نامید و آن ها را
در خدمت طبقات زحمتکش قرار داده .
در مبارزه علیه امپریالیسم و فیو دالیسم
یکی از مهمترین سنگرها سنگر فرهنگی
است .
و در ست از همینجا بود که ناگهان در
جهان فرهنگی کاملاً نوین ظهور کرد .
ارتود نایت منتقد معروف امریکایی
می نویسد .
فقط هنگامی که سینمای اروپا با روبه
کمیک هرگز تعلیمات عالی سینمای

و بدست رهبران انقلابی کار ها داد .
استانیسلافسکی می گوید : -
چطور می توان با روسی هاو اینجا
های که خلق ها از نام شان ننگ داشتند
هنر خلقی ایجاد کرد . هنر خلق را با بد
نویس فر زدن سر افتند خلق بوجد
آورد .

هنر فاسد - توسط مردمان فاسد ایجاد
اداره و پیش برده می شود .
ما باید لو مین ها را تجدید تربیت کنیم
که اراده داریم و می کنیم ولی سرعت
لازم است علاوه شو ده که بجدید تربیت
آنها کاملاً طولانی و بروم در ناخواهد
بود .
ایز نشانی ساجه کار خود را از هنر
مند نما ها ظاهراً به شکل بسیار بی
رحمانه خیشاوه کردو حتی به دشمنان
شخصی خود که مایه واند و خنه داشتند
کارها را سپرد و آنها را دوره ایجاد
سینمای انقلابی با خود همدست ساخت .
و بدینسان بود که ایز نشانی معاصر
فیلم ها را با روبه کمیک هرگز تعلیمات عالی سینمای



پوستری از کشتی پوتکین

انحطاط می رفت دنیا ی غرب از جنبش
سینمای نیرومندی که در شوروی پدید
می آمد آگاه شد . انقلاب ۱۹۱۷ عملاً
روسیه را از سایر ممالک اروپای چه از
نظر اقتصادی و چه از نظر فرهنگی بکلی
جدا کرده بود .
این اعتراضات خود میتوانند سر مشق
جنبش های فرهنگی برای کشور ههای
تازه با استقلال رسیده جهان باشد .

کتاب تاریخ سینمای نوین
مسا فرانی که از شوروی می آمدند
از تجربیات جدو رانه در زمینه های
هنری خبر می آوردند در موسیقی از صدای
ماشین ها و جکش ها الهام می گرفتند
نا هنر خلقی رانه آنها از نظر شکل
بلکه از نگاه مضون نیز بوجد آورد
باشد .
اری ایز نشانی بوجدو فکین داو چنکو
واستانیسلافسکی و دیگران رهبری هنر
را که در دست لو مین ها عناصری
طبقه و روسی هاو اینجا نی ها بود
گرفت

ش همه به معنی واقعی کلی هنر مند بود .
او فرق اثر هنری و مقاله های سیاسی
را می دانست ایز نشانی معتقد بود که -
مخلوط کردن هنر با مقاله سیاسی
خیانت به هنر و اندیشه های انقلابی
است او هنر طبقه ای خلق می کرد که
الزاماً سرشت سیاسی دارد و آشکارا
در صف کارگران جهان ایستاده است .
باین صورت او هنر سیاسی خلق می
کردنه مقاله یا شعار سیاسی .

ایز نشانی ریالیسم را با جادوی
روانیسم انقلابی عجین کردو مثل گورکس
به کتابه واستعاره و سمبول عالی
سینمای روی آورد و توسط آن ها
هنری بیان آورد که سوزنا و نامفهوم
استخوان آدمی نتواند می کند و مغز ها را
با پیام های انقلابی خود با رور می سازد .
ایز نشانی در فیلم بی صدای پوتکین
چند نوآوری کرده است .
۱- فیلم بی داستانی ساخته که در آن
هنر نما یشات خود داستانی است بزرگ
و گویا .
۲- در فیلم پوتکین او برخلاف معمول
که باید قهرمانی باشد یا اصطلاح
بچه ای و دختری و از این نوع را ارجح
از همه مردم استفاده کرده و در آن نشانی
داده که واقعا تاریخ را توده ها می
سازند .

۳- در کشتی پوتکین اکثریت فریب
به تمام چهره های مردمان عادی
شو روی است و از هنر پیشه ها کمتر
استفاده شده .
ایز نشانی به خلق واستعداد آنها
ایمان داشت و این ایمان خود را در طی
این فیلم با ثبات رسانید .
۴- استعاره - کتابه و سمبول های
بی بوجد آورد و در رنگین ریالیسم
بی از آن استفاده گردسمبولیسم سینمایی
در دست ایز نشانی کاملاً شکل و مضون
نوی دارد و در راه های نوی بکار گرفته
شده است .

این روش ایز نشانی تا امروز هم سر
مشق سینمای انقلابی جهان است .
پودو فکین کارگردان انقلابی سینمای
شو روی در فیلم عظیم « مادر » نیز از این
شوه ریالیستیک کار گرفته .
منتقدان سینمای بی را عقیده بر آنست که
در پیدایش این راه و روش فریو لوزست
معروف شوروی دکتر پاولف نیز دست داشته
و آن را انعکاسات مشروطه سینمای بی نام
گذاری کرده است .

۵- یکی از مهمترین کارهای ایز-
نشانی درین فیلم مسئله پیوند ریالیسم
اصطلاح خارجی آن (ادیت) یا مونتاژ
است . چیزیکه تا پایان عمر بشری در
سینما به همان شیوه ایز نشانی مرسوم
استفاده قرار خواهد گرفت تا سال ۱۹۳۵
اصلاحی بفریبی ند فیلم آنها بعنوان
یکی از مهمترین عوامل فیلم سازی نبود .
ایز نشانی با مطالعه خط هیرو غلیبی
جا بانی که برای نشان دادن گر به
چشم و آب یا مثلا برای افاده اندوه از قلب

کسار می گیرند یا فت که از
گذشتن دو تصویر در کنار هم مرا حل
کمی افاده مستطیل ، پروسه ریالیسم مفهوم
یا کیفیت بمنصه ظهور میرسید .

او مخصوصاً از پیوند دو تصویر
میخواست جاذبه تکان یا « شاک (زکشن)
بوجود آورد . و این اصطلاح جاذبه تکان
خود نیز از ساخته های ایز نشانی
است در پیاپی گفته فدا یکو فلینی بزرگ
گترین دایرگترین اوی جهان روش
میدهم که می گوید :

ایز نشانی فقط در فیلم درخشان بود -
تمکین کتاب کاملی برای راهما بیسی
کا و گر دانا ن فیلم پدید آورده است .
شاید بزرگترین کشف ریالیسم
کشف اختلاف بین زمان واقعی و زمان
برده است که در اصطلاح سینمای بی که آن
« فلامسک تایم » می نامند .

او از طریق پیوند یا ادیت شات های
فلم دو طری سیکونس ترتیب زمان واقعی
و زمان فلم را بهم زد .
او نسبت زمان را درک کرده می گفت :

یک لحظه پر دود به نظر ابجد می آید
و ما لها خوشی چون می می گذرد .
این خلایق درخشان هنری را مادر
صحنه زینه های اندک فیلم پوتکین
بخوبی مشاهده می کنیم زینه ها
بسیار کوتاه هستند چنانکه شاید باقیم
عادی طی کردن آن زیاد تر از یک دقیقه
را در بر نگیرد و لی فیلم آن را چون
لحظات درد انگیز قتل عام طولانی تر
می کند . طوری که گسترش سینمای بی
زمان به کاملاً ترین و بیجیده ترین و در
عین حال هنری ترین شکل خود می
او زینه های ادما را سمبول انقلاب
۱۹۰۵ تشخیص داد و بر هر پله آن مبارزات
طبقاتی نفرت مردم از رژیم تزاری حبسان
و طفیان را ترسیم کرد .

پایان خوشی فیلم هم حرف های بیسی
دارد . هنگامیکه کشتی پوتکین در حال
فرار به کشتی های لشکر انداخته تزار
ها نزدیک می شود هیجان به آسمان می
رود ولی وقتی آنها بسوی انقلابیون آتش
نمی کنند . فیلم مفهوم دیسگری افاده می
کند - مفهومی از ضعف تزار ها ناراضی
مردم و همدلی همه خلق ها با انقلاب ...

سمبول های دقیق واز نو ساخته شده
انقلابی ایز نشانی درین فیلم بسیار
حیرت آودر باور از تصویر هاست .
او کلمه فرانسوی مونتاژ را که معنی
پیوند کردن را دارد است بمعنی پیوند
سر بیج بکار می برد که تا امروز زینه
مفهوم را افاده می کند .
ادیت به هر نوع پیوند اطلاق می شو در
حالی که مونتاژ در هنر سینما به پیوند
سر بیج و تکان دهنده اطلاق می گردد .
و این خود از اختراعات ایز نشانی
است .

۷- ایز نشانی با همین فیلم پوتکین
برای اولین بار در جهان ثابت کرد
بقیه در صفحه ۴۳

مسابقه تسلیحاتی ...

به امر مشترک تمام خلق های جهان میسر گردیده است . با ملاحظه افزایش خطر جنگ که با تشکیل ناتو بوجود آمده ، حامیان صلح مبارزه وسیعی را که هدف آن ایجاد یک سیستم امنیت جمعی ، متنوعیت سلاح های تخریب کننده و پایان مسابقه تسلیحاتی بود ، برپا انداختند .

اما جنگ طلبان به تیر رساندن نقشه های خود را دوام دادند . در همان سال ۱۹۴۹ (سال تأسیس ناتو) قوای نظامی امریکا ساختمان طیاره را بنام دراپ سات ، طیاره جنگی ضد اتحاد شوروی ، را انکشاف بخشید . این امر نشان داد که چرا امپریالیست ها سازمان های تجاوز گر نظیر ناتو را بوجود آوردند و مسابقه تسلیحاتی را دامن میزدند . طیاره فوق الذکر جهت پرتاب سه صدمه اتومی بالای اتحاد شوروی تنها طی اولین ماه جنگ ، تهیه شده بود .

طیقا با معاصره کامل سیکه از پایگاه های نظامی کشور های سوسیالیستی در سال ۱۹۵۵ پیمان وارسا رایا به گذاشتند ، که دارای خصوصیت دفاعی بوده ، برای الحاق هر یک از کشور ها باز می باشد . این سازمان به دفعات پیشنهاد اتی جهت عدم یک معاهده عدم تجاوز بین این سازمان و دول عضو ناتو ، انحلال این پایگاه ها ، یا منحل ساختن سازمان های نظامی خود و پیمان ناتو نموده است .

در نیمه اخیر دهه ۱۹۵۰ اتحاد شوروی چندین قدم یکجانبه در جهت خلع سلاح برداشت طور مثال ، این کشور تعداد نفرات قوای مسلح خود را بیش از دو میلیون نفر کاهش داد و همزمان با آن کاهش های موثری در تجهیزات و مصارف نظامی خود بعمل آورد . در دسامبر ۱۹۶۳ دولت اتحاد شوروی باز هم تصمیم خود را جهت اقدام به تقلیل یکجانبه تجهیزات نظامی اعلام داشت . هر چه ، این اعلامیه حسن نیت در غرب مورد استقبال واقع نشد .

مسلک اتحاد شوروی برای هشت سال مابعد مصارف دفاعی خود را افزایش نداد . شش سال قبل اتحاد شوروی پیشنهاد جدیدی به اسامبله عمومی ملل متحد تقدیم نموده هدف آن تقلیل ده فیصد بودجه های نظامی کشور های عضو دائمی شورای امنیت و صرف قسمتی از این پول ذخیره شده را جهت کمک به کشور های روبه انکشاف مطالبه نمود ، مانند دفعات قبل ، پیشنهاد اتحاد شوروی به حمایت از جانب اعضای دائمی شورای امنیت ، مواجه نگردید .

بمنظور رهایی از مساله بودجه نظامی ، به امر مشترک تمام خلق های جهان میسر گردیده است . با ملاحظه افزایش خطر جنگ که با تشکیل ناتو بوجود آمده ، حامیان صلح مبارزه وسیعی را که هدف آن ایجاد یک سیستم امنیت جمعی ، متنوعیت سلاح های تخریب کننده و پایان مسابقه تسلیحاتی بود ، برپا انداختند . اما جنگ طلبان به تیر رساندن نقشه های خود را دوام دادند . در همان سال ۱۹۴۹ (سال تأسیس ناتو) قوای نظامی امریکا ساختمان طیاره را بنام دراپ سات ، طیاره جنگی ضد اتحاد شوروی ، را انکشاف بخشید . این امر نشان داد که چرا امپریالیست ها سازمان های تجاوز گر نظیر ناتو را بوجود آوردند و مسابقه تسلیحاتی را دامن میزدند . طیاره فوق الذکر جهت پرتاب سه صدمه اتومی بالای اتحاد شوروی تنها طی اولین ماه جنگ ، تهیه شده بود .

طیقا با معاصره کامل سیکه از پایگاه های نظامی کشور های سوسیالیستی در سال ۱۹۵۵ پیمان وارسا رایا به گذاشتند ، که دارای خصوصیت دفاعی بوده ، برای الحاق هر یک از کشور ها باز می باشد . این سازمان به دفعات پیشنهاد اتی جهت عدم یک معاهده عدم تجاوز بین این سازمان و دول عضو ناتو ، انحلال این پایگاه ها ، یا منحل ساختن سازمان های نظامی خود و پیمان ناتو نموده است .

دول نقاشی ...

شده درین مورد نم کره چپ مسؤول تجزیه و تحلیل مسائل ، آموزش ، به شعور حل مسائل پیچیده ریاضی میباشد .

دکتر هوستون و ماستر شای اگر چه از تیوری تحریک فزینی دماغ بوسیله آرت طفره می روند اما به صراحت درین مورد میگویند : آرت با مؤثریت اش در پیشبرد قوای دماغی و بدنی رول ارزنده دارد .

آرت آگاهی وسیع بدنی را تحریک کرده و ممانعت های رشدی عقلی را تقلیل و کاهش میدهد . تضعیف میکانیزم گفته شد ممانعت های سیستمی را در قشر دماغ پیمان آورده و ازین جاست که بی نظمی هادر تعیین و تغییر مسائل احساسات و حرکات پیمان می آید . بصورت

عموم حرکات و احساس در بند امریکا و تپا با همی ناگسستی داشته ممانعت عقابل یکی در حقیقت دست رد گذاشتن مقابل دومی نداشته میشود .

کار های روان شناسی کودک عمل کرد بالاراضن آزمایشات متعدد در نمایشگاه های نقاشی ضمن تحقیقات (بیوفیدیک) مد تیشن (خلسه روانی) تحقیق و بررسی کرده اند و به فرستی این عقیده را در مورد رول نقاشی تأیید و تأکید کرده اند . این پروگرام در مکاتب بایطوری تنظیم شود که برای اطفال و نوجوانان پروگرام های مختلفی مدنظر گرفته شود . بالاخص نوجوانان ساعات بیشتری از نقاشی در اختیار داشته باشند . پروگرام های

نهمه صفحه ۳۳

طرح رقص ...

مکاتب هنری رقص دانش (ایزودورا) فرا گرفته میشود از نگاه وی کودکان در پهلوی فراگیری اساسات و فاعده های رقص بایستی از زیبایی شناسی و تربیه جسمانی خوبسی برخوردار باشند و پروگرام های ایزودورا بیشتر از آثار کمپوزیتور و آهنگسازان مشهور کمپوزیتور ؟ و آهنگسازان مشهور و شناخته شده بین المللی (مارسیلا) گار -

ماکتولی پتو فن وچا یکوفسکی (استناده بعمل می آمد . وی در همین تیاتر بانها پیش خاص رقص ویا یکو بی ها بیکه با سرود های انقلابی بخاطر پیروزی انقلاب کبیر اکثر بر براه افتیده بود در تکامل پروانه انقلاب شوروی سهم گرفت که تمام سرود ها را خود تهیه و تنظیم داشته بود (ایزودورا) هر چند که زیاد به لسان شوروی تسلط داشت با آنهم اتحاد شوروی و مردمان آنرا دوست داشت که این ناشی از علاقه فراوان او به جهان سوسیالیسم و کمونیسم و کشور های سوسیالیست

نهمه صفحه ۳۳

مطرحه در کودکان ها تاز بر سن سه به صورت آزاد ، و تاز بر سن شش بصورت رسم های سیمبولیک بایستی ادامه یابد تا به خدمت گیری شبیه طفل و نوجوانان محیط اش را به کمک شاخت وضع روحی و فزینی بهتر اش بشناسد . آنده اطفالی که نمیتوانند بر

مسائل پیچیده ریاضی چیره شوند به مرور زمان علاقه شان به درس و صنف کم میشود . برای جلوگیری ازین امر در راهی باید انتخاب شود اول اینکه معلم باید وضع روحی و مشکلات شاگردانش را درک کند و دلایل بی علاقگی وی را با جروبش های زیاد

صمیمانه حل کند یا اینکه معلم بگوید تا شبیه های نقاشی استعداد های نهفته شاگردش را به او بفهماند . و به اوجس اعتماد بنفس ببخشد . تنها با روش بالا است که شاگرد میتواند بدستی بر مسائل و فورمول های مفق ریاضی و شبیه موفق بدر آید . زیرا گرفت و برداشت ذهنی درین سن زیاد است .

به عنوان مثال روان شناسی گفته است : «امروز به درستی همشاگردی های دوره ابتدایی بانام های شان رست ها و حرکات کودکانه شان بیادم است اما باور کنید نام چهره همشاگردی های دوره پوهنتون را تاحدی فراموش کرده ام .» پس معلمین و فاعیل ها بالاخص به این نکته توجه نمایند که استعداد های نقاشی اطفال را ارج گذاری نمایند و به پرورش آن بگویند تا در آینده بتوان استفاده سرشار آنها را در مطالعه ، سایش

و تحلیل مسائل مفق طبیعی به مشاهده گرفت آوی ! نسل های آینده را فرور ، دوران روان پریشی ها ، و سست روان ، حس اعتماد بنفس و سرشار از انرژی باید برپه کرد .

نهمه صفحه ۳۳

طرح رقص ...

مکاتب هنری رقص دانش (ایزودورا) فرا گرفته میشود از نگاه وی کودکان در پهلوی فراگیری اساسات و فاعده های رقص بایستی از زیبایی شناسی و تربیه جسمانی خوبسی برخوردار باشند و پروگرام های ایزودورا بیشتر از آثار کمپوزیتور و آهنگسازان مشهور کمپوزیتور ؟ و آهنگسازان مشهور و شناخته شده بین المللی (مارسیلا) گار -

ماکتولی پتو فن وچا یکوفسکی (استناده بعمل می آمد . وی در همین تیاتر بانها پیش خاص رقص ویا یکو بی ها بیکه با سرود های انقلابی بخاطر پیروزی انقلاب کبیر اکثر بر براه افتیده بود در تکامل پروانه انقلاب شوروی سهم گرفت که تمام سرود ها را خود تهیه و تنظیم داشته بود (ایزودورا) هر چند که زیاد به لسان شوروی تسلط داشت با آنهم اتحاد شوروی و مردمان آنرا دوست داشت که این ناشی از علاقه فراوان او به جهان سوسیالیسم و کمونیسم و کشور های سوسیالیست

نهمه صفحه ۳۳

گنبدي با ضخامت

بعضا جبیل های مملو از آب گرم توسط دانشمندان شوروی کشف گردیده که از آب مذکور برای امراض جلدی استفاده شده میتواند در اثر تحقیقاتی که اخیرا توسط تیم تحقیقاتی لنینگراد صورت گرفته معلوم گردیده که در روز های آفتابی درجه رطوبت نسبتی در گرد و نواحی گنبد چندین درجه پایین می افتد و این نشان میدهد که گویا درجه حرارت تحت الارضی درین محل بیشتر از نواحی دیگر میباشد برای اینکه اکتشافات بیشتری در زمینه صوت گرفته باشد چندی قبل یک سیمینار دوهفته ای جهت معلوم نمودن و بوجود آمدن این گنبد بزرگ در لنینگراد برگزار گردید . اشتراك کنندگان درین سیمینار منجمه سایر مسائل در مورد طریقه برمه کردن درین مطالعاتی دستگاه های رادار جریانات پروژه های هایدرومیترولوژیکی و تلسکوب های مطالعات اجرام سماوی بحث و مذاکره بعمل آمد .

همچنان توقع میرود تا در سیمینار های آینده پیرامون سوراخاییکه در برخی از قسمت های این مجموع الجزایر به ظهور رسیده نظیر افوا تاریخی (حال و ماضی) روشنی انداخته شود سوراخهای مذکور اخیرا ازین لحاظ توجه سیاحان را جلب نموده که نظیر آنرا در مناطق مسکونی نمیتوان یافت برمه کنندگان کنله های یخ را از چاهای عمیق با طرز مخصوصی بیرون میاورند برای ذخیره نمودن سمبل های یخ محل مخصوص بنام یخدان در جوار گنبد بزرگ ساخته شده است . هسته یخپاییکه از چاهای برمه شده بیرون می آید خاصیت ضد ملوث شدن را داشته و هوای ملوث در طول تاریخ در آن نفوذ نکرده است .

از نظر دانشمندان این حادثه نیز یک حادثه شگفت انگیز و تعجب آور است زیرا مساله حفظ محیط زیست در سال های اخیر توجه همه دانشمندان را بخود معطوف نموده است در عین حال باید گفت اقلیم گنبد بزرگ در روز های آفتابی خیلی تغییرات درین روز ها یعنی روز های آفتابی درجه حرارت سطح زمین و همچنان رطوبت نسبتی نسبت به روزهای غیر آفتابی چند مرتبه بلندتر است . در اثر کاوش برمه کاران مشاهده رسیده است که در موسم بارندگی مخصوصا ماه های «دسمبر- فبروری» درجه حرارت آب های جبیل مذکره خیلی گرمتر میگردد و این خود نشاندهنده آلمت که در فاصله (۴۰) کیلو متری سطح زمین مراکز متعدد (ترموجیولوژیکی) موجود است . باید گفت که فشار زیاد در روزهای ورزش باد قطرات یخ را مانند دانه های

بلور میراند و هیچ اثری از همچو آلودگی ها در قرب وجود این ستیشن به مشاهده نمیرسد و یک دلیل عمده آن اینست که مجموع الجزایر (زملیا) از ساحه اتموسفیر زمین خیلی هاب دور افتاده است در صورتیکه دانشمندان بخواهند میتوانند در نقطه که جاذبه زمین درجه صفر باشد با در نظر داشت فکتور «فاصله و وقت» تأثیرات اتموسفیر را اندازه گیری نماید . نقطه تعجب اینست که در ستیشن (وایلووف) نه تنها اجسام و وسایط مورد تجربه و آزمایش قرار میگیرد بلکه میتوان انسانها را نیز درین ستیشن مورد معاینات فزیک ، روحی و جسمی قرار داد .

در چندماه اخیر که آوازه تبعات علمی مربوط قطب شمال به هر طرف پخش گردیده بسیاری از دانشمندان امور عمرانی و خانه سازی به صوب قطب شمال رهسپار شدند و بر طبق اطلاعات واصله در طی سه سال گذشته بیش از (۷۰) نفر مهندس و معمار درین ستیشن تحت تربیه و پرورش قرار گرفته است که البته درین جمله چندتن از دانشمندان شعبه (گلاسیولوژی) شهر ماسکو نیز سهم داشته است . در اخیر باید گفت که گنبد (وایلووف) را میتوان یک مدولی از تحولات طبیعی قطب شمال محسوب نمود که اینک امروز تحت کنترل بشر قرار گرفته و هر لحظه در مورد آن کاوشهای علمی صورت میگیرد .

سینما برای انقلاب

او در کنار فیلم سازی در دانشگاه های هنری جهان سخنرانی های زیادی کرده تا امروز تند توپس آن ها دست بدست می گردد .

بلی آیزنشتاین یک انقلابی واقعی بود و هرگز به ببرو کراسی هنری تسلیم نشد .. محرومیت ها را بخاطر ایجاد هنر خالص انقلابی قبول کرد .

سر انجام ایزنشتاین بعد از ساختن چندین فیلم با شکوه در سال ۱۹۴۸-۱۹۴۹ سالگی با دل پر درد چشم از جهان پو شید و هزار ها طرح پر شکوه سینمایی را با خود بگورستان برد .

پایان

که فیلم های مستند یا داستانی مثل فیلم های دیگر از صفوی کبری هنری مملو و ناباشته است ، و در تبیین ارتستیک با فیلم های داستانی فرق ندارد ولی آیا با همین چند شماره میتوان تمام نوآوری های ایزنشتاین را درین فیلم شمار کرد ؟ نه هرگز ! او درین فیلم نوآوری های زیادی کرده که بررسی دقیق و هنری آنها به ساعت ها بحث ضرورت دارد . آیزنشتاین کتاب های زیادی در باره سینما نوشته که امروزه در هر فاکولته سینمایی ، چه هنری باشد و یا انگلیسی یا امریکایی تدریس میشود . او فیلم های زیادی ساخت و به اکثر کشور های جهان مسافرت کرد ..

فرهنگ

وهم آشنا ساختن مردم با هنر های زیبا در جامعه سوسیالیستی این کشور یک فکتور مهم تلقی میشود .

رویداد عمده دیگر در زندگی هنری مردم آنکشور تدویر فستوالها و تجلیل های مخصوص هنری در تمام نقاط آنکشور است این فستوالها و محافل هنر را در خدمت عامه قرار میدهد و زمینه نزد یکتا شدن هنرمندان و زحمت کشان را فراهم میسازد . اینها همچنان هنر را در میان ملت میبرند و باعث ازدیاد اکتشاف فرهنگی ملیونها نفر میگردد و هم سطح آگاهی خلق را در قسمت هنر های زیبا بلند میبرند .

قبل از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در بلغاریا آثار عمده به جاز آثار و نوشته های ایوان و ژوف عمده ترین نویسنده و پدر ادبیات بلغاریا وجود نداشت مگر بعد از انقلاب سپتمبر با بمان آمدن آثار دیمتریوف دیمتریوف ، جورجی کراسلاوف ، امل ستانیف و غیره بلغاریا در صحنه بین المللی بافرخشی خاص ظاهر شد .

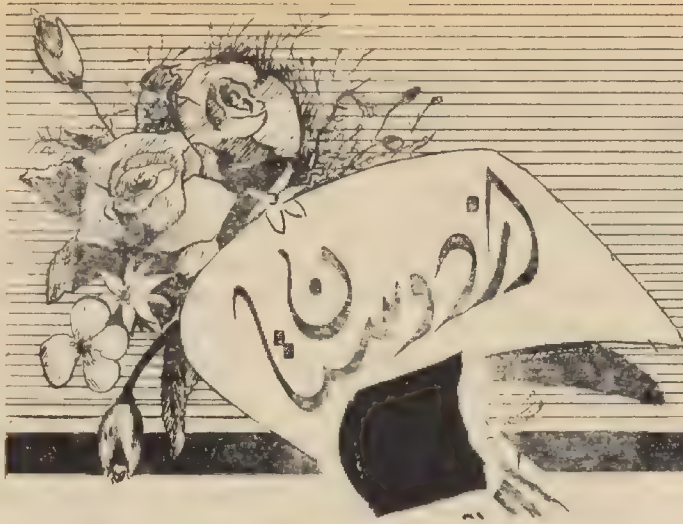
مشهور ترین کتابها درسی و پنج سال اخیر توسط جوانان و اشخاص دارای سنین متوسط تألیف شده .

این مولفین جوان عمیقتر در مشکلات زندگی معاصر نفوذ می کنند . از جمله ایشان میتوان از پاول و جینوف ، اندری کلیاشکی ، بوگومیل اینوف ، اوپلوپتروف ، دیمترووا نام برد . این ها مانند کیهان روشن و نویسنده گان با استعداد میخواهند چهره ادبیات امروز بلغاریا را روشن سازند .

شعر نیز به مدارج بلند ایدئولوژیکی دست یافته است . آثار ایلیساویتا ، بگسریانا ، ویسلین خانچیف لیوبو میرلیچیف ۰۰۰ درین زمینه قابل یاد آوری است در قسمت شرح اکتشافاتی که توسط فر هنگ سوسیالیستی در ساحه های مختلف صورت گرفته باید به پیشرفت های نقاشی رسامی موزیک و تئاتر اشاره نمود خوانندگان مشهور بین المللی چون نیکولا- جیووف ، الیا بشکوف ، الچیف ، یوان لیونف و غیره کمپوزرهای معروف مانند لیوپرومیر پاپکوف ، ویسلین ستویانوف ، را در موسیقی نام برد .

دست آوردهای مدرن هنری در بلغاریا در خارج ازان کشور نیز شهرت زیاد پیدا کرده و جز کلتور جهان شده است کتب تألیف شده در بلغاریا در اتحاد شوروی در غرب و شرق در هر کجایکه خوانندگان مترقی و کنجکاو وجود دارد ترجمه و به شماره های متعدد چاپ رسیده است کانسرت ها و انسمبل های که توسط کلتور ازان هنرمندان بلغاریا در پاریس ، مسکو ، لندن ، روم ، نیویارک و دیگر شهر های جهان اجرا شده با حرارت زیاد از طرف هزاران نفر مورد استقبال قرار گرفته است .

با تعیین یک آغاز مناسب وجهت همین و درست کلتور مدرن سوسیالیستی در بلغاریا و او خود را بطرف مدارج عالیتر خواهد پیمود .



روستای عزیز !
 با ما سازید
 شعر و داستان و مطالب و کجیب
 و خواندن و نوشتن

نوشته - عزیز آسوده طهماس

از ماسکو نیوز

ترجمه محمد یوسف (شیرزاد)

روز بین المللی ناشنوایان

بیست و دو سال پیش در اولین فدراسیون جهانی ناشنوایان بیست و سه دسامبر روز بین-المللی ناشنوایان اعلان گردید .

به صورت مجموعی چهل میلیون نفر معیوب و ناشنوا از شخصیت و سه کشور جهان در بین فدراسیون تنظیم شدند . کانگرس هشتم فدراسیون

جهانی ناشنوایان که تابستان سال گذشته در بلغاریا برگزار شد یک ر و یسداد

بزرگی در زندگی ناشنوایان بشمار می رود . درین کانگرس چار هزار و یکصد نفر نماینده از شصت و یک کشور جهان اشتراک کرده

بودند . در ضمن اشتراک کنندگان این فدراسیون با اشخاص معیوب و ناشنوی کشورهای مهماندار

(بلغاریا) از نزدیک باز دید بعمل آوردند .

علاوه بران برگزادی این کانگرس عملی بوده نفع و پیشرفت جهان که با عملی نمودن تصامیم

آن امروز در بلغاریا طفلی ناشنوا بی وجود ندارد که زمینه آموزش مخصوص در کودکانها و هم

امکانات آموزش مخصوص به سویه متوسط و عالی برایش درین موسسات وجود نداشته

باشد . پیش از انقلاب سوسیالیستی در ۱۹۴۴ چارده فیصد از اطفال ناشنوا موفقی به

فرارفتن آموزش شده بودند مگر در بین او اخر مکتب و فرا گرفتن آموزش به یک پیمانه

وسعی بامیتود های چسبید سمعی و بصری و میتودهای انکشافی در زمینه تدریس به مشاهده

می رسد .

... و فردا روز عید بود !

سالیان دواز، بارنجی جانکاه و دیر بای بر چهره زن نشانه گذاشته بود . پسرک لحظه ای به قیافه مادرش خیره ماند . او شبهای دیگر هم به این قیافه تکیده و خسته نگاه کرده بود ، ولی حال مثل اینکه قیافه مادرش غمگین تر و شکسته تر شده بود . میخواست بیدارش کند . میخواست با او گپ بزند . و بپرسد که : چرا مادر ؟ چرا غمگین هستی ؟ آخر سیاعدی است ، همه خوشحال هستند ، تو چرا غمگین هستی ؟ اما چرا اینکار را نداشت ، زیرا مترسید که مادرش او را لت و کوب کند . دیروز هم یکبار او رالت کرد و دستاش را سیاه و کبود ساخته بود با خودش در جدال بود : دیروز خومه سنگ بازی میکردم که مرده زد ، اما حالا خوشتر از سنگ بازی نمی کنم ، ازش پرسان میکنم که چرا غمگین است ، چرا خوشحالی نمیکند که سبا عید است

همسایه های ماهه شان خوشحال هستن زن ها ، بچه ها ، همه خوش استن ، بری خود کالای نو ساختن . جانو ، قیام و حمید که هم حمام میرفتن که سبا عید است ، عین حاجی فیض الدین دکاندار هم ریش خود و رنگ کده ، همگی تیاری عمر فتن اما نئیمه چرا

اینالی سوپ میشه تاحالی ازخو بیدار نشدند ...

با دیگر نفسهای مادرش گونه های پسرک را قدر تر نوازش داد . بعد اندکی بخود چنبد و دستش را که زیر پهلوش شده بود بیرون آورد و روی زلفش قرار داد ، دستهای مادرش بر از چمکلیا بود شفایقی در پوستش دیده نمیشد ، مثل اینکه بسوی صابون کالاشویی میداد از چند روز پیش کالای همسایه ها را شسته بود . از این بوی هیچ خوشش نمی آمد ، این بو دیگر برایش نامطبوع شده بود و کمال کتنده .

خورخو خواب هنوز هم خانه را اثباته بود . با نوعی نگرانی اطرافش را نگرست

روی دیوار کاهنگلی کرتی نسواری رنگی آویزان بود ، اندکی رنگ و رو برفته معلوم می شد ، شاربندگی هایی هم در دهان آستین و گردن آن دیده میشد بسویی گرتی دواز دیوار چیز اضافی بنظر می آمد . هیچ تناسبی نداشت . ببقواره و بد نما .

پسرگی کوچک بلولع آنرا می نگریست . و با نگاه آنرا می رسید ، و برق سروری در سیمایش می دید ، پسرک ده یازده ساله ای بود با چهره زرد و چشمانی فرو رفته . لحاف کهنه و چرکین رویش پهن بود ، میخواست بر خیزد ، بسوی کرتی روی دیوار از جا چنبد ، اما احساس میکرد که دوباره بسوی زمین کشیده میشود ، پایش در پارگی لحاف گیر مانده بود .

دوباره سر جایش آرام گرفت . گویی تصمیمش را برای بر خاستن عوض کرده بود یکبار دیگر دیوار خانه را از نظر گذشتند فردا روز عید است ، و او این کرتی را می پوشد ، فردا برای او عیدی خواهند داد ... دلی مالا مال از ذوق و شادی شد و آهسته آهسته پلک هایش سنگینی میکرد .

صدای زنی از بیرون شنیده شد ، قاسم ! بچیم ! چراغه و خصت گوکه اینالی صا حب خانه باز غالمغال میکنه ...

در صدای زن ناراحتی و مگر ختی محسوسی نمودار بود ، پسرک با عجله برخاست و چراغ را خاموش کرد ، خانه دیگر تاریک شده بود . پسرک دو باره در جایش آرام گرفت ، و چشم از دیواری که کرتی بر آن آویخته شده بود ، دور نمیکرد لحظه ای بعد خواب در چشمانش خانه کرد .

گرمی نفسهایی را روی گونه اش احساس نمود . چشمانش را کشود ، دید مادرش هنوز خواب است . چین ها و خط هایی در چهره مادرش بنظر می آمد . خستگی و گذشت

مادر و وطن

ای وطن نغمه سازت جهان گرفت کنون
 خصم ترا آتش به دامان گرفت کنون
 بد خوا هی تو که از درد مینا لستد مدام

بهر تزویر دامن قرآن گرفت کنون
 اخوان که بیما رست در فکر تفرقه ما
 جمعی را به حيله کفر ایمان گرفت کنون
 شکست انقلاب خلقت امر محال
 کاین نقد خون صد انسان گرفت کنون
 درس آزادی آموز از مادر وطن

تادر عصر صه گیتی فکر جوان گرفت کنون
 میرسد تا کبکشان پرواز سفینه ما
 گلبا نک هستی راه آسمان گرفت کنون
 چراغ شوق سوزد در گلستان وجود
 که حاصل بازو خود دهقان گرفت کنون
 سرکش آوین سرودی در گلشن ادب
 نوای بلبل شو ریده فغان گرفت کنون

ناصر ارین

از - فرهاد «لیب»

صبح امید

سحر دمید ، نرید دگر گرانی و خواب
 بجنب زبستر تاريسک و وسوی آفتاب
 غذاب ظلمت شبهای پر زیاس پس است
 به قلب صامت ظلمت چو آفتاب بتاب
 یلر آن شب های بر ستاره بیز خاطر خود
 پاک از سر بنما گرد کدورت چو سحاب
 داغ ها از بدل دشمن ما همت ما
 خیز انداز تو غوغا در این دیر خراب
 مادی ماکه شد این نور جهانتاب (فرهاد)
 باز هم خواب چو زنبور نبود کار صواب

صفحة 53

آتشکشی های اتمی جهان

چاه های عمیق حرارتی

آتش فشانی در جهان امروز

جهت پیشبرد این کار ضرورت بوده تا بتوان
موفقت های در زمینه رونما گردد و این
ناتش هادر حلقه های علوم به سمت هر چه بیشتر
جریان دارد.

در سال ۱۹۵۵ به اثر آتش فشان که در
جزیره هاوایی بوقوع پیوست و مقدار زیاد
لاوا از دهانه آتش فشان خارج گردید تاکنون
نمایند.

پترول یگانه موادی نیست که کاملاً متکی
به آن بود بلکه منابع دیگری نیز در اعماق
زمین وجود دارند که میتواند نیازمندی بشر
را در مورد رفیع نماید و منابع انرژی تنها
و تنها متکی به منابع حرارتی اعماق زمین
نبوده بلکه مواد دیگری نیز وجود دارد که این
کار را انجام میدهد چنانچه در جزیره هاوایی
رشته بکنوع نبات است که تا حدودی
نیاز مندی انرژی حرارتی را برطرف میسازد
در جزیره هاوایی در مسیر اوهاییو که دارای
۸۰۰۰۰۰ نفوس بوده مواد صناعیه طبیعی و نباتی
را جهت تولید انرژی جمع واز آن استفاده
بعمل میآورند که این استفاده تاحدودی نیازمندی
وانکای مارا به پترول کمتر ساخته است .
در آنجا بیکه تکنالوژی رشد کافی نموده و
منابع انرژی حرارتی در اعماق زمین نیز
مشهور است دانشمندان اظهار عقیده میکنند که
در آینده تکالیف اجتماع بشوی نسبت به
انرژی تاحدودی رفیع خواهند شد .

جزیره هاوایی یکی از پنجامین ایالت
اضلاع متعده است که نفوس آن نسبت به
سایر ایالات متفرق بوده و تعداد آتش فشان
در آنجا به کثرت دیده میشود دانشمندان در
بالائی اند تا چاه های محل آتش فشانی را در
یابند تا از آن بتوانند استفاده اعظمی در جامعه
بشری بعمل آورند شش سال قبل بوهنتون
هاوایی در مورد تحقیقات بعمل آورد که در حدود
دو سال قبل منحصصین موفق به کشف چاه
عمیق حرارتی گردیدند که در حدود ۳۵۷ درجه



بك جبالو جست هنگامی كه فعالیت آتشفشان را مطالعه می نمایند.

دبالت دنخاگانو.

په تر بیوی چارو کی ونډه واخلي او خپل رول ولو بوی . په څو وروستیو کلو نو کی دقزا کستان د عصری با لت دتعلیمی او تر بیوی پرو گرا مو نو دغوره انسجام دپاره دفولکور پکونخاگانو انسا مبل هم جوړ شویدی . دیوی ورو سنی احصا بیوی را پور له مخی اوس اوس دقزا کستان دآرت او هنری به صر فوی او تعلیمی مر کز کی دقزا کستان دجمهوریت دبیلابیلو سیمو څخه دپاسه دری سوه هلکان او نجو نی دبا لت دډول ډول نخاگانو په زده کو لوپوخت دی . د جوړ شوی پرو گرام له مخی هغه هلکان او نجو نی چی ۱۲- ۱۴ کلونو پوری عمر لری دکلا سیکو نخاگانو اساسات او علمی پرنسیپونه زده کوی . ۱۵-۲۰ کلن نجو نی

او هلکان پیر مشکل او پیچلی درسو نه او کمپو زو نه زده کوی او لکه چی په دغه برخه کی ورو ستیو راپور ونو وښودل یوا زی ۱۹۷۹ یال په اوږدو کی ددغه رازشاگردانو بواسطه څلور ډوله شوی کمپو زونه دسنیژ ډگر ته وړا ندی شوی دی . باید وویل شی چی ددغه ډول پارچو او کمپو زونو دپړاندی کو لو او ښو دغو په برخه کی دقزا کستان دجمهوریت ددو لتي اکا ډمی دتیا تر، بالت وپرا کار کوو نکي هم ونډه اخلی ، څرنګه چی (بابی) دقزا کستان دجمهوریت دآرت او هنر دودی او پرا ختیا په برخه کی ستره ونډه اخیستی ده نو ځکه ددغه جمهوریت دلورو مفاماتو دپیر یګری له مخی ددغه ځای ددو لتي اکا ډمی تعلیمی او تر بیوی مر کز د«بابی» پا نامه نو مول شویدی ، دیو لې مخصوص درسو نو او لکچرو نو په مرسته ددغه تعلیمی مر کز شا گردان او زده کوونکی دآرت او هنر دآ نوی دوری تعلیمی پرو گرا مونه تعقیبوی . په داسی حال کی چی دقزا کستان دجمهوریت دنورو سیمو شا گردان او زده کوو نکي ددغه تعلیمی مرکز په لیلپه کی ژوند کوی دمسکو، لیننګراد ، اودغه راز دشو روی - اتحاد شوروی و بنا رو نو او سترو مر کزو نو ښوونکی ، هنر مندان، کمپو زران او استادان په نا نوی او دهغی څخه په لوی و تعلیمی کدرونو



(نښدا ، تیځو نووا) ولننګراد دیوی ښوونکی تر لار ښوونکی لاندی دنخا دیوی پار چی داجرا کو لوپه حال کی .

چی په دغه برخه کی دتعلیمی تلو- یزیون او تر بیوی ګیست ونډه زیاته ده . دهغه دوه مهم تحولات او انکشا فو نه چی ۱۹۷۸ کال څخه را په دیخوا دقزا کستان دآرت او هنر په تعلیمی مر کز کی رامنځ ته شوی دی هغه ددغه مر کز به لیلپه کارو نو کی دیو لسی نوو تحو لاتو او په هغه کی دڅینو سمو سیا لیستی ورو ښو هیوادود شا گردانو دشا ملید لو څخه عبارت دی . دپور تنی اصل له مخی ۱۹۷۸ کال دجنو ری دمیا شپتی دشروع څخه را په پخوا دپو لنډ، حکوسلو- کیا، دآلمان ددمو کار تیک جمهوریت ، بلغار یا او هنگری یو زیات خوا نو هلکانو او نجو نو ته ددغه تعلیمی اختصاصی مر کز به بښلا

بیلو رشتو کی دزده کړی جا نسی ور کي شوی . سر کال دلو مری ځل دپاره ددغه تعلیمی مر کز د ثانوی دوری شا گردانو او زه کو- ونکو ته بلنه ور کړی شوه چی بلغار یا ته سفر وکړی او هلته دتوری سمندر کی په سوا حلالو کي د هغه هیواد دتور ستنکی تا سیمانتواو دوی ښوونکی تر لار ښوونکی لاندی ټاکل شو ده چی په ۱۹۸۰ کال کی دالماتا دآرت او هنر دتعلیمی مر کز ددواپو دورو شا گران د آلمان دمو گرا تیک جمهوریت او پو لنډ هیوادو تو په سفر وکړی .

پوره رقابت کو لای شی . د ۱۹۷۲ کال څخه تر اوسه پوشری دالماتا دآرت او هنر په تعلیمی مر کز کی دڅخه ملی مسا بقی او دری نر- یوا لی مسا بقی جوړی شوی او ټاکل شو یډه چی ۱۹۷۲ کال نورو- ستیو ورځو پوری په دغه مر کز کی دری نوری مسا بقی هم جوړی شی . دقزا کستان دتیا تر ، یا لت او اوپرا به ښوونکی کی دهلکانو او نجونو دپتو استعدادو نو دروز لود دپاره دسمعی او بصری وا حدونو څخه زیاته او څو اړ څیزی استفادی صورت نیسی او با ید وویل شمی

کی شا گردانو ته لار ښوونکی نه کوی او دهغوی دعلمی تطبیقا تو په برخه کی ونډه اخلی . حقیقت ددی چی د«الماتا» دآرت او هنر دښوونکی یو زیات شمیر دیخوا نیو مناز عا تو همدا اوس د بالت، او پرا او تیا تر په بیلا بیلو برخو کی پوره شهرت ګټلی او لانور هم ددوی خلاقه قدر تو نه اویست استعدادو نه دغو پیدو په حال کی دی . د«الماتا» دواپرا ، یا لت او تیا تر تعلیمی مر کز اوس دمسکو، کیف لیننګراد اودشوروی اتحادد نورو تیا تر نو او اوپرا گا ښوسره

په صفحه ۲۴

هدف عمده دیتانت

اندکی بعد از سالروز چهلین سال آغاز جنگ جهانی دوم ، جنگی که خاطرات

خوابکارانه و خونریزی عای برای همه در آلمان بشریت باقی ماند متفقد گشت

خاطره ملیون ها انسان که درین جنگ خانمانشوز جان های شریین خود را از دست دادند . نسل کتونی را مجبور می سازد تا برای جلوگیری از تکرار چنین تراژیدی تمام مساعی خویش را بخرج دهند . سازمان ملل متحد که در نتیجه پیروزی علیه فاشیسم اساس گذاشته شد می گوشتد نسل های آینده را از خطر جنگ وارهاند . مبارزه برای این هدف در اجلاس جاری نیز ادامه خواهد یافت . وظایف مهم وار مسولیتی در برابر اسامبله عمومی ملل متحد قرار دارد . توقع خلق سراسر جهان اینست تا فعالیت های این اسامبله در راه توسعه پروژه دیتانت ، تحکیم صلح، خلق سلاح واقعی ایشان از همکاری های همه جانبه براساس اصول همزیستی مسالمت آمیز گسترش یابد-

وزرند مغایرت مشهود به اساسات ملل متحد به شمار میرود . چنین نوع فعالیت ها برای کشوری که عضویت دائمی سازمان امنیت را دارد کاملاً غیر مجاز بشمار میرود و دول عضو ملل متحد به چنین سیاستی اجازه فعالیت نخواهد داد در جهان بحیث سیاست ملل متحد در عرصه اقتصادی، اتحاد شوروی کاملاً سابق از مبارزه تول در حال رشد برای تأسیس مناسبات اقتصادی بین المللی مبنی بر اصول عادلانه و دیموکراتیک حمایت کرده است . عدم انکشاف محسوس وقابل ملاحظه برای بهبود بخشیدن موفقیت اقتصادی کشورهای جهان سوم نتیجه مستقیم سیاست قدرت های سر مایه داری بزرگ بشمار میرود که میخواهند استعمار اقتصادی را احفظ نمایند و به استثمار وغارت منابع طبیعی دول در حال رشد ادامه دهند . سی و دومین اجلاس عمومی ملل متحد که

اتحاد شوروی بطور جدی علیه نژادپرستان افریقای جنوبی قلعلم کرده است وی طلبد تا هرچه زودتر این سیاست غیر انسانی خاتمه یابد . به تمام خلق های مستعمره باید فرصت ومجال داده شود تا به اساس حق خود ارادیت به استقلال خود نایل آیند . ملل متحد روزنا روز به این عقیده میرسد خطری که ازطرف متحدین چپ نمای امپریالیزم متوجه است فقط تنها دامنگیر کشور همجوار آن بوده بلکه صلح جهانی را به مخاطره می اندازد . تهاجم همه جانبه متحدین چپ نمای امپریالیزم بر علیه ویتنام وتلاشهای مداوم آنها برای مداخله در امور ویتنام، کمپوچیا، لاوس ونول دیگر جنوب شرق آسیا وادعای حق «آموختن و درس» غیرت به کشور های که در برابر قدرت بزرگ متحدین چپ نمای امپریالیزم مقاومت می

هغوی پی ژوندی دی

ژان کافایت

بررسی

موزنه بوهیدلو چی خه نقشه یی زموږ په هکله چوپه کړی ده لږ وروسته هغه دلمبر ډیری لری وړانگی چی موز ته رسېدی د ورپخو د ټو ټو لاندی پتیری - یو سافه نکي د خاړی د برج له سر نه پداسی حال کی چی خیل پر ستن یی پر اوږ و با دی اچولی موز ته گوری زموږ ښی تور بغونی شوی دی ښایي چی کو م عکس العمل و ښیو او که نه ټوټو رڅو که به یره شی . دوه توه که یو بل ته مخا منځ دربرو او په ورزشی حر کاتو پیل کوو خو ژر ستړی کیږو . او اسی اسمان تور شوی دی با را ن وروږو او ری . د هغو پسونو به خبر چی په یوه توانی هوا کی گیر شوی وی یو خای سره ټو لیرو هر یو هڅه کوی چی مخنی خای به خان ورسوی غایبو له یو یو له بله سره لگړی .

دوه کسب یی حاله کیږی په لنډی اونم ناکی مخکی بانسیدی لویری په همدی وخت کی د بلو ټو ټو ټو په خپله تر مه بستره کی خپل غرمی خوب کوی .

یعنی څه ؟ داسی خو نشی کیدا ی چی خپل ځانونه مرگ ته تسلیم کړ و . یو بل پسون و هو یو بل ټیل و هو چی که تاوده شو . شارکووایی :

ملگرو زموږ وارهم رارسیدی !
لنډره چغه کوی .
زموږ وارهم رارسیدی .
فرا نسو یا ن په یو غږ وایی .
زموږ وار به هم راوړ سیری .
و یو بل لښک ته غږیو کی نسو .
دیغوانو خلکو تجربه :

یو هیږی مو ز په کو مه سیمه کی یو .
سره مو هر چی چی موز د علم په لاس کی لښکات یو .

موز دهرک په یوه اردو کاه کی یو .
د با زی په یو ه اردو گاه کی . هغه
اردو گاه چی که سړی هلته مړ نشی وژنی یی . پدغه اردو گاه کی غذایی رژیم او دکا ر اندازه داسی منجول شوی ده چی که یو غسلی او روغ سړی دلته را شی دشپرو میاشتو نه زیات مقاومت و نشی کړای لمړی هغه کسان له منځه و ږل کیږی چی کلیمان ، یهود د یمان اوکمو - نیستان دی .
تر او مه پوری په زر گو نه کلیمیا ن

هغه موز ته کیسه کو له پسرله هغه چی له عملیاتو څخه خلاصیږه د خپلی ښخی سره هوا خوری نه او خیل هغه ورو سسی مری می نی د هیلرود یو صاحب منصب نه زده کی شو له او اس دی خوا ډی چی زموږ د هغی نقشه به هکله و تر ډری چی په تطبیق یی بریالسی شوی نهو . پس له دی کسب نه سو داگر (سریر) دخپلو خبرو نه خوا شینی غو ندی ښکاری سیمون ئی براوړه وروھی او وایی :

فکر یی مه کو ه نه خو علامت نه وی وروړه !

موز په حقیقت کی پداسی خای کی یوچی ټو ټو ټو ټو ټو فر صت نلرو دا ځکه چی ډیری غږ بندونه پریږدی . دتبی په نیما یی کی یوه کاسه اش مو ډته را کو ل کیږی هر یوه ته یواخی یولتر رسپی د سړی نی پر سیری خو اوږه له منځه نه څی دشبی له خوا یوه ټوټه ډوډی او یوه ټوټه (سو سیمون) زموږ ډور څنی خوا ده تشکیلو ی دا هغه حواړه دی چی د کال په ډری سوه بنغه شپیتو ور څو کی تکرادیری یواخی په اوږی کی یوه شپه (دچار شنبی په شپه) یوه اندازه دمار گرین غوږی او بسوه فا شو څه عربا عوز ته را کوی .
پس له غرمی نه اندر ه مو ز نه دیرونی مېلمستیا په هکله غږیده :

سورو زه نوران خوږه ډوډی هم نه خوږم او یوا څی عربا خوږم .

موز یی لاد اردو گاه غو لی نه نه یو یولی یو څه لمر شنه چی سړی خپل ځن نو د کړی . کله چی دبلو ټو ټو موز پوښی چی خوا ډو ټو ټو به لار شو که نه ټولول په یو غږ وایی چی موز خوا ډو ټو به لار شو خو داهو له پاده ایستلی دی چی به ځانونو کی مو یواخی یو ښیان او سو ټکر دی او اسی دارد و گاه غو لی د هغو نیز و څخه چو د شوی دی چی ښوی شوی ندی . ساچه عجیبه سو ز لری سر باد لکیری ، بزی مو سړی شوی دی خو او اس نشی کیدا ی چی بیر نه و گر څو زموږ کا ری کړی دی د کړ کی تر شا (اشوب) دبلوک رئیس موز باندی دملنن په تو مه خاندی

توی را غلی دی مخا یخ کیږو . دوی پس له مو ز څخه دلته را ستانه شوی دی . (ناناو)
هم ددوی په ډله کی دی . ما ونشو کښی ای چی هغه وگورم داڅکه چی هغه د ستنبو په وخت کی د ننه په کتارکی سگرپ

خکولی واوله عمدی امله یی ښه و هللی او ټکولی وادهغه ټپ له کبله چی په شو نلری کی ئی بدا شوی و رو غتی نه

بی بیولی وپه خای کی بی (دویس) و ښم هغه زموږ نه مخکی اردو گاه ته راغلی

و او ز مو ز په گاو نلری بلو ټو کی اوسیده هغه ښه دی رو حیه ئی لکه د تل په شان غښتلی ده له لیری نه ما نه خا ندی د هغو وینتا نو څخه ئی چی په رو غتیو بل کی دهغه پر مخ با ندی پرا ته وو کو مه نښه ټیښانه نشته . اوهمدا راز دیو ځوان لیکوال سره اشنا شوی یم . دی (بل) نو مېری مو ز یوله بله سره مینه لرو .

موز یی ئی سپار شپا رسم نمبر بلو ټو ته لیر دولی یودام یودفرانښن شو یو

بلوکونو څخه دی چی دنورویلو گو نو څخه دیو اغزی لرو نکي مزی په واسطه پیل سوی دی او هیڅوک حق نلری له دغه د یوا ل څخه تیر شی .

یکشبه ده نن په جا با ندی کا رنگی دهغه دیوال له سر نه چی زموږ د څلورو خواو کی را تا و شوی دی ، نور بند یان وینوچی د اردو گاه په برخه غولی کی . دی خوا

هغه خوا گرځی اردو گاه دپسرلنئ لمر دپړا نگو لاندی دچشن او اختر بته غوړه کسپ بده د یو ار کسپر څخه دسند ری غږ اور بدل کیږی . دلته هر سړی دوی ښی لری . یسوه

بی غولونکی ظاهری ښه چی ددی ښی تر شا ډېر ونکی او د و سړی بته یتنه شوی ده . دغه ار دو گاه د د هیلری یوچی ارداوو کوچنی بته ښکاره کوی . له

بوی خوانه ستړی کارخانی اودنگی مسا ښی کلان اوکلاسیکی سندری داهماغه ظاهری بته

اوله بلی خوانه اردو گاه یوچیل خانئ . له یوی خوا نه ژوند د خپلی ټولی ښکلا سره ښکاری

او له بلی خوا نه بر سوب . عیو د ست فضا ر او مر گت ټول سما ن مر د دی بده مضو غی لری چی دهغی خاص میراث ټول متضاد شیان ښکاری داسی وی ښی یوه مور هم شاعر او سرباز زبیروی اوهم خبرو نکي حیوانات او وزونکی عو جودات

څوک کولی شی سوچ وکړی هغه سړی چی اوس د پسرلنئ لمر په ټو ټو څخه کی ناست دی او خا ندی سجا به دیوا س ساس دنا معلوم قبر له امله په انسان سو څوونکی کوره کی و نه سو څول شی ؟

(فرانسوا) زموږ نه غږ څخه

قوت اخلی او سر له دی جیږ رنځو نه اوکړوانه یی لیدلې دی خوږه ور تیا یی همدا سی خو ندی پا تی شوی د هدی تی دتلیغا تی یا یو دخپرو لو په تور یکه ۱۹۴۱ کال کی بندې کړی دی .

موږ هربو خپل هغه سگر ټونهچندندو یسو په بدل کی مو لاس ته راوړی ووهه ته وړاندی کوی . ما خپله په څلور سوو فرا نکو با ندی انیا دانی سگرت اخستی و(فرا نسوا) په ډیر شوق سگرت څکو ی، پس لهویږی مودی څخه سگرت څکو لی دی له همدی کیله لکه د مستو کسانو غوندی زنگیری .

خپل سگر ټونه یی ځایه مصرف نکړی ځکه چی دلته سگرت دسرو زرو ارزښت لری . په سگرت کولی شی چی هر څه وا خلی لکه ښو روا ، ډوډی ، مربا ...او هر څه چی و غوا یی خو نن شپه با یسد څا رنه و کړی چی څوک ئی ڼلا نکړی .

رښتیا دغه بلژیکي ملگری چی زما خواته را ځی څوک دی . راته اشنا ښکاری ښای چی دی می کو م ځای کی لید لی وی .

مانه پیژنی؟ ښه سوچ وکړه ، موږ د پخوا څو ځلې په پا ریس کی سره لیدل سې دی هغه زما نوم اخلی خوزه تشم کو لی چی هغه وپیژنم .

زول و ... ممکنه نه . سولی وروړه زه پخپله یم . دنوی کیلو پر ځای یوا ځی اوه څلو ینت کیلو وزن لرم خو څر تگه چی و ینی حال می دومره بد لدی . څه خبری دی ، څه خبرونه؟

سره غیز یږو . دهغو خاطر ا تو یکه یادو لو سره چی د گلې مبارزی یکه

اوږدو کی را ته پا تی دی د (زول) سترگی د رڼائی څخه بر یښی . هغه هم له هغو کسانو څخه دی چی اراده یی له مینځه

لده تللی له ټو لو ملگرو سره ټینگلاس ورکوی . داسی ښکاری چی د یوی کورنی په چا پیر یا ل کی یو .

آیا څوک دلته دتښتیدو په سوچ کی لویږی ؟ (دغه پوښتنه د یسو ند کوی)

تر اوسه پوری هیڅ کوم تښتیدو نکې په تښتیه بر یا لی شوی لدی . تیر کال یو بند ی خپل ځان په هغه صندوق کی چی په موټر باندی باریده پټ ، گس څو گیر شو - ټول ور ځ دسپاه نه تر بیگاه پوری دروازی سره پدا سی حال کسې چی مخ یی ددیواله خوا ته وو درول شو-داځای دهغو کسانو ته لپاره دی چی په مرگ محکو- میږی . په صافه شپه اسپاس هغه په ډیرو تشریفنا تو سره د دار خواته بوتو . دموږیک

د رد گاه د بند یاڼو ژوند په همد غس دوو ښو اومتضادو واقعیتو نو کی نغښتی دی . خو موږ لاتر اوسه دغه حقیقت با ندی نه یو هیږ و او د هغه په اڅخونو با ندی سوچ نه کوو . موږ اوس یوا ځی د یوی خیالی خپلوا کی په سوچ کی یو چی زموږ نور ملگری د اردو گاه په سترمیدان کی د هغی نه بر خور داره دی .

موږ دلته ټول ددی سوه تنه دبیلو بیلو ملیتونو څخه یو، فرانسویان ، بلژیکیان اسپانویان ، روسان یو گوسلاویان، چکان ، یونانیان ، لوکزامبورگیان، رومانیا ن، پولندیان او المانیان، موږ یی د جزا میا نو په غیر له نورو څخه بیل کړی یو ، موږ یی ظاهرا د علمی تجربی لپاره ساتلی یو همدا غسی چی ما را ناو سوی ددغه گاه د لپاره ساتی خو په هرصورت نه یو هیږ و چی کوم سر تو شت زموږ د انتظار یا سی .

موږ پنځه دیرش کسه فرانسویان یو . شار لو ، ریموند ، اندره ، پسی لونی ، سمون زه او ځنی نو د کسان چی ورو ورو له هغوی سره هم اشنا کیر و د مثال په تو گه دکانونو یو کارگری چی (فرانسوا) نوم یږی .

دی د هغه کاروان جز و چی یو کال مخ کی یی دلته راوستی و دی زموږ د سر ټو لو نه مخ کی دی ، دی او (باگوستا) چی دسیند و په وخت کی یی یو سلو پنځه دیرش کیلو وزن در لوده او اوس یوا ځی څلور شپيته کیلو وزن لری دهغی پنځه دیرش کیلوزی فرا نسوی ډلی څخه پاتی دی .

فرانسوا موږ ته نصیحت کوی چی : -برته د څو کسو څخه ټول المانیان

جنا یتکاران دی . دوی دهغو اردو ځواو غښتان دی چی هلته انسا نا ن دپخوا په څیروژل کیري . دوی خاص مسوو ټیتو نه دلدی او امتیا زونه لری . او هغه روسان چی دلته دی یاددهغو اوکرا ټیسی کړو ند گرو څخه دی چی دکار کو لو لپاره المان ته را غلی دی اویا هغه غله اوچنا یتکاران دی چی دالمه ایا نو په واسطه د جیل خا نو څخه خوشی شوی اودلته راوستل شوی دی باید له هغو څخه هم ډډه و شی یو لنډ بان او کم تر کمه دالمانیانو په اندازه خطر نا ک دی یو گوسلاویان ډیر زړه ور ځلک دی او د پخوا نیو سر تیرو له ډلو څخه دی . چکان او هسپانیویان هم ښه ځلک دی خود دوی اړیکی موږ د سره ښه نه دی . او بالاخره فرانسویان او بلژیکیان تر ټولو له زیات تر ازاو لاندی دی خو اوس ددی لپاره چی ددوی شمیر زیات شوی دی ښای چی و ضح بد لون ومومی .

یوه ډله چی دکانونیوال دلو بفاو کالی یی آغو سنی و ددغه تشریفانی ډلی یکه سر کی روان و اویی له ختبه نه تی دغه فرا نسوی سندر غیر و له (زه به منتظر یم ... دتاد بیرته ستید لو لپاره - شپسی

او ورځی ...) په هغه گا ډی کی چی دغه بند ی پکی سپود ودغه اعلا نوته ترست- گړ کیدل .

(ماغوبینه چی له یغنی نموتښتم خو دادی اوس به په کور کی ښه تو دشم...)

هغه بی له دی نه چی یو ټکی و غیزیری داردو گاه دټولو بندیانو اوپای ته دنه رسیدونکی سندر و په وړاندی ساه ورکړه

دنازی دجیل خانونه تیښته اسانه نه ده (سریر) وایی :

هو کی رښتیا ده . زه اوس یو هیږم چی موږ یو ډیر ښه فرصت له لاسه ور کړی دی . لازمه وه چی ددغه فرصت نه مو به

اور گا ډی کی گټه اخیستی . دمثال په تو گه داسی کیدای چی دیوه ساتو نکسی وسله مو ور څخه اخیستی وای او بیا مو دتښتیه د پا ره اقدام کړی وای .

ریمون خواب وکوی :

ددغه کار خطری یخی زیاتی وی . په لمړی سر کی معلومه نه وه چی ټو لو

بند یا تو به له موږ سره لاس یو کا ده کته ؟ پدومم پړاوکی که څوک نیول کیده

دهغه به واسطه به نوو ملگری هم نیول کیدل او که فرضا هیڅ یوته نیول کیده

کومه ځایه معلوم چی ټول بندیان به په تښتیه بر یا لی کیدل که څنگه ؟

زول وایی :

شاید دغه ټکی رښتیا وی خو سره له دی ددی ارز ښت یی در لوده هر څه چی کیده ددی ځای نه به ټنډه .

وروسته بیا ما څو ځلې پدی هکله سوچ وکړ . کله چی به اورکاډی کی (سیمون) دساتونکی

وسلی ته خریدی په ناچاری سره می منله چی ځنی مخصوص و ختونه دلیو تسوب

څخه ډک کارونه په حسانو شرا یطو کی ډیر عا قلانه بریښی .

کله چی اوس گورم دهغو پنځه پنځوسو کسانو څخه چی په اور گاډی کی و یوا ځی

لس کسه پا تی دی پدی با ور پیدا کو م چی که دنیامنی بر ځی ملگرو د سر په قیمت تمامید با ید په هغه اقدام چی

(سریر) سنجو کی و لاس پوری کیدای .

کله چی پدی هکله ډیر سوچ کو م دی نتیجی ته رسیدم چی که بیا داسی فرصت

لاس ته راغی باید ور څخه گټه وا خستل شی . هو کی ددغه تدبیجی اوورځنی مرگ

څخه ددغه د سپکاوی څخه ډک مرگ څخه، ددغه دځاړی په څیر ژوند څخه اوچلادانو

دسپک نظر لاندی مرگ څخه سل ځلگی هغه مرگ چی دغلیم سره په جگړه کی

چی په نا ځای نه گه منځ ته راځی ښه دی داسی مرگ چی د غلیم ما شمس گنو په وړا ندی سړی نه پیښیری د هغه مرگ په پرتله چی دو حسی غلیم تر پښو لاندی منځ ته را ځی سل ځلې شرف لری .

وروسته له دی نه به موږ سره څه وکړی ؟ فرانسوا هم نه یو هیږی زول هم نه یو هیږی . خو حقیقت دادی چی موږ په جیل خانه کی دننه یسوی بلې جیل

خانې کی لویدلی یو . په هیڅ توگه حق نلرو چی د قر قظین نه بهر چا سره تماس ونیسو . سر له سبا نه با ید یوا ځی دبلوک خوا ده و خو هو .

داسی و یل کیری چی کوم مخصوص غذایی رژیم یی زموږ د لپاره ټاکلی دی :

که دا رژیم دکارد حذفولو سره یو ځای وی ډیر ښه رژیم به وی .

په هغه کو چنی غولی کی چی سر یکه سر لو ید لی یو دڅلکو تگ راتگ نه گور و . اوس موږ د هم راه داری جا

آغو سنی دی . ددی لپاره چی بند یا ن وپیژ ندل شی یوه سور رنگه ویشمه لسی

په سینی با لدی او یو سور رنگه ویشم یی په پلانده کی تر لی ده او ددی لپاره چی

دبیلو بیلو ملکو تو بند یا ن وپیژ ندل شی بوسیوه پر ټاکلو نورو په یوه سور د رنگ

مثالت کی دهر هیواد دنو م لمړی ټکی لیکل شوی او د فرانسوا یو ډیر ند یی

ټپه د (ف) ټکی دی . هلته ډیر لیری دغرونو په منځ کی

لیر په ډیر بر م سره د ټو بیلو په حال کی دی . موږ ته مخامخ له یوه وروان څخه

سری شغلی پورته کیری هلته انسا ن سو- زونکی کوری (کرما تود یوم) دی یو

بلژیکي موږ ته لږدی کیری او داسی ښکاری چی یوپټ واژموږ ته وایسی ، په

ورو او په لږ زید لی غیر وایی . زه همدا اوس په شوم چی موږ د اوتاسی

دمرگ په بلوک کی یو . زول خپلی اوږی پورته اچوی .

زموږ د ډلی په څنگ کی اندره دیوه المانی سره معامله کوی غوا یی چی د یو

سگرت په بدل کی پوږی وا خلی موږ د گورو چی دهغه دیوی قطی سگرت په بدل

کی یوا ځی یوه ټوټه توره ډوډی ا خلی (فرانسوا) اندره ته گوردی اووایی

حتل دی با یللی دی دیوی قوی نوری ډوډی په بدل کی دی یو قطی سگرت

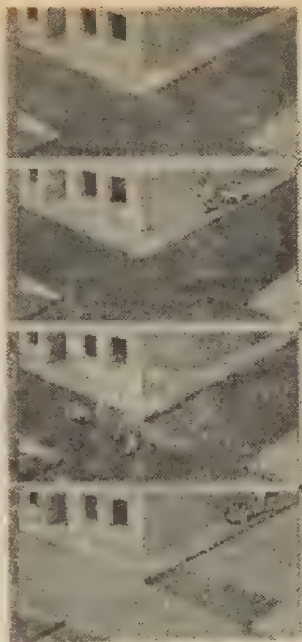
ور کړ ؟ یو نفر اوس زما لمتو نی کش کا ښای او

یو پا کت بوړه را ته ښیښی ښای چی پنځه قاشوخی بوړه ولری .

(دیه سیاست پاپیروس) دو سی کلمسی یعنی (لس دالی سگرت)

(توریا)

صفحه ۴۹



بدون شرح

در مغازه پیراهن فروش

خانم پس از مدت‌ها تصمیم میگیرد که
برای شوهرش پیراهنی بخرد.
بدینجهت بمغازه پیراهن فروشی رفت و
گفت:
- لطفاً يك پیراهن بشمی بدهید.
صاحب مغازه یخن پیراهن خودرا نشان
داد وگفت یخن اش اینطور باشد؟
خانم جوابداد:
- نی. یخن اش پاك باشد!!

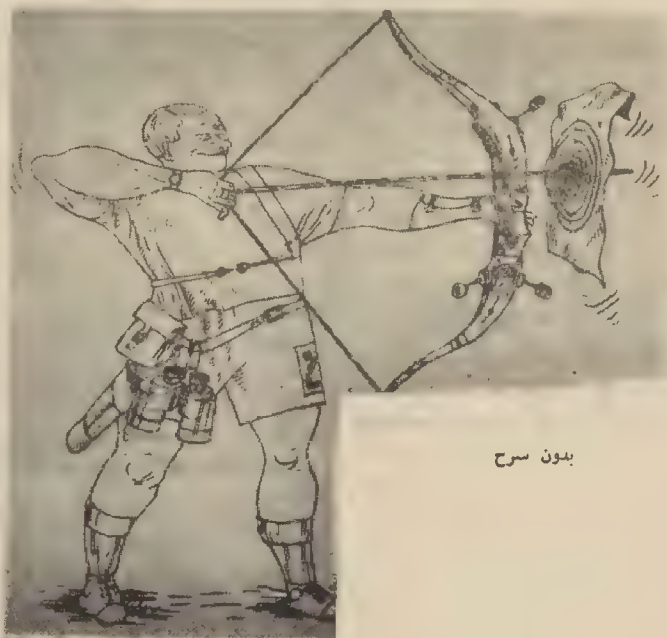


مادرچان: نمیدانم چه شده که دیگر تلویزیون تصویر را نشان نمیدهد.

ببخشید حشره شناس نیستم!

مشری - آقای پیشخدمت ... یا به بین
این چه است که در بین شوربا من دست و

معلم - احمد زود از صنف برو بیرون.
شاگرد دیگر - معلم صاحب احمد چکار
کرد که از صنف بیرونش کردید؟
معلم - خاموش باش میخواهی چکار
شاگرد - هیچ ... می خواهم منم همان
کار را بکنم.



بدون شرح

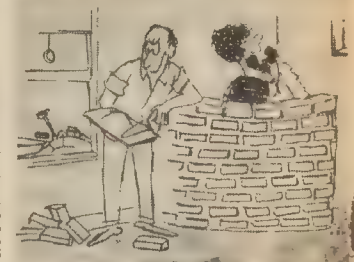
من در آن خانه نارام بودم

خانم میخواست پیشخدمتی جدیدی که هم
جوان و هم زیبا بود استخدام کند. ولی
برای اینکه از سابقه او اطلاع داشته باشد
گفت:

- شما از خانه قبلی چرا بیرون آمدید؟
پیشخدمت جوان در حالیکه خجالت می
کشید گفت:
آخر خانم ... من در آنجا بسیار نارام بودم ...
چون آقا شبها در خواب مرتب خرووف می
کرد!!



علاقه به صنف!

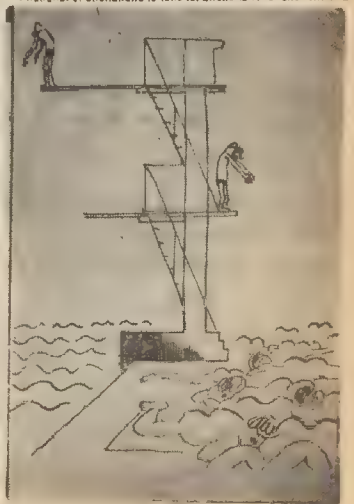


خانم، من اینجا نامده‌ام که دعوا کنم. اگر
میخواستم دعوا کنم مریتم خانه پیش زلم.

ناچار پول را بیشتر می گیریم

مردی برای صرف نان چاشت به وسنورانی
رفت و سفاوش غذا داد ... ولی گارسون
هنوز غذا را روی میز او نگذاشته بود که
يك پیشخدمت دیگر پیش آمد و صورت
حساب غذا را باو داد و مطالبه پول کرد ...
مشری که از صورت حساب عصبانی شده
بود گفت:
- بسیار عجیب است. من هنوز غذا را
نخورده‌ام آنوقت شما از من میخواهید
پول بگیرید.

در اینموقع گارسون به قیافه حق بجایی
گفت:
- شما حق دارید قربان.
اما چون شما خوراك خرچنگ و امیخوید
و هفته قبل در این رستوران یکنفر بر اثر
خوردن خرچنگ مسموم شد و مرد ما ناچاریم
قولا پیش بینی لازم را بکنیم!!



بدون شرح

صنعت شیشه سازی . . .

پس از قرن هفده ساختن کرسیتال و بلور در تمام ممالک جهان رواج یافت ولی معروف ترین کرسیتال در جهان کرسیتال (پاکار) در فرانسه است که به نام سپهر مسمی است .

امروز در شوروی و اروپای شرقی هم کرسیتال و بلور ساخته میشود که فرآورده های این صنعت شهرت جهانی دارد .

در قرن هفده که فرانسه با داشتن صنعت گران ماهر در این حرفه شهرت زیادی یافته بود انگلیس با یکصد هزار تن صنعت گران را با خود به انگلستان بردند تا این صنعت را در مملکت خویش رواج بدهند .

پس از قرن هفده حکاکای روی فرآورده های بلوری آغاز می یابند . اگر چه این شیوه بعدها سل قبل هم رواج داشت خدنگه در بالا از آن تذکر دادیم ولی بعد از قرن هفده تحولاتی در تراش و حکاکای روی فرآورده های بلوری وسیله بی عورت گرفت که با حکاکای و تراش های قبلی تفاوت زیاد دارد . تاریخ کنند کاری و حکاکای روی کرسیتال و بلور را میتوان بصورت قطع نیمه دوم قرن هفده خواند و با امروز این صنعت در تمام جهان رواج دارد .

در کشور عزیز ما افغانستان این صنعت از یکصد سال به این نظر رواج دارد . امروز در هر اوقات صنعت گران شیشه را می باید که با همان وسایل ابتدایی ظروف شیشه ای را تهیه میدانند . این صنعت در رشته کشور ما که تاریخ آن تا قرن هفتم می رسد نظریه نفیسرات و تحولات آنوقت و هم نظریه بی علاقه گری ندیم شوق هنرمندان از طرف امروسلطین آن احوار کسر انکشاف یافت و به حالت ابتدایی قرار داده شد .

قرن سیم که دوره انکشاف هنر و تکاملوری بشری می آید در این صنعت در برینه نابری نکرد زیرا این صنعت از صد سال به این طرف هرگز تشویق و ترغیب نگردید . به همین صورت هنر شیشه سازی که در کشور

ما تاریخ درجه و درباری دارد و ن وجود ضرورت و آفری که به فرآورده آن احساس میشود کسر انکشاف یافت . ولی بعد از بروزی انقلاب نور همانطوریکه در تمام ساحات زندگی خلق ما تحولاتی چشم گیر رونما گردید و میگرد در صنعت شیشه سازی هم این تحول دیده میشود .

امروز صنعت گران رشته تشویق میگردند در ساخته های خویش تحولاتی مطابق نیاز زمان بوجود بیاورد . وسایل و لوازم که برای انکشاف این صنعت ضرورت است به صنعتگران داده میشود . از ساحتها و فرآورده های این صنعت گران استفاده میگرد و این عمل باعث میشود که صنعت گران این رشته بشیر تشویق گردد و یکبارگی دلسنگی بشری پیدا نمایند .

ظروف شیشه ای که اکثرابه رنگ آبی روشن است و مسر در توکان های انست . فروشی به فروش می رسد کار صنعت گران هرات بوده . تقریباً میتوان گفت که این صنعت شخصی به خود هرات و صنعتگران هرات است . زیرا مواد اولیه که در ساختن این فرآورده ها بکار می رود بشیر در هرات یافت میشود از همین رو صنعت شیشه سازی در هرات باقی مانده و در دیگر جا ها کمتر انتشار یافته است .

وقتی که به این ساخته های هنرمندان ما توجه میکنید و آنرا با دقت ملاحظه مینماید در آن زیبایی ها و ظرافت های مشاهده می نمایند که در کمتر ظروف مشابه آن دیده میشود .

امروز بشیر جهانگردان و سیاحان کسبه علاقمندان فرآورده های صنعتگران ما هستند بخاطر اصالت و زیبایی این ساخته ها اند . از همین رو در جهان خارج مخصوصاً در اروپا خریداران زیادی وجود دارند که این فرآورده هنری را بخرند .

جندی فیل رادیو تلوزیون خلق افغانستان از برای برده تلسویزیون شیوه تولید این صنعت را به نمایش گذاشت که سخت مورد توجه بینندگان قرار گرفت .

تضادهای عمده

در فبال این نحو برداشت باید گفت که نخست در دو جنگ جهانی اول و دوم به سبب خدمت سلاح هایی که در آنها بکار رفت هنوز مساله موجودیت سراسر جامعه بشری مطرح نبود و تا آنجا اینکه با اینهم ترقیخواهان و پیشگامان نهضت و آفری می کوشیدند تا از درگیری جنگ جلوگیری به عمل آید که عبارت از صلح خواهان و استین در صنعت تاریخ درج است .

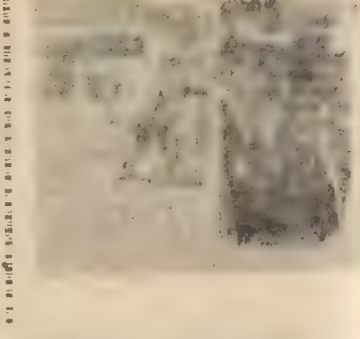
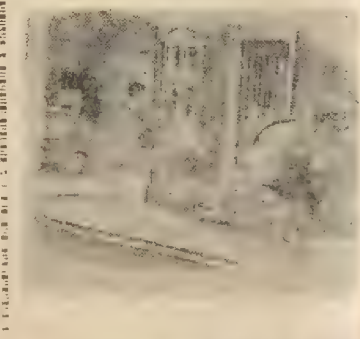
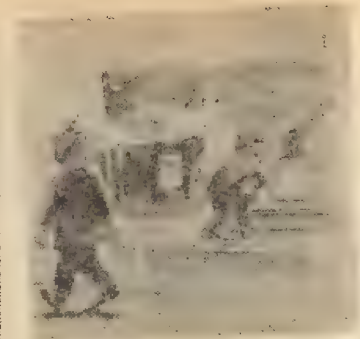
با وجود اینکه اگر سلاح های جنگی خدمت مخوف کنونی خود را نداشت مساله جنگ و صلح با این حدت امروزی مطرح نمی گردید با اینکه شعار خلع سلاح از جمله شعار های اولین رهبران طبقه کارگر به حساب می آید در وضع کنونی سلاح های هسته ای از تکنیک جنگی . تغییرات کمی ایجاد کرده است بنا بآنکه در سلاح های امروزی هیچ عمل سلیم حکم نمی کند که جنس جنگی به انقلاب جهانی و جهانیان قید امپریالیزم کمک می کند . چنانچه لائوس بولنت دانستند معرفی امریکا در کتاب خود بنام «نابود باد جنگ» حساب کرده است که (شصت) روز پس از شروع جنگ هسته ای از یکصد و نود میلیون امریکایی یکصد و هشتاد میلیون نفر نابود خواهد شد و بازده میلیون نفر از آن آسیب جدی خواهد دید و تنها پنج میلیون نفر ممکنست با نسبه سالم بماند . طبیعی است که در مناطق دیگر نیز چنین خواهد بود که با انکشافات بعدی سال های اخیر وضع ازین نیز بدتر است . می شود .

البته اگر چنین جنگی در مورد حتما امپریالیزم تر آن خواهد سوخت و از آن نام نخواهد ماند ولی هیچ انسان فیمبران چنین آینده ای را برای بشر نخواهند پسندید و راه ترقی و تعالی جامعه بشری را از وادی چنین جنگی تجاوز نخواهد کرد .

بهر حال امروز نیرو های سراسر سوسیالیزم بمشابه ناخوس مرگ امپریالیزم از صلح و آزادی در جهان دفاع نموده و نادی تأمین صلح در گتی در هر گوشه و کنار بلند است و خلق های سراسر جهان معز مرگ رنچک و بیروز باد صلح را قهرمانانه بلند نگه داشته و بدین طریق رسالت خویش را تک درک نموده و مبارزه صلح خواهی یک مبارزه جهانی عیدل گشته است چنانچه اسکاتلند صلح در گیتی غریب نیرومندی همراه دارد که درهای یوشالی امپریالیزم .

بلرزه در آورده و در یکبار طبعانی و آزادی از برای خیمه در گیتی بروزی از آن عظیم خواهان و تحول طلبانی است که با نیرومندی تمام در رن درونی دفاع از صلح جهانی روز بروز بیم میرسد و از صلح و آزادی رفیقانه و صمیمانه حراست و حفاظت می نمایند .

بیروز باد صلح در جهان سرنگون باد امپریالیزم برده باد جنگ طلبان برافراشته باد درونی صلح در سراسر جهان .



سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک)

این سازمان در سال ۱۹۶۰ از کشورهای عمده و غنی صادر کننده نفت جهت دفاع از منافع مشترک اقتصادی شان بپای آمد. اعضای آن عبارتند از: ونزوئلا، عراق، ایران، کویت، عربستان سعودی که در این اواخر کشورهای الجزایر، مابون، اندونزی، قطر، لیبیا، نایجیریا و امارات عربی و اکوادور نیز با آن ها پیوستند. اجلاس های عادی وزاری نفت این کشور ها معمولاً سال دوبار در مرکز یکی از کشورهای عضو صورت می گیرد که این کنفرانس ها به تصویب یک سلسله قطعنامه هاییکه اکثریت آنها را تصویب دارند به انجام می رسند.

قرار احصاییه ذخایر نفت درین کشورها در سال ۱۹۷۹ (۲۰۳ میلیارد تن نفت ۸۱ فیصد نفت مجموعی در جهان سرمایه داری) تخمین زده شده است. در سال ۱۹۷۸ کشورهای عضو این سازمان ۱۴۶۲ میلیون تن طلای سیاه که ۶۲ فیصد مجموع نفت استخراج شده جهان سرمایه داری و ممالک روبه انکشاف را دربر می گیرد استخراج نمودند که فیصدی قابل ملاحظه ای آن در کشور های پیشرفته صنعتی به مصرف رسیده است. نفت صادر شده از طرف کشورهای اوپک تا سال ۱۹۷۷ در حدود پنجاه فیصد و در سال ۱۹۷۳ تقریباً ۷۱ فیصد کل احتیاج انرژی کشورهای پیشرفته سرمایه داری را مرفوع نموده است. که در سال ۱۹۶۷ بین ۶۳ فیصد الی ۶۵ فیصد بود. در سال ۱۹۷۷ مجموع نفوس کشورهای عضو اوپک ۳۰۸ میلیون نفر (یازده فیصد کل نفوس جهان غیر سوسیالیستی، یازده فیصد کل نفوس ممالک روبه انکشاف) بود.

از اهداف اصلی و عمده کشورهای عضو اوپک بدست آوردن حق کامل و حیثیت ملی شان در راه رهایی از بهره کشی های کمپنی های نفتی ممالک سرمایه داری است که از سالیان درازی باینطرف از منابع نفتی شان سود کامل در کام آنها بوده است می باشد.

دهه شصت سال های تجدید نظر برقرار دادهای استثمار گرانه کمپنی های نفتی با اعضای اوپک بوده است که در نتیجه آن از اکتوبر ۱۹۶۰ الی اکتوبر ۱۹۷۳ در آمد کشورهای عضو اوپک از درک نفت شان از شش دالر فی تن به هفده دالر فی تن بالا رفت. که بالا رفتن این فیصدی هم تأثیری بر کمپنی های نفتی غربی وارد نیامد زیرا این کمپنی ها هم دست به احتکار و بلند بردن قیمت نفت در سایر نقاط جهان زدند چنانچه قرار احصاییه خود منابع اقتصادی جهان غرب یک تن نفت حاصله از کشورهای اوپک توسط کمپنی های مربوط به یکصد و پنج دالر فی تن در دنیای غرب به فروش رسیده است که از آن صرف هفده دالر آن به کشورهای شماره ۳۳

تن نفت در بنادر خلیج فارس از هشتاد و پنج دالر به یکصد و هفت دالر بالا رفته است که آخرین بار آن در جنوری ۱۹۷۹ بود که فی تن نفت از نود و هشت دالر به یکصد و هشت دالر رسید. اما منافقانه که باهانه این تلاش ها هنوز هم در اکثر ممالک او یک رژیم های اوتجاری و دست نشانده امپریالیزم تسلط کامل سیاسی دارند و چنانچه گران با استفاده از این دارایی ملی مردم آن سرزمین توانسته اند قرار احصاییه مجله «مردمان گرانتری تراست» در بانک های غرب در حدود یکصد و هشتاد میلیارد دالر عایدت به حسابات شخصی موجود است.

زبان و تنکی. بریالی

په بدن کی دویتامینونو دزیا توالی اغیزی

ها بیر ویتا مینو زس، دویو غو ویتا مینو دزیا ت مقدار استعمال خفه په یوماورده موده کی منخ تهر اخی چی داحالت دهیمو. ستا زس میخا نیکت دی ته او دی تر خو دزیا تی اندازی په خار جول او اطرا ح بیل وکړی او دا عملیه ان تر هغه و خه پوری دوام کوی که خو هم دویتا مینو استعمال د تشخیص پوسيله پس شوی هم وی. د مثال په ډول که یو ناروغ دویتامین سی ډیر قوی کورس واخلی دهغه په نزد دویتا مین سی ډ کولای ا غراضی دویتا مین د زبیتوالی د اعتراضو سره یو ځای پیدا کړی. تجربو دا څرگنده کړی ده چی که په یوشمیر حیواناتو باندی دویتا مین سی زیات مقدار و خوړل شی دا حیوانات به د هغو حیواناتو په مقایسه چی دویتامین ویتامین طبیعی اندازی اخلی ډیر ژو دسکور دی په ناروغی اخته کړی، عین همد ا حالت په انسانانو کی هم پېښیږی. همداراز حالتونه د نورو ویتامینونو د زیات مقدار دجوړیز په کبله منخ ته را ټلای شی. د مثال په توگه دویتامین ډی دزیا ت مقدار استعمال په نتیجه کی د کلسمین ما لکی ددی په عوض چی به هم وکو کی ذخیره شی د هغو وکو خفه دداخلی اعضا وو انسانانو ته تیر یری (لکه چی دریکتن په ناروغی اخته ماشومانو کی لیدل شوی دی).

شوروی او په ورو ډیر نو دواو نو کی یو هاو دار قامو یوه مجموع استعمال کړی ده چی دهغه بدلونونو څر گندونکی دی کوم چی دویتامینونو دزیا ت مقدارداخیستلو په کبله منخ ته راغلی دی.

دهیمو ستاز س میخانیکیت یو اخی په قسمی ډول دا ضا فی مقدار ویتا مینونو اطرا ح تا مینو لای شی او که دا حالت دوام پیدا کړی ځنی مرضی بدلونونه به مشخصه توگه د فسوک (ا د نیل) د غدی په پاتی په ۵۵ مخ کی

دویتامینونو نو گټی او په ښکاره ډول دغغو نازیانمند توپ ددی سبب شوی دی چی مونږی له تشخیصه دویتامینونو خوړلو ته مینه پیدا کړو. په هر حال دا باید په یاد ولرو چی ددوا جوړولو د علم له نظره ویتامینونه هغه دواگان دی چی باید په دقت او هو ښیاری سره استعمال شی. ویتا مینو که لکه ډیرو ټینو، غوږ یو (شحمیاتو)، قندونو او ځنی نو رد موادو په شان هغه مغزی مواد دی چی د انسان بدن نه د غذا سره دا خلیږی او استلا بی نورمال جریان یری تطبیق کړی دکیما وی ترکیب له نظره مصنوعی ویتامینونه طبیعی ویتامینونو سره یو شان دی او کوم توپیر نلری عگر څر تگه چی دویتامینونو ځنی اندازی گټوری دی په عین حال کی د زیات مقدار استعمال یی په ښه انکار ښونکی ډول زیانمند هم تما مری.

دنورمال استقلاب یو حالت هم دبدن دداخلی محیط نسبی استقرار دی چی د هیمو ستازس په نوم یادېږی. دویتا مینونو ښه ډول او مخصوص اندازی دانسان دبدن دانسا جو یواسطه اخستل کړی او زیاتی بر ځی تی د هیمو ستازس د میخانیکیت یو سیله اطرا ح کړی چه د هغو محافظوی وظیفی په بدن کی محدودی دی.

دهرډول مغزی موادو منظم زیات بکارو. ډولوله کبله که څه هم هم غوږیوی یافتونه، مالگی وی یا ویتا مینو نه، په لوی موی پرا وکی وظیفوی او په پای کی عضو ی تشوشات او بی نظمی منخ ته راځی.

دویتا مینونو دزیا تونو اندازو منظم استعمال په وجود کی یو غیر طبیعی حالت منخ نه راوړی چی دهیپروویتا مینو زس دویتامینونو دزبیتوالی په نامه یی د یری له کوم څه خایه چی د ځینو ناروغیو په وخت کی دویتامینونو تجویز دیو دواپه څیر صورت مومی پدی بحث کی مو ډ د هغو استعمال دیو مغزی مادی په څیر هیمو څیرو.

www.dawab.com

په ژنيو کې دسولې او پياوړتيا لپاره د بشري پالونکو

ستر گډون

دسره صليب د بنسټ ايښودونکي او دنوبل دسولې دجايزې د لومړي گټونکي هنري دونانت (۱۸۰۶) کاليزې دمنځنځو په مناسبت و هغو نيو نړيوالو موسسو ته کوم چې هغوی هم دغه ډول جايزې اخستې دي ديوه گردې هنر غوښه يې به زينو جوړه کړه خوږه غښه سره داسې ليارې ولټوي چې دنړيوالو موسسو په مرسته دسولې لپاره زباني هلې ځلې وکړي موضوع د خپرنې په هکله پخپل ډول کې لومړنۍ گردې ميزور چې په زينو کې غوښه وکړه .

دنوبل دسولې دجايزې لومړۍ گټونې:

دنوبل دسولې لومړۍ جايزه په ۱۹۰۱ کال وچين هنري دونانت ته چاچې دخپل ژوند په ټول عمر کې دانسانانو په منځ کې د بشري تودو اوسوځونکو احساساتو په پارو لوسره خپلو مسووليتونو ته توجه کړه ورکړه شوه . په ۱۸۵۵ کې ده دخوځو ملگرو سره دنړۍ دغيسوې خوانا نو ټولنه په پاريس کې جوړه کړه په ۱۸۵۸ کې دده دکتاب يوه برخه دغلامي لومړ ټيټوب دمنځه وړلو په هکله په متورو معلوماتو سره خبره کړه په ۱۸۶۲ کې دى دسافريو د يادونو) په نامه يو کتاب خپور کړ او په دغه کتاب کې هغه اصلي هدف کوم چې دسره صليب اساس نسکيلو جوړاو طرح کړ او په دغه طرح کې يې غوښتي دي چې بهر هر هيواد کې دخپلې خوښې کمېټې بايد دجگړې په وگړو ونو کې له تيانوسره لازمي مرستې برابرې کړي . اودهغو دساتلو دپاره بايد هيواد ونه دين المللي اوسپځلو اصولونه اساس له دوى سره معامله وکړي .

په ۱۸۶۳ کال کې دونانت د لومړنۍ کمېټې چې وروسته بيا دسره صليب نړيواله کمېټه سوي دوهال غړى شو . په ۱۸۶۴ کال په دو لټونو باندې دژنيو او کوانسبون په سوب او منلو کې بريالى شو . په ۱۸۶۶ کې دونانت ديوه نړيوالو کابټون دبنسټ او اساس لپاره يوه پروژه چې په هغه کې بايد داديانو ډير لږو اثار نشر او ټول شي په کار واچوله ولې زياتو جگړو دپروژې کارو خنډ اوه دغه مفکوره ديو نسکوپواسطه واخستل سوه او په کارو لويده او هغه يې ژوندۍ او پياوړې کړه .

دجگړې دښت يانو حالت ديوې اوږدې ديوې لپاره دونانت وارخطا کړه په ۱۹۶۱ کال دپاريس

په کنفرانسو نوکې د موضوع په ارتباط لېکلي يانې وړاندې کړي . ده يوه نړيواله معتبره او مشهوره کمېټه چې (دجگړې له بنه يانو سره څه ډول عمل ولټي) جوړه کړه ده خپلې عقيدې او نظريې چې وروسته بيا د بروسلد ۱۸۷۴ کال په کنفرانس کې وړاندې کړه ۱۸۷۲ کال کې په هغو لکچرونو کې چې په لندن کې ورکړه ده (دتمن او نظم لپاره ديوې عمومي اتحاد يې) دتاسيسو لو څخه ملاتړ وکړ او دحکمت ديوې نړيوال محکمې دپکار اچو لږو په فکر شو چې دملتونو ترمنځ شخړې تسهلي اودهغه په وسيله جگړه له منځه يوسي .

په ۱۸۶۷ کې دونانت په مالي زيان اخته شو . کله چې ده په نړۍ کې دنوبل دسولې لومړنۍ جايزه تر لاسه کړه دى يو غربت خپلې اودخلکو له نظره څخه هير او ليرى شوى انسان وواوړه (هيډن) کې يوه يوه وگړي اوسمه ده خپلې دجايزې پسې پخپله خوښه دخبره جاروا وانسانې خدمت لپاره په ميراث بريښودى دنړۍ ځينې بشريالې موسسې چې دنوبل دسولې جايزې تر لاسه کړې دي:

۱- دسره صليب نړيواله کمېټه :

دنوبل دسولې جايزې ۱۹۱۷-۱۹۶۳: دسره صليب نړيواله کمېټه چې دپنځه کميسيون کمېټې په نتيجه کې دونانت په ابتکار منځ ته راغله او خپلې غونډې يې ۱۸۶۳ کال په فبروري کې دونانت دغوښتنې په اساس چې ددى موسسې بنسټ ايښودونکى دى په ژبنو کې پيل کړي . دغې کمېټې دژنيو دکتوانسبون او دبشر دين المللي قانون ستره ساتنې په موسسه ده . برسیره پردې په ټولو جگړو کې ديوه بېطرفه او هيانځگرې په شان ددښمنو او جگړو وگړو دوتونو ترمنځ عمل کوي او په جنګي عملياتو نوکې دجگړې دمهصبت خپلو سره هر ډول لازمي مرستې اودهغو ساتنه کوي اوددوى بدنې او معنوي رنځونه او دردونه ارامه وي .

په حساسه توگه دجگړې دزيانونو اومصيبتونو څخه هر چيرې خبر يږي دکوم وخته څخه چې دهغو په اصلاح او جبران لوکي کار کړي دغه دسره صليب نړيواله کمېټه خلک دجگړې په ويره اونفرت بوډوى او انسانان دى ته رابولي چې دجگړې مخالف شي دامو سسه دهمدې ليارې دبشرې ورورې او ملگري اود بشر دښه والې لپاره ددوى دمسووليت فعاله احساساتو ته وده او پراختيا ورکوي .

ددې موسسې بشري خدمتونه او عمليات دجگړې په ډگرونو کې بونښکاره او خرگندل ليدل دي چې سوله او تړون ټينګ کړى دښت او اضطراب په وخت کې ددى موسسې مداخله دسولې لپاره يو حتمى کاروي .

۲- دنړيوال سره صليب او سړي مياشتې اتحاديه (ليگ) :

دسره صليب داتحاديه ټول لټي (ليگ) په ۱۹۱۹ کال تاسيس اود سره صليب سړي مياشتې او ستر خورنيد سرخ دملي ټولنو فدراسيون دى . دغه موسسه دملي ټولنو دتيراختيا ورکوي ددغوملي ټولنو سره دسولې او ارامتيا په وختونو کې په فعاليتونو او دطبيعي ناپوړو پيښو کې دوى دنړيوالو مرستوبه مواز نه او انډول ساتلو کې همکا رى وکړي .

ليگ دونانت دخبروبه اساس عمل کوي: دساري ناروغيو لکه وبا، سيلانونو او نور ناخاپي افټونو او زيانونو او پيښوبه وختونو کې دبشر بالټي روحيه چې دغه ملي ټولنې په به دغو ټولو شرايطو کې ترکومه خايه چې توان لري له دغو مصيبت خپلو سره مرسته خدمت او خواخوږى وکړي .

پدې ډول ليگ دخلکو په منځ کې دمنځپالنې مرستې او ورورې دتفاهم يوه صحيمې او توده فضا منځ ته راوړې او خپله دايمې او هعيشگي مرسته دسولې په برخه کې سرته رسوي .

۳- د نړيوالې سولې اداره :

دغه اداره په ۱۹۲۲ کال د ۱۸۹۱ کال دنړۍ دسولې ددرېم کانگرس په دوام په روم کې تاسيس شوه هدف يې دسولې لپاره ديپلوميټو موسسو په کارونو کې انډول اودنړيوال کړ- کچونو او جگړو لپاره دپوره امن اوسو کالي داستقرار او بيا بښت ته وده او پراختيا ورکول دي .

دغه موسسه دحکومتې او بين الحکو متي بدلونونو ترمنځ دمهافمې وسايل چمتو کوي . دغه اداره په سولې پورې تړلي کنفرانسونه او سمينار ونه په بيلو بيلو موضوع کانو پوړۍ ترتيبوي اودهغو نتيجه نشر نه سياري دغې ادارې پدې وروستيو وختونو کې دخلصاح سلاح، دملگرو ملتونو دسولې دساتلو عمليات او په يوځي دفاع کې ځنې جوړونې ديوه کتو نګې او وظيفه پيژ نسدونکې

معترفې په توگه دهقالي او ځير نى لاندې نيسي .

دژنيو د سولې دگړدۍ ميزدگيون کوونکو دغو بنسټونو منن :

دسولې لپاره دگړدۍ ميز گيون کوونکو موسسو چې پورته ذکر شوي دنړيوالو کمينو څخه دغې غوښتنې وکړي: سوله يوازې ديوځي نښو دمنځه وړل او نشته والې نه دي بلکې دخپلو موسسو او خلکو په منځو کې دهمکاري اوگډون يو لړ متحر کې اړيکې دي چې دبشر يا انسان دلوې مقام داحترام او ارزښت وپوځي . دبشر دتياھ کوونکو وسلو دورځ په ورځ زياتيدو سره دلوې اقتصاد او ټولنيزې نا انډولۍ کوم چې بشريه طبقو ويشي اوعم دبشر داصلي او اساسي حقوقو او فردې ارزښت ته په سپکه سترگه کتلوسره هر ورځ سوله وړانوي او تېدليږي .

سوله دپرو زياتو هلو ځلو ته اړتيا لري چې بدله ډول ويږي . وحشت اونښتيد و لو باندې بريالۍ شي اودا په يوه نړۍ کې هغه وخت امکان لري چې دتشدد او زور بې عدالتي ، ناانډ- ولې ، ويرې او زور په عوض نړيوال قانون تطبيق او دهغه دقادات ونى او هم په هغه سره دولتونه پخپله خوښه سره موافقه وکړي چې خپل ملي «کميت دهمرو او ټولو به خوښه اودلچسپي سره محدود کړي او په هغه سره دولتونه دملتونو په منځ کې دپي اعتباري او رسوايي څخه وزغوري او پرځاى يې دارامې اوسولې دټينگواو او ځاى پيسه ځاى گولو لارې چارې په کار يووړشي داسې يوه سوله منځ ته راوړي چې هر څوک ديوه مسووليت احساس درک کړي او حتی دانسان دما سوتوب له وخته چې فکر او شعوري په کار لويږي ضرور ورزده کړه شي چې سوله او څه شي ده او بشریت ته څه کوي . دخلکو دښه نيت او رضامندۍ او هلوځلو برسیره دويوې يواسطه سولې ته زور پام اړولى دي دنوبل دسولې دجايزې دکوونکو دگړدۍ ميز برخه- والو دحکومتونو څخه غوښتنې دي چې دنړيوالو غوښلو هيلو او سپار بنسټونه په جدې ډول دوعدي دپرځاى کولو سره پوره برخه واخلي په اړخه توه دملگرو ملتونو دمنشور دبشر

په بدن کی دویتامینونو...

هور مو نونو کی و ظیفوی بی کفا نشی را منځ ته کیری . دمثال پهل په بدن کی دویتامین (بی) د زیا توالی به صورت کی لیدل کیری چی د فوق الکلی غد مچی داویو او مالگی په استلاب یا ندی اغیزه اچوی تر هغه وروسته نشی کو لای دوی نی دپلا زما د سودیم - پتا شیم او د سروکروبا نو نسبت نورمال وسانی .
وجود کی دهغو د زیا توالی تا یج په لنډ ډول څیړو:

۱- ویتامین (بی) ددی ویتا مین زیا ت مقدار دوینی فشارلوپ وی ، دشحمی اسیدو جوړیدل تشدید وی او لازیات مقدارونه شی دایتر و سیکلر وژس(دشریانوونو)کلکیدل او دوینی دفتشار دلوپ دلو (ها پتر تشن) دتحریکو لوسبب گرځی . علاوه پر دی ویتا مین دهغو جر یا نا تو د فعالیت مخه نیمی کوم چی د کوم سترو ل جوړیدل نشی کوی .

۲- ویتامین (بی۲) : په غذاکی دسبزیجاتو دغو په یو د نه موجودیت په صورت کی ددی ویتا مین دزیات مصرف په صورت کی ددی ویتا مین زیات مقدار ونه د څکر دشحمی کید و سبب گرځی . دا ناروغی د ځینو نورو ویتا مینو نو د غلط استعمال څخه هم منځ ته رانی شی .

۳- ویتامین (بی۶) : هغه خلک چی دمدعی دعصاری د اسیدو دزیات توالی څخه په عذاب وی ددی ویتامین د زیات مصرف په

صورت کی داسید جوړیدل لازیا تیری .
۴- ویتامین (بی۱۲) : ددی ویتامین دزیات مقدار استعمال نا مناسبت دی ځکه یوا ځی ۸ ساعت وروسته ددی ویتامین له مصرف څخه (۶.۸۰) فیصده اطراح کیری . په هغه ناروغیو کی چی ددی ویتا مین بیجوړ ته اړتیا پېښیری لږ مقدار نی باید تجویز شی . مگر که چیری یوسری دایترسیکلر - وژس څخه په عذاب وی دا ویتا مین په ډیر چټکیا سره دوینی د پروترو جیس سوبه لوړوی . دا ویتامین دتومورو نو دموچوشو بت په صورت کی نشی استعمالیدی .

۵- فولیک اسید: ددی ویتامین د زیات مقدار استعمال د ملا د پتر د مغز - سوه ناروغی د فو نیکو لو مالو زس په نامه منځ ته راووی .

۶- ویتامین (سی) : تجربو دا خبر گنده کړیده که چیری ددی ویتا مین زیات توفز په حیوا تا تو کی پېچکا زی شی د قندونو استلاب چټکیا موی او په نتیجه کی په ځکی ، پښتو دغو ، دوینی درمو نو په جدادو نو کی مالا یکو جن هیڅو خبره کیری هملدا رنگه دقینی دسپینو کړو یا تو اساسی تعداد لوړ ځی په قلبی سر افکی بسی نظمی او تشویش لیدل کیری . د پښتو دغو بی کفا یتنی منځ ته راځی او په ادداد کی د قند لوړ غیر نورمال مقدار لیدل کیری .

۷- ویتامین (ای) : ددی ویتامین کموالی غو ښه لښت سبز بجات او میوی بکی

او زیاتوالی دواړه د شخص په بکسر و ظایفو کی اصطلاح منځ ته راووی دویتامین زیات مقدار دجنسی او عصبی سیستم په و ظایفو باندی برعکس تاثیر اچوی .

ویتامینونه هغه دواگانسی دی چی استعمال به نی په ډیر و ناروغیو کی اړتیا پېښیری مگر دویتامین دداوی په لوړ مقدار باید په روغتو نکی سر ته ووسیږی پداسی حال کی چی د تو موری ویتا مین استلاب په منظم ډول په وجود کی وځیرل شی اود فوق الکلی د غدی و ظایف ته یا هلرنه وشی .

په ماشوما نو کی په خاص ډول ددی خبری یو هیدل داهمیت ویدی چی دویتامین (بی) د زیا توالی تا یج او اعراض ددی ویتا مین زیات استعمال څخه (۵-۷) کلوونو وروسته منځ ته رانی شی .

بنا پر دی ایا د یو معین ویتا مین ورځنی مقدار یو کال او ماسوم په څومره تجویز کیری ؟

هغه غذا چی یو روغ سوری تری گټه اخلی به معمولی ډول دپیل پیل ویتامینو نو کافی مقدار لری په هر حال که چیری ځنی خواپه ونه نظر نو ورته ترجیح ورکړ شی دځینو ویتا مینو کموالی به را منځ ته شی دمثال په ډول یواخی د سپینی ډوی خورا ک دویتا مین (بی) کموالی منځ ته راوی دی د هگیو او لښانو داستعمال د ډوه کولو څخه د ویتا مین ای کموالی منځ ته راځی د سبز یجا تو څخه گټه نه اخیستل - دویتا مین (سی) کموالی منځ ته راوی دی روغ ماشوما ن خپل داهتیاو: ویتا مینو نه دیو متوازن غذا چی حو با ت هڅی،

دویتا مین (ای) ددی ویتامین کموالی غو ښه لښت سبز بجات او میوی بکی

دویتا مین (بی) ددی ویتامین کموالی غو ښه لښت سبز بجات او میوی بکی یو روغ هلاک یا نچلی دویتا مین (بی) پښه - سره واحد نه په ورځ کی اړتیا لری دکیانو څکر د غو یو استعمال دویتامین دی په مقا یسه گټوره تما میږی مگر ددی ویتامین علاوه کول د یو کال شخص په غذا کی نا مناسبت ده .

ویتامینونه د ویزش په وقایه کی حیاتی ارزښت لری دداسی یو یو لی ویتامین قابلیت استعمال چی ویتامین (ای ، بی ، بی۲ ، سی ، بی۳ او بی۶) دیو کال دور ځنی اړتیا ویتا مین اندازه و لری دوجود د فعالیت په لوړ والو کی گټور تما میږی دویتامین سی استعمال خاص اهمیت لری یو کال شخص باید د ورځی په متوسط ډول (۸) ملی گرام ویتا مین سی واخلي چی دویتا مین په وقایه کی د ډیر اهمیت لرو نکی دی .

ویتا مینو لو جستان دا نظر لری کله چی د سستی لری اعراض په وجود کی ولیدل شی سمد لاسه یو گرام اسکوریک اسید (ویتا مین سی) دی دهری پر لاسه یو ورځی لپاره استعمال ل شی څرنگه چی ددی ویتامین زیاد مقدار خطر لری او په سرعت سره اطراح کیری . دا باید په یاد ولرو چی د کتلوی دوز استعمال یی نظر کسری فوژو ته دبدن دوظیفو محافظی میخانیکیت په تقویه کی زیات اغیزه کوی یواخی دایاید دگرشی چی ناروغ دی دوی ویتامین به اخیستلو کی غښتو دا نو لسی څرکه چی که څر ساعت هم په استعمال کی یی تا څیر راشی نو د ناروغی کم کول به گران وی مگر بیا هم دا روغی په سبب باندی یو څه تاثیر اچوی .

بقیه صفحه ۲۷

جوانان و مساله زندگی

اشتباه خود بی برهم واین اشتباه برای من خیلی گران تمام شد . دخترم که تازه سه ساله شده پدر خود را می خواهد ، وحق دارد که از محبت پدری برخوردار باشد و کسی افسوس که دیگر آن نزاکت سابق بین ما وجود ندارد . و من در آتش پشیمانی وندامت میسوزم .
این بود اشتباه من که زندگی را سخت گرفتم و به حرف های همسر گوش ندادم ، اگر چه مقصر اصلی او ست و لی هر کس شاید در زندگی اشتباه کند او هم ایمن اشتباه را کرد که با دوست نا اهل گرم گرفت وبالاخره همین دشمن به ظاهر دوست زندگی او و مرا از هم پاشید .

این چند سطر را به این خاطرنوشتم تا جوانان ماکه زندگی آرام وسعادت بار خالودگی دارند یا در آینده خواهند داشت بشتر متوجه این نکته باشند که اگر در زندگی گذشت نباشد به هیچصورت نمیتوان خوشبخت زیست واین برای هر خانواده امر ضروری است که درمورد روابط خویش با دوستان و آشنایان تاآن اندازه مراوده داشته باشند که زندگیشان دستخوش هوا وهوس وبازپچه آ نسان قرار نگیرد . در انتخاب دوست باید زیاد دقت کرد تا خانا خواسته بهسر نوشت من گرفتار نگردند

په ژینو کی دسولی...

او تنظیم کی ددیو وژیانو منابعو له لاری خدمت او ملی ځلی وکړی اود خلکو په منځ کی دمسوولیت دساوی حقوقو او عدالت روحی زیاته وپالی او ددیو پاملرنه دفردی او شخصی او ډله ایزو قربانیو او فداکاریووا دهغو دفقیدواو نظر یوپه تعقیبو لوکی پخپل عزم کی یوله بل څخه بیله نه شی .

بقیه صفحه ۱۵

د ابروت مکنامارا...

پروژو د تمویل او مالی مرستو له پاره په مجبوری او تلو لارزښت سره (۴) ملیارد ډالره وی . چه دغه کار د پاک دځیرو دودی په حال کینی هیواوو د پاکتگی اچولو دپوی حصی دریمه برخه اړتیا دتیلو په سکود کینی څرگند وی او په سلو کینی شپيته به دپوړو دغه پروگرام د گاز او تیلو په برخه کینی دزیاتو نیترو هیاوو له پاره وی .
پاک غلی مکنامارا په پای کینی لږه توگه سره وویل .
نړی وال بانک به دپوړو نړی والو پسر شی .

حقوقو دجهانی اعلامی او دژینو کنوانسیون ته په ډیر خبرسره احترام وکړی اوپخپل ټینګ او ثابت عزم سره ددعومی خلع سلاح او دذرووی وسلود تهدید اوویری مخه واناوودو - لولوری ته پراختیا و ر کړی او دخلکو په منځ کی دیوه پیاوړی اقتصاد او ټولنیز عدالت په تامینولو کی زیاتی فداکاری وکړی .

دکردی میز برخه والو حکومتی موسس دی ته چی پخپلو هلوځلو کی چی دوی پخپله طرح کړی دی دهغو په تامینولو او ځانونه او تطبیق کی اودو سایلو داغونو ولوته رابولی دغه میز غیر حکومتی موسسی دهغو هلوځلو پرمخ بیولوته رابولی او دبشر سیاسی ټولنیز او اقتصادی حقوقو ته احترام وکړی او پخپل کوښښو نه دبی وسلی کولو له پاره ډیر پیاوړی او زیات کړی .

په پای کی دکردی میز دجمعی ارتباطاتو وسایلو څخه غوښتی دی چی پخپلو هنرونواو مهارتونو کی دسولی دټینګښت ملاتړ ، ساتنی

ازدواج و جوانان

تکرمه اند که ، با نهاد افکار يك را بطله روانی بین آنها قا یم گردیده و در تا لبش رو شپای شان مو ثر واقع شده با شد. علت دیگر آنکه ، بسیاری از قا میل ها با وجود داشتن افراد رو شنکر در خانواده خویش ، به پاره ای از واقعیت ها پشت بازده و احساس جگر گوشه های شغرا نادیده میگیرند و کوشش می نمایند که بصورت حتم نظر خود را بالای دختران قایل بهر نحوه ایکه حيله آنها کارگر واقع شود بقبولانند .

هنگامیکه پسری با تمام وجود خود احساس مینماید ، دختری را بر ای همسری انتخاب کند اما قسما شرا یط برایش اجازه نمیدهد که بصورت مستقیم همراه او بهاب مذاکره باز نماید .

در این صورت ، نظر به عرف و عتعه به قا میل مراجعه نموده و والدین خود را به خواستگاری می فرستد . در همین مواقع صحنه های دیدنی و در نتیجه انبیا هسی چشمگیر میشود که ، بسیاری از جوانان وقا میل ها با این روشهای مروج آگاهي کامل دارند .

هستند عده ای از زنان و مردانیکه در بین قایل ، خود را به اصطلاح ، بزرگ و اختیار دار دانسته ، بجزر دیکه از ورود خواستگاران در قایل آگاهي حاصل مینمایند .

شعله های خود خواهی در آنها اوج گرفته و بگفته عوام « میر غضبی » شان شروع میگردد بدون ستش معقول و بررسی اکامانه ، فضل فروشی نموده و مجرب ترین افراد قایل خود را معرفی میکنند و موضوع اصلی که عبارت از کثودن با ب مذاکره و جستجوی طرق طرح وستی جدید می باشد بکلی فراموش میگردد و بر آنها چیره میگردد که ، هیچ گاه حاضر نمیشوند ، خواسته و احساس دختر مورد نظر را اذریا بی نموده و بعد بز عییم خویش از بزرگواری کار گرفته و بیک نتیجه قطعی و مثبت برسند .

اصلا در چنین مواقع حق مسلم دختران که عبارت از ابراز نظر در مورد انتخاب همسر آینده شان است ، سلب گردیده و آرزو های رو یایی آنها تمام و یا قسما تش بر آب میشود .

زیرا چنین « کلان کاره » ها با مبادی که دارند ، اعضای قا میل را زیر تا ثیر افکار و راهی قرار داده و هر گونا ه انتقاد و نظر مثبت آنها را نادیده گرفته با اخم رویی درصدد میشوند که بصورت حتمی نظر خود آنها قبول شود .

بعضی دختران با وجود بر خور داری از حقوق مسلم و مساوی در اجتماع ، به اصرار و پا فشاری چنین اشخاص و قعی گذشته و حاضر میشوند که ، این عقل های کل « سر نو شت آینده شانرا تبیین نمایند و در نتیجه بار گران این عقد بزرگ روانی را تا زنده اند متحمل گردند .

اما در مقابل ، دختران ذراک و آنها بیکه از جرات اخلاقی بصورت مثبت استفاده مینمایند در چنین مواقع با دلایل منطقی از حق مسلم خویش دفاع نموده و نمیگذارند ، آرمانهای حیات نوین شان باز بچه خوا هشات اشخاص احساساتی قرار گرفته و نازنده اند ندامت بکشند .

زیرا مثالهای داریم که ، در امر ازدواج دختران و پسران ، نسبت کو تا ه نظری عده اشخاص و عدم توجه قا میل ها بسیاری از دختران نتوانسته اند از چاشنی های در قسمت انتخاب همسر آینده خود استفاده نمایند ، تا آنکه سن شان از سن

بقیه صفحه ۳۳

اسامبله بین المللی ...

برسانند ، و آنگاه خود با در نظر داشت ذوق گرم مردم و مهمانان قرار گیرند . رئیس موسسه صحت طفل در جواب سوال که تدویر چنین سمپوزیم را برای اطفال تاجه اندازه مفید و دلچسپ می باشد گفت :

تدویر چنین سمپوزیم ها برای اطفال نهایت دلچسپ و مفید میباشد زیرا اطفال عمالک مختلف که دارای کلتور ، عادات ، لباس ، رقص و زبان مختلف میباشد دور هم جمع شده و با وجود ندانستن زبان با همدیگر مناهمه می نمایند و با کلتور همدیگر آشنایی پیدا میکنند .

طوری که در اسامبله بین المللی اطفال منقده صوفیه دیده شد که اطفال با وجود ندانستن زبان مشترک با یکدیگر دوست شدند آدرس ها تبادل نمودند ، عکسهای یادگاری گرفتند ، بعضی چیز های کوچک را طور یادگار یکدیگر دادند ، در رقص ها و بازیهای دستجمعی اشتراک نمودند .

از سکرتر سکرتریت سال بین المللی طفل پرسیم : اطفال از کشور دوست بلغاریا چه ارمغان معنوی با خود بکشور آوردند ؟

چنین پاسخ داد : گروپ اطفالیکه به کشور بلغاریا سفر نمودند پیشرفت های یک کشور سوسیالستی را بچشم دیده و امیدواری پیدا نمودند که دولت جمهوری ما هم می تواند سوبه حیات مردم و اطفال را در مدت کوتاه بهتر بسازد .

مدت سی و پنج سال از انقلاب سوسیالستی کشور بلغاریا می گذرد و کودکان ما از نزدیک شاهد آن شدند که تاجه حد ساحات مختلف حیات از نگاه غذا ، تحصیل ، هنر ، کلتور و آمادگی همه جانبه برای اطفال آن سرزمین مهیا گردیده است . و اطفال ما از آن دارند که تحصیلات عالی را به بلغاریا بایان

برسانند و البته این آرزوی خود را اظهار نمودند که به خوشی استقبال شد .

در آینده با زهم چنین پروگرامی برای اطفال مدنظر خواهد بود ؟

البته مقامات بین المللی تصمیم گرفته اند که در سال ۱۹۸۲ و یا ۸۳ یک سمپوزیم جهانی دیگر نیز دایر نمایند که نتایج این سمپوزیم که تحت شعار صلح ، ابتکار و اتحاد

میباری از دواج ، سا لها قا عله گرفته است و یا عده ای از دختران به چنان ن از دواجها بی تن داده اند که عاقبت نا گوار داشته و نتوانسته اند يك زندگي با سعادت را دنبال نمایند . پس بهترینست که در چنین عصر علم و دانش ، قا میل ها نا حد توان زمینه های مثبت پیدند های جگر گوشه ها یا شاعران بصورت دقیق مطالعه نموده و زندگي آینده دختران و پسران خود را نسبت آهست و کوتا ه نظری ها به مخاطر قرار نداده و بگذارند ، آنها نظر به خوا هشی و میل خویش فرساز نمایند هی حیات نوین خود قلم های مثبت بردارند و خوشبختانه با پیروزی انقلاب نور و فرمان شماره هفتم شورای انقلابی امروز جوانان ما خود مالک سر نو شت خود شده اند و میتوانند زندگي با طبق دلخواه خویش بسازند .



خلق نیروی پر توان جامعه

باید زمینه های استثمار فرد از فرد را روز تا روز بسزداید و خوردن ثمره کارگسی دیگر را ننگ تلقی کند . تبلیغ برای جنگ ، تبلیغ برای نابرابری ملی و نژادی باید جرم شمرده شود . هیچ کس حق نداشته باشد که تساوی حقوق زن و مرد را در نظر و عمل نقض نماید . فحاشی و انبواع از حرافات باید از ریشه محو شود . آری همه ی این قیود و امثال آن ، قیود های انسانی و عادلانه .

روحیه ی انتقاد و انتقاد از خود بحث يك بر لسیب عالم پذیرفته می شود و بدون این روحیه ایجاد جامعه ی بدون بهره کش انسان از انسان کاری است غیر عملی . خلق افغانستان باید خود را مالک کشور خود بداند و با همین روحیه در صدد آبادی و عمران آن بر آید . قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید به بهتر یں و روشن ترین وجه این اصل را انعکاس دهد .

و در اخیر مو جز اینکه محور و محتوای اصلی قانون اساسی ما باید اینس بر لسیب (چنانچه رفیق حیظالله امین به وضوح آنرا بیان داشته اند) باشد که بالا ترین ، عالی ترین و نافذ ترین قدرت خلق است ، این خلق است که تاریخ را می سازد ، قانون می آفریند و نعمات مادی را ایجاد می کند .

خلق ما عقیده ای را سخ و خلل ناپذیر دارد که هما طور یک حزب دموکراتیک خلق افغانستان با تأیید با الفعل و با القوه ی خلق کاخ ستمگری قرن های ستمگران را بابرآه انداختن انقلاب کارگری و ظفر مند ثور از بیخ و بن ویران کرد . جهت تنظیم حیات آبرو مند و مرفه و خوشبخت خلق نیز با قلم های استوار علمی ، عملی و مترقی و انقلابی به پیش خواهد رفت و در پرتو ارزش های این قانون و اصل مصونیت ، قانونیت و عدالت ، خلق از همه نعمات مادی و معنوی جامعه بر خور دار خواهد بود . زنده باد خلق ، آینده از آن ماست از آن خلق افغانستان است .



دایر شده بود در آن بررسی خواهد شد ، در اخیر بحث نماینده افغانستان از مهمان نوازی دولت جمهوری بلغاریا که بمناسبت اسامبله سال بین المللی اطفال ترتیب گردیده بود اظهار شکران مینمایم . همچنین تشکرات عمیق خود را بدینوسیله به اداره یونسف که مصارف مالی این سفر را عهده دار گردیده بودند تقدیم مینمایم .

♦♦♦ موریابہترین ♦♦♦

يك مادر بهر توأميكه باشد به تربيت
فرزندان وديگر امور خانوادگى خوش
رهمدي ميشايد . ولى نبايد فكر آن شد
كه پدر شدن از عهده اين هردو وظيفه
كارسمت مشكل و حوصله و انرژى بسيار
يكتا دارد .

من خوب میروم با دغیسی ، هر مورد آید
فرزندان تان چه آرزو دارید ، یعنی میخواهد
که فرزندان شما هم مثل شما فالن با
شوند و یا کدام شغل دیگری را انتخاب
کنند ؟

ج- آرزو دارم که فرزندانم بدرجه اول درس بخوانند و تحصیلات خود را تا حد نهایی برسانند و آنگاه خود بادر نظر داشت ذوق

و استعداد خویش شغل آینده خود را انتخاب
کنند . و ضمناً در بهای تحصیل و مطالعه
باید عمق قایلین باقی را نیز بسنجند .
س- در مورد ازدواج بکدام خبر در خطابه
خود چیزی نگویید ؟

ج- منطقهء ماکهدار و جاق (بالامرغاب) است
در سابق یعنی قبل از انقلاب تصور از دزدان
بکندخیز کاملاً به خرید و فروش يك متاع
میبانده. مثلاً دختري كه در قسايس باقى

مهارت زیاد داشت ، مهر او خیلی زیاد بود. حتی به آن ها امانی می دادند.
ولی یکدفعه ناگهان در انتخاب همسری
خارج عیال جمع می فرستادند + عسالی به اصلاح
زن گرفتن و ششمر کردن از طرف بزرگان
فامیل صورت می پذیرفت .

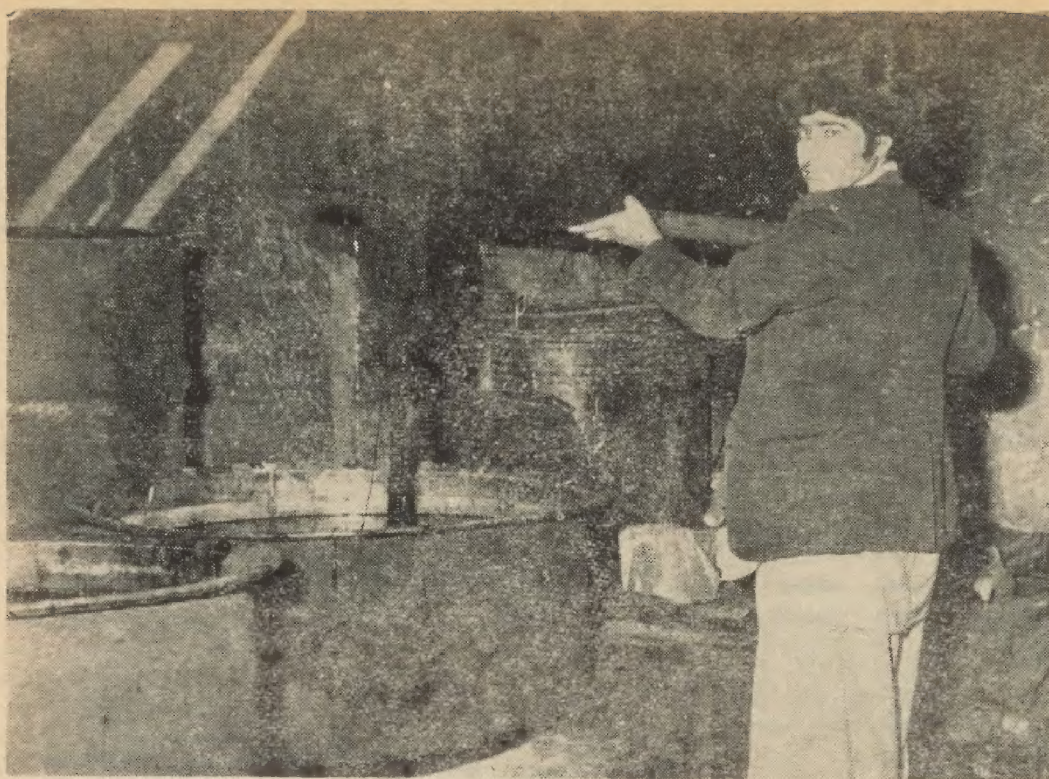
نمبر در مورد سالی ها و شریکی های
بمورد چه عقیده دارند ؟

ج- شمالی ہاؤس، بمبئی شاہراہ، بزرگ، مدینہ
نمکاز، مخدوم

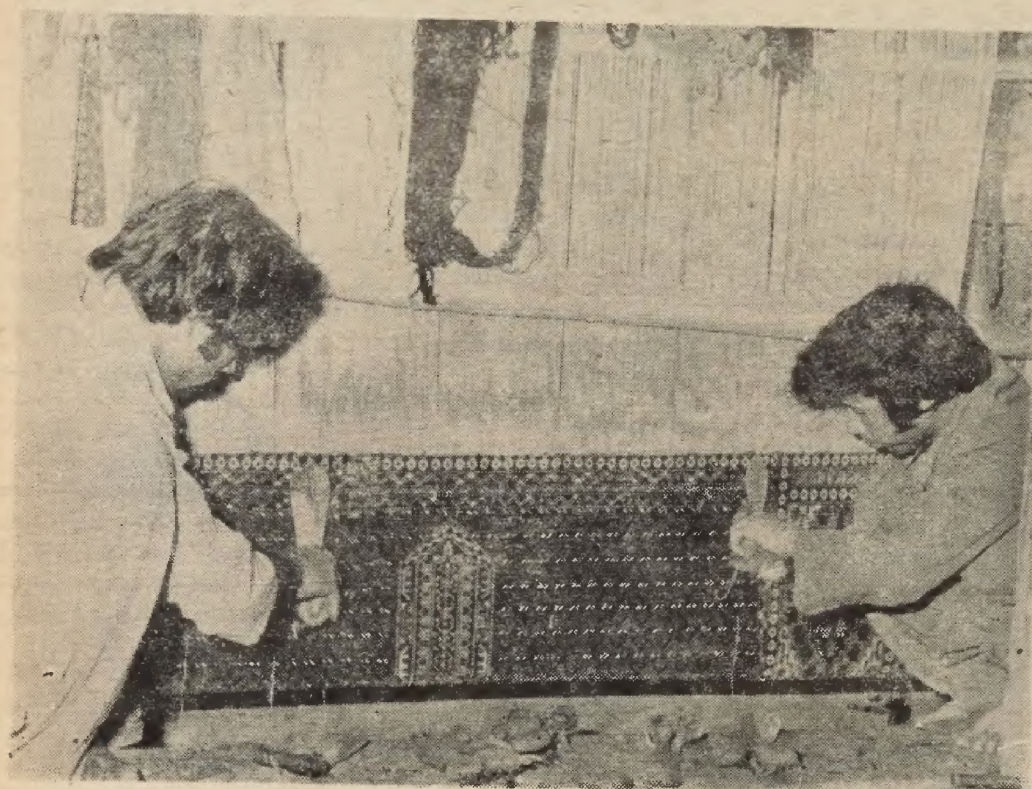
انسان کارگر و هدفمند اصلا فرصت آفر ندارد
که وقت خود را صرف این موضوعات اضافی
بشاید . ما در فالت باف باید میالی قادر
آن باشد که چگونه بتوانیم فالت بهر و
اعلی تر نسبت بدگری بافیم و با اینکه
چطور و بکدام طریق میتوانیم فرزند صالح
و سالمی برای جامعه ای خوش تر است
نماییم که البته این کار یک میالی
بسیار سالم و اضافی است ...

س۔ بنظر سہما یکفء مل خود سبخت۔ چطور
ناند ناند ؟

ج- فامیل خوشبخت همان فامیلی را باید
گفت که پدر ومادر آن فامیل کسانی باشند
که از نو های انسانی دانسته و فرزندان
خوبش را برای آینده وطن تربیت نمایند .
و در هر بعد پدر ومادر درین راه کمال



زمانه که رنگ نه ها برای ساعتها در رنگ خوشمانده بود، آنگاه پشمارا می اندازند و هر حلقه شستشو و خشک نمودن فرا میرسد.



دو قالبین باف ماهر که بادقت تمام به بافتن قالبین می پردازند.

دقت و صداقت را مراعات نمی‌یابد نه آنکه
معاذتند خانه را بمیدان های نزاع و جنگ
تبدیل نمی‌یابند . درنصورت شما خود
فکر کنید که مادر پدری که دایم باهم به
اعتلاخ جنگی هستند و هیچگاهشان زیر بار
حرف دیگری نمی‌روند فرزندان شان دویین
گونه فضای نامساعد چه خواهند آموخت ؟
طبعاً جنگ، وسرنامزگاری با اطرافیان
خویش .
خوب میرمن باغیسی از توضیحاتی که برای
مادادید يك جهان تشکر .

و اجتماعی

روابط انسان ها بین هم و -

نیرو های مولده و مناسبات تولید:

پدیده های اجتماعی نیز مانند پدیده های طبیعی قرن ها است فکر دانشمندان را بخود مشغول می دارد.

اما تا پیش از پیدا یی علم مترقی، علوم اجتماعی، علم به معنی واقعی کلمه نبودند و پیش از آنچه واقعیت خارج را منعکس کرده و قوانین تکامل آنرا کشف و بررسی کنند مجموعه ای از حسیه سیات، نظریات شخصی و تصورات ذهنی بدست میدادند و بگونه ی رهبر انقلاب کبیرا که در جامعه شناسی و تاریخ نویسی قبل از رهبر کبیر کار گران جهان فاکت های خام از هم گسیخته را روی هم می آید داشت و تصور ری از برخی جواب روند تاریخ بدست می داد

وقتی آنها از دید توده ای انسانها و دانشمندان و محققین جامعه انسانی دور بودو هرگاه که کار به بررسی پدیده های اجتماعی و توضیح حوادث تاریخی می رسید، دانشمندان از درک این امر بدی و راضی آن پدیده های اجتماعی باز می ماندند، چرا؟ زیرا سخن تنها بر سر این نیست که آنها نخست باید بخورند و بنوشند ... تا بتوانند بیاندیشند و نهادهای دولتی اجتماعی، هنری و مذهبی را بوجود آورند بلکه سخن بر سر این است که آنها آنها برای اینکه بخورند، بنوشند، بیوشند و غیره باید نیاز مند بهای خود را تولید کنند. (شکار کنند، ماهی بگیرند، گندم بکارند، آرد کنند، نان بپزند، مصالح ساختمانی تهیه کنند، خانه بسازند، پارچه بپاژند، لباس ببوزند و غیره و غیره).

به عبارت دیگر ساین مطلب بسیار بدیهی است که آنها نباید بخورند، بنوشند، بیوشند ... بدنبال خود این پرسش بسیار مهم و غیر بدیهی را می آورد که انسانها نیازمندی های خود را چگونه تولید میکنند و در چه مکان و در چه مکانی تولید می کنند؟ میان انسان ها برای قرار می شود نقش این مناسبات در مجموعه ای مناسبات میان انسان ها و در ساز و کار کلی جامعه ای انسانی چیست؟

در آغاز قرن هجدهم یک نویسنده ی انگلیسی بنام دانیل دوفو داستانی خیال پر - دانه ی نوشت بنام «روینسون کروزو» که در آن سرنوست خیالی یک بازرگان انگلیسی را که برای غرق شدن کشتی در جزیره ی غیر مسکونی افتاد حکایت می کرد. - بازرگان انگلیسی «کروزو» انسان تنها نسبی است که را بطنه ی باهیج انسان ند یگری ندارد و خود به تنهایی وجدان جامعه انسانی همه نیاز مند بهای خود را تولید می کند. این داستان خیال پر دانه هنوز هم در میان کتاب های تربیتی کودکان جای دارد چرا که کروزو نمونه ی سر جسته ی است از انسان که با کارآمد و خوشبین که در نبرد با طبیعت پیروز می شود و از نظر خصائص بیکار گویا نه می توانستد سرمشقی برای کودکان باشد.

اما جامعه شناسان و اقتصاد دانان جامعه ی روزوازی به سر نوست کروزو اهمیت و قیاسی برآورد یی از آنها دادند و در باره ی جامعه ی انسانی این تصور را بد آوردند که گویا انسان، تولید کنند های است مجزا و منفرد و جامعه ی انسانی ترکیبی است از تولید کنندگان منفرد و مجزا (روینسونی) هنوز هم پایه های بسیاری از تئوری های روزوازی جا معه شناسی و اقتصاد سیاسی است و بیعت در ستاره های دریوهنتون هاتدریس می شود.

ناتمام

رژیم خونخواری چیلی برای دوام و دیکتاتوری و استقرار وحشت و اختناق از هیچ نوع جنایت شانه خالی نمی کند. سراسر کشور به انبار خانه سلاح تبدیل شده است. بودجه دو لیت سراسر تاراج گردیده است. در جامعه چیلی خطرناکترین شیوه فساد اداری و بروکراسی و اختلاس اشاعه یافته است. مدت شش سال می شود که سایه تاریک و مگدیری بر آسمان جامعه خلق چیلی توسط ارتجاع سیاه چیلی و الیگارشی محلی به سر گردگی دار و دسته جنرال پینوچت و کمک مستقیم امپریالیزم و ارتجاع بین المللی گسترده شده است. قرضه های خارجی در سال ۱۹۷۸ بالغ بر (۸۰۰) میلیون دالر گردیده است.

درومرد تولید و سرازیر شدن انواع سلاح گمنده هیچ مانع وجود ندارد و اقتصاد کاملاً بدست انحصارات امپریالیستی قرار گرفته است. انحصارات غارتگر امپریالیستی از طریق ادغام و یلعین شرکتها و موسسات ملی تروت ها و منابع اقتصادی خلق چیلی را می ربایند و به تشبیهات خودتحت پرده ایجاد و ساتر می سازند و علی الرغم اعمال پولیس و

از نیو تایمز

ترجمه احسان

سازش های خونخواری چیلی

با امپریالیزم

اختناق ده هাজার انسان زحمتکش چیلی در تضارعات ضد دیکتاتوری شرکت نمودند. شعار اساسی آنها را در شرایط کنونی نان، کار، لباس عدالت، دموکراسی و ترقی تشکیل میدهد. درین اواخر شهر سانتیاگو مرکز چیلی شاهد تظاهرات عظیم کارگران و روستا فکرها مترقی بود. تظاهرات اولی با شرکت ده هাজার از خلق های چیلی در سراسر آن کشور سرنگونی و عدم ثبات رژیم دیکتاتوری را باز گوی می نماید.

از مبارزات عادلانه خلق چیلی تمام بشریت مترقی پشتیبانی می نماید، و جنایت رژیم تسلط کنونی پینوچت را بدیده نهرت می نگرند. تسامد با خلق چیلی در تمام کشور های سوسیالیستی و اتحاد شوروی اعلام گردید. هفته تساند با خلق چیلی که از تاریخ چهارم الی یازدهم سپتمبر در سراسر اتحاد شوروی تجلیل گردید، و در طی آن با حراست اعلام گردید، که: خلق چیلی در راه مبارزه خود تنها نیستند رژیم دیکتاتوری چیلی را با بران تمام این بحرانات و ناموزونی اقتصادی و سیاسی بدوش طبقات زحمتکش کارگران، دهقانان و روستا فکرها مترقی قرار دارد در حالیکه طبقات ارتجاعی استثمارگر ازین وضع نفع می برند.

دستگاه های آزاد افزایش میدهند وزیر خارجه چیلی در لندن به استقبال گرمی مواجه شد و طی مسافرت او قرار داد های زیادی در زمینه های اقتصادی و نظامی عقد گردید و بعداً او به سن مسافرت خواهد نمود.

درین اواخر در زدوبند های پشماردی بین انحصارات غارتگر غربی و چیلی بر قرار گردیده است که به طور مستقیم و آشکارا بر ضد آزادی و حق حاکمیت خلق بشمار می رود. رژیم دست نشاند پینوچت برای اینکه گریبان خود را از دست خلق آزاده چیلی رها ندهد و باشد وعده کاذب انتخابات را الی سال (۱۹۹۱) وعده داده است. ازین وعده رژیم در غرب استقبال زیادی بعمل آمد و آنرا حتی (آزادی) خوبی برای ملت چیلی قلمداد کردند.

وحشت و گرفتاری های سیاسی بی موجب عدم قانونیت، بی مسئولیتی و ترس شهروانی و در عین زمان شعار اصلی رژیم، شهروانی است. با بران تمام این بحرانات و ناموزونی اقتصادی و سیاسی بدوش طبقات زحمتکش کارگران، دهقانان و روستا فکرها مترقی قرار دارد در حالیکه طبقات ارتجاعی استثمارگر ازین وضع نفع می برند.

جواب نامه های شما

سلام خوانندگان و همکاران عزیز!

به امید سلامتی شما می آغازیم به پاسخ نامه های همکاران عزیزیکه لطف نموده اند، نامه فرستاده اند و مطلب روانه داشته اند: **دوست مهربان، رفیق بی نام و نشان!** در نوشته یی تان چنین گفته اید که: «داستان بی ریشه نوشته نیکلای هایتوف که به یمن قلم پرکار محمد قاضی به فارسی برگردانده شده است، آنرا به ناحق به نام عاقل بیرنگ کوهدانی، که گویا ترجمه کرده است، درج کرده اید.»

پرویشگاه بفرستد، و حالا او فقط هفته یی یک بار بیشتر به خانه نمی آید. می خواهی بدانی چرا عروسم این کار را کرده است؟ برای اینکه میاد با بچه طرز صحبت کردن دهاتیها را از من یاد بگیرد، بلی، بلی. می ترسد از اینکه بچه مثل دهاتیها حرف بزند با این وصف، من هیچوقت حرفهای بدو بیراه، مثلا فحش، به بچه یاد نمی دادم. نه، نه، هیچوقت! یک بار هم که من از «چماق» با او حرف زدم داشتیم اسب بازی و سوار بازی می کردیم. ولی مادرش از کوره در رفت و گفت: «بلی، بلی، چماق دیگر چه صیغه یی است؟ چه لغت زشت و زمختی بجای «تعلیمی» به بچه یاد میدی!»

گفتم: فخرتم، این هم واژه یی است مثل واژه های دیگر. وقتی تعلیمی یا چویدستی درشت تر و زمخت تر شد می شود چماق. چرا نباید این لغت را به بچه یاد داد؟ گفت: او که گاوچران نخواهد شد تا به این لغت احتیاج پیدا کند. او به مدرسه خواهد رفت و هر چه لازم باشد خواهد آموخت. به چماق تو احتیاج پیدا نخواهد کرد. و برای همین یک کلمه او را به پرویشگاه فرستاده اند. من این موضوع را برای پسرم حکایت کردم و به او گفتم: سیریل عزیزم، به نظرت بهتر نیست که من به ده برگردم؟ در آن صورت پسر تومی تواند درخانه بماند. اما او خشک و قاطع جواب داد: «...»

در ترجمه مسخ شده یی عاقل بیرنگ کوهدانی میخوانیم: «... تا وقتی بچه شان نوا سه ام درخانه بود باز یک چیزی بود. من قدری با او بازی می کردم، سر او را گرم می کردم و در نتیجه سرخوتم هم گرم میشد. پس از آن عروسم تصمیم گرفت بچه را به کودکان بفرستد و حالا هفته یی یکبار زیادتی به خانه نمی آید. می خواهی بدانی چرا عروسم این کار را کرده است؟ برای اینکه میاد با بچه طرز گپ زدن دهاتی را از من یاد بگیرد. با این وصف، من هیچگاه حرف های ناو بالا به او یاد نمیدادم، نه ای، هیچوقت هرگز، به پسرم گفتم: «...»

سیریل عزیزم، به نظر تو بهتر نیست که به ده برگردم. اما او خشک و قاطع جواب داد: «... و اینست حفظ و رعایت امانت در ترجمه؟ زنده یاد! آفرین! و به شباهت ترجمه در متن اصل و بدل دقت کنید که چه زیرکانه و عالمانه (!) عاقل بیرنگ کوهدانی، سیب از درخت دیگران می چیند... توجه کنید، در اصل میخوانیم: «... این چه بوی گندی است که از تومی آید؟» من نمی توانستم دروغ بگویم، لذا گفتم: سیر خوردم ام. گفت: سیر از کجا آمد؟

گفتم: ای! قدری زنده کردم و خوردم. او آنقدر عصبانی شد که نگو. البته دادوبیداد راه فینداخت ولی کلماتی که به زبان آورد از تیغ سلمانی برنده تر بود. گفت: خوب، خوب، چشم روشن! پس تومون شیک ترین مبلهای مدرن را از گوشه و کنار دنیا تهیه می کنیم....»

و حال بخوانید که بیرنگ کوهدانی چه ترفند و رنگی در ترجمه بکار برده است... دقت کنید... این چه بوی بدی است که از تومی آید؟ من نمی توانستم دروغ بگویم، گفتم: سیر خوردم ام، گفت: سیر! سیر از کجا آمد؟ گفتم: قدری کوفتم و خوردم. او آنقدر عصبانی شد که نگو! البته جارو چنچال بر پا نکرد ولی کلماتی که بر زبان آورد از تیغ سلمانی برنده تر بود. خوب، خوب، چشم ما روشن، پس تو ومن شیک ترین مبل ها را از گوشه و کنار دنیا تهیه می کنیم....»

لازم به یادآوریم که داستان بی ریشه در نشریه الفبا و مجله شماره نهم سال سی و هشتم ۲۵۳۶ خواندنیها به چاپ رسیده است و علاقمندان تحقیق و تتبع جهت مقابله این ریشه ها میتوانند به مآخذ ذکر شده رجوع کنند. (۱)

دوست گرامی، رفیق بی نام و نشان! از لطف و محبت تان ممنونیم و چه بهتر بود که رخ می نمایانید و با بیرنگ کوهدانی به محکه ادبی که همانا نقد ادبی گویندش می نشتید و هر که گویا آورد، طرف را یارای سخن گفتن نباشد و نباید کس برنجد زحرف حق، گرچه میگویند که کو آنچنان دوستی که نه نند زحرف حق... حقانیت و سلامت نوشته شما را میگذاریم به قضاوت و داوری خوانندگان و علاوه میکنیم که انتقاد و بحث لازم اجتناب ناپذیر هر کار خوب فکری (!) است که همیشه محل گفتگو ها و اختلاف هاست. بیرنگ کوهدانی خود از دسته قلم بدستانی است که در هر فرصت و وقت از برخورد اندیشه و با زتاب آن حرف گفته است و یکی از جهات احترام ما به ایشان همین آزاداندیشی و داشتن احترام به اندیشه دیگران است که او را چنین است. ما قاضا داریم که آقای م. عاقل بیرنگ کوهدانی پاسخ در خور قبول برای تان ارایه دارد و قناعت تانرا فراهم کند. و از سوی همچون شما مآخذ و منابع مورد ترجمه را برای مجله ژوندون روشن کند که از کدام منبع و زبان در ترجمه داستان بی ریشه استفاده برده است... آنگاه میگوییم که کی حق بطرف است و کی ملات...

دوست گرامی محمدنادر از اطلاعات و کلتور نگرهار! شعر «نصرت سری جندی لاندی» شما را خواندیم و آنرا به مقصدی صفحه دوستان سپردیم که در یکی از شماره های مجله، به ترتیب غیر رعایت نوبت بچاپ بپیارد و شما همکار عزیز ما را خرسند دارد. به امید همکاریهای آینده تان، خدا حافظ. رفیق ارجمند احمد فواد متعلم صنف نهم متوسطه محمد ایوب!

نامه محتوی فکاهی «پول حمام» و «چند چیزی راجع به سینما» به اداره مواصلت کرد. ممنونیم. اما دوست عزیز گزیده ها و مطالبی را که

به ژوندون میفرستید، بسیار دقت بدارید که بدرد خوانندگان مجله ژوندون بخورد و مطلب ارسالی تان از تمامیت و کلیت برخوردار باشد. متأسفانه مطلب سینمایی شما را جد آن دو اصل فوق نیست و از این رهگذر از چاپ می ماند.

فکاهی «پول حمام» که از جمله فکاهیات شیرین و فکته دار وطن گرن است، بیش از داشتن خنده، فکر سازنده و خوب دارد.... ولی یک چیز ندارد... تازگی. فکاهیهایی که به مجله ژوندون میفرستید، کوشش کنید که تکراری و شنیدگی نباشد... فکاهی یی میفرستید که فقط اول بار باشد که ژوندون بچاپ میسپارد... با آنهم بخاطر شما همکار عزیز و ارجمند فکاهی ارسالی شما را به مقصدی صفحه خنده میسپاریم که اگر لازم دید در یکی از شماره های مجله به چاپ میسپارد.

دوست عزیز، هر گاه فکاهیات پر خنده و مملو از طنز به شرط اینکه تا هنوز چاپ نشده باشد، بفرستید، به اسم و تخلص خود تان در صفحه مطلوب و خواستنی شما به نشر می رسایم. به این امید، آرزو مندیم همکاری خود را دنبال کنید و با فرستادن فکاهیات خنده انگیز دست اول، مجله محبوب خود را آذین ببندید و صفحه فکاهیاتش را خنده داری بسازید.

دوست مهربان خالد از لیسه حمیه! داستان کوتاه یی که فرستاده بودید، رسید. ولی از آنجاییکه داستان کوتاه غیر از یک گزارش خبری است از نشر بازماند... دوست مهربان، برای پیروشی ذوق هنری و قریحه داستان نویسی تان میتوانید از داستانهای بزرگان داستان نویسی توشه بگیرید و با حفظ آن نکات چیزی بهتری بنویسید که نواقص فعلی را نداشته باشد. در شماره های قبلی در همین زمینه مطالبی در این صفحه به دست نشر سپردیم که پرهیز از دو باره گویی، توجه تانرا به آن معطوف میکنیم و به انتظار نامه های بعدی شما... خداحافظ.



مدیر مسئول: شیر محمد کاوه
 معاون: محمد زمان نیکرای
 امیر چاپ: علی محمد عثمان زاده
 تلفن دفتر: ۲۶۸۱۹

مطبعة دولتی

دینا دین لودین کاتون
کتاب پر لیس شہرہ

